



سیاست‌نگار

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۹۲

سیاست‌نگار

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۹۲

سیاست‌نگار

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال دوم / شماره دوم / بهار ۱۳۹۲
ویژه اقتصاد مقاومتی

ضرورت سیاست‌گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری

- . اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری
- . اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن
- . رویکردی به مفهوم و بایسته‌های جهاد اقتصادی

تحلیل وضعیت، آسیب‌شناسی و موانع

- . اهداف شورای امنیت در اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران
- . آسیب‌شناسی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
- . اندازه دولت و بخش مالی و بودجه‌ای آن در افق چشم‌انداز (مطالعه منطقه)

سیاست‌های پیشنهادی و نقد آن

- . اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی (حماسه اقتصادی)
- . بررسی تطبیقی ایده اولیه با محورهای اقتصاد مقاومتی
- . پیش‌نویس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی (حماسه اقتصادی) و نقد آن
- . الف: پیش‌نویس اولیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی
- . ب: نقد و اصلاح سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی
- . ج: بازنگری سیاست‌های کلی پیشنهادی

گزارش و نقد کتاب

- . گزارش همایش ملی "اقتصاد مقاومتی"



دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

کمیسیون مشترک

فصلنامه سیاست کلان

سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۲

«ویژه اقتصاد مقاومتی»

- مطالب مندرج در فصلنامه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان بوده و به معنی تأیید همه یا بخشی از آن نیست.
- نقل قول مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
- فصلنامه در پذیرش، رد یا ویرایش مقالات آزاد است.

نشانی: تهران، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۶۵.

تماس با ما: ۲۶۴۰۵۹۳۱ - ۲۶۴۰۵۹۳۲

نمابر: ۲۶۴۰۵۹۳۲ - ۲۶۴۰۵۹۳۱

صاحب امتیاز: دبیرخانه مجمع

تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول: علی احمدی

سردبیر: نوراله قیصری

مدیر اجرایی: عبدالعلی کریمی

ویراستار: رضا نظرپور

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

همکاران این شماره:

- کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و امور اداری دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران
- وزارت اقتصاد و دارایی
- دکتر فتح‌اله تازی
- حمیدرضا لطفی حقیقت
- زهرا کاویانی
- سید محسن علوی منش
- ابراهیم علی نژاد مهربانی
- حسین عربی

دعوت به همکاری علمی

از صاحب نظران و پژوهشگران علاقه مند به موضوعات سیاست های کلی نظام و سایر مباحث مرتبط دعوت می شود، مقالات و آثار پژوهشی خود را برای انتشار به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

فهرست

عنوان	صفحه
ضرورت سیاست گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری	
اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری / حسین عربی.....	۹
اقتصاد مقاومتی و مؤلفه های آن / دکتر فتح اله تار، زهرا کاویانی.....	۲۷
رویکردی به مفهوم و بایسته های جهاد اقتصادی / سید محسن علوی منش.....	۴۹
تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع	
اهداف شورای امنیت در اعمال تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران / علی احمدی	۷۵
آسیب شناسی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی / کمیسیون نظارت.....	۹۱
اندازه دولت و بخش مالی و بودجه ای آن در افق چشم انداز (مطالعه ایران و کشورهای منطقه) / حمیدرضا لطفی حقیقت، ابراهیم علی نژاد مهربانی	۱۱۱
سیاست های پیشنهادی و نقد آن	
اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی (حماسه اقتصادی) / کمیسیون اقتصاد کلان	۱۴۱
بررسی تطبیقی ایده اولیه با محورهای اقتصاد مقاومتی / کمیسیون اقتصاد کلان	۱۵۳
پیش نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی (حماسه اقتصادی) و نقد آن الف: پیش نویس اولیه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی / کمیسیون اقتصاد کلان	۱۶۴
ب: نقد و اصلاح سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی / وزارت اقتصاد و دارایی	۱۶۷
ج: بازنگری سیاست های کلی پیشنهادی / کمیسیون مشترک	۱۷۱
گزارش و نقد کتاب	
گزارش همایش ملی "اقتصاد مقاومتی"	۱۷۷

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی در شرایطی تدوین می‌شود که قبل از آن سیاست‌های کلی «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. این دو موضوع و سیاست کلی، مکمل یکدیگر بوده و جهت‌گیری اقتصاد ملی برای رسیدن به وضع مطلوب و عبور از وضع کنونی را معین می‌کنند.

البته باید بپذیریم که تحقق این مهم در مقام عمل به سادگی امکان‌پذیر نیست. در داخل، محیط کسب و کار، در برابر تغییر، سخت مقاومت می‌کند و ساختار اقتصاد کشور به گونه‌ای است که اجازه فعالیت‌های مردمی و بخش خصوصی را نمی‌دهد. تجربه قبل از تحریم‌ها، نشان داد سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که در این راستا و مورد تأکید و حمایت مقام معظم رهبری بود در عمل موفقیت‌مورد انتظار را نداشت. ناکامی در تحقق و عملیاتی شدن کامل این سیاست‌ها، علاوه بر مشکلات ساختاری اقتصاد، به عدم اعتقاد دولت (دولتی که مجری این سیاست‌ها شده بود) نیز بر می‌گشت. دولت می‌خواست پوسته را ترمیم کند، ولی این سیاست‌ها می‌خواهند از درون تحول ایجاد کنند. در محیط خارجی نیز مشکلاتی بوجود آمد که تحریم‌های گسترده و شدید یکی از آنها است.

تداوم این کاستی‌ها و مشکلات در یک دوره مثلاً ده ساله، دو ایده را در نظر طراحان و حامیان تحریم‌ها تقویت می‌کند. یکی تسلیم ایران در کوتاه‌مدت (تغییر رژیم سیاسی و یا تغییر رفتارهای موثر بر سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) و دیگری هدایت ایران به وضعیتی شبیه کوبا، کره شمالی و یا شوروی سابق در درازمدت.

با این وصف، این پرسش مطرح می‌شود که چه باید کرد؟ چه مدل اقتصادی می‌تواند این کاستی‌ها و تهدیدها را پاسخ داده و همه ظرفیت‌های مادی و انسانی کشور را برای شکوفایی اقتصاد، به خدمت بگیرد؟ اقتصاد مقاومتی ایده و الگویی است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد ملی، توان تحریم‌شکنی داشته و می‌تواند همه امکانات کشور را برای ایجاد یک نهاد اقتصادی قوی بسیج نماید. بر این اساس پرسش دیگری مطرح می‌شود که الگوی اقتصاد مقاومتی چیست؟ رویکرد حاکم بر آن و اصول و چهارچوب‌های آن کدام است؟ آیا اقتصاد مقاومتی نوعی ریاضت اقتصادی است؟ آیا اقتصاد مقاومتی با توجه به شرایط و مشکلات موجود نوعی اقتصاد بسته و زیرزمینی است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، اشاره به ایده اولیه اقتصاد مقاومتی که پس از بحث‌های جدی و کارشناسی در کمیسیون مشترک تدوین شد مفید خواهد بود. اقتصاد مقاومتی، گفتمان و الگویی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات و

توان تحریم شکنی؛ با رویکرد عقب راندن نظام سلطه، فرصت ساز، مولد، دورن زا و برونگرا بوده که باید سیاست های کلی مربوطه به آن براساس شاخصه های زیر تنظیم شود:

۱. مشارکت حداکثری فعال، موثر و مثمرثمر آحاد جامعه در همه ابعاد و سطوح اقتصاد با تأکید بر ارتقاء نقش و جایگاه طبقات کم درآمد و متوسط،
۲. خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی جامعه،
۳. تجدید آرایش در مبادلات بین المللی و گسترش همکاری ها و مبادلات اقتصادی با کشورهای مورد نظر جهت فعال سازی کلیه ظرفیت های اقتصادی و نیروی انسانی کشور (گسترش ارتباطات تجاری)،
۴. [پیش آهنگی دانش با] طراحی و ساماندهی چرخه دانش - ثروت با تأکید بر تولیدات دانش بنیان،
۵. واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام و دارای توانمندی های آفندی در مقابل تحریم ها و فشارهای اقتصادی،
۶. مدیریت مصرف و بهره وری حداکثری اقتصادی،
۷. نهادینه کردن فرهنگ استقامت و جهاد اقتصادی،
۸. سلامت، امنیت و اقتصاد،
۹. بهره مندی عادلانه سهم عوامل از زنجیره تولید- مصرف،
۱۰. کاهش حداکثری اتکاء بودجه و تراز تجاری به درآمدهای نفتی،
۱۱. تکیه بر مسئولیت و مدیریت قوه مجریه با هماهنگی و همراهی سایر قوا.

در همین راستا کمیسیون مشترک بررسی الزامات، چالش ها و راهکارهای اجرای سیاست های مزبور را در اولویت پژوهشی و سیاست گذاری خود قرار داده و با اتکا به مطالعات و پژوهش های انجام شده در کشور، مجموعه حاضر را تهیه و برای استفاده در اختیار مسئولان، برنامه ریزان، سیاست گذاران و سایر علاقمندان قرار داده است. در این شماره از فصلنامه سیاست کلان، برخی مسائل مربوط به حوزه اقتصاد مقاومتی در ابعاد مختلف آورده شده است. در بخش اول مطالبات مقام معظم رهبری در ارتباط با اقتصاد مقاومتی آورده شده است. در بخش بعدی با کمک گرفتن از سه مقاله به تحلیل وضعیت موجود، آسیب شناسی و بررسی موانع پرداخته و سپس موضوع سیاست های پیشنهادی در ارتباط با اقتصاد مقاومتی را با ارایه سه مقاله مرتبط، به بحث گذاشته ایم. در پایان نیز گزارشی از یک همایش در ارتباط با اقتصاد مقاومتی آورده شده است.

مدیر مسئول

بخش اول: ضرورت سیاست گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری

در این بخش از فصلنامه سه مقاله به شرح ذیل ارائه می گردد:

- ۱- اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری،
- ۲- اقتصاد مقاومتی و مؤلفه های آن،
- ۳- رویکردی به مفهوم و بایسته های جهاد اقتصادی.

اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

حسین عربی^۱

چکیده

سند چشم انداز بیست ساله، کشور ما را در سال ۱۴۰۴ به عنوان کشور اول منطقه به لحاظ اقتصادی، علمی و فناوری معرفی می‌کند. از سوی دیگر اقتصاد ایران به عنوان نقطه هدف تحریم‌های کشورهای غربی جهت نیل به اهداف خود مورد توجه جدی قرار گرفته است. در این شرایط ایده «اقتصاد مقاومتی» توسط مقام معظم رهبری معرفی شد. در این مطالعه ابتدا به بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی در شعار چند سال اخیر پرداخته می‌شود و جنبه‌های مختلف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی آورده می‌شود و در انتها نتیجه‌گیری از بحث انجام می‌شود.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد جهادی، نوآوری، تحریم

مقدمه

با توجه به مضمون سند چشم انداز کشور، جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ رتبه اول منطقه به لحاظ اقتصادی، علمی و فناوری خواهد بود. از سوی دیگر تضعیف اقتصاد ایران به عنوان هدف اول کشورهای غربی جهت نیل به اهدافشان تعیین شده است. در این شرایط، مقام معظم رهبری ایده و مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را به عنوان برنامه و راهکار مقابله با این تهدیدات و پیشبرد کشور به سوی اهداف بلند مدت مذکور در سند چشم انداز معرفی گردید. اقتصاد مقاومتی الگویی اقتصادی است که برای یک ملت حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند. با تشدید فشارها و تحریم‌های کشورهای غربی علیه کشورمان، مهمترین مسئله پیش رو، مسئله تأمین منابع مالی مورد نیاز کشور خواهد بود. برای تأمین نیازهای مالی اقتصاد کشور، راهکارهایی همچون افزایش دریافتی‌های مالیاتی، تأکید بر اصلاح الگوی مصرف، اجرای مرحله دوم هدفمندی و غیره به عنوان راهکارهایی برای تأمین منابع مالی همواره مورد اشاره بوده است. اما به نظر می‌رسد، اقتصاد مقاومتی چیزی بیش از چنین رهبردهای متعارف و شناخته شده‌ای باشد. در این نوشته، تلاش می‌شود که اقتصاد مقاومتی با توجه به بیانات مقام معظم رهبری تعریف و معرفی شود.

از نظر جهت‌گیری اقتصاد مقاومتی، در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده قرار می‌گیرد لذا، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی می‌کند و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن براساس جهان‌بینی و اهداف دارد. مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر در سخنان خود بارها بر مساله «اقتصاد» و «جنگ اقتصادی» که دشمنان در راستای مقابله با پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌اند، تأکید کرده و راهکارهای مقابله با آن را نیز بارها گوشزد کرده‌اند و حتی در نام‌گذاری‌هایشان برای سال‌ها نیز این موضوع را مدنظر قرار داده‌اند. ایشان با بیان این‌که یکی از راه‌های عبور از مقطع حساس و سرنوشت‌ساز کنونی، جدی گرفتن اقتصاد مقاومتی است تأکید دارند که اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، بلکه واقعیتی است که می‌بایست محقق شود.

اقتصاد مقاومتی و شعار چند سال اخیر

نام‌گذاری سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری با مفهوم اقتصاد مقاومتی قرابت بسیاری دارد. به گونه‌ای که می‌توان گفت تبلور مفهوم اقتصاد مقاومتی را در شعار چند سال اخیر می‌توان مشاهده کرد. در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را افزایش داد یا اینکه با جهاد و از خودگذشتگی

توان تولیدی افزایش یابد، در نتیجه زمینه‌ی رشد و شکوفایی را فراهم شده و این خود جنبه‌ای از اقتصاد مقاومتی است.

در این چند سال و با شدت یافتن تحریم‌های یک‌جانبه‌ی غرب علیه کشورمان در جهت متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای ما، واژه‌ای به ادبیات اقتصادی کشور اضافه شده است. «اقتصاد مقاومتی» واژه‌ی جدیدی که به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته و در حال چکش‌کاری است. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با رهبری در سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبری اقتصاد مقاومتی را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی می‌نماید و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز ۲ دلیل «آمادگی کشور برای جهش» و «فشار اقتصادی دشمنان» را معرفی می‌کند.

برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده است که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبری ارائه داده‌اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرموده‌اند: «اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه‌ی رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند».

سال ۱۳۹۱ پنجمین سال متوالی است که نام‌گذاری آن با موضوعات اقتصادی انجام می‌شود. نقشه‌ی راه سال ۱۳۹۱ به عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی» نیز موضوعی اقتصادی را در دل خود دارد. این نام‌گذاری‌ها را نمی‌توان بدون دلیل دانست. ریشه‌ی اهمیت موضوعات اقتصادی در این چند سال اخیر را می‌توان در «تحولات درون کشور» و «تحولات در عرصه‌ی بین‌المللی» عنوان کرد. با نگاهی به عناوین این چند سال: «نوآوری و شکوفایی»، «اصلاح الگوی مصرف»، «همت مضاعف و کار مضاعف»، «جهاد اقتصادی» و «تولید داخلی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی» به جنبه‌های مختلفی از اقتصاد مقاومتی می‌رسیم. به عبارت دیگر، شعار سال‌های اخیر هریک به نوبه‌ی خود جنبه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی را به همراه دارند. با توجه به شعار چند سال اخیر، ۵ جنبه برای اقتصاد مقاومتی تعریف می‌شود:

الف: نوآوری و شکوفایی

نوآوری و شکوفایی به عنوان محرک رشد پایدار شناخته می‌شود. همچنین کمبود نوآوری یکی از عوامل اصلی پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شود. ایده‌ی اصلی نوآوری مبتنی بر این نکته است که نوآوری سبب افزایش تولید از طریق افزایش توان تولید افراد و نهایتاً رشد اقتصادی می‌گردد (ربیعی، ۱۳۸۸).

بر مبنای این ایده، سال ۱۳۸۷ به عنوان سال "نوآوری و شکوفایی" معرفی شد و انتظار

رهبری از نام‌گذاری سال ۱۳۸۷ نیز این بود که در همه‌ی بخش‌ها نوآوری به وجود آید.^۲ بر مبنای تعریفی که در ابتدا از اقتصاد مقاومتی ارائه شد (اقتصادی که با وجود فشار خارجی زمینه‌ی رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند) و نیز با تأثیری که نوآوری و شکوفایی بر افزایش تولید ناخالص داخلی هر کشور دارد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای اقتصاد مقاومتی، نوآوری و شکوفایی است. این مورد، به عنوان یک حلقه‌ی زنجیر از شعارهای چند سال اخیر، از شاخص‌های اصلی اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود. امید است که با توجه به حفظ حقوق مالکیت معنوی در کشور، توجه جدی‌تری به این شاخص گردد.

ب: اصلاح الگوی مصرف

در سال ۱۳۸۸ اصلاح الگوی مصرف به عنوان شعار سال انتخاب شد و در راستای تعریف ذکر شده برای اقتصاد مقاومتی، می‌توان اصلاح الگوی مصرف را یکی دیگر از جنبه‌های مهم اقتصاد مقاومتی برشمرد، اما چرایی این موضوع را می‌توان به این صورت بیان کرد که یکی از ابتدایی‌ترین و اصولی‌ترین مبانی علم اقتصاد «کمبود منابع» است. به عبارت دیگر، علم اقتصاد علم استفاده‌ی بهینه از امکانات و منابع محدود در راستای ارضای نیازهای نامحدود بشری است. افزایش مصرف در جامعه باعث افزایش استفاده از منابع محدود می‌گردد و در نتیجه، سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

حال عبارت فوق را به این صورت بیان می‌کنیم که اگر با منابع موجود الگوی مصرف جامعه اصلاح شود و در مصرف زیاده‌روی نشود، در نتیجه مقداری منبع که مورد استفاده قرار نگرفته‌اند باقی می‌ماند و می‌توان آن‌ها را سرمایه‌گذاری کرد. در نتیجه، سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و افزایش سرمایه‌گذاری به افزایش تولید می‌انجامد. طبق تعریف اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف از طریق افزایش سرمایه‌گذاری باعث رشد و شکوفایی اقتصاد می‌گردد. رهبری در ابتدای سال ۱۳۸۸، در بیان اصلاح الگوی مصرف، چنین می‌فرماید: «مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست. صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است».^۳

نکته‌ی حائز اهمیت در ارتباط با اصلاح الگوی مصرف این است که در مصرف ۲ گروه عمده وجود دارند: دولت به عنوان یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ و مردم. در راستای اصلاح الگوی مصرف در دولت نیاز به سازوکارهای قانونی و دستوری است، در حالی که این رویه در میان مردم جواب نمی‌دهد و نیاز به فرهنگ‌سازی برای اصلاح الگوی مصرف وجود دارد.

۲ - پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت تحویل سال ۱۳۸۷

۳ - بیانات دراجتماع بزرگ زائران ومجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در تاریخ اول فروردین ۱۳۸۸..

ج: کار جهادگونه

شعار ۲ سال متوالی ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ بیشتر در ارتباط با تشویق به کار و فعالیت است. شعار «همت مضاعف و کار مضاعف» در سال ۱۳۸۹ و «جهاد اقتصادی» در سال ۱۳۹۰ را نیز می‌توان در ارتباط با تعریف گفته‌شده از اقتصاد مقاومتی دانست. افزایش مهارت و بهره‌وری نیروی کار و استفاده‌ی بهینه از نیروی کار برای پیشبرد اهداف کشور به عنوان یک جنبه‌ی مؤثر از اقتصاد مقاومتی تعریف می‌گردد.

برای جبران عقب‌ماندگی‌های کشور و دستیابی به رشد شتابان، به عزم جدی‌تر و جهادگونه در میان عوامل تولیدی نیازمندیم. یکی از این عوامل تولید نیروی کار است. نیروی کار، به عنوان مهم‌ترین عامل تولیدی، نقش پررنگی در رشد اقتصادی دارد. با استفاده از منابع موجود، اگر خواهان افزایش تولید باشیم، یکی از راه‌های ممکن، افزایش بهره‌وری نیروی کار یا افزایش ظرفیت تولیدی است. برای مثال، برای افزایش ظرفیت تولیدی کارخانه‌ای که یک شیفت کاری تولید می‌کند، می‌توان به نوبت‌های کاری اضافه کرد یا در همان یک شیفت کاری، پرت کاری را کاهش داد یا بهره‌وری را افزایش داد. با توجه به شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را افزایش و با جهاد و از خودگذشتگی توان تولیدی را افزایش داد، در نتیجه زمینه‌ی رشد و شکوفایی را فراهم شده و این خود جنبه‌ی دیگری از اقتصاد مقاومتی است.

د: حمایت از تولید داخلی

از سخنان رایج در ادبیات اقتصادی است که واردات یعنی ایجاد اشتغال برای نیروی کار خارجی و صادرات یعنی ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی. این سخن نیز همانند ۳ جنبه‌ی قبلی در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد، اما این جنبه از اقتصاد مقاومتی با ۳ جنبه‌ی قبل تفاوت‌های اساسی دارد. یکی این که به صورت مستقیم بر رشد و شکوفایی تولید اثر دارد، نه به صورت غیرمستقیم و با واسطه. نکته‌ی دیگر اینکه با حمایت از تولید داخلی (مخصوصاً در مواردی که توانایی تولید کالا در داخل وجود دارد) وابستگی به دنیای خارج کاسته خواهد شد. با کاهش وابستگی به دنیای خارج و به خصوص دنیای غرب که مجری فشار و تحریم بر کشورمان است، اثربخشی تحریم‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه، به رشد و شکوفایی اقتصاد می‌انجامد.

البته مزایای بسیاری در حمایت از تولید داخلی نهفته است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی، کمتر شدن فشار تورمی، توجه به برند(نماد) داخلی در صنایع مختلف، تقویت بخش خصوصی، کاستن از بار مالی دولت، ارزآوری کالاهای غیرنفتی و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد. همه‌ی موارد فوق در راستای تعریف گفته‌شده از

اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرند. در واقع «حمایت از تولید داخلی» به صورت مستقیم، یعنی فراهم نمودن زمینه‌ی رشد و شکوفایی برای اقتصاد، به اقتصاد مقاومتی کمک می‌کند. مطالعات اقتصادی بیانگر این موضوع است که نرخ رشد بلندمدت اقتصادی با سطح درآمد اولیه‌ی کشور همبستگی بالایی ندارد و پایین بودن موجودی سرمایه‌ی فیزیکی تنها عامل رشد پایین اقتصادی در کشورها نیست، بلکه برخی از عوامل به خصوص سرمایه‌ی انسانی باعث تسریع رشد اقتصادی می‌گردد.

هـ: حمایت از عوامل تولید داخلی

بخش دوم شعار سال ۱۳۹۱، یعنی حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی، به معنای حمایت از عوامل تولید داخلی است. در اقتصاد، عوامل تولید شامل نیروی انسانی، زمین، کار، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های مادی و ... دسته‌بندی‌های می‌شود. معمولاً عوامل تولید غیر از نیروی کار را به عنوان سرمایه می‌شناسند. پس بخش دوم شعار امسال نیز در راستای تعریف ذکر شده از اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد، چرا که برای افزایش و شکوفایی تولید، باید به حمایت از عوامل تولید پرداخت. افزایش حمایت از عوامل تولید نتایجی را به همراه خواهد داشت: اول اینکه چون این عوامل به صورت مستقیم در تولید نقش دارند، به افزایش تولید می‌انجامد و دوم اینکه حمایت از عوامل تولید به مانند سرمایه‌گذاری است و از این طریق نیز منجر به افزایش تولید می‌شود.

در نتیجه، حمایت از عوامل تولید داخلی به رشد بلندمدت اقتصادی می‌انجامد و شکوفایی اقتصاد را در پی خواهد داشت. این مورد نیز در تعریف اقتصاد مقاومتی تبلور می‌یابد، چرا که فشارها و تحریم‌های خارجی تأثیر چندانی بر حمایت از عوامل تولید داخلی نخواهند داشت. البته به شرط آنکه موارد خاص اقتصاد اسلامی رعایت شود و مدیریت بهینه در این خصوص برقرار باشد.

بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی

در مطالب قبلی تعریفی از اقتصاد مقاومتی ارائه شد به این معنا که اقتصادی مقاومتی در شرایط فشار و تحریم، موجبات رشد و شکوفایی را فراهم می‌سازد. بر مبنای این تعریف، به بررسی شعارهای اقتصادی چند سال اخیر پرداخته شد. با بررسی موضوع، نتیجه گرفته می‌شود که شعارهای چند سال اخیر همانند حلقه‌های زنجیری هستند که در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی تبلور می‌یابند. نام‌گذاری چند سال اخیر در ۵ جنبه تقسیم‌بندی شد که هر بند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و بدون تأثیر عوامل خارجی همچون فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها، موجبات رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم می‌سازد. اکنون و در ادامه، بیانات مقام

معظم رهبری در چند سال اخیر که در رابطه با مفهوم و جنبه های مختلف اقتصاد مقاومتی بیان شده است را مورد اشاره قرار می دهیم. در این بخش تنها به ذکر بیانات معظم له پرداخته می شود و سعی در ارائه تحلیل بر این بیانات نخواهیم داشت.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۱/۰۶/۲۰

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرائطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخشهایش همین تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

به مردم هم باید واقعا میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفساد اقتصادی است، اشاره شد. واقعا نمی‌شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفساد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعا نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم، که تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفساد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفساد اقتصادی موجب می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا می‌شوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیابند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه‌ی قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه‌ی

مجریه و قوهی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است. یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی. خب، آمارهائی که آقایان می دهند، آمارهای خوبی است؛ لیکن از آن طرف هم از داخل دولت، خود مسئولین به ما می گویند که بعضی کارخانه‌ها دچار مشکلند، اختلال دارند، در بعضی جاها تعطیلی صنایع وجود دارد - گزارش‌های گوناگونی به ما می رسد، خود شما هم گزارش می دهید؛ یعنی من گزارش‌های دیگر هم دارم، اما اتکاء من به گزارش‌های دیگران نیست؛ گزارش‌های خود شما هم هست که به دست ما می رسد - خب، باید این را علاج کرد. اینها طبعاً ایجاد اشکال می کند. اگر چنانچه همین بخش دوم قضیه - یعنی آن نیمه‌ی خالی لیوان - نمی بود، شما امروز از لحاظ رونق اقتصادی، وضع بهتری را در کشور ارائه می کردید و کمکهای بیشتری به مردم می شد. بالاخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد.

واحد‌های کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده‌ی واحدهای بزرگ ما وضعیتشان اینجور است - لذا همان طور که گفتید، محصول سیمانمان، محصول فولادمان، محصولات عمده‌ی اینجوری‌مان خوب است - لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد. مسئله‌ی منابع ارزی هم مسئله‌ی مهمی است؛ که خب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده و ما متأسفانه در زندگی‌مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارش‌های شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت درصدد

صرفه‌جوئی است و می‌خواهد صرفه‌جوئی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده‌ی بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جوئی کنید. صرفه‌جوئی، چیز بسیار لازم و مهمی است.

به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه‌ی شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده می‌شود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه می‌شود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی می‌شود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها می‌تواند کمک کند. یک مسئله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است. بعضی از کسانی که در باب شرکت‌های دانش‌بنیان فعال بودند، ماه رمضان اینجا آمدند و صحبت‌هایی کردند. خوب، خوشبختانه انسان می‌بیند کارهای خوبی انجام داده‌اند. این بخش شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان خیلی جاده‌ی باز و امیدبخشی است. البته آنها گلایه‌هایی هم داشتند. به نظر من دوستان مسئول در دولت که کارشان به این بخش ارتباط پیدا می‌کند - چه وزارت صنعت و معدن و تجارت، چه وزات علوم - به این مسئله‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان بپردازند و گلایه‌هاشان را بشنوند و آنها را برطرف کنند. زمینه‌ی بسیار خوبی است. ما استعدادهای برجسته‌ای داریم که می‌توانند در این مورد کمک کنند.

بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، «اقتصاد تهاجمی» را مطرح کردند؛ عیبی ندارد. بنده فکر اقتصاد تهاجمی را نکردم. اگر واقعاً یک تبیین دانشگاهی و آکادمیک نسبت به اقتصاد تهاجمی - به قول ایشان، مکمل اقتصاد مقاومتی - وجود دارد، چه اشکالی دارد؟ آن را هم مطرح کنیم. آنچه که به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده. البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه‌ی عمومی است. شما دانشجو هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده‌ی اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین‌کننده‌ی رشد و شکوفائی یک کشور باشد.

بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش‌بنیان ۱۳۹۱/۰۵/۰۸

هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانائی و استعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانائی‌های مالی، باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند. این که ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»، این یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت می‌کند. ما افق‌های بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده می‌کنیم. خوب، بدیهی است که حرکت به سمت این افق‌ها، معارض‌ها و معارضه‌هایی هم دارد. بعضی از این معارضه‌ها انگیزه‌های اقتصادی دارد، بعضی انگیزه‌های سیاسی دارد؛ بعضی منطقه‌ای است، بعضی بین‌المللی است. این معارضه‌ها در مواردی هم منتهی می‌شود به همین فشارهای گوناگونی که مشاهده می‌کنید؛ فشارهای سیاسی، تحریم، غیر تحریم، فشارهای تبلیغاتی - اینها هست - لیکن در لابه‌لای این مشکلات، در وسط این خارها، گام‌های استوار و همت‌ها و تصمیم‌هایی هم وجود دارد که بناست از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه‌ی مورد نظر برساند؛ وضع کشور الان اینجوری است.

بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش‌بنیان ۱۳۹۱/۰۵/۰۸

ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفاء کنیم. یکی از بخش‌های ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباث دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکتهای دانش‌بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریم‌ها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد. این چیزهایی که الان آنها تهدید می‌کنند، تحریم می‌کنند، جز آمریکا و جز رژیم صهیونیستی، هیچ کس ذی‌نفع از این تحریم‌ها نیست. دیگران را با زور و با فشار و با رودربایستی و با این چیزها وارد میدان کردند. خوب، پیداست که زور و فشار و رودربایستی نمی‌تواند خیلی ادامه پیدا کند - یک مدتی است - شاهدش هم این است که مجبور شدند بیست تا کشور را از همین تحریم‌های نفتی

و امثال اینها استثناء کنند! دیگرانی هم که استثناء نشدند، خودشان مایل نیستند، و بیش از آنچه که ما بخواهیم یا همان اندازه که ما می خواهیم، آنها دنبال راه حل می گردند. بنابراین بایستی مقاومت کرد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

ما باید مسائل کشور را با این دید نگاه کنیم؛ آرمان ها جلوی چشم ما باشد؛ واقعیت های تشویق کننده جلوی چشم ما باشد. در مورد واقعیت های منفی - که در واقع در بعضی موارد واقعیت سازی است، واقعیت نمائی است - دچار اشتباه نشویم. البته توان دشمن را دست کم نگیریم، سهل انگاری و ساده انگاری نکنیم. مسئله، مسئله، مسئله ای اساسی و مهمی است. شما مثل یک ریاضیدانی که می خواهد یک مسئله ی مهم ریاضی را حل کند، بر سر این مسئله تلاشتان را به کار ببرید و مسئله را حل کنید. شما ریاضیدان با استعدادی هستید؛ این هم یک مسئله ی ریاضی است. اینجوری باید با مسائل گوناگون برخورد کنید. خوشبختانه انسان مشاهده می کند که همین روحیه هم در دستگاه های گوناگون وجود دارد. به مسئله ی اقتصاد باید با این دید نگاه کرد.

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی ها نشان می داد که اینها می خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می تواند مشاهده کند.

من سال ۸۶ در صحن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه الصلوة و السلام) در سخنرانی اول سال گفتم که اینها دارند مسئله ی اقتصاد را پیگیری می کنند؛ بعد هم آدم می تواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه هائی بود برای ایجاد یک منظومه ی کامل در زمینه ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله ی جلوگیری از اسراف، مسئله ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهائی است که می تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه ی اقتصاد ساماندهی کند؛ می تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

مسئله‌ی اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهایی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیت‌های گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگماریم؛ برویم به سمت این که هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد.

یک بُعد دیگر این مسئله‌ی تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه‌ی دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگمارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهای با مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

به نظر ما طرح‌های «اقتصاد مقاومتی» جواب می‌دهد. همین مسئله‌ی سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندی نمی‌شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می‌رفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خب، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد، که الحمدلله نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد. و بقیه‌ی چیزهائی که مورد نیاز کشور است. هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که اینها می‌تواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه‌ی رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه‌ی اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات. از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سال‌های متمادی طول می‌کشید، امروز خوشبختانه با فاصله‌ی کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد. حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هائی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاست‌های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۰/۰۵/۱۹

یکی از دوستان اطلاع دادند که یک ستاد دانشجویی برای تحقیق در اقتصاد مقاومتی تشکیل شده. کار بسیار جالبی است. اینجور کارهای عمیق، همان چیزی است که کشور به آن احتیاج دارد. شما باید فکر کنید، مطالعه کنید، تحقیق کنید. این تحقیق‌ها اگر به درد آن دستگاه مسئول هم نخورد یا به کار او نیاید یا نپسندد، قطعاً به کار شما می‌آید و به درد شما می‌خورد. این، کار بسیار جالبی است. همچنین یکی دیگر از دوستان اطلاع دادند که در دانشگاه شریف مرکز مطالعاتی‌ای تشکیل شده و در این زمینه‌ها کار می‌کنند. اینها بسیار کارهای مهمی است. این انگیزه‌ی جوان دانشجو و فکور، خیلی برای آینده‌ی کشور مهم است.

البته راه‌حلهائی که گفته شد، بعضی از آنها کاملاً درست است. این را هم من به شما عرض بکنم؛ در همین زمینه‌ی مسائل اقتصادی، پاره‌ای از آنچه که پیشنهاد و مطرح شد، ما اطلاع داریم که مد نظر مسئولین هست؛ درباره‌اش کار می‌کنند، تصمیم‌گیری می‌کنند، اقدام می‌کنند؛ منتها همه‌ی اقدامها یا به اطلاع نمی‌رسد، یا گفتنی نیست. به هر حال اینجور نیست که مسائل اقتصادی در مد نظر آن مسئولین نباشد.

بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۰۶/۱۶

دلیل دوم ما که امروز کار برایمان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که می‌خواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کارهائی که شماها می‌دانید، سلطه‌ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. هدف این است. یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق‌الجیشی، با همه‌ی امکانات، زیر نگیں یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیسها بودند، یک روز آمریکائیها بودند - در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا یک گوشه‌ای از این امپراتوری است - اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه می‌خواهد برگردد به این کشور. همه‌ی این تلاش‌ها برای این است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال می‌کنند اگر ما مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا می‌کنند. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را مطرح می‌کنند، مسئله‌ی حقوق بشر را مطرح می‌کنند، مسائل گوناگون را مطرح می‌کنند، که اینها بهانه است. مسئله، مسئله‌ی فشار است، می‌خواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ می‌خواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. می‌گویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ می‌گویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار می‌گیریم؛ رابطه‌ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمی‌شناسند؛ مثل همه‌ی موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. می‌خواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمی‌فهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند می‌کنند. خب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریم‌ها. ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت

ایران و مسئولین کشور تحریم‌ها را دور می‌زنند، تحریم‌کنندگان را ناکام می‌کنند؛ مثل موارد دیگری که در سال‌های گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوانها نمی‌دانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه‌ی این کارهایی که شده است، همه‌ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمی‌توانند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه‌ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

نتیجه‌گیری

در این نوشته تلاش بر این بود که بر مبنای تعریف از اقتصاد مقاومتی که توسط مقام معظم رهبری معرفی تبیین شد، به بیان جنبه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی پرداخته شود. در مجموع می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان صرفاً مقاومت اقتصادی دانست، بلکه ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر شوک‌های خارجی اقتصادی یا همان استقلال اقتصادی از شاخصه‌های بارز اقتصاد مقاومتی است. دشمن در طول چند دهه‌ی اخیر، تمام ابزارهای مبارزه با جمهوری اسلامی را امتحان کرده است، اما ابزاری که همیشه در کنار ابزارهای دیگر بوده مبارزه‌ی اقتصادی است که امروز تبدیل به ابزار دشمن شده است.

ضعف اقتصاد ایران در وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی نفت راه حل تحریم نفتی را پیش پای غرب قرار می‌دهد. نفت که می‌توانست ابزار فشار ما بر غرب باشد امروز ابزار فشار غرب بر اقتصاد ایران شده است. اقتصاد مقاومتی به دنبال یافتن راهی برای خروج از این وضعیت است. اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم‌انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است. اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، بلکه مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود در زیربخش‌های اقتصادی برای جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است.

حوزه‌ی فعالیت اقتصاد مقاومتی را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم‌بندی نمود، زیرا هر قدر که اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها نیاز به مقاومت دارد، در داخل نیز در مقابل مفسدان اقتصادی و سیاسی و رانت‌خوارن نیاز به اصلاح امور اقتصادی-سیاسی دارد.

مطمئناً اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد سرمایه‌داری و مبتنی بر اقتصاد اسلامی است. خاستگاه اقتصاد اسلامی نیز قلب انسان‌هاست و زمانی اقتصاد اسلامی در جامعه جاری می‌شود که ابتدا مسئولین و مدیران ارشد در باطن خویش اقتصاد اسلامی را بپذیرند و این تفکر را در عمل به بخش‌های مختلف جامعه القا کنند. از جمله بخش‌هایی که اقتصاد مقاومتی می‌تواند در آن‌ها وارد شود و از ضعف‌های اساسی اقتصاد ایران محسوب می‌شود می‌توان به این موارد اشاره کرد: «وابستگی به درآمدهای حاصل از اقتصاد تک‌محصولی و صادرات نفت خام، شکاف طبقاتی و فقر نسبی، فساد اقتصادی و اداری، عدم شایسته‌سالاری علمی، ضعف نظام بانک‌داری، پولی و سیستم ارزی کشور، عدم توجه به تغییر هرم جمعیتی و سالخورده‌گی جمعیت، بوروکراسی عریض و طویل دولتی، فضای کسب و کار و بیکاری تحصیل کرده‌ها، وجود سرمایه‌های سرگردان که ناشی از دستوری بودن نرخ ارز و نرخ بهره است، قاچاق کالا به داخل و خارج، عدم نظارت دقیق بر چرخه‌ی توزیع کالا به صورت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در کشور، ضعف حمل و نقل ریلی به عنوان زیربنای توسعه‌ی اقتصادی، عدم توجه به سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های نمادین».

در ساختن شاخص برای اقتصاد مقاومتی باید رفع این مشکلات مبنای اساس قرار گیرد. این مشکلات اقتصادی که جامعه را با مشکلات فرهنگی و اجتماعی بسیاری مواجه خواهد نمود و همچون گذشته، با شوک درمانی نیز رفع نخواهد شد، ناشی از پیروی ناآگاهانه از اقتصاد سرمایه‌داری است که در درون خود خلأهای استراتژیک احساس می‌کند.

مقام معظم رهبری مردمی کردن اقتصاد را از الزامات اقتصاد مقاومتی ذکر فرموده‌اند، اما با این نظام پولی، بانکی و ارزی و نرخ بهره‌ی ۲۰ درصد، آیا مردم وارد فعالیت تولیدی و اقتصادی خواهند شد یا به فکر افزایش اندوخته در بانک و یا نوسانات قیمت در بازار خواهند بود؟ بانک‌های جمهوری اسلامی ایران، همانند بانک‌های غربی، سود و رشد مبتنی بر ایجاد بدهی و اعتبار کاذب را هدف فعالیت خود قرار داده‌اند و این مسیر همچون مسیر بانک‌های غربی محکوم به توقف است.

کاهش وابستگی به درآمدهای نفت و گاز به مفهوم کنار گذاشتن نفت و گاز از اقتصاد ملی نیست، بلکه به معنای جلوگیری از خام‌فروشی نفت و جلوگیری از ایجاد رانت برای افرادی است که با درآمدهای حاصل از نفت و گاز ارتباط نزدیک دارند.

منابع و مآخذ

- دیدار مقام معظم رهبری با کارآفرینان به تاریخ ۱۶/شهریور/۱۳۸۹.
- دیدار مقام معظم رهبری با دانشجویان به تاریخ ۱۵/شهریور/۱۳۹۱.
- مطلب منتشره در سایت برهان <http://adibarabi.blogfa.com/post.aspx.۴۶>
- ربیعی. مهناز، اثر نوآوری و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران، مجله دانش و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۸.
- پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت تحویل سال ۱۳۸۷.
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) به تاریخ ۱/فروردین/۱۳۸۸.
- رضایی. جواد، محمد ناد علی و جواد علیزاده(۱۳۸۵)، بررسی رابطه علی رشد بهره وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی (مطالعه موردی بخش بازرگانی)، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره دوم.

اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن

دکتر فتح اله تاری زهرا کاویانی^۱

چکیده

اقتصاد مقاومتی اصطلاحی است که در سال ۱۳۸۹ اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور مطرح شد و پس از آن نیز در سخنرانی‌های متعددی مورد تأکید ایشان قرار گرفت. اقتصاد مقاومتی در حقیقت اقتصادی را ترسیم می‌کند که توانایی مقابله با شوک‌های وارد شده بر اقتصاد را دارد. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران را داشته باشد. برای دستیابی به چنین اقتصادی لازم است نگاه بلندمدت به سیاست‌های اقتصادی وجود داشته باشد و زیرساخت‌های اقتصاد به‌گونه‌ای طراحی شود تا چارچوب کلی اقتصاد در برابر انواع ناملازمات تقویت گردد. همچنین باید با توجه به شرایط جاری اقتصاد کشور و تحریم‌های بین‌المللی تحمیل شده، سیاست‌های خاص و گاهی متفاوت از شرایط عادی اتخاذ گردد. در این صورت اقتصاد مقاومتی در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت نیز قابل تعریف است که به منظور عبور از شرایط بحران کوتاه‌مدت طراحی شده است. این گزارش به‌عنوان مطالعه مقدماتی در خصوص اقتصاد مقاومتی به تبیین گام‌هایی که در شناخت اقتصاد مقاومتی لازم است برداشته شود، می‌پردازد.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد جهادی، تحریم، سیاست‌های اقتصادی

۱- این مقاله در دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین شده است.

مقدمه

تأکید مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی و مطالعات کارشناسانه در این خصوص، اهمیت بررسی موضوع اقتصاد مقاومتی را می‌رساند. اقتصاد مقاومتی را به طور خلاصه می‌توان اقتصادی عنوان کرد که در آن علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسانات محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تأثیر سوء را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصاد داشته باشد. چنین اقتصادی مسلماً باید از تمامی توانمندی‌های خود برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها استفاده کند. در اقتصاد مقاومتی، نباید تمرکز بیش از اندازه بر روی یک یا چند بخش یا ظرفیت اقتصادی کشور تکیه شود، بلکه باید تلاش شود تا همه ظرفیت‌های اقتصاد به حداکثر بهره‌برداری از توان خود برسند. این موضوع به‌خصوص در مورد اقتصاد ایران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

اقتصاد ایران دارای ظرفیت‌های بالقوه بالایی است. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. ایران از ظرفیت ترانزیتی بالایی برخوردار است و می‌تواند پل ارتباطی میان آسیا و اروپا را برقرار سازد. زیرا یکی از کوتاه‌ترین مسیرها در زمینه ارتباط بین آسیای میانه و اروپاست. همچنین ایران دارای ظرفیت بالایی به لحاظ تنوع آب و هوایی است. تنوع آب و هوایی در ایران باعث شده است تا ایران به لحاظ موقعیت توریستی شرایط ویژه‌ای داشته باشد. یکی از دیگر از ظرفیت‌ها و مزیت‌های اقتصاد ایران، نیروی کار جوان و تحصیل کرده است. سرمایه‌گذاری بر روی تحصیلات عالی و تحصیلات تکمیلی طی سال‌های پس از انقلاب باعث شده تا نیروی کار جوان و تحصیلکرده زیادی در حال حاضر در بازار کار فعال باشد که این موضوع هم یک فرصت و هم یک چالش محسوب می‌شود. همچنین سایر مزایا و ظرفیت‌های ایران مانند برخورداری از منابع طبیعی معدنی و فسیلی و به‌خصوص نفت خام و گاز طبیعی نیز در زمره ظرفیت‌های اقتصاد ایران قرار می‌گیرند. در اقتصاد مقاومتی باید تلاش شود تا ضمن توجه به متنوع‌سازی منابع، از تمامی ظرفیت‌های اقتصاد استفاده شود.

این مطالعه به بررسی موضوع اقتصاد مقاومتی، مؤلفه‌های آن و مواردی که در مطالعات اقتصاد مقاومتی باید لحاظ شود می‌پردازد. بخش اول این مطالعه رابطه بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی را بیان می‌کند. در قسمت دوم شاخص‌هایی که نشان‌دهنده اقتصاد مقاومتی در بلندمدت است تبیین خواهد شد. در قسمت سوم بخش‌های مختلفی که در مطالعه اقتصاد مقاومتی باید به آن پرداخته شود و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مشخص می‌شود. در نهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱. اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی

در آموزه‌های اسلامی می‌توان مواردی را یافت که هم به‌عنوان شاخص‌های یک اقتصاد اسلامی و هم به‌عنوان شاخص‌های یک اقتصاد مقاومتی قابل شناخت است. از این رو می‌توان اظهار داشت که مبانی اقتصاد اسلامی مبتنی بر تشکیل یک اقتصاد مقاومتی است. برخی از این شاخص‌ها در ادامه بحث ارائه می‌شوند.

۱-۱. نفی سبیل

نفی سبیل مهمترین قاعده فقهی است که ضرورت وجود اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد. قاعده اسلامی فوق هرگونه تسلط کفار بر مسلمین را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، جایز نمی‌شمارد. از مهمترین آیات قرآنی که بر این اصل دلالت دارند آیه ۱۴۱ سوره نساء است: «همان منافقان که در انتظار فرصتند تا اگر فتحی از ناحیه خدا نصیب شما شود خود را از شما دانسته، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم و اگر نصیب کافران شود به آنان می‌گویند: مگر نبود که ما رهنمودهای خود را به شما قبولانندیم و نمی‌گذاشتیم به دین مؤمنین بگروید، ولی خدا در قیامت بین شما حکم خواهد کرد و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند».

۱-۲. عدم اسراف

اسراف در فعالیت‌های اقتصادی به معنای افراط کردن و تجاوز نمودن از حد میانه و اعتدال است، چه در رفتارهای مصرفی و چه در فعالیت‌های تولیدی. در طی بیش از ۲۵ آیه در قرآن کریم از عمل اسراف و تبذیر نهی شده است. عدم اسراف موجب می‌شود که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های خویش منافع و هزینه‌های اجتماعی و نه شخصی خویش را ملاک قرار دهند. بدین ترتیب مصلحت جامعه مد نظر قرار می‌گیرد و ملاک تصمیم‌گیری واقع می‌شود نه منافع شخصی (صدر، ۱۳۷۴). اسراف از جنبه‌های مختلف به جامعه صدمه می‌زند. با فرض محدود بودن عرضه کالاها، مصرف زیاد توسط ثروتمندان باعث افزایش قیمت کالاها و دسترسی سخت‌تر فقرا به کالاها می‌شود. فقرای فقرا به کالاهای مورد نیاز خواهد شد که می‌تواند موجب بروز خشم و نفرت در بین این طبقه و خودداری از مشارکت آنها در دفاع از کشور گردد. موج فزاینده مصرف می‌تواند منجر به افزایش شدید واردات، خروج سرمایه‌ها و ذخایر ارزی و آسیب‌پذیر شدن کشور در برابر بیگانگان شود (سیدشکری، ۱۳۸۸).

دولت می‌تواند با آموزش مردم، قیمت‌گذاری کالاها و اجتناب از پرداخت یارانه‌های غیرهدفمند جامعه را در مسیر اجرای بهتر این قانون الهی قرار دهد. باید توجه داشت این منع اسراف در بدنه حکومت و نظام نیز باید وجود داشته باشد. وقتی دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده اقتصاد کشور است، طبیعتاً نقش مهم‌تری نسبت به بخش خصوصی در کاهش

هزینه‌ها می‌تواند داشته باشد و عدم رعایت این اصل توسط دولت مانع از رعایت آن توسط عموم افراد جامعه خواهد شد. همچنین تجربیات نشان داده است خصوصی‌سازی یکی از روش‌هایی است که می‌تواند به کاهش مصرف و جلوگیری از اسراف منجر شود. زیرا در بنگاه‌های دولتی اتلاف منابع تا حدود زیادی مشاهده شده است. در این راستا دولت می‌تواند با فعال‌تر کردن بخش خصوصی و خودداری از بزرگ شدن بی‌برنامه دولت، به مبارزه با اسراف بپردازد.

۳-۱. نهی از اخلال در نظام

هر سیاست یا فعالیتی که ارتکاب یا ترک آن موجب مختل گردیدن نظم و نسق جامعه گردد، حرام است. این تحریم ضامن حفظ استقلال جامعه و عدم استضعاف مسلمانان می‌شود. یکی از موارد اختلال نظام وقتی است که اجرای یک فعالیت مجاز یا پرهیز از یک فعالیت غیرمجاز موجب هرج و مرج یا عسر و حرج برای مردم گردد (صدر، ۱۳۷۴). شاید بتوان این‌گونه گفت که سیاست‌ها در یک اقتصاد اسلامی باید به‌صورتی باشد که اخلال در نظام و شرایط عسر و حرج را به بار نیاورد.

۴-۱. نهی از اتراف

اتراف رفتار و عمل اقتصادی است که از سوی برخی از سرمایه‌داران و ثروتمندان انجام می‌شود. به این معنا که مال و ثروت زیاد، آنان را به رفتار ضداخلاقی و ناهنجار می‌کشانند. البته اتراف ارتباط مستقیمی با مصرف ندارد، بلکه ویژگی اخلاقی و رفتار اجتماعی است، زیرا شخص مترف به سبب رفاه و آسایش زیاد با مردم رفتاری متکبرانه دارد و در حوزه عمل اجتماعی تعادل رفتاری و شخصیتی خویش را از دست می‌دهد. اتراف از جمله فرهنگ‌ها و هنجارهایی است که قرآن آن را باعث هلاکت حتمی جوامع معرفی می‌کند و اتراف‌کنندگان که قرآن آنها را مترفین می‌نامد همیشه باعث نابودی جوامع بوده‌اند (سیدشکری، ۱۳۸۸). شاید بتوان مصرف کالاهای تجملی و غیرضروری که مصرف عموم افراد جامعه نباشد و فقط در دهک بالای درآمدی و تنها از طریق واردات تأمین گردد را در زمره این‌گونه موارد به حساب آورد. علاوه بر تحریم اسراف، تبذیر و اتراف، مصرف به انگیزه تفاخر و ابراز امتیاز و خودنمایی مورد نکوهش اسلام قرار گرفته است (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳).

علاوه بر قواعد ذکر شده در بالا که باعث حفظ و افزایش سرمایه‌های فیزیکی اقتصاد می‌شوند، اسلام به حفظ و افزایش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی جامعه توجه داشته است. توصیه به آموزش و یادگیری علوم به‌همراه نکوهش کم‌کاری و تنبلی، سرمایه انسانی جامعه را افزایش می‌دهد. برابر دانستن کلیه مسلمانان با هم به همراه توصیه به وفای به عهد و داشتن اخلاق خوش سرمایه اجتماعی جامعه را افزایش می‌دهد.

دولت می‌تواند با اجرای صحیح سیاست‌های اقتصادی به اجرایی شدن احکام فوق در جامعه کمک کند. احکام اسلامی که در بالا به آن اشاره شد همگی از مشخصات اصلی یک اقتصاد توسعه‌یافته و سالم است. رعایت دو اصل قیمت‌گذاری کالاهای عمومی براساس ارزش واقعی آنها و استفاده از امکانات بخش خصوصی از ترویج اسراف جلوگیری می‌کند. همچنین عدم اجرای سیاست‌هایی که منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شود مانند نرخ‌های دوگانه که زمینه فساد و رانت‌خواری را ایجاد می‌کند می‌تواند منجر به اجرای دو اصل «نهی از اخلال در نظام» و «اتراف» شود. زیرا به‌طور معمول پول‌های بادآورده زمینه رفتارهای ضداخلاقی را فراهم می‌سازد. در خصوص سه اصل «عدم اتلاف»، «لاضرر» و «قاعده سلطنت» نیز در صورتی که فضای کسب و کار مناسب بوده و حقوق مالکیت رعایت شود، این سه اصل تا حدود زیادی رعایت می‌شوند. در کنار این سیاست‌های اقتصادی، آموزش صحیح و کارآمد نیز می‌تواند زمینه مساعدتری را برای رعایت احکام فوق ایجاد کند.

۲. شاخص‌های نشان‌دهنده برقراری اقتصاد مقاوم

در صورتی که اقتصادی دارای شاخص‌های زیر باشد، می‌توان آن را اقتصادی مقاوم دانست که کمترین تأثیر را از شوک‌های وارده به اقتصاد پذیرفته و توانایی بازسازی سریع پس از ورود شوک را دارد. اقتصاد مقاوم ماهیتی چندگانه دارد که باعث می‌شود نتوان آن را با یک شاخص نشان داد. به هر حال می‌توان شاخص‌های زیر را به‌عنوان نشانه‌ای از مقاوم‌تر شدن اقتصاد در نظر گرفت.

۱-۲. نرخ پایین بیکاری

بیکاری دارای هزینه‌های بسیاری است. افزایش اعتیاد، بیماری‌های روانی، خشونت و تبه‌کاری، برهم خوردن تعادل روحی افراد، افزایش نرخ طلاق، از دست دادن حیثیت و ... را می‌توان نام برد. هیچ راه‌گریزی از آسیب‌های روانی بیکاری به‌طور کامل در دسترس نیست. وضع بیمه بیکاری اگرچه هزینه‌های فردی بیکاری را تا حدی کاهش می‌دهد، اما هزینه‌های اجتماعی از دست رفتن بخشی از نیروی کار باقی می‌ماند. به بیان دیگر این امر موجب کاهش تولید بالفعل نسبت به تولید بالقوه می‌شود. حتی افراد شاغل از بیکاری دیگران اثر می‌پذیرند. آنها مجبورند از افراد بیکار خانواده نگهداری کنند و این امر بار تکفل را بالا می‌برد که به نوبه خود باعث کاهش پس‌انداز و آهسته شدن نرخ تشکیل سرمایه می‌شود. وجود افراد بیکار باعث می‌شود تا شاغلان امنیت شغلی نداشته باشند و قدرت چانه‌زنی آنها از بین می‌رود. در سطح بین‌الملل کشوری که بیکاران بسیار دارد به لحاظ تولید نمی‌تواند با سایر کشورها رقابت کند و بیگانگان با زحمت کمتری می‌توانند بیکاران را به سمت اهدافشان هدایت کنند.

با این حال ترس از بیکاری نباید جامعه را به سوی سوق دهد که ایجاد شغل با هر کیفیت و با هر قیمت را به مثابه یک راهبرد انتخاب و براساس آن عمل کند. ایجاد اشتغال باید با توجه به واقعیت‌های اقتصاد جهانی و شناسایی تحولات آتی آن، شناخت از آینده و با فرض ایجاد مزیت‌های تازه در اقتصاد ایران صورت گیرد. سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی که تنها با استفاده از یارانه‌های دولتی و انحصارهای موجود و تنگ شدن دایره واردات صورت پذیرد، می‌تواند یک داروی آرام‌بخش با تأثیرات کوتاه‌مدت باشد (سید شکر، ۱۳۸۰).

۲-۲. بالا بودن بهره‌وری نیروی کار

بهره‌وری متوسط نیروی کار از تقسیم تولید کشور به جمعیت شاغل به دست می‌آید. پایین بودن چنین شاخصی برای یک کشور به نسبت سایر کشورها، نشانگر اتلاف منابع می‌باشد. طبیعی است که در چنین حالتی کشور نمی‌تواند به نحو شایسته‌ای از منافع خود در برابر دیگران دفاع کند.

۲-۳. دوقطبی نبودن جامعه

اختلاف درآمدی تا آنجا که نشانگر تفاوت‌های نسبی افراد است منطقی بوده و می‌تواند عامل مثبتی برای کار و کوشش بیشتر باشد. هنگامی که نابرابری درآمد به حدی می‌رسد که جامعه به دو گروه ثروتمند و فقیر تقسیم می‌شود، باعث به وجود آمدن خطرات جدی برای جامعه خواهد شد. گسترش فقر مانع از مشارکت گسترده همگان در برنامه‌های عمومی خواهد شد و توده‌های ناامید و فقیر هیچ مقاومتی در برابر انواع تهاجمات بیگانه از خود نشان نخواهند داد.

۲-۴. سرمایه اجتماعی بالا

سرمایه اجتماعی متغیری کلیدی است که باعث ایجاد همکاری و اتحاد بین مردم می‌شود. وجود چنین سرمایه‌ای فواید متعددی برای جامعه دارد که یکی از آنها فراهم ساختن مقاومت بهتر کشور در برابر تهدیدات بیگانه است. هرچند که مشاهده سرمایه اجتماعی در جامعه بسیار آسان است، اما اندازه‌گیری دقیق آن دشوار می‌باشد. چنانچه تعداد سازمان‌های غیرانتفاعی یا افراد شرکت‌کننده در این سازمان‌ها را به عنوان معیاری از سرمایه اجتماعی در نظر بگیریم، راهکارهای دولت برای افزایش سرمایه اجتماعی تا اندازه‌ای مشخص می‌شود. یکی از ابزارهای مهم دولت‌ها در این زمینه نظام آموزشی کشور است. علاوه بر آن دولت‌ها با تولید کالاهای عمومی می‌توانند بر سرمایه اجتماعی اثرگذار باشند. دفاع از حقوق مالکیت و امنیت اجتماعی از مهمترین وظایف دولت‌هاست. هنگامی که مردم نگران امنیت شخصی خود هستند، نمی‌توانند همانند دیگران در فعالیت‌های خیریه شرکت کنند. دولت‌ها با کاهش حجم

فعالیت‌هایشان می‌توانند انگیزه مشارکت مردم را افزایش دهند. در غیر این صورت با وجود دولت بزرگ، مردم به این نهاد وابسته شده و شرایط برای مشارکت مردم کاهش می‌یابد.

۵-۲. تنوع درآمدهای صادراتی کشور

ویژگی مشترک اغلب کشورهای در حال توسعه وابستگی شدید آنها به تولید و صادرات یک یا چند محصول اولیه یا کشاورزی است که منجر به آسیب‌پذیری شدید آنها در برابر تغییرات قیمتی آن کالاها خواهد شد. راه نجات این کشورها گسترش پایه تولید صادراتی به تعداد زیادی از کشورهای جهان می‌باشد. در کشور ما این امر به معنای گسترش صادرات غیرنفتی است.

۶-۲. نرخ رشد اقتصادی بالا

اقتصادهایی که ویژگی‌های ذکر شده را کسب کنند معمولاً با یک نرخ رشد بالا همراه هستند که نشانگر مقاوم بودن آنها نیز هست. این نرخ رشد سبب بالا رفتن سطح درآمدها و رفاه آحاد افراد جامعه می‌گردد و البته در نهایت می‌تواند شکاف درآمدی بین افراد جامعه را کاهش دهد.

شاید این سؤال مطرح شود که با توجه به موارد فوق چه تفاوتی بین یک اقتصاد مقاومتی با یک اقتصاد توسعه‌یافته وجود دارد. زیرا موارد گفته شده را به نحوی می‌توان در اقتصاد توسعه یافته نیز مشاهده کرد. در ادامه این موضوع بررسی می‌شود.

۳. تفاوت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد توسعه یافته

ویژگی‌های ذکر شده در بالا مشخصات یک اقتصاد سالم یا توسعه یافته را مجسم می‌سازند، در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که اقتصاد مقاومتی از چه ویژگی خاصی برخوردار است؟ پاسخ این سؤال در ارتباط با مفهوم و تعریف توسعه است. به عنوان مثال، کشور کره جنوبی از شاخص‌های اقتصادی مناسبی برخوردار بوده، اما ارتش آمریکا با ادعای دفاع در این کشور حضور پررنگی دارد. شاید عده‌ای کشور کره جنوبی را یک اقتصاد مقاوم بدانند، اما چنین تعریفی مطابق با اهداف جمهوری اسلامی نیست. در طرف دیگر کشور کره شمالی قرار دارد که هیچ نرمشی در برابر آمریکا از خود نشان نداده است، اما از وضعیت اقتصادی وخیمی رنج می‌برد. بنابراین می‌توان اقتصاد مقاومتی را اقتصادی دانست که ضمن حفظ ویژگی‌های یک اقتصاد کارآمد، از استقلال خود پاسداری می‌کند و بهای آن را هم با رضایت و افتخار می‌پردازد. یک اقتصاد با ویژگی اقتصاد مقاومتی باید تلاش کند تا نقش تأثیرگذاری در اقتصاد جهانی ایفا کند به طوری که اعمال هرگونه تحریمی علیه کشور مذکور، امنیت اقتصاد جهانی

را با مخاطره مواجه سازد. در الگوهای کلاسیکی و نئوکلاسیکی، اقتصاد توسعه‌یافته می‌تواند دارای تعامل پویا با اقتصاد جهانی باشد و مبادلات تجاری را براساس مزیت رقابتی با جامعه جهانی شکل دهد. اما وقتی شرایط تعامل با اقتصاد جهانی محدود شده باشد چه باید کرد؟ در اقتصاد مقاومتی نگاهی واقع‌گرا (و نه خوش‌بینی افراطی الگوهای نئوکلاسیکی) به جهان خارج وجود دارد و فرض نمی‌کند که کشور می‌تواند کلیه نیازهای خود مانند فناوری‌های پیشرفته را از سایر کشورها تهیه کند. از سوی دیگر کشور با بیان صحیح مواضع حق طلبانه‌اش در سطح بین‌المللی خود را از امکان ارتباطات سالم با جهان خارج محروم نمی‌سازد و احتیاجی به در پیش گرفتن سیاست پرهزینه خوداتکایی در همه زمینه‌ها ندارد. بنابراین شاخص‌های ارتباط با جهان خارج (مانند میزان سرمایه‌گذاری خارجی به کل سرمایه‌های کشور) نسبت به سایر کشورهای در حال پیشرفت، اندازه کمتری دارد.

در این راستا کشور به شکل کارآمد به متنوع‌سازی کلیه سرمایه‌های خود (اعم از انسانی، فیزیکی و اجتماعی) دست می‌زند تا آثار منفی حرکات خصمانه دشمنان را به حداقل برساند. اقتصاد مقاوم در بلندمدت اقتصادی است که در آن کشور وابستگی کمتری به یک کالای صادراتی خاص مانند نفت خام دارد. هرچند که متنوع‌سازی یا رهایی از اقتصاد تک‌محصولی ویژگی مشترک هر کشور توسعه‌یافته‌ای است، اما در اقتصاد مقاومتی این عمل با دقت بیشتر و در حوزه‌های بزرگ‌تر (با نگاه به صنایع راهبردی) رخ می‌دهد. به همین ترتیب اجرای سیاست‌های ارتقادهنده کارآیی، مانند خصوصی‌سازی با دقت بیشتری در اقتصاد مقاومتی اجرا خواهد شد تا دشمنان نتوانند از بیکاری حاصله به نفع خود بهره‌برداری کنند.

اهمیت فوق‌العاده پس‌انداز در اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند تا دولت سیاست‌های فعال‌تری را در این زمینه ایفا کند. در حوزه بازارهای مالی، توجه به ابزارهای کارآمد مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است با این حال با توجه به آنکه بازار سهام تا حد بیشتری از تحولات بین‌المللی آسیب می‌پذیرد، نقش بانک پررنگ‌تر خواهد بود، هرچند که بازار سهام نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

۴. مؤلفه‌های وضعیت جاری اقتصاد کشور

به‌منظور بررسی و انجام مطالعه در خصوص اقتصاد مقاومتی لازم است ابتدا تحلیلی از وضع موجود و فعلی اقتصاد را ترسیم کنیم تا با بررسی واقعیت‌های اقتصاد نسبت به سیاست‌هایی که باید برای گذر از شرایط بحران اقتصادی اتخاذ شود، تصمیم‌گیری شود. بررسی وضعیت موجود اقتصاد در چند بخش باید صورت گیرد. ابتدا باید شرایط فعلی کشور با موقعیت دهه اول انقلاب مقایسه شود. این مقایسه از آن جهت صورت می‌گیرد که ممکن است بسیاری از سیاست‌هایی که به‌منظور گذر از شرایط بحران اتخاذ می‌شود

به سیاست‌های دهه اول انقلاب شباهت داشته باشد، بنابراین باید توجه داشت که شرایط فعلی کشور به لحاظ موقعیت اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی و سایر موارد بسیار متفاوت از شرایط دهه اول انقلاب است. همچنین پس از بررسی این مقایسه، لازم است تا وضعیت کشور به لحاظ سایر موارد نیز مورد بررسی قرار گیرد. بررسی وضعیت درآمدهای ارزی، موجودی حساب ذخیره ارزی و یا صندوق توسعه ملی، بررسی موجودی کالاهای اساسی و میزان وابستگی به واردات در بخش‌های مختلف از جمله مواردی است که در بررسی وضعیت موجود باید مورد توجه قرار گیرد.

بررسی سیاست‌های اتخاذی دولت و سیاستگذاری‌های کلان اقتصاد از اهمیت برخوردار است. سیاست‌های ارزی و به خصوص توجه به امر ذخیره‌سازی ارزی حائز اهمیت فراوان است. همچنین بررسی پایه پولی، سیاست‌های پولی اتخاذ شده، وضعیت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و رشد آن به واسطه تسهیلات تکلیفی سال‌های اخیر و استمهال مکرر مطالبات معوق بانک‌ها از جمله مواردی است که باید مورد بررسی قرار گیرد به طوری که تصویری روشن از وضعیت فعلی کشور را ارائه دهد. برای مثال؛ روشن ساختن میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، وضعیت پایه پولی و مواردی از این قبیل، به اتخاذ تصمیمی مناسب برای سیاست‌گذاری پولی در شرایط بحران کمک می‌کند و مانع از اتخاذ تصمیم‌های آنی و فوری در جهت تزریق نقدینگی به بخش‌های مختلف می‌شود.

بررسی وضعیت منابع مالی دولت نیز در اتخاذ تصمیم برای اقتصاد مقاومتی از اهمیت برخوردار است. در حالی که یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است و از طرف دیگر استفاده از تولید داخلی در دستور کار قرار می‌گیرد، باید توجه داشت در حال حاضر چند درصد از درآمدهای دولت از طریق نفت و چه میزان از طریق مالیات تأمین می‌شود. زیرا از طرفی کاهش درآمدهای نفتی در بودجه دولت باید از طریق مالیات تأمین شود و از طرف دیگر افزایش مالیات، امکان افزایش تولیدات داخلی را محدود کرده و انگیزه برای تولید را کاهش می‌دهد.

از موارد دیگری که در بررسی وضعیت جاری اقتصاد کشور باید مورد بررسی قرار گیرد، واکاوی برخی از مهمترین مشکلات بخش‌های اقتصادی در شرایط فعلی است. بررسی این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا تا زمانی که مهمترین مشکلات بخش‌های اصلی اقتصاد احصا نشود، نمی‌توان راجع به سیاست‌گذاری در خصوص این بخش‌ها تصمیم‌گیری کرد. به‌عنوان مثال در بخش نفت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران، تا زمانی که مشکلات ناشی از تحریم‌های نفتی و پیامدهای آن در این صنعت مشخص نشود، نمی‌توان در خصوص روش‌های کاهش وابستگی به نفت و یا روش‌هایی برای کشف مشتریان جدید نفتی در بازارهای بین‌المللی پیشنهادهای ارائه کرد. همچنین بررسی مشکلات بخش صنعت

نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. به‌عنوان مثال در بخش صنعت، بررسی میزان وابستگی صنعت به واردات از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌خصوص آنکه در اقتصاد مقاومتی یکی از مؤلفه‌های اصلی، کاهش وابستگی به واردات است. سایر موارد مانند وضعیت کالاهای اساسی مورد نیاز در تولیدات صنعتی نیز دارای اهمیت هستند و باید در بررسی‌ها مورد توجه قرار گیرند. بخش کشاورزی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های کشور که تأمین‌کننده نیازهای اساسی و ضروری است نیز باید در بررسی‌ها لحاظ شود تا هرگونه تصمیمی درخصوص این بخش با درنظر گرفتن شرایط فعلی این بخش باشد.

۵. راهبردهای بلندمدت و کوتاه‌مدت در کنار سیاست‌های کلان و خرد

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دو بخش بلندمدت و کوتاه‌مدت قابل تقسیم است. اقتصاد مقاومتی بلندمدت اقتصادی را ترسیم می‌کند که هم تعامل پویا با دنیای خارج دارد و هم توانایی مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی را نیز داراست. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف‌پذیری بالایی نسبت به شوک‌های وارده داشته باشد. برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در بلندمدت باید برنامه‌ریزی‌های بلندمدت صورت گرفته و سیاست‌های اقتصادی به‌گونه‌ای اتخاذ شود تا اهداف تعیین شده، محقق شوند. در این حالت به‌نظر می‌رسد سیاست‌های کلان برای آنها ضروری است.

اما اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت، در حقیقت برای گذر از شرایط بحران طراحی می‌شود. در چنین شرایطی، ضمن توجه به چارچوب‌های اولیه علم اقتصاد و عدم تخطی از آنها، ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که تنها برای گذر از شرایط بحران بوده و در بلندمدت تطابق چندانی با مؤلفه‌های علم اقتصاد ندارند. در این میان می‌توان به دخالت دولت در برخی از بخش‌های اقتصاد نام برد. هرچند که این سیاست‌ها می‌توانند در طول سیاست‌های کلان و بلندمدت قرار گیرند، اما به‌نظر می‌رسد برای شرایط بحران، سیاست‌های کوتاه‌مدت ضروری است و با عبور از بحران، این سیاست‌ها می‌تواند در مسیر بلندمدت اقتصاد مقاومتی قرار گیرد.

۵-۱. اقتصاد مقاومتی بلندمدت و راهبردهای کلان اقتصاد مقاومتی

برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی بلندمدتاً طبیعتاً راهبردهایی باید در پیش گرفته شود که اثرگذاری آنها وسیع و همه‌جانبه باشند که در این‌صورت راهبردهای کلان را می‌طلبند. هدف‌گذاری اقتصاد در این راستا می‌تواند در قالب تبیین آنها در برنامه‌های پنج‌ساله و سیاست‌گذاری بودجه‌ای از طریق بودجه‌های سالیانه و جهت‌گیری قوانین و مقررات باشد. برخی از این راهبردها که جنبه کلان دارند به شرح زیر معرفی می‌گردد:

۱-۱-۵. خودکفایی و متنوع‌سازی اقتصاد

یکی از ویژگی‌های مشترک کشورهای درحال توسعه وابستگی به صدور یک یا چند کالای خاص (محصولات کشاورزی یا مواد معدنی) می‌باشد. هرچند که آدام اسمیت و سایر اقتصاددانان معتقد به بازار آزاد، تقسیم کار و تخصص‌گرایی را راهکار اصلی پیشرفت می‌دانند، اما تجربه نشان داده است کشورها با وابستگی شدید به صادرات یک یا چند محصول معدنی یا کشاورزی در چرخه باطل عقب‌ماندگی گرفتار آمده‌اند. پدیده‌ای که می‌توان آن را تخصص‌گرایی افراطی دانست. این مطلب در مورد کشورهای صادرکننده منابع معدنی و به‌خصوص نفت خام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا نوسانات شدید قیمتی محصولات معدنی به‌خصوص نفت، درآمدهای ارزی این کشورها را به‌شدت دچار نوسان می‌کند. در چنین شرایطی در مواقع کاهش درآمدهای ارزی جامعه برای حفظ سطح مصرفش ناگزیر به دریافت وام و کمک‌های خارجی است که باعث وابستگی شدید شده و در اقتصاد ایجاد اخلاص می‌کند. در صورت ناکامی کشور در اخذ کمک‌های خارجی نیز برنامه‌های عمرانی کشور مختل شده و سرمایه‌گذاران از ادامه فعالیت منصرف می‌شوند. ازسوی دیگر نوسانات اقتصادی مانع رشد باثبات خواهد شد، زیرا تجربه نشان داده که افزایش درآمدهای صادراتی در زمان رونق، کاهش درآمدها در زمان رکود را جبران نمی‌کند (شدیاک و دیگران، ۲۰۰۸).

به نظر شدیاک و دیگران (۲۰۰۸) حتی هنگامی که قیمت کالای صادراتی غالب (مانند نفت در ایران) بالا می‌باشد باز هم علائم موقتی بودن رونق نمایان می‌شود. بخش صادراتی کالای غالب، نیروی انسانی کمی را جذب می‌کند، بنابراین قسمت عمده نیروی کار در سایر بخش‌ها با بازدهی پایین مشغول هستند. رشد این بخش‌ها تنها نشانگر سرریزی درآمدها در بخش صادراتی یا وابستگی شدید بخش‌های اقتصادی به بخش صادراتی کالای غالب می‌باشد و هنگامی که رونق موقتی این بخش به پایان رسید، کلیه بخش‌های اقتصادی دچار رکود می‌شوند. با تقویت بیش از حد پول ملی صادرات سایر کالاها کاهش می‌یابد و قیمت زمین و مسکن به‌شدت افزایش می‌یابد. به‌نظر بعضی از اقتصاددانان در بلندمدت قیمت مواد اولیه نسبت به کالاهای صنعتی کاهش می‌یابد و به معنای آن است که کشورهای درحال توسعه با چنین الگوی صادراتی، همیشه در موضع ضعف نسبت به کشورهای توسعه‌یافته قرار خواهند داشت. متنوع‌سازی اقتصاد، شیوه‌ای کارآ برای نجات کشور از اقتصاد تک‌محصولی می‌باشد. با این حال علیرغم توافق همگانی درباره این پدیده، نگاه یکسانی در مورد به‌کار بستن عملی آن وجود ندارد.

۲-۱-۵. راهبرد جایگزینی واردات

یکی از سیاست‌هایی که به‌منظور متنوع‌سازی اقتصاد در گذشته مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت، راهبرد جایگزینی واردات است. این سیاست هرچند در ابتدا رشد اقتصادی بالایی را به همراه دارد، اما تجربه کشورهای نشان داده که در شرایطی می‌تواند آسیب جدی به بخش‌های مختلف اقتصادی وارد سازد. این راهکار برای دولت مردان کشورهای در حال توسعه هم جذاب است، زیرا ظاهراً باعث افزایش محبوبیت دولت و کنترل و اقتدار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور می‌شود. از سوی دیگر چون محدودسازی واردات از طریق وضع حقوق گمرکی صورت می‌پذیرد دولت‌ها به یک منبع درآمدی جدید دست می‌یافتند و به سادگی می‌توانستند اشتغال به‌وجود آمده در یک بخش حمایت شده را به رخ مردم بکشند. به هر حال نتایج به‌دست آمده برای مدافعین این راهکار خوشحال‌کننده نبوده است. زیرا مطابق اصول اولیه اقتصاد بین‌الملل، تحریم تجارت، رفاه کشور را پایین می‌آورد. از سوی دیگر چنانچه مواد اولیه و واسطه‌ای صنایع تازه تأسیس از کشورهای غربی وارد شوند قطع وابستگی به این کشورها در عمل رخ نداده است، به‌عبارت دیگر تنها نوع واردات از کالاهای نهایی به واسطه‌ای تغییر کرده است.

برای مثال صنایع داخلی که بدون رقیب هستند، چنان سود زیادی به‌دست می‌آورند که هیچ نیازی برای کاهش هزینه تولید و کسب رضایت مصرف‌کننده ندارند. بنگاه‌های فوق که از سمت رقابت بازار جهانی، تحت فشار قرار ندارند، به‌جای بهبود در فرآیند تولید و فروش سعی می‌کنند با استفاده از نفوذ خود در دولت و حکومت در مواقع لازم از حمایت بالاتری برخوردار شوند که راه را برای گسترش فساد هموار می‌کند.

در مقابل بحث فوق باید توجه داشت که تحریم از درون اقتصاد درخواست نشده، بلکه از بیرون اقتصاد تحمیل می‌شود، راهبرد جایگزینی واردات گریزناپذیر است. هرچند که این راهبرد مشکلاتی را نیز در پی دارد. این راهبرد را می‌توان در مدتی مشخص و محدود پیاده کرد. بنابراین می‌توان عنوان کرد که راهبرد جایگزینی واردات هرچند یک راهبرد بلندمدت به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی بوده است، اما این راهبرد با توجه به تجربه جهانی آن، می‌تواند هم برای کوتاه‌مدت و گذر از شرایط بحران مورد استفاده قرار گیرد و هم برای تقویت بخش‌های اقتصادی مستعدتر به کار گرفته شود.

۳-۱-۵. خودکفایی در بخش کشاورزی

یکی دیگر از سیاست‌هایی که ممکن است در ارتباط با متنوع‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی مطرح شود، خودکفایی در بخش کشاورزی است. باید توجه داشت که کارایی در این بخش به مراتب با اهمیت‌تر از خودکفایی است. همان‌طور که در ابتدای این بخش از

مطالعه اشاره شد، وجود یک دسته از کالاهای صادراتی غالب در کشورها، معمولاً باعث تضعیف سایر بخش‌های اقتصادی می‌شود که در این خصوص نیز آسیب‌پذیرترین بخش، بخش کشاورزی است. در ایران نیز افزایش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۳۵۰ باعث آسیب جدی به بخش کشاورزی شد و از آن تاریخ تاکنون خودکفایی در بخش کشاورزی را مشکل کرده است. هر چند که خودکفایی در این بخش در صدر برنامه‌های وزرای کشاورزی از آن زمان تاکنون قرار گرفته است.

جامعه ایرانی همواره نیاز به واردات گندم، برنج، گوشت و روغن از خارج را یک ضعف عمده تصور می‌کرد تا آنجا که لزوم خودکفایی در محصولات کشاورزی و به خصوص کالاهای استراتژیک نه تنها عمده‌ترین برنامه کاری اعلام شده توسط تمامی وزرای کشاورزی دولت‌های پس از انقلاب بود، بلکه تدوین‌کنندگان قانون اساسی نیز از همان ابتدا آن را جزء مهمترین اهداف تشکیل حکومت اسلامی عنوان کردند. در واقع نگرانی از احتمال ورود فشارهای سیاسی و خدشه‌دار شدن استقلال کشور از طریق نیازمندی به واردات کالاهای اساسی دولت مردان را واداشته که از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب توجه ویژه‌ای به خودکفایی نه تنها در کالاهای استراتژیک که در تمامی کالاهای مورد نیاز داخل داشته باشند. با این حال هزینه‌های سنگین اجرای این استراتژی، خود را در عمل نشان دادند. در این راستا وزارت کشاورزی طرحی را آماده کرد که در آن جداول خاصی برای تعیین زمان قطعی خودکفایی محصولات کشاورزی وجود داشت. البته این طرح هرگز عملی نشد، احتمالاً به علت اعلام رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه که اظهار داشته بود اجرای چنین طرحی به سرمایه‌ای حدود ۶ برابر تمامی بودجه کشور از ابتدای انقلاب تا آن زمان نیاز داشته و به هیچ وجه قابل اجرا نیست.

با این حال خودکفایی در محصولات استراتژیک کشاورزی همچنان مورد توجه بود، به نحوی که این امر در اولین برنامه توسعه کشور به تصویب مجلس رسید. در واقع از همان ابتدای پیروزی انقلاب یکی از نکاتی که مسئولین مخصوصاً در وزارت کشاورزی مطرح می‌کردند، لزوم محوریت بخش کشاورزی در توسعه بود. با این حال این هدف نه تنها در برنامه اول که در برنامه دوم نیز که رسماً اعلام شده بود محوریت آن با کشاورزی است، تحقق نیافت (زرگر، ۱۳۸۰).

در سال ۱۳۸۴ اعلام شد که ایران در تولید گندم خودکفا شده است، خودکفایی کشور در تولید گندم با انتقادات فراوانی همراه بوده است (صرف نظر از آنکه گفته می‌شود واردات گندم با اسامی دیگری مانند تأمین خوراک دام و طیور همچنان ادامه داشت). بعضی از این انتقادات عبارت است از:

- عدم توجه به مسائل اقتصادی: به عبارت دیگر خرید گندم از خارج ارزان‌تر از تولید آن در کشور است. به‌عنوان مثال در چهار ماهه اول سال ۱۳۹۰ با قیمت‌های محاسباتی آن زمان قیمت وارداتی گندم ۳۰۰ تومان بود و دولت قیمت تضمینی خرید را ۳۶۰

تومان اعلام کرد، در حالی که به نظر کارشناسان حداقل قیمت گندم براساس نرخ تورم باید ۳۸۱ تومان باشد.

- قربانی شدن تولیدات دیگر کشاورزی (جو، دانه‌های روغنی، علوفه، قند) به خاطر افزایش تولید گندم که در این حالت کشور مجبور به واردات این کالاها خواهد شد.
- نکته جالب در مسئله تولید بالاتر گندم، نبود محل کافی برای نگهداری گندم‌های تولیدی است که منجر به ضایعات بالای تولید (۳۰ درصد) می‌شود.

برخی اعتقاد دارند خودکفایی در محصولات کشاورزی با توجه به محدودیت‌های کشور ایده درستی نیست، بلکه شاخص مهم برای یک کشور تعادل تراز تجاری بخش بازرگانی است. مفاهیم خودکفایی و استقلال نسبت به گذشته دارای تغییراتی شده است. به این ترتیب که استقلال به معنای عدم واردات کالا یا نیازمند نبودن به واردات یک کالا نیست، بلکه اگر یک کشور بازارهای خرید متنوع بین‌المللی داشته باشد، قدرت چانه‌زنی بیشتری در مقابل تولیدکنندگان داشته و ریسک آسیب وارد شدن به استقلال کشور کاهش می‌یابد. همچنین با مجهز شدن کشور به زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و مصرف کارآمد کالاهای مهم می‌توان بر بسیاری از مشکلات با هزینه کمتری غلبه کرد. در این راستا نظام برنامه‌ریزی کشور باید از ظرفیت‌سازی به افزایش کارایی حرکت کند.

جمع‌بندی از موضوعات مطرح شده درخصوص دو سیاست جایگزینی واردات و خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک و به خصوص کشاورزی نشان می‌دهد که هر چند لزوم توجه به مزایای تجارت و همچنین کارایی در بخش‌های مختلف اقتصادی نقش مؤثرتری در متنوع‌سازی اقتصاد کشورها و همچنین ایران نشان داده است، اما این موضوع در شرایط خاصی می‌تواند به یک تهدید در اقتصاد نیز تبدیل شود. زمانی که ذخیره‌سازی‌ها به‌درستی انجام نگیرد بازار دچار بحران می‌شود و اگر این بحران در مورد محصولاتی باشد که خود نهاده بخش‌های دیگر محسوب شوند چالش شدیدتر خواهد شد. همچنین اگر شرایط اقتصاد بین‌الملل به‌گونه‌ای تغییر یابد که تأمین این نیازها به آسانی میسر نگردد وضعیت جایگزینی واردات توجیه‌پذیر می‌گردد. همچنین نباید از وظیفه دستگاه‌های ذیربط در بالاتر بردن بهره‌وری و بازده غافل شد. اگر این سیاست، با اصلاح بذر و اصلاح شیوه‌های زراعی همراه باشد دلیلی بر ظهور برخی پیامدهای منفی نخواهیم داشت و سیاست جایگزینی واردات، به‌خصوص در بخش کشاورزی می‌تواند زمینه صادرات این محصولات و متنوع‌سازی صادرات را نیز فراهم کند.

متنوع‌سازی صادرات می‌تواند یکی از مشکلات مهم کشور یعنی استفاده نادرست و ناکافی از تجهیزات سرمایه‌ای، را حل کند. استفاده ناقص از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد به

نوسان در تقاضا و عرضه ناکافی مواد اولیه نیز مربوط می‌شود و این مشکلات خود را به طور جدی در صنایع صادراتی نشان می‌دهند.

امروزه کشوری قدرت مانور بیشتری دارد که بتواند از طریق انجام معاملات تجاری ارز بیشتری کسب کند، خطوط تولیدی انعطاف‌پذیر داشته و در شرایط محدودیت‌های تجاری، نیاز ارزی کمتری داشته باشد. پس همه توان اقتصاد و پیکره آن می‌باید در این راستا هماهنگ گردد و حلقه‌های مختلف تولید با یکدیگر پیوند داشته باشند.

۲-۵. مؤلفه‌های بلندمدت برقراری اقتصاد مقاومتی

همانطور که اشاره شد اقتصاد مقاومتی در بلندمدت نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت و تلاش در جهت دستیابی به شاخص‌های تعیین شده دارد. از این رو ابتدا باید مؤلفه‌های بلندمدت برقراری اقتصاد مقاومتی عنوان شده و سپس مؤلفه‌های کوتاه‌مدت و خرد برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی تبیین شود. برای بلندمدت می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

- استفاده از کلیه ظرفیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و دولت برای مبارزه با شوک‌های وارده که به معنای بالا بردن توان انعطاف‌پذیری اقتصاد در بهره‌گیری از منابع می‌باشد،
- اجتناب از مصرف بی‌رویه و تمرکز بر پس‌انداز بیشتر (کاهش هزینه‌ها) به‌خصوص در بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی،
- متنوع‌سازی منابع درآمدی اقتصاد (افزایش درآمد از راه‌های دیگر)،
- پیشگیری از وارد شدن شوک به اقتصاد به دو صورت:
- استفاده از سرمایه اجتماعی کشور برای جلوگیری از پیوستن سایر کشورها به جمع تحریم‌کنندگان با استفاده از نقاط ضعف کشورهای تحریم‌کننده. با توجه به آنکه تحریم ایران و به‌خصوص تحریم نفت ایران، بسیاری از کشورهای واردکننده نفت را متضرر می‌سازد. شناخت دقیق دشمنان بالقوه و بالفعل کشور اهمیت بسیار زیادی در اقتصاد مقاومتی دارد.
- جایگزینی سرمایه انسانی با فیزیکی: تحریم‌ها در بدترین حالت ورود سرمایه خارجی و تکنولوژی را مختل می‌سازند. در چنین شرایطی کشور می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح، سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی داخلی را جانشین سرمایه از دست‌رفته سازد.
- گسترش نظام ارتباطی کشور (اعم از زیرساخت‌های حمل و نقل، خطوط تلفن و اینترنت و...) به منظور کاهش هزینه تجارت برای بخش خصوصی.

- پرهیز از وابستگی تجارت به چند کشور محدود در حوزه تجارت و متنوع‌سازی در شرکای تجاری کشور.

راهکارهای ذکر شده می‌تواند به‌عنوان راهکارهای کلی برای اقتصاد مقاومتی در بلندمدت مد نظر قرار گیرد. با این حال لازم است تا در خصوص شرایط اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت مطالعه همه‌جانبه‌ای صورت گیرد که محورهای این مطالعه از اهمیت بسیاری برخوردار هستند.

۳-۵. مؤلفه‌های کوتاه‌مدت برقراری اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت به تبیین اقتصاد در زمان تحریم و فشارهای بین‌المللی می‌پردازد تا در یک دوره کوتاه‌مدت سه تا پنج ساله بتواند بحران‌ها را با موفقیت پشت سر گذارد. در این خصوص برخی مؤلفه‌های اولیه برای مقابله با شوک‌های وارده به اقتصاد در اثر تحریم و سایر موارد را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱-۳-۵. استفاده از پتانسیل همبستگی مردم به‌منظور تحقق شعار همت مضاعف و کار مضاعف

- ایجاد رابطه بین امنیت شغلی و همت و کار مضاعف،
- همگانی شدن بیمه تأمین اجتماعی و ایجاد همبستگی بین کارگر و کارفرما.

۲-۳-۵. کنترل مصرف و تلاش در راستای تغییر الگوی مصرف

- لزوم کاهش مصرف در بخش دولتی به‌عنوان اولویت اول،
- رابطه بین هدفمند کردن یارانه‌ها و الگوی مصرف،
- رابطه بین انضباط پولی دولت و هدفمندی یارانه‌ها،
- تقویت بازارهای مالی، ایجاد مشوق‌های مالی در بورس، اوراق مشارکت و بانک‌ها به منظور سوق دادن سرمایه‌ها به سمت بازارهای مالی به‌جای مصرف بیشتر و تقویت بیمه بورس.

۳-۳-۵. استفاده از تولید داخلی

- رصد رفع مشکلات تولیدکنندگان در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات،
- سوق دادن سرمایه‌ها به سمت تولید به‌جای طرح‌های هزینه‌زا،
- تأمین مالی طرح‌ها با منابع موجود و عدم گسترش بی‌رویه طرح‌های در دست اجرا،
- ارزیابی تعداد طرح‌های مصوب، هزینه آنها و اولویت‌بندی اجرای طرح‌ها برحسب ضرورت اجرا و هزینه مورد نیاز،
- انتخاب طرح‌های مصوب با توجه به بازه زمانی کوتاه‌مدت و لزوم زودبازده بودن آنها،
- بررسی نسبت ارزش طرح‌ها به تولید و مقایسه با بودجه سالیانه،
- لزوم توجه به مشکلات بخش تولید در هدفمندی یارانه‌ها(در انتخاب طرح‌ها)،

- لزوم توجه به کارآفرینی و طرح‌های اشتغال‌زا،
- اولویت توجه به فناوری‌های نوین و شرکت‌های دانش‌بنیان

۴-۳-۵. مردمی کردن اقتصاد در راستای سیاست‌های اصل چهارم قانون اساسی

- توجه به بخش خصوصی به ویژه در انجام مبادلات به منظور دور زدن تحریم‌ها،
- نقش بخش خصوصی در نقل و انتقالات سرمایه بسیار با اهمیت است،
- توجه به رابطه بین اشتغال، امنیت شغلی و مردمی کردن اقتصاد و
- برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت‌های تولیدی داخل با تأکید بر میزان توانایی بالقوه هر بخش و اولویت دادن به بخش‌های مستعدتر.

۵-۳-۵. تأمین نیازهای اساسی از سوی دولت

- استفاده از سیاست‌های کنترل بازار در شرایط بحران،
- رصد موجودی بازار و ذخیره‌سازی نیازهای اساسی،
- بررسی چگونگی اجرای سیاست‌های توزیعی کالا برای کوتاه‌مدت،
- تمهیدات اجرایی برای تولید، واردات و توزیع آنها در جهت تأمین نیازهای تولیدی سایر بخش‌ها و نیازهای مصرفی نهایی.

این مطالعه تاکنون به جنبه‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، راهبردهای اقتصاد مقاومتی و تفاوت یک اقتصاد مقاومتی و اقتصاد سالم و توسعه‌یافته را مطرح ساخته است. با این حال همانطور که اشاره شد یک جنبه از اقتصاد مقاومتی به منظور مقابله با بحران‌های کوتاه‌مدت و گذر از شرایط بحران است. در حقیقت اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت مسیری در طول یکدیگر هستند که هر چند باید به راهبردهای اقتصاد مقاومتی در بلندمدت توجه داشت، اما لازم است تا با توجه به شرایط خاص کشور در موقعیت فعلی که افزایش تحریم‌ها را در پی دارد، توجه خاصی به راهبردهای آن در کوتاه‌مدت به منظور عبور از بحران مبذول شود.

۶. تبیین چارچوب‌های مطالعاتی برای ارائه راهبردهای عملیاتی اقتصاد مقاومتی

پس از بررسی سرفصل‌های اصلی در خصوص مطالعه اقتصاد مقاومتی، در اینجا لازم است تا جمع‌بندی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی صورت گیرد. لذا این سؤال مطرح می‌شود که سرانجام چه راهبردهای عملیاتی باید در اقتصاد ایران به اجرا گذاشته شود؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال، با توجه به موارد مطرح شده در بالا و لزوم بررسی وضعیت جاری کشور در مطالعه اقتصاد مقاومتی، می‌توان سرفصل‌های اصلی که باید مورد مطالعه قرار گیرند را عنوان کرد. به عنوان مثال برخی افراد ممکن است شرایط مقاومتی امروز اقتصاد را با

شرایط مقاومتی دوران جنگ تحمیلی مقایسه کنند و سیاست‌های مشابه را تجویز نموده و یا با استناد به دلایلی آنها را رد کنند. به نظر می‌رسد شرایط امروز با شرایط آن زمان تفاوت‌هایی کرده است و در اتخاذ سیاست‌ها باید به این تفاوت‌ها توجه کرد زیرا می‌تواند نتایج متفاوتی نسبت به آن دوران دربر داشته باشد. لذا یک محور مطالعاتی شناخت شرایط جاری کشور در مقایسه با شرایط دهه اول انقلاب در نظر گرفته شده است.

از طرفی با توجه به شرایط جاری اقتصاد باید تصمیم‌گیری شود که آیا وجود اطلاعات به روز در این زمینه ضروری است؟ مسائلی مانند وضعیت درآمد ارزی، میزان ذخایر کالاهای اساسی، وجود شرایط رانتی در اقتصاد و مقابله با آنها، نحوه تأثیر تحریم‌ها بر اشتغال و درآمد خانوارها، چالش‌های بخش‌های پولی و بانکی، بورس و... در این گروه جای می‌گیرند. از این رو پیشنهاد می‌شود در بخش‌های زیر مطالعه صورت گیرد تا هماهنگی‌ها، تفاوت‌ها و توانایی‌ها شناسایی گردد و سرانجام بتوان با تکیه بر نتایج آنها راهبردهای عملیاتی اقتصاد مقاومتی اعم از کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه کرد. لازم است تأکید شود سرعت انجام مطالعه و ارائه دستاوردها بسیار حائز اهمیت است و نباید به بهانه دقت، زمان را از دست داد. زیرا هزینه فرصت از دست رفته به مراتب بیشتر از هزینه دقت در مطالعه خواهد بود. لذا پیشنهاد می‌شود ضمن تقسیم کار بین نهادهای مسئول سقف زمانی برای ارائه نتایج در نظر گرفته شود.

۱. شناخت تفاوت شرایط جاری کشور در مقایسه با شرایط مقاومتی با دهه اول انقلاب،
 - بررسی سهم مصرف از تولید ناخالص داخلی نسبت به دهه اول انقلاب (افزایش مصرف‌گرایی)،
 - بررسی اثر افزایش درآمدهای ارزی طی سال‌های ۱۳۸۴ به بعد و تأثیر آن بر ارتقای سطح زندگی در سال‌های اخیر (ارتقای سطح زندگی در سال‌های اخیر، تلاش برای کاهش مصرف و صرفه‌جویی را دشوار می‌سازد)،
 - مقایسه وضعیت تحریم‌های بین‌المللی در زمان جاری با دهه اول انقلاب،
 - ویژگی فرهنگی افراد جامعه از بُعد ایثار و وابستگی نسبت به شرایط دهه اول انقلاب،
 - مقایسه میزان وابستگی در تأمین نهادهای اولیه بخش صنعت، کشاورزی و پزشکی.

۲. بررسی وضعیت درآمدهای ارزی،

۳. موجودی کالاهای اساسی و چگونگی ذخیره‌سازی آنها،

۴. وابستگی به واردات در بخش‌های مختلف،

۵. شرایط ایجاد رانت و فعالیتهای رانت‌جویانه به واسطه قیمت‌های دوگانه (وضعیت فعلی و شرایط دهه ۱۳۷۰)،
۶. وضعیت اشتغال، نیروی کار فعال و غیرفعال و پیش‌بینی از نیروی کار در آینده،
۷. وضعیت بخش خصوصی، اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی و چالش‌های آن،
۸. روش‌های تسریع اعمال سیاست‌های پولی و مالی و اثربخشی آنها،
- بررسی میزان شفافیت در اجرای سیاست‌های ارزی، پابندی به سیاست‌های اتخاذ شده و اثربخشی سیاست‌ها،
 - وضعیت ذخیره‌سازی ارزی با توجه به پیش‌بینی شرایط آینده،
 - سیاست‌های پولی، پایه پولی و بررسی وضعیت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، مطالبات معوق بانک‌ها، استمهال مکرر بدهی‌ها و تأثیر آنها بر بخش‌های مختلف اقتصادی،
 - ایمن‌سازی بازار بورس (اعم از اوراق بهادار و کالا و انرژی) از شوک‌های برون‌زا.
۹. بررسی منابع مالی دولت و پایداری آنها
- منابع مالی بالفعل،
 - سهم نفت در درآمدهای دولت،
 - سهم انواع مالیات (مالیات بر درآمد، سود، واردات) از درآمدهای دولت،
 - سایر درآمدهای دولت،
 - منابع مالی بالقوه برای دولت،
 - ظرفیت استفاده از درآمدهای ترانزیتی: لزوم توجه به پتانسیل‌های کشور در زمینه ترانزیت به خصوص آنکه ایران مشکلات سیاسی کمتری با کشورهای افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، قزاقستان و کشورهای آسیای میانه دارد. در این زمینه راهکار بلندمدت، تقویت جاده‌ها و راهکار کوتاه‌مدت، پرداخت تسهیلات برای ارائه خدمات ترانزیت از قبیل بیمه، دریافت حق ترانزیت پایین‌تر و... است.
 - استفاده از ظرفیتهای توریستی: ظرفیتهای توریستی کشور، هرچند در کوتاه‌مدت نمی‌تواند درآمدزایی بالایی داشته باشد ولی تلاش برای جذب توریست‌های عرب و کشورهای حاشیه خلیج فارس، توجه به ظرفیت جذب توریست از کشورهای عراق، افغانستان، بحرین و شیوه‌های جدید توریسم درمانی، می‌تواند مفید باشد.

۱۰. بررسی مشکلات بخش‌های مختلف اقتصادی:

الف: نفت

- بررسی مشکلات تولید و صادرات در بخش نفت در شرایط تحریم، مشکلات ناشی از بیمه نفتکش‌های نفتی ایران و...
- چگونگی اثرپذیری انواع درآمدهای نفتی (به تفکیک، نفت خام، پتروشیمی، میعانات گازی و محصولات پایه نفتی) به علت شرایط تحریم،
- چگونگی ذخیره‌سازی درآمدهای نفتی با توجه به افزایش احتمال وقوع جنگ در خاورمیانه،
- وضعیت مشتریان نفتی ایران، سهم هریک و شدت وابستگی آنها به نفت صادراتی کشور،
- راهکارهایی برای معرفی مشتریان جدید نفتی.

ب: صنعت و معدن

- میزان وابستگی بخش‌های مختلف صنعت به واردات،
- چگونگی ذخیره‌سازی کالاهای اساسی (اعم از موارد مصرف نهایی یا واسطه‌ای)،
- اقلام اول واردات صنعتی در ادوار گذشته و بررسی چگونگی تأمین تداوم آنها با تکمیل حلقه‌های واسطه تولید داخلی در تولیدات صنعتی و معدنی.

ج: کشاورزی

- امکان‌سنجی و چگونگی ذخیره‌سازی کالاهای اساسی مانند گندم،
- راهبردهای خرید تضمینی گندم،
- مشکلات قیمت‌گذاری خرید تضمینی گندم،
- شیوه‌های در اختیار گذاشتن دانش مهندسی کشاورزی در سطح مزارع، باغ‌ها و روستاها به منظور کاهش ضایعات و افزایش بازده.

۱۱. بررسی وضعیت متغیرهای حقیقی اقتصاد کلان (مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و...) و میزان تأثیرپذیری آنها از تحریم‌ها.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مطالعه در خصوص اقتصاد مقاومتی به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و شاخص‌های اصلی آن پرداخت. به همین منظور اقتصاد مقاومتی از دو دیدگاه بلندمدت و کوتاه‌مدت بررسی شد. در بخش بلندمدت، شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، راهبردهای آن و تفاوت یک

اقتصاد مقاومتی با اقتصاد سالم و توسعه‌یافته مورد اشاره قرار گرفت. تلاش شد تا مؤلفه‌ها و سرفصل‌های اصلی مطالعه در خصوص اقتصاد مقاومتی احصا شود. در این خصوص اشاره شد که در بررسی اقتصاد مقاومتی در گام اول باید تصویری از وضعیت جاری اقتصاد کشور ارائه شود و در گام دوم با در نظر گرفتن شرایط جاری کشور از دیدگاه اقتصادی و فرهنگی، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در نظر گرفته شده و سیاست‌گذاری در جهت اجرای اقتصاد مقاومتی صورت گیرد.

نتایج بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تا حدود زیادی با یکدیگر دارای وجه مشترک بوده و ناقص یکدیگر نیستند. اقتصاد مقاومتی در بلندمدت، تا حدود زیادی به یک اقتصاد توسعه‌یافته و سالم شباهت دارد، با این تفاوت که تهدیدهایی که از سوی جامعه جهانی وجود دارد را نیز همواره در نظر می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت نیز بر بسیاری از شاخص‌های یک اقتصاد توسعه‌یافته مانند کاهش وابستگی به نفت، تنوع در کالاهای صادراتی، کاهش بیکاری و... نیز تأکید دارد. با این حال به‌منظور عبور از شرایط بحران، در اقتصاد مقاومتی کوتاه‌مدت ممکن است سیاست‌هایی اتخاذ شود که در بلندمدت توصیه نمی‌شود. در این خصوص می‌توان به سیاست‌هایی مانند تنظیم بازار و توزیع کالا از سوی دولت اشاره کرد.

منابع و مآخذ

- دفتر مطالعات زیربنایی (۱۳۹۰)، تأثیر سیاست‌های اتخاذ شده در اجرای قوانین بر تولید و هزینه تمام شده گندم در سال ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۱۰۸۴۸.
- رجبی دوانی، محمد (۱۳۹۰)، شرایط مسلمانان در بدر و خیبر و تفاوت آن با شعب ابی‌طالب، روزنامه خراسان، مورخ چهارشنبه ۱۳۹۰/۱۰/۲۱.
- سیدشکری، خشایار (۱۳۸۰)، عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال، همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- سیدشکری، خشایار (۱۳۸۸)، آثار اقتصادی اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و سنت، مجموعه مقالات همایش ملی اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و سنت.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- R.Shediac & Others (۲۰۰۸), Economic Diversification: The Road to Sustainable Development, Booz & Company.

رویکردی به مفهوم و بایسته های جهاد اقتصادی

سید محسن علوی منش^۱

چکیده

در این مطالعه تلاش می‌شود با بهره‌گیری از فرمایشات مقام معظم رهبری و با استفاده از مفهوم جهاد و وضعیت اقتصادی کشور، به تبیین مفهوم و بایسته های جهاد اقتصادی در ایران پرداخته شود. در جمع بندی مطالب بر لزوم توجه بر ۶ محور ذیل به عنوان محورهای اصلی جهاد اقتصادی تأکید می‌شود:

۱. تبیین فرهنگ اقتصادی یک انسان مسلمان و اشاعه آن در جامعه.
۲. ایجاد اعتماد برای بخش خصوصی،
۳. طراحی طرح جهاد اقتصادی،
۴. تهیه بسته توانمندسازی مردم و بسته توانمندسازی بخش خصوصی،
۵. طراحی استراتژیک روابط اقتصادی و سیاسی بلندمدت کشور با سایر کشورها،
۶. شناسایی و تحت پوشش قراردادن جمعیت فقیر کشور.

واژگان کلیدی

جهاد اقتصادی، خصوصی سازی، تحریم، فقر، روابط اقتصادی

۱- این مقاله در دفتر اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین شده است.

مقدمه

انتخاب نام برای سال، پس از گذشت تقریباً دو دهه از تولد انقلاب، به یک سنت جاافتاده و سبک ویژه‌ای از آغاز سال تبدیل شده است. این امر پدیده‌ای چند وجهی محسوب می‌شود که از یک طرف با فرهنگ عمومی و ارتباطات اجتماعی و از طرف دیگر با اداره کشور و اولویت‌های سیاست‌گذاری ملی و بین‌المللی کشور مرتبط است. اگرچه «شعار سال» همواره مطمح نظر و مورد توجه عموم و نیز نخبگان جامعه بوده است، ولی در سال‌های اخیر به دلیل برجسته شدن نقش رهبری انقلاب در راهبری و ساماندهی عمومی کشور خصوصاً در مواقع بحرانی و نیز به دلیل پیچیده شدن تحولات و مناسبات و به تبع ارتقای وجود خلاقانه و جذاب شعارهای سال، پیش از پیش جدی گرفته می‌شود. در این میان نوع مواجهه با شعارهای سال در تجربه حداقل بیست ساله گذشته اندوخته تجربی و نظری فربهی را برای پرداخت دقیق‌تر و تعامل صحیح‌تر با شعارهای سال‌های جدید فراهم آورده است.

هرچند کارکرد شعار سال نه تنها ناظر به سال پیش رو، بلکه ناظر به دهه آینده یا حتی ناظر به روند نضج تمدن اسلامی یا آینده انقلاب اسلامی است، اما این امر نباید منجر به غفلت از نتایج ملموس، واقعی و زودبازده در آن سال شود. اصولاً «شعار سال» برآمده از برداشت‌های عمومی رهبر انقلاب از مناسبات جاری کشور و انقلاب اسلامی است که با هدف تقویت موردی بخش یا رفتار یا روندی خاص طراحی شده و در نتیجه نمی‌تواند و نباید جای چیزی مثل «چشم‌انداز بیست ساله» یا «برنامه‌های توسعه» و ... را بگیرد.

قابل ذکر است که «شعار»، «برنامه» نیست، بلکه الفا و ایجاد نوعی گفتمان برای سرعت دادن به برخی روندها و یا کاستن از شتاب برخی حرکت‌ها و رفتارها و رویه‌ها در مقاطع زمانی کوتاه مدت است. در نهایت اینکه «شعارسال» متولی ایجاد «اقتضائات» حرکت و پیشرفت کشور نیست، بلکه جهت‌گیری اصلی آن «رفع موانعی» است که بنا بر موقعیت‌های مختلف زمانی در پیش پای حرکت عمومی کشور وجود دارد، هرچند که وجوهی اقتضائی نیز می‌تواند در شعار سال مستتر باشد.

با وجود آنکه، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی فرهنگ محور است و همه مسائل اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... نظام باید در راستای اعتلای فرهنگی و تلاش در رساندن انسان‌ها به کمال خود باشند، اما به نظر می‌رسد اساسی‌ترین، با اهمیت‌ترین و فوری‌ترین مسئله کشور در این سال‌ها مسائل اقتصادی عنوان باشد. همچنین می‌توان تأثیرات بالای مسائل اقتصادی بر مسائل فرهنگی که در روایات متعدد معصومین بر آن توجه شده و نامناسب بودن وضعیت اقتصادی کشور (حداقل نسبت به سایر حوزه‌ها) نسبت به اهداف

اقتصادی نظام را مبنای این نامگذاری‌ها دانست. در ادامه پس از مرور مفهوم جهاد اقتصادی از دیدگاه رهبری، به مفاهیم و اقدامات متصور از «جهاد اقتصادی» پرداخته می‌شود.

۱. جهاد اقتصادی در فرمایشات رهبری

بیانات مقام معظم رهبری در مورد جهاد اقتصادی را می‌توان در ۶ موضوع اصلی زیر

دسته بندی کرد:

۱. مسائل اقتصادی به عنوان اساسی ترین، مهمترین و فوری ترین مسئله فعلی کشور،
۲. معنای جهاد اقتصادی،
۳. مصادیق جهاد اقتصادی،
۴. مفاهیم مورد تأکید در جهاد اقتصادی،
۵. الزامات و پیش نیازهای جهاد اقتصادی،
۶. شاخص های اصلی جهاد اقتصادی،

۱-۱. مسائل اقتصادی به عنوان اساسی ترین، مهمترین و فوری ترین مسئله فعلی کشور

مقام معظم رهبری علاوه بر پیام نوروزی سال ۱۳۹۰، در روز اول فروردین همان سال در بارگاه رضوی نیز به این مسئله اشاره داشتند که: «اگرچه در کشور کارهای اساسی و ضروری باید انجام شود، اما صاحب نظران معتقدند یکی از مسائل دارای فوریت و اهمیت بیشتر در این برهه از زمان، مسائل اقتصادی و حرکت جهادگونه در این عرصه است»^۲. رهبری دو دلیل در مورت علت اهمیت و فوریت بیشتر مسائل اقتصادی نسبت به سایر امور در برهه زمانی کنونی را آن می‌دانند که اولاً «از جمله اساسی ترین کارهای دشمنان ملت ما و کشور ما در مقابله با کشور ما مسائل اقتصادی است»^۳ و ثانیاً «اگر نظام اسلامی توانایی خود را در حل مشکلات اقتصادی به دنیا و همه ملت‌ها نشان دهد، این موضوع در پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت»^۴.

۱-۲. معنای جهاد اقتصادی

در سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای، می‌توان از سه تعبیر برای درک مفهوم جهاد اقتصادی از منظر ایشان استفاده کرد. معظم له در یکی از دیدارهای خود، با ذکر تفاوت جهاد اقتصادی با تلاش اقتصادی به روشن کردن مفهوم این جهاد کمک می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «تفاوت جهاد اقتصادی با تلاش اقتصادی این است که جهاد اقتصادی، باتوجه به حضور دشمن در عرصه مقابله با پیشرفت کشور و ملت معنا پیدا می‌کند»^۵. در بخش دیگری از فرمایشات

۲- بیانات رهبری در جمع زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علی ابن موسی الرضا(ع) در تاریخ ۹۰/۱/۱.

۳- پیام نوروزی سال ۱۳۹۰ رهبر معظم انقلاب اسلامی.

۴- بیانات رهبری در جمع زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علی ابن موسی الرضا(ع) در تاریخ ۹۰/۱/۱.

۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مهندسان و کارگران صنعت نفت در منطقه پارس جنوبی در تاریخ ۹۰/۱/۱۸.

رهبری بر تفاوت نیت در جهاد اقتصادی تأکید کرده اند و کاری که «با نیت اعتلای اسلام و کلمه حق و افزایش عزت و پیشرفت ملت ایران»^۴ انجام شود را جهاد اقتصادی دانسته اند. همچنین می توان مفهوم جهاد اقتصادی از منظر رهبری را «حرکت جهشی» و در مقابل «حرکت طبیعی» دانست. ایشان بیان می دارند که در عرصه اقتصادی «حرکت طبیعی کافی نیست، باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم»^۵. در نتیجه سه مولفه «وجود دشمن»، «نیت» و «حرکت جهشی، فراتر از حرکت طبیعی» را می توان مولفه های مقوم تعبیر ایشان از «جهاد اقتصادی» دانست. بنابراین جهاد اقتصادی حرکتی جهشی با نیت اعتلای اسلام و افزایش عزت و پیشرفت ملت ایران در عرصه ای است که دشمن در مقابله با پیشرفت کشور و ملت حضور دارد.

۳-۱. مصادیق جهاد اقتصادی

مقام معظم رهبری برای تبیین بهتر منظورشان از جهاد اقتصادی به ذکر مصادیقی از این جهاد اشاره کرده اند که می توان موارد ذیل را به عنوان مصادیق صریح و ضمنی فرمایشات ایشان برشمرد:

- مصرف درست و پرهیز از اسراف و تبذیر،
- ایجاد فرهنگ کار و تلاش و تعلیم این فرهنگ کارگشا به جوانان،
- حرکت در جهت پیشرفت و عدالت،
- تلاش بی وقفه برای حل مشکلات و رفع نیازهای مردم،
- ارتقای سهم بهره وری در رشد اقتصادی کشور،
- کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال،
- افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی،
- توانمندسازی بخش خصوصی با ایجاد تعاونی ها،
- آماده سازی زیرساخت های حقوقی و قانونی،
- مشارکت مستقیم مردم در اقتصاد.

۴-۱. مفاهیم مورد تأکید در جهاد اقتصادی

رهبر معظم انقلاب در جهاد اقتصادی بر برخی مفاهیم تأکید داشته اند که به موارد ذیل اشاره کرد:

- سهمیم بودن آحاد مردم و مسئولان در جهاد،
- اتکای به تولید دانش بنیان،
- تکیه بر استعداد نسل جوان،

۶- همان.

۷- پیام نوروزی سال ۱۳۹۰ رهبر انقلاب اسلامی.

- احساس بی‌نیازی به بیگانگان،
- یاری جستن از اراده مردم،
- دادن اطلاعات به مردم در زمینه اقتصادی،
- توانمندسازی مردم در مشارکت مستقیم آنها در اقتصاد،
- تکیه بر نیروی انسانی با استعداد، علاقه مند و توانا به عنوان سرمایه عظیم و اصلی کشور،
- تکیه بر سرمایه روحیه «احساس توانایی».

همانگونه که مشاهده می‌شود آگاه‌سازی و توانمندسازی مردم، استفاده از استعداد، اراده و حس توانایی آنها و مشارکت مستقیم و حضور مردم در جهاد اقتصادی از اصلی‌ترین تأکیدات فرآیند جهاد اقتصادی از دید رهبری است.

۱-۵. الزامات و پیش‌نیازهای جهاد اقتصادی

رهبر انقلاب در مورد الزامات و پیش‌نیازهای جهاد اقتصادی، به برخی موارد زیر اشاره کرده‌اند:

- داشتن روحیه جهادی،
- استحکام تدین و معنویت در جامعه،
- پرهیز از مسائل حاشیه‌ای و حاشیه‌سازی‌ها،
- اتحاد کلمه، همدلی، همکاری و احساس برادری و مجاهدت عمومی.

ایشان در مورد اتحاد کلمه و وحدت بر لزوم حفظ اتحاد و انسجام ملی در میان مردم، مردم و مسئولان و در میان مسئولان تأکید کرده و با هشدار جدی به مسئولان سه قوه در خصوص طرح گلایه‌ها از یکدیگر در سطح افکار عمومی، این نحوه گله‌گذاری را موجب ناراحتی و یأس مردم دانسته‌اند.

۱-۶. شاخص اصلی جهاد اقتصادی

مقام معظم رهبری شاخص اصلی در حرکت اقتصادی را رشد اقتصادی پیش‌بینی شده در برنامه پنجم توسعه دانستند.^۸

۲. مفاهیم و اقدامات متصور از جهاد اقتصادی

مفهوم جهاد زمانی معنا پیدا می‌کند که ما بخواهیم به هدفی دست یابیم و دشمن تلاش کند تا از دست یابی ما به آن هدف جلوگیری کند. در جهاد نظامی نیز می‌توان عنصر هدف را ملاحظه کرد. یعنی ما تلاش می‌کنیم تا با پیروی از قوانین اسلامی در زندگی فردی

۸- بیانات رهبری در جمع زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علی ابن موسی الرضا(ع) در تاریخ ۹۰/۱/۱.

و اجتماعی خود به کمال دست یابیم و دشمن می خواهد با غلبه بر ما یا جامعه ما هنجارها و منافع مورد نظر خود را حاکم سازد. در جهاد ابتدایی نیز هدف ما آن است که دیگر انسانها را به دین فراخوانده و موانع آشنایی مردم سایر کشورها را از دستیابی به اسلام مرتفع کنیم و دشمن مانع از هدف ما می شود. بنابراین مشاهده می شود که در جهاد عنصر هدف، اصلی ترین مشخصه است. دشمن تلاش می کند تا با بهره گیری و تشدید موانع موجود در راه هدف ما یا ایجاد موانع جدید دستیابی ما به هدف را ناممکن سازد. بنابراین وقتی می خواهیم به موضوع جهاد اقتصادی پردازیم ابتدا باید هدف خود از این جهاد را مشخص کنیم. در این صورت در خواهیم یافت که برای رسیدن به این هدف با چه موانعی مواجه هستیم و دشمنان ما در این عرصه چه کسانی بوده و از چه ابزارهایی ممکن است در مقابل ما بهره ببرند. مواردی مانند نیت جهادگر، نیروهای جهادگر، ابزار جنگ، طرح و نقشه جهاد و ستون پنجم نیز از نکات قابل تأمل در این زمینه است که در ادامه به هریک از این موارد می پردازیم.

۱-۲. هدف جهاد اقتصادی

انسان هرکاری را برای دستیابی به هدفی انجام می دهد. جهاد جزء اعمالی است که با توجه به تلاش و هزینه های بالای آن، هدف مشخص تری دارد. همچنین باید توجه داشت که هرچقدر هدف برای انسان مشخص تر و مهم تر باشد انگیزه و تلاش در آن راستا فزونی می گیرد. در مورد هدف جهاد اقتصادی می توان به اهداف اقتصادی از دیدگاه اسلام پرداخت. براساس دیدگاه اسلامی همانگونه که در مقدمه قانون اساسی کشور نیز بیان شده اقتصاد وسیله کسب معارف دینی، و عمل به آنها برای آن است که انسان بتواند از نظر جسمی و روحی آمادگی کسب معارف دینی و عمل به آنها را برای رسیدن به کمال انسانی اش به دست آورد. از این رو است که در روایات ما با وجود رد هدف بودن دنیا و تأکید بر «دنی بودن» آن، به این مسئله اشاره شده که دنیا بهترین وسیله برای آخرت است^۹. از روایات فراوانی نیز که در مورد نکوهش فقر ذکر شده است نیز می توان اهمیت داشتن وضعیت مناسب اقتصادی برای تمام آحاد جامعه را از دیدگاه اسلام مورد شناسایی قرار داد.

بنابراین اهداف اقتصادی اسلام تأکید بر تأمین نیازهای جسمی و روانی در راستای کمال معنوی است. بدین ترتیب، مبارزاتی که در اسلام با پدیده های اقتصادی مانند فقر، زراندوزی، اسراف، تبذیر، رباخواری و ... وجود دارد را می توان مبارزه با موانع دستیابی به اهداف اقتصادی اسلام و از مصادیق جهاد اقتصادی دانست. از سوی دیگر هدف جهاد اقتصادی در کشور را می توان دستیابی به اهداف اقتصادی قانون اساسی، سند چشم انداز و برنامه های توسعه دانست.

۹- الدنيا نعم العون علی الاخرة.

۱-۲. هدف جهاد اقتصادی از منظر قانون اساسی

اصول دوم، سوم، بیست و هشتم، بیست و نهم، سی ام، سی و یکم و چهل و سوم قانون اساسی بر برخی اهداف اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد که از جمله آنها می توان به برقراری «قسط، عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی»، «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان، تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی»، «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه»، «تأمین خودکفایی در علوم، فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها» و ... اشاره کرد.

۱-۲. هدف جهاد اقتصادی از منظر سند چشم انداز بیست ساله

براساس سند چشم انداز، ایران در چشم انداز بیست ساله، کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل. بدین ترتیب مهمترین ویژگی های اقتصادی جامعه ایرانی در افق چشم انداز یعنی اهداف و بایسته های اقتصادی کشور در آن افق زمانی چنین خواهد بود:

- توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی،
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی،
- برخوردار از سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی، فرصت های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب،
- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

۱-۲. هدف جهاد اقتصادی از منظر سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه

سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری که در ذیل آمده است می توان جزء اهداف جهاد اقتصادی برشمرد:

الف) رشد مناسب اقتصادی با تأکید بر:

- تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸ درصد،
- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه های زاینده اقتصادی» و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول و برنامه پنجم و برنامه ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین دستی وابسته به آن،
- اصلاح ساختار نظام بانکی با اجرای کامل و روزآمد قانون بانکداری بدون ربا و نهادینه کردن نظام قرض الحسنه، تأمین اعتبارات خرد و اعتبارات لازم برای سرمایه گذاری های بزرگ،
- ارتقای کمی و کیفی بازارهای مالی با تأکید بر کارایی، شفافیت و سلامت،
- تحقق سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی،
- توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست محیطی آب با تسریع در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن و مهار آب هایی که از کشور خارج می شود با اولویت استفاده از منابع آب های مشترک،
- سرمایه گذاری در استحصال و استخراج گاز و نفت و معادن مشترک با کشورهای همسایه با رعایت سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی،
- حفظ ذخایر راهبردی ارزی به مقداری که اطمینان از تأمین نیازهای اساسی کشور در مدت معین حاصل شود،
- تأکید بر توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا به نحوی که کسری تراز بازرگانی بدون نفت کاهش یافته و توازن در تجارت خدمات ایجاد شود،
- گسترش همکاری ها با کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا در بخش های تجارت، سرمایه گذاری و فناوری،
- ارتقاء و هماهنگی میان اهداف توسعه ای مانند آموزش، بهداشت و اشتغال به طوری که در پایان برنامه پنجم، شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا برسد.

ب) گسترش عدالت اجتماعی با:

- تنظیم همه فعالیت های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد،
- اقدامات لازم برای جبران عقب ماندگی حاصل از دوران تاریخی گذشته با تأکید بر:

- ارتقای سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان با تهیه طرح‌های توسعه روستایی، گسترش کشاورزی صنعتی، صنایع روستایی و خدمات نوین و اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی،
 - گسترش فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی و سواحل جنوبی و جزایر با استفاده از ظرفیت‌های بازرگانی خارجی کشور،
 - کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه به طوری که ضریب جینی به حداکثر ۳۵ درصد در پایان برنامه برسد،
 - انجام اقدامات ضروری برای رساندن نرخ بیکاری در کشور به ۷ درصد،
 - تأمین بیمه فراگیر و کارآمد و گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی و خدمات بیمه درمانی،
 - توسعه نظام‌های پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی،
 - حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار،
 - توسعه بخش تعاون با هدف توانمندسازی اقشار متوسط و کم درآمد جامعه به نحوی که تا پایان برنامه پنجم سهم تعاون به ۲۵ درصد برسد.
- بنابراین، اهداف جهاد اقتصادی در سه سند بالادستی فوق‌الذکر (قانون اساسی و دو سند ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری) بیان شده است.

۲-۲. وجود دشمن

می‌توان دشمن اقتصادی را موجود یا موجودات ذی‌شعوری دانست که مانع از دستیابی فرد مسلمان یا جامعه اسلامی به اهداف اقتصادی آن می‌شوند. می‌توان دو گونه دشمن را در باب جهاد اقتصادی متصور شد. یکی دشمن بین‌المللی و دیگری دشمن داخلی. در مورد دشمن بین‌المللی باید به این نکته اشاره کرد که امروزه در مولفه‌های قدرت بین‌المللی، قدرت اقتصادی به اصلی‌ترین مولفه تبدیل و تا حدی جایگزین قدرت نظامی شده است. به عبارت دیگر کشوری توانایی بیشتری در تأثیرگذاری بر کشورهای دیگر و تأثیر پذیری کمتر دارد که توان اقتصادی بالاتری داشته باشد. دشمنان بین‌المللی تلاش می‌کنند تا مانع از دستیابی کشور به اهدافش شوند که ظهور مشخص این گونه دشمنان در مسئله «تحریم اقتصادی» است. البته به نظر می‌رسد بهتر است به جای آنکه کشورهای تحریم‌کننده در عرصه اقتصاد را دشمن بدانیم باید خود «مسئله تحریم» را به عنوان دشمنی تلقی کنیم. بدین ترتیب بخشی از جهاد اقتصادی در راه مبارزه با تحریم اقتصادی باید صورت گیرد. تحریم اقتصادی را تدابیری نظیر محاصره محدود یا کامل اقتصادی به منظور وارد کردن فشار اقتصادی بر یک دولت و اجبار آن کشور به پذیرفتن شرایط مورد نظر بیان می‌کنند. این نوع

تحریم شامل ممنوعیت تجاری و مالی است. از محدودیت های تجاری می توان به تهیه لیست سیاهی از معاملات تجاری در حال انجام توسط کشور هدف و از ممنوعیت های مالی می توان به ایجاد اختلال در گشایش اعتبار اسنادی برای تجارت کشور و بلوکه کردن دارایی های خارجی کشور اشاره کرد.

تحریم اقتصادی موجب اختلال و افزایش هزینه های فعالیت فعالان اقتصادی و در نتیجه مردم کشور می شود. در این راستا باید، همانند سال ۱۳۸۹ شناخت ابعاد تحریم اقتصادی و راه های مقابله با آن را مورد مذاقه قرار داده و تلاش های مضاعفی برای رفع تحریم، کاهش آثار سوء و حمایت از آسیب دیدگان مستقیم آن صورت داد.

رویکرد دیگر را می توان نه دشمنی، بلکه رقابت بدانیم. رقابت و دشمنی، با وجود شباهت ها، با یکدیگر متفاوتند. در دشمنی فرد به دنبال نابودی و خسارت زدن به دشمن بوده و دشمن نیز همین برخورد را با وی داشته و برای این خصومت حد و مرزی وجود ندارد، اما در رقابت هدف دو یا چند گروه رقیب دستیابی به یک هدف است که امکان دستیابی همزمان رقبا به آن هدف وجود ندارد و در نتیجه در دستیابی به آن هدف میان آن دو یا چند گروه نوعی تعارض و تراحم رخ می دهد. رقابت برخلاف دشمنی دارای حد و مرز و قوانین مشخص است. همچنین رقابت موجب ارتقای آمادگی گروه های رقیب و ایجاد آثار مثبت برای همه آنها نیز می شود. می توان رقابت اقتصادی ایران با سایر کشورها خصوصاً کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دستیابی به جایگاه اول اقتصادی منطقه را که جزء اصلی ترین اهداف چشم انداز ذکر شده را به عنوان یکی از جهادهای اقتصادی دانسته و رقبا ما را نیز کشورهای منطقه بدانیم.

یکی از الزامات مهم جهاد اقتصادی در عرصه بین الملل که کشور ما از فقدان آن به شدت رنج می برد، عدم مشخص بودن استراتژی روابط بین الملل اقتصادی ایران و حد و مرز و نحوه گستره تعامل اقتصادی کشور با سایر کشورهای جهان است. یکی از دلایل این امر که موجب عدم استفاده ایران از فضای اقتصاد بین المللی نیز شده است، عدم تبیین استراتژی روابط سیاسی ایران و نیز عدم تبیین ارتباط میان روابط بین الملل سیاسی و اقتصادی کشور با یکدیگر است.

باید به این مسئله توجه شود که از نکات افتراق جهاد اقتصادی با جهاد نظامی آن است که در جهاد اقتصادی باید از روابط اقتصادی با کشورهای دیگر، تقسیم کار بین المللی و همکاری های اقتصادی و فنی بهره برد. با برخورد اقتضایی و عدم ثبات روابط سیاسی نمی توان روابط اقتصادی را بر پایه اطمینان بخشی بنا کرد و بدین ترتیب از فضای بین المللی نمی توان در شکوفایی کشور و دستیابی به اهداف اقتصادی بهره برد. توجه به مفاهیم دینی موجود در

نحوره ارتباط با سایر اقوام و حکومت‌ها نشان می‌دهد که همان‌گونه که در اسلام بر قاعده نفی سبیل تأکید شده، بر لزوم متعهد ماندن بر میثاق‌ها با گروه‌های غیر مسلمان طرف معاهده^{۱۰} نیز توجه شده است. بدین ترتیب، با تعیین کشورهای که با ما دشمنی ندارند به عنوان همکار اقتصادی و با جلب اعتماد آنها از طریق روشن بودن روابط و قواعد بلندمدت سیاسی و تأکید ایران بر پایبندی بر میثاق‌های اقتصادی به جهاد اقتصادی پرداخت. همچنین باید معنای مفاهیمی مانند «خودکفایی» و «استقلال اقتصادی» به طور کامل مشخص شود تا به دلیل سوء تعبیرها و جهالت‌ها فرصت جهاد اقتصادی به تهدید بدل نشود.

اما علاوه بر دشمنان در جبهه بین‌المللی، می‌توان موانع داخلی دست‌یابی به اهداف اقتصادی جامعه را فقر، اختلاف طبقاتی، تورم، بیکاری، فساد و ... دانست و بالطبع کسانی که مانع از حل این مشکلات شده و به دلیل نفع شخصی یا نادانی در مقابل این حرکت می‌ایستند را باید جزء دشمنان عرصه جهاد اقتصادی برشمرد و با آنها مبارزه عالمانه صورت گیرد. رنج بردن بخش زیادی از جامعه کنونی کشور از پدیده فقر و توجه به آثار و پیامدهای منفی آن از ضرورت‌های جهاد اقتصادی در این حوزه است. شاید یکی از اصلی‌ترین حوزه‌ها در جهاد اقتصادی با دشمنان داخلی مسئله فساد اقتصادی باشد که با توجه به تأکید و بیانیه هشت ماده‌ای رهبر انقلاب و تبلیغات متعدد کاندیداهای مجلس و ریاست جمهوری، وجود ستاد مبارزه با آن و مواردی از این دست، متأسفانه در اکثر موارد در حد شعار باقی مانده و مسئولان نتوانسته‌اند انتظارات رهبری و مردم در این حوزه را حتی به شکل حداقلی برآورده کنند. عدم توجه به الزامات جهاد اقتصادی در این حوزه موجب تضعیف سرمایه اجتماعی در کشور به خصوص کاهش اطمینان مردم به حاکمیت خواهد شد.

۳-۲. نیت مقدس

جهاد به عنوان یکی از فروعات دین و عبادات اسلامی باید با نیت تقرب الهی انجام شود. نیت جهاد اقتصادی نیز می‌تواند بهبود وضعیت اقتصادی فرد و جامعه در راستای تکامل روحی آنها باشد. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند هر تلاشی در راستای اعتلای کلمه حق، عزت و پیشرفت ایران به عنوان ام‌القری اسلام را نیز می‌تواند جهاد دانست.

در اندیشه دینی ما تلاش برای تأمین معاش خانواده جهاد محسوب می‌شود و اگر در حین این تلاش جان دهد، شهید محسوب می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد یکی از مهمترین جهادهای اقتصادی کشور می‌تواند تبیین فرهنگ اقتصادی اسلامی و تغییر نگاه مردم و مسئولان به پدیده‌های اقتصادی باشد. تبیین و اشاعه این فرهنگ در میان مردم و مسئولان که «تلاش برای کسب معیشت جهاد است، مال و سرمایه از نظر اسلام دارای ارزش و موضع قوامی است و

۱۰- سوره انفال، آیه ۷۲.

باید به درستی مصرف شود، با ارزش بودن تولید، لزوم مبارزه با فقر، مصرف در حد کفاف و ... می تواند نوعی جهاد اقتصادی محسوب شده که شرایط را برای حرکت جهادی جامعه فراهم می کند. همچنین توجه دادن به تمایز میان نگاه یک انسان مسلمان به امور اقتصادی با نگاه یک انسان غیر مسلمان و بیان این مسئله که در اندیشه اقتصادی اسلام تلاش اقتصادی در راستای حرکت معنوی و رسیدن انسان به کمالش صورت می گیرد، مهم است.

۲-۴. نیروهای جهادگر

در جهاد اقتصادی سه نیروی جهادگر متفاوت را باید در نظر گرفت که عبارتند از مسئولان، مردم و فعالان اقتصادی.

۱-۲-۴. مسئولان

مسئولان باید طراحان جهاد اقتصادی بوده و با مشخص کردن طرح جهاد و زمینه ی آن، فضا را برای جهاد سایر نیروها فراهم و جهاد را هدایت کنند. جهاد اقتصادی بدون طرح مشخص پیش نمی رود. بنابراین ابتدا باید مسئولان کشور به تبیین وظیفه مردم در این جهاد بپردازند. زیرا مردم ما در هر عرصه که وظیفه خود را شناخته اند با جدیت و ایثار فراوان در آن شرکت کرده اند.

با توجه به اینکه انسان به شکل ذاتی و غریزی به دنبال منافع اقتصادی خود است، می توان با تهییج و تشویق، او را به تلاش اقتصادی وادار کرد. به عبارت دیگر تشویق برای این جهاد ساده تر از جهاد در عرصه های دیگر است. البته اولاً تفاوت تشویق به جهاد اقتصادی با تهییج برای تلاش اقتصادی در این است که در تهییج تنها بر دست یابی به منفعت شخصی تأکید شده اما در جهاد اقتصادی به افراد یادآوری می شود که اولاً منفعت شخصی در راستای اهداف کمال روحی انسان است و ثانیاً ممکن است اشخاص برخلاف منفعت شخصی خود رفتار کرده و ایثار کنند. به عبارت دیگر، می توان از برتری منافع ملی بر منافع شخصی در جهاد اقتصادی به عنوان یکی از نقاط افتراق جهاد اقتصادی در کشور مسلمان ایران با تلاش های اقتصادی در کشورهای غیرمسلمان نام برد.

۳-۲-۴. فعالان اقتصادی

زمانی می توان امید داشت که بسیج اقتصادی در بین فعالان اقتصادی صورت گیرد که فعالان اقتصادی به فرماندهی و طرح مسئولان برای جهاد اقتصادی باور داشته باشند. به دلیل سوء مدیریت در نظام اقتصادی کشور، فعالان اقتصادی نمی توانند طرح های اقتصادی خود را ارزیابی کنند و این امر منجر به کاهش سرمایه گذاری و عدم توسعه فعالیت اقتصادی

می‌شود. متأسفانه در حوزه اقتصادی کشور متغیرها، پیش‌بینی‌پذیری کمی دارند. به عنوان نمونه، در مواقعی مسئله بالابردن نرخ ارز مطرح می‌شود و هر آن ممکن است این امر با یک دستور حکومتی صورت گیرد. تغییر نرخ ارز بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را از صرفه اقتصادی انداخته یا موجب صرفه بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی دیگر شود. با وجود آن که از برنامه سوم توسعه دولت توانسته است نرخ ارز را تثبیت کند و در گزارش‌های خود نیز تعیین نرخ ارز را بر مبنای عرضه و تقاضا ذکر کرده است، اما در واقع تعیین نرخ ارز بیش از حد مدیریت شده است و می‌توان آن را «دستوری» خواند. نرخ‌های تعرفه نیز که برای آنها کف و سقفی وجود نداشته و با نوسانات مختلف همراه بوده و قابل پیش‌بینی نیستند، نیز از دیگر مسائلی است که منجر به عدم اعتماد فعالان اقتصادی به سیاست‌های حکومت و فرماندهی جهاد می‌شود. یکی از نکاتی که بر نگرانی فعالان اقتصادی افزوده مسئله هدف‌مندی یارانه‌ها است. نامشخص بودن بسته‌های حمایتی آن به ویژه نامشخص بودن بسته حمایتی قیمت‌گذاری، واحدهای صنعتی را نسبت به آینده به شدت نگران کرده و بیم آن می‌رود که برای جلوگیری از تورم ناشی از هدف‌مندی یارانه‌ها، اقتصاد کشور به رکود کشانده شود.

از عوامل دیگری که مانع از بسیج فعالان اقتصادی در عرصه جهاد اقتصادی می‌شود، نامناسب بودن فضای کسب و کار است. فضای کسب و کار کشور به دلیل وجود فساد، رانت و انحصار نابسامان است. براساس مطالعات انجام شده، انحصار عامل بازدارنده در فضای کسب و کار در ایران است. با وجود تصویب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری، هنوز نقاط ضعف زیادی در این رابطه وجود دارد. به عنوان نمونه می‌توان به سهم بالای نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد کشور اشاره کرد که متأسفانه این سهم بالا با توجه به شیوه کنونی خصوصی‌سازی در حال افزایش است. با وجود آنکه در ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بر کاهش سهم اینگونه نهادها تأکید شده، اما هنوز نهادهای عمومی غیردولتی و موسسات وابسته به آنها به درستی احصا نشده و با وجود الزام وزارت امور اقتصادی و دارایی مبنی بر انتشار گزارش‌های اجرای این قانون هر ۶ ماه یک بار، هنوز در هیچ گزارش انتشار یافته‌ای سهم این نهادها از بازار کالا و خدمات مختلف مشخص نشده است. شفاف‌سازی میزان مالکیت این نهادها اولین مرحله جهاد اقتصادی در این راستا است. زیرا پس از این مرحله، باید سهم این نهادها به کمتر از ۴۰ درصد کاهش یابد که مکانیسم انجام آن هنوز نامشخص و در اجرا نیز هنوز عملکردی در مورد آن وجود ندارد.

۵-۲. ابزارهای جهاد

هرکدام از نیروهای جهادگر دارای ابزارهای خاص در جهاد اقتصادی هستند. مسئولین با سیاست گذاری مناسب، مردم با درک وظایف خود و تلاش مضاعف در مواردی مانند اصلاح الگوی مصرف و فعالان اقتصادی با اجرای طرح های جهادی و انجام سرمایه گذاری های مولد.

همچنین باید توجه داشت که بسیج اقتصادی مردم نیاز به ابزارهای لازم دارد. توجه به تعریف فرد بیکار به عنوان شخصی که توانایی انجام کار دارد و مایل به انجام کار است، اما کاری برای وی وجود ندارد و نیز عنایت به نرخ بالای بیکاری کشور نشان می دهد که در جهاد اقتصادی نیروهایی داریم که حاضر به جهاد هستند، اما ابزارهای مورد نیاز را ندارند. برای این نیروها طرح هایی مانند طرح ضربتی اشتغال انجام شد یا در مرحله ای با فشار بر تسهیلات بانکی، طرح بنگاه های زود بازده اجرا شد که تأثیر پایداری بر کاهش بیکاری نداشت.

با توجه به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر حضور مردم در جهاد اقتصادی و با عنایت به تأکیدات مشابه در سیاست های کلی اصل ۴۴ مبنی بر توانمندسازی بخش خصوصی، می توان مسئله توانمندسازی را جزء محورهای جهاد اقتصادی برشمرد. به عبارت دیگر همان گونه که مهارت نظامی برای جهاد نظامی نیاز است، برای توانمندسازی بخش خصوصی نیز دوره های آموزشی در مورد مشارکت در اقتصاد طراحی شود.

۶-۲. طرح جهادی

همانطور که در جهاد نظامی بدون طرح عملیات و حرکت نیروها براساس آن، جهاد با شکست مواجه می شود، نمی توان در جهاد اقتصادی نیز بدون طرح به جهاد پرداخت زیرا در آن صورت، نیروها پراکنده و بدون هدف هریک به زعم خود بدین کار مبادرت می ورزد. همچنین باید توجه داشت که هر تلاش مضاعفی جهاد نیست زیرا تلاش مضاعف در مسیر غلط نه تنها موجب اصلاح نمی شود، بلکه به تباهی بیشتر می انجامد. تأکید بر این مسئله و شناخت مصادیق غلط تلاش مضاعف بی هدف، خود از بزرگ ترین اقدامات در جهت گیری صحیح جهادهای اقتصادی است، که در آن ممکن است با سوء نیت یا درک نادرست از جهاد اقتصادی، بزرگ ترین ضربه ها به اقتصاد کشور وارد آید. شاید بتوان طرح مورد نیاز جهاد اقتصادی را همان طرح ها و برنامه های توسعه دانست. توجه رهبری براینکه شاخص جهاد اقتصادی همان نرخ رشد هدف برنامه پنجم است به گونه ای تأکید مجدد بر این موضوع است. البته بر خلاف قوانین برنامه توسعه که میان مجلس و دولت در مورد آنها تفاهم نسبی وجود دارد طرح های دیگری مانند برخی محورهای طرح تحول اقتصادی دولت وجود دارد که

اجرای آن در اقتصاد کشور آغاز شده است، اما دولت نیازی به تصویب آنها در مجلس احساس نکرده است. بدین ترتیب در مورد جهادی بودن این طرح‌ها اختلاف نظر وجود دارد. به نظر می‌رسد، طرح‌های مصوب یا در حال تصویب موجود نیز گرچه تلاش نخبگان کشور بوده و اجرای آنها می‌تواند مفید باشد، اما راه حل بلندمدت حل مشکلات اقتصادی کشور و دستیابی به اهداف اقتصادی نظام جمهوری اسلامی نیستند. زیرا هنوز کشور ما، معنای مورد نظر خود از پیشرفت و مدل آن را شناسایی و تولید نکرده است. هنوز دکترین و استراتژی‌های بلندمدت نظام مشخص نبوده و سوالات اساسی کشور پاسخ داده نشده است. مشخص نبودن دکترین نظام و پاسخ ندادن به سوالات اساسی موجب شده تا در بسیاری از زمینه‌ها تصمیمات با کندی مفرط یا شتاب بیش از حد اتخاذ شود. نمونه این تشتت آرا را می‌توان در مباحثی مانند نحوه ارتباط با کشورهای دیگر، جذب سرمایه خارجی و عدم هماهنگی میان سیاست‌های صنعتی، تجاری، آموزشی و اعتباری کشور به وضوح مشاهده کرد.

فقدان تبیینی صریح از الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت یعنی ادامه سردرگمی فکری، اجرایی و نامشخص بودن مسیر حرکت و ائتلاف منابع، آنچه در این سال‌ها همواره با آن مواجه بوده‌ایم. رهبر معظم انقلاب بر لزوم و جایگاه رفیع الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تاکید کرده و بیان داشته‌اند: «این الگو، سندی بالادستی برای همه اسناد برنامه‌ای و چشم‌اندازی کشور خواهد بود»^{۱۱}. ایشان همچنین الگو را «نقشه جامع» معنا کرده و افزوده‌اند: «بدون نقشه جامع، همچون برخی مسائل فرهنگی یا اقتصادی ۳۰ سال گذشته، دچار حرکت‌های متناقض خواهیم شد»^{۱۲}.

بنظر می‌رسد طرح اصلی جهاد اقتصادی همان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است که مورد مطالبه رهبری نیز قرار گرفته است. رهبری پیش از این نیز یکی از الزامات پیشرفت را مبارزه دانستند که می‌توان این مبارزه را جهاد نامید. ایشان فرموده‌اند: «یکی دیگر از الزامات هم مسئله مبارزه است، مبارزه. اگر می‌خواهید پیشرفت کنید باید مبارزه کنید. عافیت طلبی، یک گوشه نشستن، دست‌ها را به هم مالیدن و به حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میدان بزرگ نشدن برای هیچ کشور و ملتی پیشرفت به بار نمی‌آورد. باید وسط میدان بروید»^{۱۳}. بدین ترتیب می‌توان یکی از اصلی‌ترین مصادیق جهاد اقتصادی را تلاش در راستای تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت دانست.

۱۱- بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، ۱۳۸۹/۹/۱۰.

۱۲- همان

۱۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۷-۲. حوزه جهاد

یکی از اصول جهاد این است که نمی توان در یک زمان در چند جبهه جنگید. این امر موجب شکست در همه جبهه ها و ناکارآمدی جهاد می شود. بنابراین بهتر است به جای جهاد با همه مشکلات و مواجه شدن با آنها، مشکلات و دشمنان اولویت بندی شده و نیروی اصلی را در حوزه خاص متمرکز کرد. البته در حوزه اقتصاد به دلیل پیوستگی همه متغیرها و برای برقراری تعادل عمومی باید تأثیرات هر حوزه بر حوزه های دیگر را مد نظر قرار داد. در اولویت بندی عرصه های جهادی باید توجه داشت که اولاً برخی مشکلات دارای فوریت هستند که به دلیل اضطرار ابتدا باید به آنها توجه کرد. در این زمینه می توان به مسئله تحریم اقتصادی یا رسیدگی به افراد درگیر با فقر مطلق اشاره کرد. همچنین باید مشکلات و نارسایی ها را به دسته های اصلی و فرعی تقسیم کرد. بدین معنا که برخی مشکلات ریشه بسیاری از مشکلات دیگر هستند و بنابراین برای حل مشکلات باید به آنها توجه کرد. اما مهمترین نکته در اولویت بندی مشکلات مربوط به حل آن مشکلات است. برخی مشکلات هستند که مانع از حل مشکلات دیگر شده و به عبارت دیگر حل مشکلات دیگر با وجود آنها ناممکن است. بدین ترتیب حل اینگونه مشکلات بر حل مشکلات دیگر زمانی دارد. به نظر می رسد مبارزه با فساد را می توان یکی از مشکلات دارای تقدم زمانی برشمرد که می تواند جزو شاه بیت های جهاد اقتصادی محسوب شود.

فساد اقتصادی را نقض قوانین موجود برای تأمین منافع شخصی تعریف می کنند. رواج فساد یکی از مهمترین موانع توسعه اقتصادی و موجب ناکارآمدی سیاست های دولت است. فساد با کاهش سرمایه گذاری موجب کاهش رشد اقتصادی شده و فعالیت های اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت ها و فعالیت های زیرزمینی سوق می دهد. اما علت اصلی اولویت مبارزه با فساد در جهاد اقتصادی را باید در این مسئله دانست که تا وقتی فساد وجود دارد، نمی توان امید داشت که سایر فعالیت های اقتصادی بهبود پیدا کند. این مسئله مهم در فرمان هشت ماده ای مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۰ نیز متبلور است: «اگر دست مفسدان و سوء استفاده کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده خواهان پرمدعا و انحصارجو طرد نشوند سرمایه گذار و تولیدکننده و اشتغال طلب، همه احساس ناامنی و ناامیدی خواهند کرد و کسانی از آن، به استفاده راه های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد»^{۱۴}. قابل ذکر است علاوه بر این که مبارزه با فساد و رانت خواری جزو منویات همیشگی مقام رهبری بوده و از سال ۱۳۸۰ از دستگاه های مسئول آن را پیگیری

۱۴- فرمان هشت ماده ای مبارزه با مفساد اقتصادی از سایت رسمی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir

کرده‌اند این امر جزو خواسته‌های فعالان اقتصادی است.^{۱۵} مطمئناً بررسی مطالبات معوق بانکی و برخورد با بدهکاران عمده بانکی نیز از مصادیق مبارزه با مفاسد اقتصادی است.

۸-۲. ستون پنجم دشمن در جهاد اقتصادی

در مسیر جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی، دشمن دارای ستون پنجم است. بخشی از این ستون پنجم را می‌توان نیروهای ناامیدکننده دانست.^{۱۶} این افراد جهاد اقتصادی را ناموفق جلوه می‌دهند، اما منافق‌تر از این گروه آن گروهی هستند که با طرح‌های نادرست، افزایش جبهه‌های جهادی، تملق‌گویی، ظاهرسازی و ... مانع از موفقیت جهاد اقتصادی می‌شوند. مقام معظم رهبری دو الزام مهم در جهاد اقتصادی را وحدت کلمه و پرهیز از حاشیه‌سازی دانسته‌اند. اشخاصی که به این دو اصل پایبند نیستند باید جزو ستون پنجم دشمن در عرصه اقتصادی دانست. آنچه مانع اصلی برای وحدت است، خودبزرگ بینی و تأکید بر منیت‌ها است. بنابراین یکی از بهترین راه‌های مبارزه با این مانع وحدت، مبارزه با نفس، توسط مسئولان و راه دیگر، حاکمیت قانون و تبعیت از آن است.

از اصلی‌ترین دلایل ایجاد حاشیه نیز عدم برخورد با حاشیه‌سازی و فزونی یافتن فرهنگ تهمت در جامعه است؛ بر این اساس قوه قضاییه و دادستان کشور باید به وظیفه قانونی و شرعی خود عمل کرده و با تأکید بر اصول فقهی اسلام^{۱۷} و اصل ۳۷ قانون اساسی، فضایی سالم و مبتنی بر حسن نیت را در جامعه حاکم کنند. انجام این وظیفه خطیر و مهم توسط قوه قضاییه اگر با وظایف مبارزه با فساد ترکیب شود، مردم و فعالان اقتصادی را به وجد آورده و مسئولان را در جهاد اقتصادی همراهی می‌کنند.

۳. محورهای اصلی جهاد اقتصادی

هرچند در جهاد اقتصادی کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارد، ولی باید توجه کرد که هر تلاشی از نظر اقتصادی نه تنها مفید نیست، بلکه می‌تواند مخرب باشد. همچنین باید توجه داشت که میان مؤلفه‌های جهاد نظامی و جهاد اقتصادی تفاوت‌های زیادی وجود دارد. به عنوان نمونه برخلاف جهاد نظامی که اصل غافلگیری جزو کلیدهای موفقیت محسوب می‌شود در جهاد اقتصادی غافلگیری بسیار مضر بوده و رمز موفقیت در پیش‌بینی پذیری متغیرها و سیاست‌ها برای فعالان اقتصادی است؛ همچنین در حالی که در جهاد نظامی اصل بر استقلال و عدم ارتباط با کشورهای دیگر است در جهاد اقتصادی پیشرفت با همکاری با

۱۵- نهایندیان، حذف ویژه خواری‌ها لازمه جهاد اقتصادی است، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰/۱/۱۵

۱۶- عادل پیغامی، درباره الزامات جهاد اقتصادی، سایت khamenei.ir

۱۷- اصولی مانند: اصالت برائت یا قاعده «البینه علی المدعی»

سایر کشورها تحقق می یابد. در میان فعالیت های مختلفی که می توان در جهاد اقتصادی به آنها پرداخت موارد شش گانه ذیل از اهمیت و اولویت بالاتری برخوردار است:

۱-۳. تبیین فرهنگ اقتصادی یک انسان مسلمان و اشاعه آن در جامعه. مفهوم جهاد دارای صبغه تقدس بوده و مقدس بودن تلاش اقتصادی نیز با اندیشه های دینی ما در این زمینه مطابقت دارد، اما متأسفانه هنوز فرهنگ اقتصادی درست یک مسلمان و نحوه نگاه وی به مسائل اقتصادی در کشور به درستی تبیین نشده و فعالان اقتصادی و کارآفرینان از نگاه نادرست مردم رنج می برند.

۲-۳. جلب اعتماد بخش خصوصی برای همراهی آنها با جهاد اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو پیش بینی پذیری متغیرهای اقتصادی و ایجاد ثبات با افزایش کارایی بازارهای موجود بسیار با اهمیت است. از دیگر زمینه های ایجاد اعتماد که به فرموده مقام معظم رهبری تقدم زمانی بر سایر اقدامات دارد، مبارزه با فساد و رانت است که مانع از شکل گیری فعالیت های مفید اقتصادی است. مقابله علمی با انحصار موجود در فعالیت های مختلف اقتصادی نیز از اقدامات راه گشاست.

۳-۳. طراحی طرح جهاد اقتصادی با تأکید بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تعیین استراتژی توسعه صنعتی کشور، نقشه جامع علمی کشور و آمایش سرزمین می تواند از اصلی ترین مولفه های مورد نیاز جهاد اقتصادی باشد. متأسفانه برنامه های توسعه نتوانسته اند تاکنون پاسخگوی نیاز جامعه در مورد طرح جهاد اقتصادی باشد.

۴-۳. توانمندسازی مردم با آموزش مهارت های اقتصادی می تواند مقدمه مشارکت مردم در جهاد اقتصادی باشد. این مهارت ها باید با طرح جهاد اقتصادی، استراتژی توسعه صنعتی کشور، نقشه جامع علمی کشور و سایر اسناد مرتبط هماهنگ بوده و موجد اعتماد به نفس و روحیه جهادی در مردم و جوانان کشور باشد. در تهیه بسته توانمندسازی بخش خصوصی که در قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر آن تأکید شده است نیز باید تسریع شود.

۵-۳. طراحی استراتژیک روابط اقتصادی و سیاسی بلندمدت کشور با سایر کشورها، امکان استفاده از فضای بین المللی و گشوده شدن فرصت فعالیت بیشتر را فراهم کرده و بدین ترتیب می تواند در طراحی چگونگی مقابله با تحریم های اقتصادی نیز راهگشا باشد. عدم تبیین درست مفاهیم استقلال، خود کفایی و اقتضایی بودن سیاست خارجه ایران با سایر کشورها باعث شده است که تاکنون بستری مناسب برای فعالیت های اقتصادی ایجاد نشود.

۳-۶. شناسایی و تحت پوشش قرار دادن جمعیت آسیب پذیر و فقیر کشور جزو فوریت های هر حرکت جهادی است. شناسایی دقیق این افراد می تواند به اتخاذ سیاست های مناسب در این راستا کمک کند.

۴. برخی از مصادیق جهاد اقتصادی در بخش های مختلف

گرچه نظرات کارشناسی برای تعیین اولویت های جهاد در هر بخش متفاوت است، اما براساس سنجش نظرات دفاتر مطالعاتی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، می توان موارد زیر را به عنوان مصادیق مهم جهاد در حوزه ها و بخش های مختلف ارائه کرد:

۴-۱. حوزه نظارت

بسیاری معتقدند قوه قانون گذار کشور بیش از تدوین قوانین به نظارت و تقویت ضمانت اجرای قوانین نیازمند است. در این مسیر یکی از اولویت هایی که همواره مورد تاکید رهبر معظم انقلاب بوده و مانع مهمی برای تحقق پیشرفت و عدالت به شمار می رود، پدیده فساد اقتصادی است. براین اساس دو اولویت در حوزه نظارت عبارتند از "مقابله جدی با علل و گلوگاه های بروز فساد اقتصادی" و "نظارت مؤثر و جدی مجلس بر حسن اجرای قوانین".

۴-۲. بخش اقتصاد

تأکید رهبر معظم انقلاب به اساسی بودن عرصه اقتصاد هم به جهت اهداف داخلی نظام جمهوری اسلامی و هم به جهت تأثیری که بر عزت و وجهه بین المللی ایران دارد، نشان از اهمیت مضاعف اقتصاد است. در بخش های پیشین به برخی شاخص ها مانند رشد پرشتاب اقتصادی در بیانات معظم له اشاره شد که قطعاً مصداق روشن محقق شدن جهاد اقتصادی است. در کنار این موارد برخی اهداف دیگر نیز از تأثیرگذاری زیادی برخوردارند و با توجه به اقتضائات کنونی، محتاج حرکت جهادی هستند، از جمله:

- جهش اشتغال پایدار،
- اتخاذ راهکارهای موثر برای مقابله با تحریم ها،
- مبارزه جدی و عالمانه با قاچاق،
- اجرای دقیق سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی،
- نزدیک شدن به عدالت مالیاتی و شفافیت اقتصادی،
- افزایش بهره وری.

۳-۴. حوزه فناوری

حوزه علم و فناوری یکی از موتورهای حرکت اقتصادهای جدید است که می تواند عرصه حرکت جهادی باشد. توجه به رشد اقتصادی مبتنی بر دانش و فناوری یکی از محورهای تأکید رهبر انقلاب نیز بوده است. در میان اولویت های حوزه فناوری، خلاء تجاری سازی دانش و همچنین عدم نفوذ فناوری های نو در خدمات بخش عمومی موجب شده که دو محور زیر به عنوان اولویت پیشنهاد شود:

- توجه جدی به تجاری سازی دانش و فناوری،
- استقرار دولت الکترونیک.

۴-۴. بخش مالی

بخش مالی اقتصاد (شامل سیستم بانکی و بورس) به عنوان پشتیبان بخش واقعی نقش جدی در تحقق اهداف رشد و عدالت دارد به نحوی که رسیدن به شاخص های رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی بدون همراهی و پشتیبانی بخش مالی ناممکن است. این بخش نیز موانع متعددی برای نیل به جایگاه مطلوب خود دارد. محورهای زیر از جمله مواردی است که در مسیر جهاد اقتادی نقش بسزایی دارد:

- تحقق کامل بانکداری بدون ربا،
- تسهیل دسترسی همه اقشار به اعتبارات بانکی.

۵-۴. بخش کشاورزی

بی شک بخش کشاورزی به دلایل استراتژیک یکی از عرصه های مهم جهاد اقتصادی است و تجربه جهش های بزرگی را با حرکت های جهادی در سال های نخست انقلاب اسلامی داشته است. علی رغم رشد مناسب این بخش و توسعه روستایی در سال های اخیر هنوز مشکلات متعددی پیش روی تولیدکنندگان محصولات زراعی، دامی، باغی و شیلات وجود دارد که می تواند با یک حرکت جهادی دیگر به حداقل برسد. از مشکلات متعدد این بخش می توان به دو سرفصل زیر اشاره کرد:

- اقتصادی تر کردن تولید کشاورزی و کمک به تکمیل زنجیره ارزش،
- تقویت رقابت پذیری محصولات و توسعه دانایی.

۶-۴. بخش صنعت و انرژی

یکی از عرصه های مهم جهاد اقتصادی، بخش صنایع، معادن و انرژی است. پتانسیل های بالای ایران در این بخش به برخی دلایل، راه زیادی تا بالفعل شدن دارد و

می تواند یکی از محورهای اصلی جایگاه اول اقتصادی کشور در افق چشم انداز باشد. در این بخش برخی اولویت ها وجود دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره شده است:

- حمایت موثر در مسیر اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها برای تحول تکنولوژیک
- براساس استراتژی توسعه صنعت و معدن،
- کمک به بهبود فضای کسب و کار،
- اجرای قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی،
- افزایش سرمایه گذاری در بالادستی نفت و گاز.

۴-۷. بخش آموزش

سرمایه انسانی هر کشور تعیین کننده مسیر بلندمدت آن و حرکت مستمر به سوی پیشرفت و عدالت بیش از هر چیز در گرو نهادینه کردن لوازم آن در ذهن و عمل نیروی انسانی است. به عقیده کارشناسان از میان تنگناهای نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی ایران می توان مصادیق زیر را به عنوان اولویت مطرح کرد:

- تحول در محتوا و روش های دروس آموزش و پرورش،
- تناسب خروجی های آموزش عالی با نیازهای واقعی حال و آینده جمهوری اسلامی.

۴-۸. بخش سلامت

یکی از ویژگی های جامعه توانمند، بالا بودن سطح سلامت جسمی و روانی در جامعه است. جهش شاخص های سلامت در سال های نخست انقلاب اسلامی که ناشی از حرکت جهادی در محرومیت زدایی روستاها و مناطق محروم بود، الگویی برای جهاد در بخش سلامت به شمار می رود. براساس نظرات کارشناسان می توان اولویت های متعددی برای این بخش در نظر گرفت که حجم قابل توجهی از آن در احکام قانون برنامه پنجم توسعه ذکر شده است. غیر از این موارد می توان به مصادیق زیر اشاره کرد:

- استقرار کامل نظام ارجاع و پزشک خانوار،
- پیشگیری از تأثیر منفی هدفمندی یارانه ها بر کاهش شاخص های سلامت.

۴-۹. بخش مسکن

تأمین این نیاز اساسی یکی از هدف های مهمی است که از سال های گذشته آغاز شده است. در کنار این هدف، باید مراقبت کرد تا به دلیل افزایش هزینه ساخت مسکن، ناشی از افزایش قیمت حامل های انرژی، هزینه مسکن در هزینه خانوار افزایش جدی نیابد و آثار سیاست های پیشین را خنثی نسازد:

- کاهش سهم هزینه مسکن در سبد خانوار ایرانی،
- به ثمر نشانیدن طرح های مسکن مهر.

نتیجه گیری

۱. مفهوم جهاد از دیدگاه رهبری را می توان حرکتی جهشی با نیت اعتلای اسلام و افزایش عزت و پیشرفت ملت ایران در عرصه ای دانست که دشمن در مقابله با پیشرفت کشور و ملت حضور دارد.
۲. مصادیقی مانند مصرف درست، پرهیز از اسراف و تلاش بی وقفه برای حل مشکلات مردم و مفاهیم مورد تاکیدی مانند سهیم بودن آحاد مردم و مسئولان در جهاد و احساس بی نیازی به بیگانگان را می توان از فرمایشات رهبری در مورد جهاد اقتصادی استخراج کرد.
۳. الزامات جهاد اقتصادی در نگاه مقام معظم رهبری اتحاد کلمه و پرهیز از حاشیه سازی و از شاخص های این نوع جهاد رشد اقتصادی پیش بینی شده در برنامه پنجم توسعه است.
۴. هر تلاش مضاعفی جهاد نیست، زیرا تلاش مضاعف در مسیر غلط نه تنها موجب اصلاح نمی شود، بلکه به تباهی بیشتر می انجامد.
۵. در جهاد اقتصادی باید مواردی مانند هدف جهاد، نیت مقدس، وجود دشمن و مباحثی مانند نیروهای جهادگر، طرح و نقشه جهاد و ستون پنجم مشخص شود.
۶. به نظر می رسد می توان هدف جهاد اقتصادی در ایران را دستیابی به اهداف اقتصادی قانون اساسی، سند چشم انداز و برنامه های توسعه (خصوصاً اهداف اقتصادی سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه) دانست.
۷. دشمنان بین المللی جهاد اقتصادی را می توان تحریم اقتصادی و رقبای اقتصادی کشور خصوصاً در دستیابی به اهداف سند چشم انداز دانسته و دشمنان داخلی این جهاد را فقر، اختلاف طبقاتی، تورم، بیکاری و فساد برشمرد.
۸. به نظر می رسد یکی از موانع پیشرفت و جهاد اقتصادی در کشور، فرهنگ اقتصادی ناصحیح موجود در جامعه است و باید به عنوان یک جهاد اقتصادی نگاه مردم به تلاش اقتصادی، فعالان اقتصادی و معیشت اقتصادی تصحیح یا تکمیل شود.
۹. نیروهای جهادگر اقتصادی به سه دسته مسئولان، مردم و فعالان اقتصادی تقسیم می شوند. برای ترغیب فعالان اقتصادی به جهاد در این حوزه، باید سوء مدیریت های موجود در کشور مرتفع شده و با بهبود فضای کسب و کار موجب ترغیب آنها به جهاد اقتصادی شد.
۱۰. داشتن طرح و نقشه برای جهاد اقتصادی از ضروریات است. پایبندی به برخی از

طرح‌ها که توسط نخبگان کشور تهیه شده است در این مسیر تا حدودی راهگشاست، اما طرح اصلی جهاد همان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است که هنوز طراحی نشده و بیان‌کننده دکتترین نظام است.

۱۱. نباید در جهاد اقتصادی با پراکنده ساختن نیروها به جنگ همزمان در چند

عرصه پرداخت. بلکه باید حل مشکلات (جهاد با دشمنان) را اولویت بندی کرد، در اولویت بندی مشکلات، باید مشکلاتی مانند فساد و تحریم را اولویت داد.

۱۲. ستون پنجم در جهاد اقتصادی را باید هم افرادی دانست که مردم را ناامید می‌کنند

و هم کسانی دانست که به ارائه طرح‌های نادرست و نابخردانه می‌پردازند.

۱۳. برای جلوگیری از عدم وحدت و نیز حاشیه‌سازی‌ها باید موارد ذیل رعایت شود:

- مسئولان کشور باید مبارزه با نفسانیات، منیت‌ها و نیز اصلاح‌انگیزه‌ها را جدی‌تر بگیرند. همچنین تبعیت از قانون در جامعه و نزد مسئولان حاکم شود.
- قوه قضاییه در عین حال که به بررسی شکایت‌ها می‌پردازد باید با اتهام‌زندگان برخورد کند تا سرمایه اجتماعی حاکمیت تضعیف نشده و از بین نرود.

منابع و مآخذ

- فرزین، محمدرضا (۱۳۹۰). اجرای محورهای هفت گانه طرح تحول اقتصادی را منسجم تر دنبال می کنیم، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰/۱/۳.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۶)، الحیاه، انتشارات دلیل ما.
- آذر، عادل (۱۳۸۸)، مشاهیر اقتصاد ایران، انتشارات تیزهوشان.
- پیغامی، عادل، درباره الزامات جهاد اقتصادی، سایت khamenei.ir.
- فرمان هشت ماده ای درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی، سایت رسمی مقام معظم رهبری (www.leader.ir).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- گزارش کمیسیون ویژه اصل ۴۴ قانون اساسی درباره واگذاری های شرکت های دولتی براساس اصل ۴۴ قانون اساسی قرائت شده در صحن علنی مجلس در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۵.
- شرکت نوسازی صنایع ایران (۱۳۸۴)، محاسبه و ارزیابی فضای کسب و کار کشور در مقایسه با ۷۰ کشور جهان.
- نهبانندیان، محمد (۱۳۹۰)، حذف ویژه خواری ها لازمه جهاد اقتصادی است، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰/۱/۱۵.

بخش دوم: تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع

عوامل تأثیرگذار در زمینه مسایل اقتصادی را می توان به عوامل خارجی و عوامل داخلی تقسیم کرد. در زمینه عوامل خارجی، بیشتر، بحث تحریم ها مطرح است که در این زمینه مقاله "اهداف شورای امنیت در اعمال تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران" به این موضوع اشاره دارد و در زمینه عوامل داخلی، بیشتر بحث ها ناشی از سوء مدیریت، نارسایی ها و کاستی های نظام اقتصادی است که در این زمینه نیز دو مقاله "آسیب شناسی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی" و "اندازه دولت و بخش مالی و بودجه ای آن در افق چشم انداز (مطالعه ایران و کشورهای منطقه)" به تبیین این موضوع می پردازد.

اهداف شورای امنیت در اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران

علی احمدی^۱

مقدمه

سیر تکاملی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی از تحریم یک جانبه آمریکا آغاز و بتدریج توسعه و دامنه آن گسترش پیدا کرده است. تا جایی که در پنج قطعنامه و یک بیانیه شورای امنیت، از حیث دامنه و دربرگیرندگی کشورها و الزامات حقوقی، شدیدترین تحریم‌های تاریخ شورای امنیت را به نمایش گذاشته است. این تحریم‌ها با هدف تأخیر در پیشرفت و پرهزینه کردن توسعه کشور، ادامه داشته و دارد. تحریم‌ها در برگیرنده جلوگیری از ورود کلیه اقلام کالا، تجهیزات، فناوری، محدودیت‌های مالی و بیمه‌ای، محدودیت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی، خدمات آموزشی، خدمات حمل و نقل و بازرگانی و محدود کردن همکاری آژانس با ایران را در بر می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی ضمن آنکه می‌تواند پاسخی به تهدیدات و تحریم‌ها باشد، باعث رفع کاستی‌های مدیریتی و اقتصادی نیز می‌گردد. همچنین اقتصاد مقاومتی می‌تواند منجر به فعال سازی ظرفیت‌های اقتصاد ملی به عنوان یک الگوی پیشرفت اقتصادی تبدیل گردد.

تعریف تحریم اقتصادی و انواع آن

تحریم اقتصادی اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. تحریم اقتصادی را عموماً بر دو نوع می‌دانند یا آن را در دو زمینه اعمال می‌کنند: اول، تحریم تجاری که در آن صادرات و واردات به کشور هدف، محدود یا قطع می‌شود. دوم، اعمال محدودیت‌ها، تضيیقات یا قطع مناسبات مالی و خدمات. از سوی دیگر بسته به منشا تحریم آن را به سه نوع تقسیم می‌کنند:

^۱- رییس کمیسیون مشترک.

- (۱) تحریم‌های یک جانبه ،
 - (۲) تحریم از سوی چند کشور،
 - (۳) تحریم توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد.
- تحریم اقتصادی برای هدف‌های استراتژیک، با تحریم برای سایر منافع اقتصادی یا غیراستراتژیک تفاوت دارد. زیرا تحریم برای هدف‌های استراتژیک معمولاً جایگزین گزینه جنگ می‌شود و هزینه اقتصادی آن به مراتب از جنگ کمتر و برای کشور یا کشورهای اعمال‌کننده کاملاً قابل توجیه است. گذر به تحریم‌های اقتصادی برای هدف‌های استراتژیک معمولاً چهار مرحله‌ای است: اول، تشویق کشور هدف به طور خصوصی و از راه مذاکره دو جانبه؛ دوم، درخواست علنی از کشور هدف و اعلام عمومی آن؛ سوم، مشورت با متحدین برای اقدام‌های بعدی و اقدام نظامی در صورت نیاز؛ چهارم، آغاز تحریم‌ها. در واقع هدف اصلی از اجرای تحریم‌ها، اعمال فشار بر کشور هدف برای تغییر سیاست مورد نظر است. تحریم بسته به نوع کشور و شرایط موضوع متفاوت است، ولی می‌تواند موارد زیر را در بر گیرد:
- ۱- لغو ملاقات‌های چند جانبه،
 - ۲- خودداری از اعطای ویزا،
 - ۳- کاهش سطح نمایندگی‌های سیاسی،
 - ۴- جلوگیری از عضویت کشور هدف در سازمان‌های بین‌المللی،
 - ۵- مخالفت با میزبانی کشور هدف برای میزبانی اجلاس‌های بین‌المللی،
 - ۶- خودداری از کمک‌های مالی و مساعدت‌های رسمی،
 - ۷- قطع ارتباطات تلفنی، رادیویی، حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی.

تاریخچه تحریم‌های اقتصادی در دنیا

تحریم اقتصادی اغلب به عنوان جایگزین جنگ و اعمال قوه قهریه تلقی می‌شود. مقصود از مناسبات اقتصادی نیز همه انواع روابط اقتصادی اعم از تجاری، مالی و خدمات است. کشورهای مختلف از تحریم‌های محدود اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود علیه کشورهای هدف استفاده می‌کنند، ولی این نوع تحریم عموماً کم اثر بوده است. تحریم‌های همه جانبه از سوی سازمان‌های بین‌المللی نیز به ندرت صورت گرفته است. جامعه ملل که در فاصله بین دو جنگ جهانی اول و دوم زمام هماهنگی امور جهان را بر عهده داشت تنها چهار بار مبادرت به تحریم یا اعمال تحریم کرد که تنها دو بار آن موفق بود. در واقع جامعه ملل نتوانست با بهره‌گیری از تحریم مانع حمله موسولینی به ایتالیایی و تصرف آن کشور در سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ شود. سازمان ملل متحد نیز قبل

از تحریم عراق در سال ۱۹۹۰ تنها دو بار دست به تحریم همه جانبه زد؛ یکی بر علیه رودزیا در سال ۱۹۶۶ و دیگری تحریم تسلیحاتی همه جانبه علیه آفریقایی جنوبی در سال ۱۹۷۷. در این تحریم‌ها هدف یا تنبیه است یا بازدارندگی و یا تغییر رفتار. نکته بسیار مهم و جالب اینکه تحریم گاه معطوف به سیاست داخلی، تامین نظر گروه‌ها و به دست آوردن رای است. صاحب نظران، نمونه این امر را تحریم چین از سوی آمریکا و اروپا به دلیل ناآرامی‌های میدان تیان آن من می دادند. هدف دولت آمریکا از این تحریم، تنها نشان دادن خود به عنوان دولتی حامی حقوق بشر بود. آمریکا بیش از هر کشور دیگر از حربه تحریم بهره جسته است. دولت کلینتون به تنهایی ۳۵ کشور را مورد تحریم یک جانبه قرار داد. این ۳۵ کشور ۴۲ درصد جمعیت جهان را شامل می شدند و مصرف کننده ۱۹ درصد صادرات جهان بودند. آمریکا خود از تحریم‌های اعمال شده زبان‌های زیادی دیده است. طبق برآورد بنیاد هریتیج، تحریم اقتصادی ۲۶ کشور جهان، صادرات آمریکا را ۱۹ میلیارد دلار کاهش داد، ۲۰۰ هزار شغل را در بخش صادرات از بین برد و کارگران بخش صادرات به لحاظ دستمزد یک میلیارد دلار ضرر کردند.

تحریم‌های اعمال شده علیه ایران بعد از انقلاب اسلامی **الف- تحریم‌های اعمال شده توسط آمریکا علیه ایران**

تحریم‌های اعمال شده از سوی آمریکا علیه ایران از زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر تا به امروز بدین قرارند: کارتر بلافاصله پس از تسخیر سفارت آمریکا در نوامبر سال ۱۹۷۹ با صدور اعلامیه شماره ۴۷۰۲ واردات نفت از ایران را ممنوع کرد. ده روز بعد، با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰، تمامی دارایی‌های بانک مرکزی و دولت ایران مسدود شد. کارتر بار دیگر در اوایل سال ۱۹۸۰ با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۲۰۵ صادرات و نیز معاملات مالی با ایران را تحریم کرد. همچنین براساس دستور اجرایی شماره ۱۲۲۱۱ واردات از ایران به کلی ممنوع اعلام گردید و مسافرت اتباع آمریکا به کشورمان ممنوع شد.

پس از انفجار مقر نظامیان آمریکا در بیروت که در سال ۱۹۸۳ صورت گرفت، ریگان در ژانویه ۱۹۸۴ ایران را حامی تروریسم نامید. در سال ۱۹۸۸ نیز طی بخشنامه‌ای از کلیه مدیران آمریکایی عضو سازمان‌های بین‌المللی خواسته شد تا به تقاضاهای ایران برای دریافت وام یا تامین مالی رای منفی دهند و با آن به طور جدی مخالفت کنند. آمریکا در سال ۱۹۸۶ براساس قانون کنترل صادرات تسلیحات، ایران را از دریافت تسلیحات و قطعات یدکی محروم کرد. در اکتبر ۱۹۸۷ به بهانه حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی و براساس یک دستور اجرایی، انواع واردات از ایران از جمله نفت تحریم شد.

در سال ۱۹۹۲ قانونی تحت عنوان قانون عدم اشاعه تسلیحات ایران و عراق به تصویب

مجلسین ایالات متحده رسید. براساس این قانون تحریم‌ها شامل اقلامی می‌شد که استفاده‌های دو منظوره برای مقاصد تسلیحاتی داشتند. علت گنجاندن ایران در این قانون گزارش سیا مبنی بر این بود که ایران دو میلیارد دلار برای تولید سلاح‌های کشتار جمعی اختصاص داده است. تحریم‌های آمریکا بیش از یکصد و ده قلم کالا را شامل می‌شد. تحریم‌های آمریکا علیه ایران بطور سالانه تمدید و با هماهنگی کشورهای اروپایی این تحریم‌ها توسعه پیدا کرده است.

ب- تحریم‌های سازمان ملل

هزینه‌های تحریم اقتصادی بسته به نوع تحریم متفاوت است. چنانچه تحریم به صورت یک جانبه از سوی یک کشور انجام شود اثربخشی تحریم کمتر و به همین نسبت چنانچه از سوی چند کشور یا از سوی شورای امنیت سازمان ملل اعمال شود اثربخش‌تر است. تحریم‌های همه جانبه بسیار نادر است. تحریم توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد از نظر اهمیت از دو مورد نخست حساس‌تر است. فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد چهار ماده دارد (۳۹ تا ۴۲) که موارد ۳۹ و ۴۰ به بحث شناسایی و احراز تهدید صلح و امنیت جهانی می‌پردازد و شورای امنیت می‌تواند هر اقدامی را برای جلوگیری از وخامت اوضاع انجام دهد. تاکنون شورای امنیت سازمان ملل پنج قطعنامه (۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹) علیه ایران صادر کرده است.

بهبان شورای امنیت برای ورود به موضوع هسته‌ای ایران

نگرانی جدی با توجه به گزارشات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به برنامه‌های هسته‌ای ایران (گزارش دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قطعنامه شورای حکام ۲۰۰۶/۱۴ مربوط به برنامه هسته‌ای ایران، گزارش ۲۷ فوریه ۲۰۰۶ در مورد فهرست تعدادی مسائل باقیمانده و نگرانی‌هایی نسبت به ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران، گزارش ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ و ۸ ژوئن ۲۰۰۶ در مورد درخواست و نگرانی آژانس نسبت به شفاف سازی در همه ابعاد برنامه هسته‌ای ایران و ناتوانی در ارائه تضمینی نسبت به فقدان مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده در ایران.) (قطعنامه ۱۶۹۶ یعنی اولین قطعنامه شورا بعد از بیانیه ۲۹ مارس ۲۰۰۶ رئیس شورا).

اهداف شورای امنیت

شورای امنیت برای موثر ساختن تصمیمات خود و پابندی ایران به قطعنامه ۱۶۹۶ و همین‌طور بمنظور محدود نمودن ایران در توسعه فناوری‌های حساس در پشتیبانی از برنامه هسته‌ای و موشکی ایران (قطعنامه ۱۷۳۷) را صادر کرد. هرچند هر دو قطعنامه بموجب فصل

هفت منشور ملل متحد صادر شد، اما قطعنامه ۱۶۹۶ براساس ماده ۴۰ منشور ملل، درخواست تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران را نمود. این قطعنامه در صورت عدم تمکین، ایران را تهدید به اعمال تحریم‌های دیپلماتیک یا اقتصادی نمود. قطعنامه ۱۷۳۷ و قطعنامه‌های بعدی بر اساس ماده ۴۱ منشور صادر شده است. بر این اساس، شورای امنیت عزم خود را جزم می‌کند تا «با پذیرش اقدامات مقتضی به منظور متقاعد کردن ایران در اجرای قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ و رعایت شرایط مورد نظر آژانس و همچنین تحدید توسعه فناوری‌های حساس ایران در حمایت از برنامه‌های هسته‌ای و موشکی‌اش» تصمیمات خود را عملی نماید و این شیوه ادامه دارد «تا زمانی که شورای امنیت تشخیص دهد که اهداف این قطعنامه محقق شده است» (مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹).

بررسی و تحلیل

مجموعه درخواست‌ها و اقدامات شورای امنیت در این قطعنامه‌ها، بیانگر توسعه این اهداف حتی فراتر از اختیارات این شورا است. شورای امنیت به گونه‌ای اهداف متنوع و هم‌عرضی را به بهانه مساله هسته‌ای تعقیب می‌کند که نشان‌دهنده اهداف آشکار و پنهان این شورا است. اهم این اهداف عبارت‌اند از:

الف: فرسایش مجموعه توانمندی‌های کشور، پایین آوردن هزینه برخورد با ایران در عرصه بین‌المللی و بالا بردن هزینه تعامل با ایران (انزوای ایران)،

ب: اگر هدف کشور مبتنی بر سند چشم‌انداز، عبارت از توسعه پایدار، تعامل سازنده و موثر در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی و تضمین امنیت و منافع ملی باشد، تحریم‌ها برای امتناع از این مهم، دو هدف را تعقیب می‌کنند:

۱- ناکامی نظام جمهوری اسلامی در تحقق این اهداف،

۲- تاخیر و پرهزینه کردن تحقق اهداف مذکور.

خواسته‌ها

شورای امنیت به موجب ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل، در قطعنامه ۱۷۳۷ خود خواستار تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای بدون تاخیر بیشتر (بند ۲) شامل فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه (بند ۲ قسمت الف)، پروژه‌های آب سنگین از جمله ساخت رآکتورهای تحقیقاتی آب سنگین (بند ۲ قسمت ب) شد. این درخواست‌ها در قطعنامه‌های بعدی تکرار و توسعه پیدا کرد. این شورا در قطعنامه ۱۹۲۹ آورده است که: ایران تعلیق کامل و مدت‌دار همه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری و پروژه‌های مرتبط با آب سنگین را به نحو پیش‌بینی شده در قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و

۱۸۰۳ انجام نداده است، همکاری خود با آژانس را طبق پروتکل الحاقی از سر نگرفته است، با آژانس در رابطه با موضوعات باقی مانده مورد نگرانی (که باید شفاف شوند تا احتمال ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ایران رد شود) همکاری نکرده است، اقدامات دیگری را که شورای حکام آژانس از آن کشور خواسته اتخاذ نکرده، مقررات قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ شورای امنیت را که برای اعتمادسازی اساسی هستند، رعایت نکرده است و از این که ایران این اقدامات را اتخاذ نکرده، اظهار تاسف می‌کند (مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹).

از نظر شورای امنیت «موضوعات باقی مانده می‌تواند به بهترین نحو حل شود و با پاسخ مثبت ایران به تمام درخواست‌هایی که شورای امنیت و شورای حکام از ایران داشته‌اند، اعتمادسازی در ماهیت منحصرأ صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران صورت خواهد گرفت» (مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹).

تدابیر و اقدامات برای تأمین اهداف و خواسته‌ها

به منظور بررسی تحریم‌ها، نخستین قطعنامه شورای امنیت که به موجب ماده ۴۱ منشور ملل صادر شده (قطعنامه ۱۷۳۷) و در برگیرنده اقداماتی در جهت تحریم است، مبنای قرار گرفته و قطعنامه‌های بعدی در جنبه‌هایی که مواردی را اضافه، حذف یا تکرار کرده، با آن تطبیق داده شده است.

الف: جلوگیری از کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری

قطعنامه ۱۶۹۶:

به موجب بند ۵ قطعنامه ۱۶۹۶، شورای امنیت «از همه کشورها می‌خواهد تا بر طبق قوانین داخلی خود و منطبق با حقوق بین‌الملل از انتقال هر گونه اقلام، مواد، کالا و فناوری که می‌تواند به فعالیت‌های ایران، مرتبط با غنی‌سازی و بازفراوری و برنامه‌های موشکی بالستیک کمک کند، جلوگیری نمایند»^۳.

(۱) قطعنامه ۱۷۳۷:

الف: اتخاذ اقدامات لازم توسط همه کشورها به منظور جلوگیری از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که به فعالیت‌های مرتبط با ۲- ۳۱ ژوئای ۲۰۰۶ صادر شده است.

۳- هر چند این بند به صورت الزام‌آور تنظیم نشده است، اما زمینه‌ساز اعمال تحریم‌های بیشتر در قطعنامه‌های بعدی گردید. در انتهای بند هشتم «تاکید می‌کند که اگر اقدامات ضروری اضافی نیاز باشد، تصمیمات بیشتری اتخاذ خواهد شد». در نهایت «تأیید می‌کند که اگر ایران این قطعنامه را اجرا نماید اقدامات اضافی لازم نخواهد بود» (بند ۹ قطعنامه ۱۶۹۶).

با غنی سازی، بازفرآوری یا مرتبط با آب سنگین در ایران نقش دارند، از قلمروهای خود یا توسط اتباعشان یا با استفاده از کشتی ها یا هواپیماهایشان یا برای استفاده در ایران یا به نفع ایران و اعم از این که منشاء آنها قلمروی این کشورها باشد یا خیر (بند ۳ قطعنامه ۱۷۳۷).^۴

ب: اتخاذ اقدامات لازم توسط همه کشورها به منظور جلوگیری از عرضه، فروش یا انتقال اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری مشخص شده در اسناد ذیربط آژانس به طور مستقیم یا غیرمستقیم از قلمروهایشان، یا توسط اتباعشان یا کشتی ها یا هواپیماهایی که پرچم شان را استفاده می کنند یا برای استفاده در ایران یا به نفع ایران و اعم از این که منشاء آنها قلمرو این کشورها باشد یا خیر (بند ۴ قطعنامه ۱۷۳۷)،

۴- این قطعنامه در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶ صادر شده است. موارد دیگری در ذیل این بند اضافه شده است از جمله موارد زیر:

(الف) مواردی که در بخش های B.۲, B.۳, B.۴, B.۵, B.۶, و B.۷ از INFCIRC/۲۵۴/Rev.۸/Part ۱ در سند ۸۱۴/S/۲۰۰۶ تصریح گردیده؛

(ب) مواردی که در بخش های A.۱ و B.۱ از INFCIRC/۲۵۴/Rev.۸/Part ۱ در سند ۸۱۴/S/۲۰۰۶ تصریح گردیده، به جز عرضه، فروش و یا انتقال:

(۱): تجهیزات اشاره شده در B.۱، در صورتی که این تجهیزات مورد استفاده در رآکتورهای آب سبک باشند؛
(۲): اورانیوم با غنای پایین مورد اشاره در A.۱.۲، در صورتی که بخشی از عناصر مونتاژ شده سوخت هسته‌ای برای رآکتورهای مزبور باشد؛

(ج): موارد مصرحه در سند ۸۱۵/S/۲۰۰۶، به جز عرضه، فروش و یا انتقال اقلام مورد اشاره در A.۳.۱۹ از طبقه بندی II؛

(د) در صورت ضرورت، سایر اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که به تشخیص شورای امنیت یا کمیته که تحت بند ۱۸ زیر تشکیل می شود (که از این پس "کمیته" خوانده می شود) می توانند به فعالیت های مرتبط با غنی سازی، یا بازفرآوری، یا آب سنگین و یا توسعه سیستم های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک نمایند.

بند چهارم: اتخاذ اقدامات لازم توسط همه کشورها به منظور جلوگیری از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم از سرزمینشان، یا بوسیله اتباعشان، یا با استفاده از کشتی ها و هواپیماهای تحت پرچم شان و یا استفاده در ایران یا بکارگیری در راستای منافع آن - اعم از اینکه منشاء آن در قلمروشان بوده یا نباشد - نسبت به کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری زیر:

(الف): مواردی که در بخش INFCIRC/۲۵۴/Rev.۷/Part ۲ از سند ۸۱۴/S/۲۰۰۶ آمده اند، در صورتی که به تشخیص دولت صادر کننده به فعالیت های مرتبط با غنی سازی، بازفرآوری و یا آب سنگین کمک خواهد کرد؛

(ب): هر یک از اقلام دیگری که در اسناد ۸۱۴/S/۲۰۰۶ و ۸۱۵/S/۲۰۰۶ فهرست بندی نشده اند، در صورتی که کشور صادر کننده تشخیص دهد که اقلام مزبور به فعالیت های مرتبط با غنی سازی، بازفرآوری و یا آب سنگین و یا توسعه سیستم های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک خواهد کرد؛

(ج): هر نوع اقلام دیگری که به تشخیص کشور صادر کننده به پیگیری فعالیت های مرتبط با سایر موضوعاتی که آژانس درباره آنها ابراز نگرانی نموده و یا آنها را به عنوان موضوع باقی مانده مشخص کرده است، کمک خواهد کرد.

ج: الزام ایران به عدم صدور هرگونه اقلام مندرج در اسناد مشخص شده در قطعنامه و الزام همه کشورهای عضو به منع تامین چنین اقلامی از ایران توسط اتباعشان، یا کشتی‌ها یا هواپیماهایی که پرچم‌شان را استفاده می‌کنند، اعم از این که منشاء آنها قلمرو ایران باشد یا خیر (بند هفتم قطعنامه ۱۷۳۷).

د: تضمین کشورها در خصوص عرضه، فروش یا انتقال همه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که صادرات آنها توسط ایران منع نشده مبنی بر این که:

الف) شرایط مندرج در اسناد ذی‌ربط رعایت شده است،

ب) قادر به اعمال موثر حق راست‌آزمایی کاربرد نهایی و موقعیت کاربرد نهایی اقلام عرضه شده می‌باشند،

ج) مطلع کردن کمیته ظرف ده روز از عرضه، فروش یا انتقال،

د) همچنین در برخی موارد مطلع کردن آژانس ظرف ده روز از زمان عرضه، فروش یا انتقال (بند پنجم قطعنامه ۱۷۳۷).

۲) قطعنامه ۱۷۴۷:

الف: عدم اقدام ایران به تامین، فروش و انتقال تسلیحات و مواد مرتبط به طور مستقیم یا غیرمستقیم از قلمرو خود یا به وسیله اتباع خود یا با استفاده از کشتی‌ها یا هواپیماهای پرچم‌دار خود (بند ۵ قطعنامه ۱۷۴۷).^۵

ب: ایجاد محدودیت توسط همه کشورها در عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم موارد زیر از قلمروهای خود یا به وسیله اتباعشان یا هواپیماها یا کشتی‌هایی که پرچم آنها را استفاده می‌کنند:

هر گونه تانک جنگی، ماشین‌های جنگی زرهی، سیستم‌های دارای کالیبر سنگین، هواپیماهای جنگی، بالگردهای تهاجمی، ناوها، موشک‌ها یا سیستم‌های موشکی که در زمره سلاح‌های متعارف [غیرهسته‌ای] به گونه‌ای که در راستای اهداف مرکز ثبت ملل متحد در خصوص سلاح‌های سنتی تعریف شده (بند ۶ قطعنامه ۱۷۴۷).

۳) قطعنامه ۱۸۰۳:

اتخاذ تدابیر لازم توسط همه کشورها به منظور جلوگیری از تامین، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم [اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری مطرح شده در برخی از اسناد آژانس] از طریق قلمروشان یا به وسیله اتباع‌شان یا با استفاده از کشتی‌ها یا هواپیماهای تحت پرچم‌شان یا برای استفاده در ایران یا به نفع ایران، اعم از این که منشاء آن در قلمروشان باشد یا نباشد. (بند هشتم قطعنامه ۱۸۰۳)،

۵- این قطعنامه در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۰۷ صادر شده است.

۴) قطعنامه ۱۹۲۹:

الف: جلوگیری همه کشورها از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم موارد زیر از قلمروهای خود یا از طریق قلمروهایشان یا به وسیله اتباعشان یا اشخاص تحت کنترلشان یا هواپیماها یا کشتی‌هایی که پرچم آنها را استفاده می‌کنند، اعم از این که در قلمرو خودشان آغاز شده باشد یا نه، به مقصد ایران (بند هشتم قطعنامه ۱۹۲۹).^۶

ب: عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هر گونه تانک جنگی، ماشین‌های جنگی زرهی، سیستم‌های دارای کالیبر سنگین، هواپیماهای جنگی، بالگردهای تهاجمی، ناوها، موشک‌ها یا سیستم‌های موشکی که در زمره سلاح‌های متعارف [غیرهسته‌ای] به گونه‌ای که در راستای اهداف مرکز ثبت ملل متحد در خصوص سلاح‌های سنتی تعریف شده، یا مواد مرتبط، از قبیل قطعات یدکی یا اقلامی که شورای امنیت یا کمیته تشکیل شده طبق قطعنامه ۱۷۳۷ تعیین می‌کند،

د: الزام ایران به عدم انجام هر گونه فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیکی که قادر به حمل و پرتاب سلاح‌های هسته‌ای باشند، از جمله پرتاب‌هایی که از فناوری موشکی بالستیک استفاده می‌کنند و الزام همه کشورها به اتخاذ همه اقدامات لازم به منظور جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک‌های فنی مرتبط با چنین فعالیت‌هایی به ایران (بند نهم قطعنامه ۱۹۲۹).

ب: محدودیتهای مالی و بیمه ای**۵) قطعنامه ۱۷۴۷:**

ایجاد محدودیت در ارایه هر گونه مساعدت فنی یا آموزش، مساعدت مالی، سرمایه‌گذاری، بیمه یا دیگر خدمات به ایران و انتقال منابع یا خدمات مالی مرتبط با عرضه، فروش، انتقال، تولید یا استفاده از چنین اقلامی (بند ۶ قطعنامه ۱۷۴۷)،

۶) قطعنامه ۱۸۰۳:

الف: ایجاد محدودیت توسط همه کشورها نسبت به فعالیت‌های نهادهای مالی در قلمروهای خود با همه بانک‌هایی که محل اقامتشان در ایران است به ویژه بانک ملی، بانک صادرات و شعب آنها در خارج از ایران (بند دهم قطعنامه ۱۸۰۳)،

ب: ایجاد محدودیت توسط همه کشورها در انعقاد الزامات جدید برای حمایت مالی برای تجارت با ایران، از جمله اعطای اعتبارات صادراتی، تضمینات مالی یا بیمه به اتباع خود یا موسساتی که به چنین تجارتی مبادرت می‌نمایند، تا چنین حمایت مالی نتواند به گسترش فعالیت‌های حساس هسته‌ای یا توسعه سیستم‌های تسلیحات هسته‌ای کمک کند (بند نهم قطعنامه ۱۸۰۳).

۶ - این قطعنامه در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰ صادر شده است.

(۷) قطعنامه ۱۹۲۹:

الف: ممانعت از تامین خدمات مالی، از جمله بیمه یا بیمه مجدد یا انتقالات از طریق خاک کشورشان، یا از طریق اتباع و نهادهایی که تحت قوانین آنها (از جمله شعبه‌های خارج از کشور) کار می‌کنند، یا اشخاص و نهادهای مالی موجود در خاک خود یا هر یک از دارایی‌ها و منابع مالی^۷، در صورتی که اطلاعاتی در دست داشته باشند دال بر این که این خدمات، دارایی‌ها و منابع می‌توانند در گسترش فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایران، توسعه سیستم‌های حمل و پرتاب سلاح‌های هسته‌ای نقش داشته باشند (بند بیست و یکم قطعنامه ۱۹۲۹)،

ب: درخواست شورای امنیت از کشورها مبنی بر اتخاذ تدابیر مناسب به منظور جلوگیری از افتتاح شعبه‌ها، شرکت‌های فرعی یا نمایندگی‌های شعب بانک‌های ایرانی در خاک خود. همچنین اتخاذ تدابیری به منظور ممانعت از سرمایه‌گذاری مشترک جدید، گرفتن مالکیت منافع در داخل یا حفظ یا ایجاد روابط میان بانک‌های ایرانی و بانک‌هایی که تحت صلاحیت این کشورها هستند تا از آرایه خدمات مالی ممانعت به عمل آید (بند بیست و سوم قطعنامه ۱۹۲۹)،

ج: درخواست شورای امنیت از کشورها مبنی بر اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور منع نهادهای مالی واقع در قلمرو یا تحت صلاحیتشان از افتتاح دفاتر نمایندگی یا شرکت‌های فرعی یا حساب‌های بانکی در ایران (بند بیست و چهارم قطعنامه ۱۹۲۹).

ج: خدمات**(۸) قطعنامه ۱۷۳۷:**

الف: اتخاذ اقدامات لازم توسط همه کشورها برای جلوگیری از تامین هر گونه مساعدت یا آموزش فنی، مساعدت مالی، سرمایه‌گذاری، دلالی یا دیگر خدمات و انتقال منابع یا خدمات مالی مرتبط با عرضه، فروش، انتقال، تولید یا استفاده از اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و انرژی منع شده در بندهای ۳ و ۴ این قطعنامه (بند ششم قطعنامه ۱۷۳۷)،

ب: جلوگیری همه کشورها از تامین هر گونه آموزش فنی، منابع یا خدمات مالی، مشاوره، دیگر خدمات یا کمک‌های مرتبط با عرضه، فروش، انتقال، تامین، تولید، حفظ و نگهداری یا استفاده از چنین سلاح‌هایی و مواد مرتبط با آنها توسط اتباعشان، ایجاد محدودیت شدید

۷- این ممنوعیت می‌تواند از طریق مسدود کردن منابع مالی و دیگر دارایی‌های موجود در خاک این کشورها یا منابعی که در آینده به خاک این کشورها وارد خواهد شد، یا مسدود کردن منابعی صورت گیرد که تحت حاکمیت قضایی آنها قرار داشته یا در آینده قرار خواهند گرفت و مواردی که مرتبط با این برنامه‌ها یا فعالیت‌ها است. شورای امنیت از کشورها می‌خواهد که نظارت تقویت شده‌ای برای ممانعت از همه این مبادلات در راستای اختیارات قانونی و قوانین خود به کار گیرند.

نسبت به عرضه، فروش، انتقال، تامین، تولید و استفاده از دیگر سلاح‌ها و مواد مرتبط (بند هشتم قطعنامه ۱۹۲۹).

اشخاص حقیقی و حقوقی

(۱) قطعنامه ۱۷۳۷:

الف: اعمال جدید و هشیاری توسط همه کشورها در خصوص ورود یا عبور افراد دست‌اندرکار یا مرتبط یا حامی فعالیت‌های هسته‌ای حساس ایران یا توسعه سامانه‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران از قلمروهای خود (بند دهم قطعنامه ۱۷۳۷)^۸ (فهرست مندرج در پیوست قطعنامه)،

ب: مسدود کردن وجوهات، دیگر دارایی‌های مالی و منابع اقتصادی تحت تملک یا کنترل اشخاص یا نهادهای مشخص شده در پیوست و همچنین اشخاص یا نهادهایی که شورای امنیت یا کمیته معین می‌کند که در زمان پذیرش قطعنامه یا هر زمانی بعد از آن در قلمروشان قرار دارد؛ همچنین همه کشورها باید تضمین نمایند که وجوهات، دارایی‌های مالی یا منابع اقتصادی نباید توسط اتباعشان یا اشخاص یا نهادهای ساکن در قلمروشان در دسترس اشخاص یا نهادهای پیش‌بینی شده در پیوست یا مشخص شده توسط کمیته یا شورای امنیت یا در راستای منافع آنها قرار گیرد (بند ۱۲ قطعنامه ۱۷۳۷).

(۹) قطعنامه ۱۷۴۷:

ایجاد محدودیت توسط همه کشورها در خصوص ورود یا عبور افرادی که در فعالیت‌های هسته‌ای ایران یا توسعه سیستم‌های تسلیحات هسته‌ای دست دارند، یا به طور مستقیم با این فعالیت‌ها مرتبط هستند یا از این فعالیت‌ها حمایت می‌کنند (بند ۲ قطعنامه ۱۷۴۷). این بند قطعنامه عیناً در قطعنامه ۱۸۰۳ بند سوم تکرار شده است و فهرست پیوست آن توسعه پیدا کرده است.

(۱) قطعنامه ۱۹۲۹:

الف: اتخاذ کلیه تدابیر لازم توسط همه کشورها برای ممانعت از ورود یا انتقال اشخاص از طریق خاک خود که در قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت و قطعنامه حاضر مشخص شده‌اند (بند دهم قطعنامه ۱۹۲۹).

ب: اعمال تدابیر پیش‌بینی شده در بندهای ۱۲ تا ۱۵ قطعنامه ۱۷۳۷ نسبت به سپاه پاسداران

۸- لازم به ذکر است که در ادامه شورای امنیت «تصمیم می‌گیرد که در این خصوص همه کشورها باید کمیته را از ورود یا عبور اشخاص مشخص شده در پیوست این قطعنامه و همچنین اشخاص دیگری که شورای امنیت یا کمیته مشخص می‌نماید، مطلع سازند.»

انقلاب اسلامی، اشخاص و نهادهایی که در ضمیمه قطعنامه مشخص شده‌اند و اشخاص و نهادهایی که از جانب آنها یا در مسیر آنها عمل می‌کنند و نیز در مورد نهادهایی که تحت مالکیت و کنترل آنها از جمله از طرق ابزار غیرقانونی قرار دارند (بند دوازدهم قطعنامه ۱۹۲۹)، ج: اعمال تدابیر پیش‌بینی شده در بندهای ۱۲ تا ۱۵ قطعنامه ۱۷۳۷ نسبت به نهادهای خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و همچنین همه افراد و نهادهایی که از جانب و یا در راستای آنها فعالیت می‌کنند و نهادهایی که تحت مالکیت یا کنترل آنها از جمله از طرق غیرقانونی قرار دارند یا توسط شورای امنیت و کمیته تحریم‌ها مشخص شده است که به این اشخاص یا نهادهای مورد نظر در طفره رفتن از قطعنامه‌ها کمک کرده‌اند یا در راستای نقض مفاد قطعنامه‌های پیشین یا قطعنامه حاضر به این اشخاص و نهادها کمک کرده‌اند (بند نوزدهم قطعنامه ۱۹۲۹)،

ه: وادار ساختن همه کشورها به الزام اتباع خود، یا افرادی که تحت صلاحیت آنها قرار دارند، یا شرکت‌هایی که در این کشورها فعالیت دارند یا تحت صلاحیت آنها هستند به این که مراقب تجارت خود با نهادهایی باشند که در ایران فعالیت داشته یا تحت صلاحیت این کشور هستند از جمله شرکت‌های وابسته به سپاه و خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، یا تجارت با اشخاص یا نهادهایی که از جانب یا در راستای آنها عمل می‌کنند و نهادهایی که تحت مالکیت یا کنترل آنها از جمله از طرق غیرقانونی هستند (بند بیست و دوم قطعنامه ۱۹۲۹).

خدمات آموزش

الف: اعمال هشیاری و جلوگیری همه کشورها از آموزش تخصصی رشته‌هایی که به فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایران و توسعه سامانه‌های پرتاب سلاح‌های هسته‌ای ایران کمک می‌کند به اتباع ایرانی در قلمروهای خود یا توسط اتباع خود (بند ۱۷ قطعنامه ۱۷۳۷).

۲) قطعنامه ۱۷۴۷:

ب: الزام همه کشورها و نهادهای بین‌المللی به عدم انعقاد تعهدات جدید در خصوص اعتبارات، مساعدت مالی و وام‌های امتیازی به دولت جمهوری اسلامی ایران، جز برای اهداف بشردوستانه و توسعه‌ای (بند هفتم قطعنامه ۱۷۴۷).

خدمات حمل و نقل و بازرسی

۱) قطعنامه ۱۸۰۳:

بازرسی محموله‌هایی که از ایران یا به مقصد ایران هستند توسط همه کشورها در فرودگاه‌ها و لنگرگاه‌های خود، طبق قوانین داخلی خود و منطبق با حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق دریاهای و توافقات مرتبط با هوانوردی غیر نظامی بین‌المللی (بند یازدهم قطعنامه ۱۸۰۳).

۳) قطعنامه ۱۹۲۹:

الف: درخواست از همه کشورها برای بازرسی همه محموله‌ها به سمت یا از طرف ایران بر طبق اختیارات ملی و مقررات خود و مطابق با قوانین بین‌المللی بخصوص قوانین دریایی و توافقات هواپیمایی بین‌المللی، در خاک کشور خود از جمله بنادر و فرودگاه‌ها (بند چهاردهم قطعنامه ۱۹۲۹)، ب: اختیار کشورها، در راستای قوانین بین‌المللی بخصوص قوانین دریایی، مبنی بر درخواست بازرسی‌ها از شناورها در دریای آزاد با کسب رضایت از کشوری که شناور مذکور تحت لوای آن حرکت می‌کند و درخواست شورای امنیت از همه کشورها مبنی بر همکاری با این بازرسی‌ها (بند پانزدهم قطعنامه ۱۹۲۹)،

ب: الزام همه کشورها به ممانعت از تامین خدمات ذخیره‌ای مانند ذخیره سوخت و مواد یا دیگر خدمات به کشتی‌ها و شناورها توسط اتباع خود به شناورهای ایرانی یا دارای قرارداد با ایران از جمله شناورهای اجاره شده از سوی ایران در صورتی که آنها اطلاعاتی دال بر این امر دارند که این شناورها در حال حمل کالاهایی هستند که تامین، فروش، انتقال و صدور آنها بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران ممنوع اعلام شده‌اند (بند هیجدهم قطعنامه ۱۹۲۹)،

د: محدود کردن همکاری فنی آژانس با ایران

۱- همکاری فنی آژانس یا دیگر نهادهای آن با ایران تنها به اهداف غذایی، کشاورزی، پزشکی، ایمنی یا دیگر اهداف بشردوستانه و یا دیگر موارد مشخص شده محدود شده است (بند ۱۶ قطعنامه ۱۷۳۷).

و: نظارت بر اجرای قطعنامه‌ها**۴) قطعنامه ۱۷۳۷:**

تشکیل کمیته‌ای در شورای امنیت متشکل از کلیه اعضای شورا با وظایف مشخص (بند ۱۸)^۹. قابل اعمال بودن کمیته مندرج در بند ۱۸ قطعنامه ۱۷۳۷ در رابطه با تدابیر اعمال شده

۹ - وظایف این کمیته عبارتند از:

الف: درخواست اطلاعات از کلیه کشورها به ویژه کشورهای منطقه و کشورهای تولیدکننده اقلام، کالاها، تجهیزات، مواد و فناوری درباره اقدامات اتخاذ شده توسط آنها جهت اجرای موثر تدابیر مقرر در قطعنامه،

ب: درخواست اطلاعات از دبیرخانه آژانس در مورد اقدامات انجام شده توسط آژانس به منظور اجرای موثر تدابیر مقرر در بند ۱۷ این قطعنامه و هر نوع اطلاعات دیگری که می‌تواند در این رابطه مفید باشد،

ج: بررسی اطلاعات دریافتی و اتخاذ اقدامات مقتضی درباره موارد ادعایی نقض تدابیر مقرر در این قطعنامه،

د: بررسی و تصمیم‌گیری در مورد درخواست‌ها برای معافیت‌های پیش‌بینی شده در بندهای ۹، ۱۳ و ۱۵ قطعنامه،

ه: تعیین دیگر اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌هایی که باید برای هدف بند ۳ مشخص گردند،

و: ارایه اصول راهنمای مورد نیاز جهت تسهیل اجرای تدابیر مقرر در این قطعنامه و درج درخواستی در این اصول راهنما از کشورها جهت ارایه اطلاعات در هر جا که ممکن باشد، در مورد این که چرا اشخاص و یا نهادها واجد معیار تعیین شده در بندهای ۱۰ و

۱۲ بوده و ارایه هر گونه اطلاعات جهت شناسایی اشخاص و نهادهای مربوطه،

در قطعنامه‌های ۱۷۴۷ و قطعنامه ۱۸۰۳ (بند ۱۴ قطعنامه ۱۸۰۳)،

۵) ۲- قطعنامه ۱۹۲۹:

تاسیس کمیته شورای امنیت [به منظور نظارت بر اجرای قطعنامه‌ها] متشکل از همه اعضای شورا برای انجام وظایف زیر:

الف) درخواست اطلاعات از دبیرخانه آژانس در مورد اقدامات اتخاذی توسط آژانس به منظور اجرای موثر اقدامات تحمیل شده در بند ۱۶ این قطعنامه و همچنین اطلاعات بیشتری که در این خصوص مفید بداند،

ب) بررسی و اتخاذ اقدام مناسب در مورد اطلاعات راجع به موارد ادعایی نقض اقدامات تحمیل شده در بندهای سوم تا دهم،

د: درخواست از همه کشورهای مبنی بر ارائه هر گونه اطلاعاتی درباره انتقالات، به "کمیته" که توسط بخش محموله‌های هوایی و شناورهای تحت مالکیت ایران یا تحت اداره خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران (IRISL) با دیگر شرکت‌هایی صورت می‌گیرد که ممکن است در راستای طفره رفتن از تحریم‌ها یا در راستای نقض مفاد قطعنامه‌های ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸) یا همین قطعنامه باشند؛ از جمله تغییر نام یا ثبت مجدد هواپیماها، شناورها و کشتی‌ها (بند بیستم قطعنامه ۱۹۲۹).

نتیجه‌گیری

این بررسی نشان می‌دهد تحریم‌های یک جانبه اقتصادی آمریکا به تدریج با هماهنگی کشورهای اروپایی از حالت دو جانبه به چندجانبه تبدیل و در مرحله بعد، تحریم‌های چند جانبه مسئله را وارد برهه جدیدی کرده که هم از نظر سیاسی و دیپلماسی و هم از بعد اقتصادی مهم است. شورای امنیت، دامنه تحریم‌ها را گسترده‌تر و آن را به کشورهای عضو سازمان ملل متحد گسترش داد. همچنین از بعد حقوقی آن را برای کشورهای عضو الزام‌آور ساخته، که این امر لزوم توجه جدی به آثار اقتصادی و مقابله با آن را طلب می‌کند. این بررسی نشان می‌دهد که تحریم‌های اخیر سیستم مالی کشور، بانک‌ها، بیمه، خدمات و تجارت خارجی را نشانه گرفته است. بعد از بخش مالی و بازرگانی، صنایع کشور هدف تحریم‌ها بوده است. تحریم‌های اقتصادی، واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای را از نظر کمی و کیفی متاثر می‌سازد. کاهش کمی، کاهش تولید و بیکاری را به دنبال داشته و کاهش کیفی، موجب افت بهره‌وری و کاهش کیفیت کالاهای نهایی می‌شود. در بخش خدمات، صنعت گردشگری

ز: ارائه گزارش به شورای امنیت حداقل هر ۹۰ روز یکبار در مورد فعالیت‌هایش و اجرای این قطعنامه به همراه ملاحظات و توصیه‌ها به ویژه در مورد راه‌های تقویت اثربخشی تدابیر مقرر در بندهای ۳ تا ۱۰ و بند ۱۲ قطعنامه.

دچار افت می‌گردد. از نظر متغیرهای کلان اقتصادی، در درجه اول تورم و در درجات بعدی کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش بیکاری باعث افت رشد و توسعه اقتصادی خواهد داشت. از جمله مواردی که برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌مداران را می‌تواند در اتخاذ تصمیم در مقابل تحریم‌ها کمک نماید، تفکیک آثار تحریم از بعد زمانی است. تحریم‌کنندگان به دنبال آن هستند که در کوتاه مدت هزینه‌های معاملاتی صادرات و واردات افزایش یابد و در میان مدت متغیرهای همچون تورم، بیکاری، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی متاثر شوند و در بلندمدت رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، دشوار گردد.

بهرحال تحریم‌های اقتصادی عاری از تاثیر نیست و برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های انقلاب و کشور بایستی هزینه‌های آن را نیز متحمل شد. اما کاهش تاثیرات این تحریم‌ها، دور زدن و خنثی‌سازی تحریم‌ها و در صورت امکان مقابله به مثل می‌تواند در دستور کار باشد. در این راستا، اقداماتی همچون: تغییر طرف‌های تجاری، تولید برخی از کالاها در داخل و کاهش مصرف برخی از کالاها می‌تواند موثر باشد. در کنار این برنامه‌ها خصوصی‌سازی و کوچک و خرد کردن برخی از شرکتها و ارگان‌های بزرگ (که شناسایی آنها از طرف کشورهای تحریم‌کننده سخت شود) اقتصاد کشور را در مقابل تحریم‌ها مقاوم می‌کند. بدون شک اقتصاد مقاومتی ضمن اینکه می‌تواند پاسخی به تهدیدات و تحریم‌ها باشد می‌تواند بسیاری نارسایی‌ها و کاستی‌های مدیریتی و اقتصادی موجود در کشور را برطرف ساخته و تحریم‌ها و تهدیدها را به فرصتی برای شکوفایی و پیشرفت کشور تبدیل کند.

منبع

قطع نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد (www.un.org/docs/sc/unsc_resolutions)

آسیب شناسی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

کمیسیون نظارت^۱

چکیده

کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در پایش و کنترل وضعیت اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، با برگزاری نشست‌های علمی- تخصصی و با حضور صاحب نظران و مسئولان دستگاه‌های اجرایی و همدلی نمایندگان هر سه قوه، اقدام به بررسی و آسیب شناسی از وضعیت و میزان تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نموده است. گزارش حاضر چکیده و خلاصه نظرات و مباحث مطروحه است که در دو بخش کلی (بخش اول: آسیب شناسی از وضعیت اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴؛ بخش دوم: ارائه توصیه‌ها و پیشنهادات سیاستی) تهیه شده است.

واژگان کلیدی

اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش خصوصی، بخش تعاون، کمیسیون نظارت

۱- کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

بخش اول: آسیب‌شناسی از وضعیت اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴

۱. وزارت امور اقتصاد و دارایی به منظور ارزیابی وضعیت اجرای قانون اصل ۴۴، ابتدا تعداد ۲۹۸ شاخص را تهیه و بعد از پالایش‌های متعدد به تعداد ۴۲ شاخص رسانده است. هشت دستگاه اجرایی متولی احصاء آن می‌باشند که سهم آنها متفاوت است.
 ۲. علی‌رغم گذشت بیش از سه سال از ابلاغ قانون اصل ۴۴، گزارش منسجم و دقیقی از ارزیابی آثار و عملکرد دستگاه‌ها و متولیان اجرایی قانون ارائه نشده است.
 ۳. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تحقق سهم ۲۵ درصدی اقتصاد کشور از بخش تعاون تصریح شده است، با این حال هنوز تعریف مشخصی از تعاونی‌ها وجود ندارد. آمار و اطلاعات و شاخص‌های مرتبط با بخش تعاونی بصورت دقیق و شفاف منتشر نمی‌گردد. همچنین راهبردها و سیاست‌های مشخص و منسجم جهت نیل به هدف توسعه بخش تعاونی مشاهده نمی‌شود.
 ۴. در سیاست‌های کلی و نیز قانون اصل ۴۴ عمدتاً در مورد طرف عرضه بحث شده درحالی‌که تجارب نشان می‌دهند مشکل در واگذاری‌ها به سمت تقاضا نیز بر می‌گردد. مثلاً در بحث واگذاری فولاد مبارکه مشکل در طرف تقاضا بوده است.
- طبق گزارش سازمان بازرسی کل کشور^۲ معادل ۶۷۱،۷۰۵ میلیارد ریال سهام دولتی به دو روش بورس و مزایده و به سه بخش خصوصی، تعاونی (سهام عدالت) و رد دیون واگذار گردیده است. ۷۲/۶ درصد از طریق بورس و الباقی معادل ۲۷/۴ درصد از طریق مزایده انجام شده است. درضمن ۷۳/۳ درصد متعلق به شرکت‌های صدر اصل ۴۴ و ۲۶/۷ درصد متعلق به شرکت‌های خارج از صدر اصل ۴۴ می‌باشند. از کل واگذاری‌ها؛ ۵۰/۹ درصد به سهام عدالت؛ ۱۷/۷ درصد رد دیون و ۳۱/۴ درصد بخش خصوصی بوده است.

۲- گزارش کمیسیون ویژه اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی تاحدودی با گزارش سازمان بازرسی کل کشور همخوانی دارد. در گزارش کمیسیون ویژه اصل ۴۴ مجلس اشاره شده که با واگذاری سهام حدود سیصد شرکت از ابتدای سال ۱۳۸۴ تاکنون به میزان ۶۹۹،۵۴۲ میلیارد ریال حاصل شده که مبلغ ۳۴۲،۱۰۸ میلیارد ریال آن بابت سهام عدالت، ۱۱۸،۶۴۲ میلیارد ریال بابت رد دیون به موسسات عمومی غیردولتی و ۲۳۸،۷۹۲ میلیارد ریال یعنی حدود ۳۴ درصد نیز از طریق بورس و مزایده واگذار گردیده است. حدود ۹۰ درصد این مبلغ از طریق بورس و ۱۰ درصد از طریق مزایده بوده و از مجموع این مبلغ حدود ۷۵ درصد آن از طریق فروش بلوکی صورت گرفته که از این میزان نیز ۷۶ درصد آن به موسسات عمومی غیر دولتی و شبه دولتی واگذار شده است. نیمی از این مبلغ، مربوط به شرکت مخابرات است و با این حساب (۷۵×۷۶×۳۴) حدود ۱۹/۵ درصد کل واگذاری‌ها به صورت بلوکی و حدود ۱۷/۵ درصد به صورت رد دیون و حدود ۴۹ درصد به صورت سهام عدالت بوده و از آنجا که برخی از همین میزان سهام نیز توسط شرکتهای وابسته به نهادها و موسسات عمومی غیردولتی و نیز شرکتهای موسوم به "شبه دولتی" از طریق بورس خریداری گردیده است، لذا سهم بخش خصوصی حداکثر ۱۳/۵ درصد از کل واگذاری‌ها می‌باشد. با نگاهی به ترکیب مالکیت بورس طبق آمار مورخ ۸۹/۴/۱۵، این نظریه تأیید می‌گردد. براساس آخرین درصد توزیع سهام در بازار بورس، دولت و نهادهای دولتی ۱۹/۸، صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی ۱۵/۲، بانک‌ها ۴/۹، کارگزاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و تعاونی‌های سهام عدالت ۱۳، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها ۳۱/۹، شرکت‌های تعاونی ۱/۲ و اشخاص حقیقی ۱۴ درصد مالکیت را دارا می‌باشند.

سهم بالای سهام بلوکی

آمارها و اطلاعات نشان از سهم بالای سهام بلوکی در کل واگذاری ها دارد به گونه ای که از مجموع ۶۷۱،۷۰۵ میلیارد ریال سهام دولتی، معادل ۹۵/۶ درصد از مجموع واگذاری ها به صورت بلوکی واگذار گردیده و از مجموع واگذاری های انجام شده به صورت بلوکی نیز مبلغ ۱۱۸،۶۴۲ میلیارد ریال (۵۳/۳ درصد) به بخش تعاونی در قالب سهام عدالت، مبلغ ۱۱۸،۶۴۲ میلیارد ریال (۱۸/۵ درصد) در قالب رد دیون و مبلغ ۱۸۱،۲۸۱ میلیارد ریال (۲۸/۲ درصد) به بخش خصوصی (اعم از بخش خصوصی حقیقی و غیر حقیقی) واگذار شده است.

مالکیت و مدیریت شرکت های سرمایه پذیر

در خصوص ترکیب مالکیت و مدیریت شرکت های سرمایه پذیر شایان ذکر است علی رغم لغو موافقتنامه شماره ۴۳۶۵۴/۱۶۹۲۱۳ مورخ ۱۳۸۸/۸/۲۵ هیأت دولت توسط مجلس شورای اسلامی مبنی بر تعیین مسئول دستگاه اجرایی مربوطه به عنوان نماینده دولت در خصوص چهل درصد سهام عدالت، نماینده سهام عدالت در شرکت های سرمایه پذیر مس، فولاد مبارکه، فولاد خوزستان، چادرملو و مپنا، همچنان مستقیماً و بدون دخالت شرکت کارگزاری مذکور، از سوی دولت انتخاب شده اند و در خصوص سایر شرکت های سرمایه پذیر نیز اگر چه معرفی نماینده سهام عدالت توسط شرکت کارگزاری مذکور انجام یافته لیکن انتخاب ایشان غالباً با نفوذ و دخالت دولت انجام پذیرفته است.

رد دیون از واگذاری های بلوکی

رد دیون شامل پرداخت بدهی های دولت به سازمان های حمایتی و نهادهای غیردولتی بابت مصارف دولت طی سنوات گذشته می باشد؛ از واگذاری های بلوکی انجام شده طی سال های مورد بررسی سهم ۱۸/۵ درصدی متعلق به رد دیون بوده که به سازمان ها و نهادهای سازمان تأمین اجتماعی؛ سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح؛ صندوق های بازنشستگی لشکری و کشوری؛ صندوق ذخیره فرهنگیان؛ بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ تعاونی مسکن کارکنان ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ سازمان بیمه خدمات درمانی؛ سازمان توسعه و تجارت؛ آستان قدس رضوی؛ سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور؛ سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح و سازمان اوقاف و امور خیریه اختصاص یافته است.

سهم بخش‌های مختلف در واگذاری

در بررسی سهم ۲۸/۲ درصدی بخش خصوصی - اعم از بخش خصوصی حقیقی (مالکیت توأم با مدیریت توسط بخش خصوصی) و بخش خصوصی غیر حقیقی (اصطلاحاً شبه دولتی‌ها: مالکیت با بخش خصوصی لیکن مدیریت با بخش دولتی و یا تحت نفوذ دولت) بررسی‌های به عمل آمده در خصوص ترکیب خریداران سهام شرکت‌های واگذار شده حاکی از آن است که ۹۵/۷۵ درصد از مجموع ارزش بلوک واگذار شده به بخش خصوصی به ارزش ۱۷۳،۵۸۸ میلیارد ریال، ناشی از واگذاری سهام ۳۱ شرکت با ارزش بیش از ۵۰۰ میلیارد ریال می‌باشد. به عبارت دیگر ۹۵/۷۵ درصد از ارزش سهام بلوکی واگذار شده به بخش خصوصی، متعلق به ۳۱ شرکت بوده که ترکیب خریداران این شرکت‌ها بصورت خریداران شبه دولتی بوده و به شرح ذیل است:

ردیف	ترکیب خریداران	نهاد مسؤل
۱	سرمایه‌گذاری‌های تأمین اجتماعی، صبا تأمین و نفت و گاز تأمین	وابسته به سازمان تأمین اجتماعی
۲	سرمایه‌گذاری‌های مهر اقتصاد ایرانیان، تجلی مهر ایرانیان، توسعه صنعتی ایران و نگین ساحل روپال	وابسته به موسسه مالی و اعتباری مهر (بسیجیان سابق)
۳	سرمایه‌گذاری تدبیر	وابسته به ستاد اجرایی فرمان امام (ره)
۴	صندوق بازنشستگی کشوری	وابسته به سازمان بازنشستگی کشوری
۵	ایرانی تولید اتومبیل سایپا، سرمایه‌گذاری‌های سایپا و سمند	وابسته به سازمان گسترش و نوسازی صنایع (ایدرو) و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی
۶	سرمایه‌گذاری ملی ایران	وابسته به گروه بهمن (وابسته به بنیاد تعاون سپاه) و بانک‌های مرکزی، ملت و سپه
۷	کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین	وابسته به بنیاد تعاون سپاه و ستاد اجرایی فرمان امام (ره)
۸	سرمایه‌گذاری مهرگان و ناجی قدر	وابسته به بنیاد تعاون ناجا
۹	سرمایه‌گذاری سامان مجد	وابسته به شرکت تعاونی اعتبار ثامن الائمه
۱۰	سرمایه‌گذاری الوند غدیر و سرمایه‌گذاری توسعه تأمین اجتماعی نیروهای مسلح	وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

در خصوص سهم مؤسسات عمومی غیردولتی؛ از مجموع واگذاری‌ها طی دوره مورد بررسی، مجموع ارزش سهام واگذار شده به «سازمان تأمین اجتماعی»، «بنیاد شهید و امور ایثارگران» و «موسسه صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر» که طبق قانون از مؤسسات

عمومی غیردولتی می باشند نسبت به مجموع واگذاری های انجام شده معادل ۷/۸ درصد بوده است. سهم بخش خصوصی غیرحقیقی (به اصطلاح شبه دولتی ها: سهام عدالت + رد دیون (به غیر از موسسات عمومی غیردولتی) + خریداران سهام متعلق به دولت) می توان نتیجه گرفت؛ از مجموع واگذاری های انجام شده طی دوره مورد بررسی معادل ۸۶/۷ درصد بوده است:

سهم	عنوان
۰ درصد	بخش تعاون
۷/۸ درصد	موسسات عمومی غیردولتی
۵/۵ درصد	بخش خصوصی حقیقی
۸۶/۷ درصد	بخش خصوصی غیرحقیقی (شبه دولتی ها)

سهم بخش خصوصی واقعی از مجموع واگذاری های انجام شده در جریان خصوصی سازی کشور طی دوره ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹/۰۶/۳۱ معادل ۵/۵ درصد و تنها متعلق به تعداد ۲۰ نفر (حقیقی و حقوقی) از مجموع تعداد خریداران بوده است. از مجموع واگذاری های انجام شده در قالب سهام عدالت نیز طی دوره مذکور سهمی به مدیریت بخش تعاونی اقتصاد تعلق نگرفته است. سهم بالایی از واگذاری های انجام شده در دوره مورد بررسی به صورت بلوکی و از طریق بورس صورت گرفته است. از آنجا که خریداری سهام شرکت های بزرگ عرضه شده از طریق بورس، در قالب بلوک های مدیریتی و کنترلی مستلزم توانایی مالی بالای خریداران می باشد و این توان غالباً در اختیار بخش خصوصی غیر واقعی و موسسات عمومی غیر دولتی قرار دارد لذا امکان ایجاد یک فضای رقابتی در بازار بورس سهام از بین رفته و ضمن آنکه مانع از حضور بخش خصوصی واقعی در صحنه رقابت می شود، منافع دولت در جذب منابع بیشتر ناشی از افزایش قیمت سهام به دلیل رقابت بیشتر را نیز محدودتر می سازد.

بند الف سیاست ها

در کنار بند ج و موضوع واگذاری به بخش های غیردولتی، بند الف که دال بر عدم گسترش فعالیت ها و دخالت های دولت در اقتصاد است، اهمیت دوچندانی دارد. آمار و اطلاعات حاکی از این است که اولاً عمده نگاه به بند ج سیاست های کلی اصل ۴۴ بوده، ثانیاً علیرغم اجرای بند ج، از طرف دیگر شاهد تخطی از بند الف بوده ایم و سرمایه گذاری ها و هزینه دولت و نیز دخالت های دولت در فعالیت های اقتصادی کاهش یافته و در بخشی از حوزه ها حتی افزایشی بوده است.

عدم کاهش تصدی دولت در مدیریت شرکت‌های واگذار شده به ویژه در گروه ۲

با توجه به ترکیب سهام‌داران جدید شرکت‌های واگذار شده و با عنایت به اینکه طبق اساسنامه‌های فعلی، اکثر مؤسسات عمومی غیردولتی توسط سازمان‌های دولتی مدیریت شده و نیز نمایندگی سهام عدالت را در اکثر شرکت‌ها، دستگاه‌های دولتی عهده‌دار شده‌اند، تصدی دولت در اداره بنگاه‌ها همچنان ادامه دارد. در شرکت‌های گروه (۲) که فقط ۲۰ درصد سهام دارند، دولت همچنان به بنگاه‌داری مشغول است. در تأیید این روند می‌توان شرکت‌های فولاد و مس در بخش صنعت و یا شرکت تایدواتر در بخش راه و ترابری را به‌عنوان مثال ذکر کرد.

ادامه حضور نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی

ادامه حضور این مؤسسات که عمدتاً بر اساس قانون و از طریق رد دیون و یا خرید سهام از طریق شرکت‌های دولتی زیرمجموعه آنها صورت می‌گیرد، از دو جنبه قابل بررسی است: یکی از بعد جذب نقدینگی آنها و فعال کردن بازار بورس که نسبت به فعالیت‌های اقتصادی مخرب و یا غیر مولد که بعضاً در گذشته صورت می‌گرفت ارجحیت دارد و موجب فعال شدن بازار سرمایه می‌شود و دیگری از جنبه حضور این مؤسسات در مالکیت و مدیریت شرکت‌های واگذار شده است که به دلیل اشکالات اساسنامه‌ای اکثراً باعث تداوم حضور دولت در تصدی این بنگاه‌ها شده‌اند و در نتیجه میدان رقابت را برای حضور بخش خصوصی تنگ کرده‌اند.

ورود و توسعه شرکت‌های موسوم به شبه‌دولتی

این شرکت‌ها با تعریفی که در جامعه متداول است در قالب شرکت خصوصی وارد بازار سرمایه و خرید سهام از بورس می‌شوند ولی ماهیت دولتی و یا وابسته به نهادهای حکومتی دارند و باعث عدم حضور حقیقی بخش خصوصی می‌شوند. این نوع شرکت‌ها نه تحت حاکمیت و نظارت دولت و مجلس و دستگاه‌های نظارتی قرار دارند و نه قواعد رقابت‌پذیری بخش خصوصی را رعایت می‌کنند.

بخش عمومی غیردولتی

براساس قانون اساسی، در اقتصاد ایران سه بخش وجود دارد: بخش دولتی، خصوصی و تعاون. برای نخستین بار مفهومی در نظام حقوق اقتصادی کشور ایجاد شده؛ تحت عنوان بخش عمومی غیردولتی؛ که هم در اجرا و هم در ارزیابی شائبه ایجاد کرده است. بویژه در

واگذاری‌ها این مساله کاملاً روش و شفاف است. ذیل سیاست‌های کلی اصل ۴۴، سیاست‌های توسعه بخش غیردولتی است که در بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ تصریح شده و بدین معناست که اولاً همه فعالیت‌های غیرصدر اصل ۴۴ واگذار گردند و ثانیاً سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی افزایش یابد. با این حال نگاهی به آمار و اطلاعات حاکی از این است که هنوز بسیاری از فعالیت‌های غیرصدر اصل ۴۴ در بدنه وسیع و چندلایه تصدی دولت هستند. همچنین توسعه بخش خصوصی، بدلیل موانع متعدد و عدم وجود فضای مناسب سرمایه‌گذاری نتوانسته توسعه یابد. هنوز تبعیض‌ها و رقابت‌های نابرابر متعددی بین بخش‌های خصوصی و دولتی وجود دارند؛ از قبیل طرز رفتار دوگانه و متفاوت دستگاه مالیاتی کشور بین بخش‌های خصوصی با بخش‌های دولتی.

نا مساعد بودن فضای سرمایه‌گذاری

نتایج بررسی‌ها نشان از این دارد که در کشورهایی نظیر چین و امارات سرمایه‌گذاری عظیمی توسط سرمایه‌گذاران ایرانی صورت می‌گیرد، بنابراین مشکل از سوی سرمایه‌گذاران ایرانی نیست و فضای سرمایه‌گذاری مساعد نیست. برطرف کردن مشکلات قانون کار، توسعه بازار سرمایه، حذف قوانین مزاحم و دست و پا گیر، دسترسی به تسهیلات بانکی بدون واسطه و توصیه به عنوان یک لازمه طبیعی سرمایه‌گذاری و ارزیابی پویای بهبود فضای کسب و کار می‌تواند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در کشور توسعه بخشد.

تغییر نقش دولت از مدیریت و مالکیت به هدایت و نظارت

در بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به موضوع واگذاری‌ها پرداخته شده است و اشاره شده که نقش دولت باید از مدیریت و مالکیت مستقیم به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت تغییر یابد. آیا این نقش تغییر کرده است؟ گزارش سازمان بازرسی کل کشور و کمیسیون ویژه اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی با کمی اختلاف نشان از این دارند که موسسات عمومی مانند سازمان‌های تامین اجتماعی و بازنشستگی و مشابه آنها در اقتصاد بعنوان بخش خصوصی حضور دارند ولی سلسله مراتب مدیریتی آنها هنوز دولتی است و بخش خصوصی واقعی نیستند و هنوز نقش مدیریتی دولت برای این موسسات پابرجاست. باید معیارهای بخش خصوصی واقعی استخراج گردد تا مشخص شود چقدر از واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی سپرده شده‌اند.

مشکلات فراروی بنگاه‌های واگذار شده

بررسی‌ها نشان می‌دهد بعد از واگذاری‌ها هیچگونه حمایت و کمکی از سوی دولت صورت نمی‌گیرد. بنگاه‌های واگذار شده با طیف زیادی از مشکلات و موانع بدون حمایت رها می‌شوند. آسیب‌شناسی از مشکلات فراروی بنگاه‌های واگذار شده، نشان می‌دهد:

۱. افزایش فشار دستگاه‌های دولتی، بانک‌ها و سازمان‌های تامین اجتماعی برای پرداخت بدهی‌های قبلی بنگاه‌ها به محض واگذاری، بطوریکه قبلاً نیز طلبکار بوده‌اند ولی فشارها تا این حد نبوده است،
۲. عدم انتقال مدیریت به بنگاه‌های واگذار شده،
۳. دخالت‌های نابجای مقامات دولتی در اختیارات هیات مدیره نظیر تقسیم سود،
۴. دخالت دولت در بازار و ایجاد بنگاه‌های موازی در همان صنعت مانند توسعه شبه دولتی‌ها،
۵. عدم آرایه کامل اطلاعات و نبود شفافیت لازم در نحوه قیمت‌گذاری، بازار سهام و بورس و سایر اطلاعات،
۶. مشکلات ساختاری بنگاه‌ها و تجدید ساختار نامناسب،
۷. عدم اطلاع‌رسانی در مورد نحوه ساماندهی بازار مورد فعالیت و عدم اعلام رسمی سیاست‌های دولت در آن بازار،
۸. عدم پایبندی سازمان‌های دولتی به تعهدات و قراردادهای و مسایل حقوقی و روابط قبلی در برابر بنگاه‌های واگذار شده،
۹. فراهم نبودن زمینه و فرهنگ پذیرش مدیریت خصوصی بنگاه‌ها در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی،
۱۰. نامناسب بودن فضای کسب و کار و وجود موانعی نظیر تحریم‌ها، قانون کار و مالیات،
۱۱. انتقال مشکلات کارگری به دوره پس از واگذاری‌ها،
۱۲. افزایش قیمت خوراک، مواد اولیه و نهاده‌های تولیدی پس از واگذاری بنگاه‌ها و عدم اجازه جهت مدیریت داده‌ها و ستانده‌ها؛ در بخش ستانده مدیریت‌ها سلب شده ولی در بخش داده‌ها، قیمت‌ها افزایش یافته، بنابراین جلوی مدیریت اقتصادی بنگاه‌ها گرفته شده است،
۱۳. تغییر سیاست‌گذاری‌های تجاری، اقتصادی و صنعتی دولت در بازارها پس از واگذاری (تغییرات مکرر تصمیمات و قوانین نیز تاثیرگذار بوده‌اند)
۱۴. عدم پایبندی ارگان‌های دولتی به قراردادهای انحصاری و شبه انحصاری زماندار بنگاه‌ها، پس از واگذاری (بعبارت دیگر شرایط مبیع پس از واگذاری عوض شده است)

ساختار شورای رقابت و سازمان خصوصی سازی

نگاهی به ساختار شورای رقابت و سازمان خصوصی سازی نشان می دهد که این دو نهاد مهم و تاثیرگذار با ساختار کنونی و محدودیت های فراروی، توان انجام وظایف مهم و بزرگ محوله را ندارند و لازم است این دو نهاد تقویت شوند. واگذاری ۵۲۴ شرکت با سازمان خصوصی با این ابعاد در طی یکسال امکان پذیر نیست.

سهام عدالت

یکی از مبهم ترین مسایل فراروی قانون و واگذاری ها، بحث سهام عدالت است. به عدهای از مردم سهام داده شده ولی نمی دانند از چه شرکتی و چه سهامی است. در واقع یک نوع مستمری ایجاد شده ولی کاری به مدیریت و مالکیت ندارند و فقط منتظر دریافت سود هستند و زبانی متوجه آنها نیست. این بحث با اصل بنگاه داری اقتصادی در یک راستا نیست و اگر بصورت ریشه ای و ساختاری به این مسایل پرداخته نشود، مشکلات عدیده ای ایجاد خواهد شد.

سرمایه گذاری خارجی

در اجرای قانون اصل ۴۴ فقط برای سرمایه گذاران داخلی توجه شده و موضوع سرمایه گذاری خارجی و رفع موانع و مشکلات فراروی جذب سرمایه گذاران خارجی مد نظر قرار نگرفته است. برای سرمایه گذار خارجی بحث ارزش بسیار مهم و حیاتی است. ارزش توسط حاکمیت و برخلاف بازار آزاد تعیین می گردد و از منظر صرفه و صلاح اقتصادی، ارزش اعلامی جهت جذب سرمایه گذار خارجی در بازارهای داخلی بعنوان مانع اصلی جلوه می کند.

اولویت واگذاری ها

بنابر قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، مهلت واگذاری شرکت های گروه یک تا پایان سال ۱۳۸۸ تعیین شد که با تمدید زمان اجرای برنامه چهارم، قاعدتاً این مهلت نیز تا پایان سال ۱۳۸۹ تمدید شده است. برای واگذاری شرکت های گروه ۲ (صدر اصل ۴۴) نیز تا پایان ۱۳۹۳ مهلت وجود دارد. بدین ترتیب قانون گذار اولویت واگذاری ها را ابتدائاً گروه یک و سپس گروه ۲ مقرر کرده است، اما در عمل شرکت های گروه ۲ در واگذاری ها اولویت پیدا کردند و در حالی که صدها شرکت گروه یک هنوز باقی مانده اند، اکثر شرکت های گروه ۲ واگذار شده است. توجه به این نکته از این جهت حائز اهمیت

است که یکی از دلایل واگذاری سهام شرکت‌های گروه ۲ به مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های موسوم به شبه‌دولتی، عدم توانمندی بخش‌های خصوصی و تعاونی در خرید سهام این شرکت‌ها به دلیل بالا بودن قیمت خرید آنها اعلام می‌شود. این در حالی است که با فروش تدریجی سهام و به موازات آن با توانمندسازی و رفع موانع حضور بخش‌های خصوصی و تعاونی، امکان خرید سهام توسط این‌گونه شرکت‌ها فراهم می‌شود.

مسائل فراروی توسعه شرکت‌ها

یکی دیگر از مشکلات ایجاد شده در شرکت‌های واگذار شده خصوصاً شرکت‌های گروه ۲ اختلاف نظر در مسیر توسعه این شرکت‌ها و طرح‌های افزایش تولید آنها است. برخی سهام‌داران جدید خصوصاً سهام عدالت، اغلب تمایل به دریافت سود دارند تا سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه و لذا تأخیر و یا عدم اجرای طرح‌های توسعه در این شرکت‌ها، آینده فعالیت و اقتصادی بودن آنها را زیر سؤال برده است. این موضوع خصوصاً در شرکت‌های زیر مجموعه نفت و پتروشیمی مشهودتر است.

مشکلات پس از واگذاری

برخی واگذاری‌ها به افراد و اشخاص حقوقی و یا حقیقی است که اهلیت لازم در اداره این شرکت را نداشته و باعث ایجاد اختلال در مسیر تولید و ادامه کار این شرکت‌ها شده‌اند و هدف خریداران بیشتر از آنکه حفظ اشتغال و تداوم تولید و توسعه شرکت باشد، استفاده از زمین و امکانات آنها بوده است.

موضوع شورای رقابت

در اجرای فصل نهم قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تحت عنوان تسهیل رقابت و منع انحصار، شورای رقابت تشکیل گردیده که از زمان شکل‌گیری اقدامات چندی انجام داده و گزارش‌هایی در خصوص وضعیت انحصار و افزایش رقابت پذیری تهیه کرده نظیر: تصمیم‌گیری در مورد معامله مخابرات و گزارش وضعیت سیم‌های مسی در این معامله، بررسی و تهیه گزارشات متعدد در خصوص افزایش رقابت در بازار مخابرات، ارزیابی و ارزش‌گذاری سهام شرکت مخابرات ایران، تهیه گزارش کارشناسی ساختار صنعت بیمه در ایران از نظر تمرکز بازار و وضعیت بیمه شخص ثالث در ایران، تهیه گزارشی تحت عنوان "بررسی شکایت پتروشیمی اصفهان از پالایشگاه اصفهان". در مجموع علی‌رغم انجام اقدامات ارزشمند توسط

شورای رقابت؛ با توجه به محدودیت‌های ساختاری و وضعیت فعلی این نهاد، ایفای نقش موثر این شورا با مشکلات عدیده مواجه است.

حوزه سرمایه‌گذاری

آخرین گزارش (مربوط به سال ۲۰۰۹ میلادی) حاکی از رتبه یکصد و سی و هفتم ایران در فضای کسب و کار و جایگاه یکصد و سی و سوم در شاخص عملکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی IDF در جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی در جهان است و این در حالی است که به لحاظ توانمندی‌ها و استعداد جذب سرمایه، ایران در رتبه شصتم قرار دارد. حال آنکه بر اساس برخی از معیارها و ضوابط و از نگاه مؤسسات دیگر، ایران می‌تواند در جایگاه بالاتری قرار گیرد.

۱. در سال‌های اخیر، اقداماتی درخصوص جذب سرمایه در بخش خصوصی خارجی و داخلی انجام شده است لکن هنوز به جایگاه شایسته خویش برای تحقق اهداف چشم‌انداز در حالی که ۵ سال اول آن نیز طی شده است دست نیافته‌ایم،
 ۲. مقررات‌زدایی (تکلیف ماده ۷ قانون اصل ۴۴) بنابر گزارش وزارت امور اقتصادی و دارائی، هیأت نظارت بر مقررات‌زدایی تشکیل گردیده و تاکنون جلساتی نیز داشته است؛ لکن نتیجه این جلسات هنوز به صورت اجرایی، اعمال نشده است.
- رفع تبعیض بین شرکت‌های دولتی و غیردولتی (تکلیف ماده ۸ قانون اصل ۴۴) به استثنای یک یا دو مورد مصوبه در طول بررسی بودجه ۱۳۸۹ و اخیراً در مراحل بررسی برنامه پنجم هنوز اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است. دولت طی بخشنامه مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۸۸ دستورالعملی به دستگاه‌های اجرایی در این خصوص ارسال کرده است ولی گزارشی از بازخورد آن و لغو امتیازات دولتی و یا اختصاص امتیازاتی مشابه به بخش خصوصی، گزارشی دریافت نشده است.

ایجاد فضای کسب و کار (تکلیف ماده ۹۱)

اخیراً پیش‌نویس این لایحه توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و اتاق تعاون تهیه گردیده و به دولت و مجلس ارائه شده است. بررسی فضای کسب و کار در کشور نیازمند نظارت مستمر و پایش و پیگیری می‌باشد و صرفاً با اصلاح قوانین، فضای کسب و کار بهبود نمی‌یابد.

تقویت بخش تعاون (تکلیف مواد ۹ و ۲۹ قانون اصل ۴۴)

بانک توسعه تعاون تشکیل گردیده و پیش نویس لایحه قانونی اصلاح قانون تعاون به منظور تقویت این بخش و همسو شدن قانون تعاون با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در حال بررسی است. از دیگر اقدامات حمایتی می‌توان به تشکیل تعاونی‌های فراگیر ملی و تعاونی سهام عام و نیز ابلاغ سند توسعه بخش تعاون نام برد که تا مراحل تصویب آئین نامه و تمهید مقدمات پیش رفته است. در سال ۱۳۸۸ هیچ رقمی از محل ۳۰ درصد درآمد حاصل از واگذاری‌ها (تکلیف جزء ۲ ماده ۲۹) تخصیص نیافته و تسهیلاتی بابت وجوه اداره شده برای تقویت تعاونی‌ها و تقویت منابع بانک توسعه تعاون، موضوع تکلیف جزء (۴) ماده (۲۹) اختصاص نیافته است.

تکلیف ماده (۸۲) قانون اصل ۴۴ در خصوص توانمندسازی بخش خصوصی: براساس تکلیف مندرج در بند (۱) ماده مذکور و مطابق گزارش وزارت امور اقتصادی و دارائی، در سال ۸۷ مبلغ ۹/۱ میلیارد دلار خط اعتباری کوتاه مدت به صورت خودگردان اخذ شده که مبلغ ۵ میلیارد آن توسط شبکه بانکی جذب گردید و در پنج ماهه اول ۱۳۸۸ نیز ۲/۳ میلیارد یورو به صورت خودگردان تجدید شده که از این مقدار ۸۶۹ میلیون یورو جذب شده است. البته از نحوه جذب آن توسط بخش خصوصی گزارشی دریافت نشده است. علاوه بر آن مبلغ ۹ میلیارد دلار خط اعتباری کوتاه مدت به صورت خودگردان تجدید گردیده که گزارشی از میزان جذب آن در اختیار نیست.

در خصوص تکلیف بند (۲) ماده فوق یعنی اختصاص ۴۰ درصد از مانده حساب ذخیره ارزی سال گذشته به بخش غیر دولتی، متأسفانه گزارشی از میزان جذب آن دریافت نگردیده و در گزارش دولت نیز ذکر نشده است.

در اجراء تکلیف بند (۳) یعنی مجوز سپرده گذاری در بانک‌های عامل بعنوان خط اعتباری ارزی از محل ارزهای حساب ذخیره ارزی و یا بانک مرکزی نیز، دستورالعمل سه میلیارد دلاری بانک مرکزی تهیه شده ولی از تصویب آن در هیأت دولت، گزارشی دریافت نگردیده است.

روحیه دولت گرایی و افزایش تصدی‌ها در دولت: آمارها و نظرات کارشناسی حاکی از این است که عزم ملی در کاهش تصدی‌ها و فعالیت‌های زیرمجموعه دولت مشاهده نمی‌گردد. عدم لغو دستور نمایندگی دستگاه‌های اجرایی دولت در سهام عدالت. وجود الزام به استخدام نیروهای قراردادی و شرکتی توسط دولت از جمله این موارد است.

چالش های فراروی واگذاری ها (خصوصی سازی):**مشکلات وموانع درونزا نظیر:**

- مشکلات ساختاری،
- وجود برخی انحصارات دولتی و مقررات دست و پا گیر بویژه انحصارات طبیعی و قانونی، به عبارت دیگر غیر رقابتی بودن اقتصاد در کشور،
- وجود مشکلات ساختاری در اغلب شرکت های دولتی مشمول واگذاری بخصوص از نظر میزان اشتغال تکنولوژی پائین و دارائی مستهلک شده،
- مشکلات مربوط به بازار و وضعیت کسب و کار،
- عدم کارایی استفاده از منابع موجود،
- نتیجه تلفیق نواقص بازار در جوامع سنتی و دخالت دولت در تخصیص منابع.

مشکلات مربوط به خریداران

- عدم پوشش بیمه ای خریداران شرکت های دولتی،
- کتمان حقایق وقایع مالی شرکت های واگذار شده و بالا بردن ریسک در خریداران،
- مشکلات مربوط به نیروی کار در بنگاه های واگذار شده،
- عدم وجود یک نظام تأمین اجتماعی قوی جهت کاهش مشکلات اجتماعی حاصل از خصوصی سازی،
- نگرانی نسبت به امنیت شغلی و کاهش اشتغال ناشی از اجرای برنامه خصوصی سازی.

مشکلات مربوط به طرف عرضه (اجرایی)

- چسبندگی شرکت های مادر تخصصی دولتی و وزارتخانه های متبوع آنها و مقاومت بعضی دست اندرکاران و عدم معرفی شرکت های قابل واگذاری،
 - حجم بالای نیروی انسانی و کارآیی پایین نسبت به استانداردهای موجود،
 - پیچیدگی و زمان بر بودن امر تعیین قیمت پایه سهام و آماده سازی شرکتها.
- الف) دشوار بودن قیمت گذاری صحیح شرکت های مصوب جهت واگذاری به دلیل عدم تصویب صورت های مالی سنوات آخر فعالیت توسط مجمع عمومی سهامداران.

ب) پراکندگی جغرافیائی شرکت ها.

- تغییر ماهیت حقوقی شرکت‌ها از سهامی خاص به سهامی عام توسط ثبت شرکت‌ها و نیاز بسیاری از بنگاه‌های مشمول واگذاری به اخذ مجوزهای قانونی جدید یا لغو مجوزهای قانونی قبلی،
- عدم سازماندهی مطلوب مجامع عمومی شرکت‌های دولتی واگذاری،
- تشتت آراء و وجود سلائق گوناگون در بین افکار تصمیم‌گیرندگان اثرگذار در فرایند خصوصی‌سازی،
- زیان‌ده بودن بسیاری از شرکت‌های مشمول واگذاری،
- عدم شفافیت اطلاعات،
- وجود مشکلات حقوقی و دعاوی شرکت‌های مشمول واگذاری با شرکت‌های بالادستی،
- در وثیقه بودن سهام شرکت‌ها،
- عدم کنترلی بودن این شرکت‌ها،
- عدم تحویل اوراق سهام به منظور سپرده در بورس اوراق بهادار،
- عدم ارسال اطلاعات مالی (ترازنامه و حساب سود و زیان) ۳ ساله به منظور آماده‌سازی شرکت‌ها.

مشکلات مربوط به طرف تقاضا

- ضعف بخش خصوصی در آشنایی با ریسک و اصول حرفه‌ای جدید بازار و سرمایه‌گذاری،
- عدم وجود امنیت لازم برای این بخش به گونه‌ای که منجر می‌شود به:
 - الف) عدم وجود بازار رقابتی،
 - ب) کاهش مشارکت خریداران در مزایده‌ها،
 - ج) کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران.
- عدم وجود نهادهای مالی تامین سرمایه و حمایت و تشویق خریداران سهام شرکت‌های دولتی هنگام عرضه سهام در بازار،
- عدم وجود نهادهای مالی موثر و کارا در امر خصوصی‌سازی بصورت حرفه‌ای و تخصصی جهت ارائه رهنمودهای مشاوره‌ای و کاهش دغدغه‌های خریداران و فروشندگان.

مشکلات و موانع برون‌زا

الف- موانع قانونی

- عدم هماهنگی و تعارض قوانین و مقررات حاکم بر اقتصاد کشور،
- توجه صرف به اهداف کمی بدون عنایت به اهداف کیفی تعیین شده در قانون،
- درج ارقام نجومی درآمدی در بودجه سنواتی کشور از ابتدای تشکیل سازمان خصوصی سازی،
- واگذاری در چارچوب رد دیون: عدم وجود رقم دقیق تعهدات در قوانین بودجه سنواتی،
- عدم وجود تکالیف روشن در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برای دستگاه‌های اجرائی در زمینه توانمندسازی مالی و حمایت از بخش‌های خصوصی در اجرای طرح‌ها،
- اعطای مجوزهای تامین مالی از طریق انتشار اوراق مشارکت به وزارتخانه‌هایی نظیر نیرو، صنایع و معادن و نفت که منجر به تداوم و گسترش مالکیت دولت در آینده می‌شود،
- عدم وجود قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در زمینه خصوصی‌سازی،
- وجود انبوه شرکت‌های مصوب برای واگذاری که می‌بایست در کوتاه مدت آماده سازی، قیمت گذاری و عرضه شوند (حدود ۵۰۰ شرکت در برنامه خصوصی سازی برای یک سال).

موانع فرهنگی

- نگاه توزیعی به عدالت اقتصادی به جای نتایج از تولید،
- نگرش پدرسالاری و قییم‌مآبانه بعضی از دولت‌مردان در تخصیص منابع،
- تبلیغات منفی رسانه‌ای بعضی کشورها و تشویق به فرار سرمایه‌ها،
- نگاه منفی به بخش خصوصی و سرمایه‌دار در کشور،
- ضعف فرهنگی کارآفرینی و بهره‌گیری از توان کارآفرینان متخصص،
- نگرانی کارگران نسبت به امنیت شغلی و کاهش اشتغال ناشی از اجرای برنامه خصوصی‌سازی و مساوی بودن دولت با منافع ملی در باور عامه،
- عدم وجود یک اجماع نهایی بر روی مسئله خصوصی‌سازی در کشور،
- علاقه زیاد مردم به نگهداری دارائی‌های فیزیکی (واقعی) در مقایسه با دارائی‌های مالی،
- عدم وجود فرهنگ سهامداری و سواد مالی بین اقشار جامعه که این امر گاهی در بین افراد باسواد و دانشگاهی نیز قابل مشاهده است.

موانع سیاسی

- احساس صاحبان سرمایه در عدم وجود ثبات و امنیت سرمایه‌گذاری،
- متأثر بودن بازار بورس از این پیامدها،
- تنش‌های سیاسی با بعضی کشورها،
- مشکلات ناشی از تحریم.

بخش دوم: توصیه‌ها و پیشنهادات

۱. در زمینه سهم حوزه‌های مختلف اقتصادی، سهم‌های بهینه آنها در اقتصاد و طبق شاخص‌های سنجش، آمارهای مرتبط با سهم هر یک از آنها هر سال ارائه گردد تا جهت‌گیری سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بصورت شفاف مشخص شود،
۲. در زمینه شاخص‌های ارزیابی وضعیت اجرای قانون اصل ۴۴ لازم است شاخص‌ها به دو دسته تقسیم شوند.
 - الف: شاخص‌هایی که یک تصویر نظام‌مند از کل مجموعه در اختیار قرار می‌دهند. مثلاً شاخص سهم بخش‌ها در تولید ناخالص داخلی،
 - ب: شاخص‌های که نشان‌دهنده درستی یا نادرستی شاخص اصلی انتخاب شده هستند.
۳. بحث ضدانحصار و تمرکززدایی از جمله شاخص‌های اصلی است که در اصل سیاست‌ها ابلاغ شده است. برای این منظور می‌توان از شاخص‌های تمرکز ۵۵ یا ۴۴ (نشان‌دهنده این هستند که در هر بخش چهار یا پنج تا از بزرگترین واحدهای اقتصادی چند درصد سهم را دارند) استفاده کرد،
۴. تولید شاخص‌ها و آمارها یا تحلیل عملکردها نباید به خود دستگاه‌های متولی واگذار گردد. چراکه وقتی دستگاهی خودش را در معرض ارزیابی می‌بیند آماری را ارائه می‌کند که حساب شده نیست و یا با واقعیت منطبق نمی‌باشد. به عنوان مثال در سال‌های گذشته در مورد سهم تعاون، بانک مرکزی سهم آن را ۰/۷۷ درصد گزارش می‌داد و خود بخش تعاون سهمی بین ۵ تا ۷ درصد گزارش می‌کرد. دستگاه‌های ستادی مانند بانک مرکزی، مرکز آمار، وزارت اقتصاد و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌توانند آمارها را تولید کنند،
۵. در ارزیابی و نظارت بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴، طبیعتاً اندازه‌گیری و مقیاس‌گذاری بر میزان تحقق اهداف بیشتر از اندازه‌گیری میزان اجرای اقدامات و تبصره‌ها و مفاد قانون

اهمیت دارد. با توجه به اینکه برای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هشت هدف کلی متصور می‌باشد که عبارتند از: شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی، گسترش مالکیت عمومی، ارتقای کارایی و بهره‌وری، افزایش رقابت‌پذیری، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش اشتغال و بالاخره بهبود سطح درآمد عمومی و رفاه جامعه. حال می‌بایست شاخص‌ها و آمار و اطلاعات مرتبط با اهداف فوق‌الذکر استخراج گردند و بررسی شود تا مشخص گردد آیا اهداف هشت‌گانه مدنظر محقق گردیده یا انحراف وجود دارد؟ درضمن، میزان انحراف از هدف چقدر است؟ با تبیین این مساله می‌توان به صورت شفاف و دقیق به آسیب‌شناسی موضوع پرداخت،

۶. یکی از مهمترین اهداف مدنظر سیاست‌های کلی اصل ۴۴، افزایش رقابت‌پذیری است. برای این منظور نیز نیازمند تعریف شاخص‌ها و مقیاس‌های قابل اندازه‌گیری هستیم. درضمن، می‌بایست با مطالعه دقیق و برنامه‌ریزی منسجم، موانع فراروی افزایش رقابت‌پذیری برطرف گردد تا بخش‌های خصوصی و تعاونی امکان ورود به عرصه‌های اقتصادی و حضور فعال توأم با رقابت را داشته باشند،

۷. شاخص‌های بیانگر کاهش بار مالی و مدیریتی در فعالیت‌های اقتصادی در کشور هنوز تصویب و ابلاغ نشده است. با توجه به اهمیت این موضوع و گذشت بیش از ۵ سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ لازم است شاخص‌های آن تهیه شود تا مشخص گردد بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ چقدر از حجم فعالیت‌های دولت کاسته شده است؟

۸. در بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در کنار مقوله واگذاری‌ها به توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی اشاره شده است. باید بررسی شود چقدر در توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی موفق بوده‌ایم. اگر منتظر هستیم خود بخش‌های خصوصی و تعاونی توانمند شود هرگز اتفاق نخواهد افتاد. منظور از توانمندسازی این است که اولاً وظایف توسعه‌ای دولت باید در اقتصاد همچنان ادامه یابد. ثانیاً باید نهادسازی و ایجاد تشکل‌ها در بخش خصوصی صورت بگیرد و دولت باید به این نهادسازی‌ها کمک کند. سال‌ها است که درون دولت نهاد، وزارتخانه و سازمان‌ها ایجاد شده است. در بخش‌های خصوصی و تعاونی نیز باید تشکل‌های مختار و مسئول با روابط نظام‌مند بین آنها ایجاد شود. آیا دولت به این نهادسازی‌ها و تقویت آنها توجه کرده است یا نه؟ توانمندسازی بخش

- خصوصی و تعاونی یک مهندسی مجدد در اقتصاد ایران را می‌طلبد. باید به بخش‌های تعاونی و خصوصی اعتماد کرد و به تقویت تشکل‌های بخش‌های خصوصی و تعاونی کمک کرد نه اینکه مانع تراشی صورت بگیرد،
۸. بررسی‌ها نشان از این دارد که یکی از اشکالات فراروی اجرای قانون، آموزش خود قانون است. هنوز عبارات و تعاریف و مفاهیم ساده تبیین و تشریح نشده است. درضمن، صدا و سیما باید به نمایندگان بخش‌های خصوصی و تعاونی یعنی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و اتاق تعاون اجازه دهد دیدگاه‌ها، چالش‌ها و مشکلات فراروی اجرای قانون و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را تشریح و اعلام نمایند،
۹. هنوز بحث مهم رقابت‌پذیری و انحصارزدایی اجرایی نشده است. از جمله بحث‌های مهم قبل از واگذاری، بررسی درجه تمرکز و انحصار بنگاه‌ها است. باید در این خصوص تعاریف و راهکارها تبیین گردد تا مشخص گردد بنگاه‌هایی که قبل از واگذاری از درجه تمرکز بالایی برخوردار هستند، چه مسایلی فراروی واگذاری آنها وجود دارد و راهکارهای کاهش انحصارات و درجه تمرکز معین گردد،
۱۰. به منظور تبیین اهمیت مشارکت عموم مردم در عرصه‌های اقتصادی و واگذاری وظایف تصدیگری دولت به مردم، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های مشروع و مولد و بهبود فضای کسب و کار در کشور، تدوین سند فرهنگی آموزشی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی متناسب با گروه‌های مختلف مردم ضرورت دارد،
۱۱. سیاست‌های کلی نظام همواره فراتر از سلايق سیاسی و علايق گروهی بعنوان اسناد بالادستی باید مبنای تصمیمات اجرائی و مصوبات قانونی باشد. اعتقاد به اجراء سیاست‌های کلی اصل ۴۴ لازمه و پشتوانه اجراء آنهاست و لذا مدیران اجرائی چنانچه نظرات شخصی خویش را در تعارض با این سیاست‌ها می‌دانند یا باید از نظرات خویش به نفع سیاست‌های کلی و مصالح نظام عدول کنند و یا جای خویش را به مدیران معتقد به این سیاست‌ها بسپارند،
۱۲. ضرورت تشکیل کارگروهی جهت بررسی و رفع برخی اشکالات موجود در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴،
۱۳. همسوسازی برخی قوانین با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی،
۱۴. حمایت از سرمایه‌گذاری‌های مشروع و مولد و رفع موانع سرمایه‌گذاری و بسترسازی برای توسعه فعالیت‌های بخش‌های خصوصی و تعاونی،

۱۵. رفع تبعیض ها و توانمندسازی بخش های تعاونی و خصوصی با ایجاد نهادها و تشکل های لازم و انجام برنامه های حمایتی اعم از مالی و غیرمالی نظیر حمایت از خریداران سهام بنگاه های واگذار شده و تسهیل صادرات و حمایت های قضایی،
۱۶. تنقیح قوانین و مقررات و تعریف نهادی قوی با ساز و کار لازم جهت کاهش حجم گسترده قوانین و مقررات موجود کشوری (مقررات زدائی) و تلاش در جهت اصلاح، کاستن یا حذف مقررات زاید و غیرضرور ناظر بر صدور پروانه ها و مجوزهای سرمایه گذاری و کسب و کار،
۱۷. بهبود فضای کسب و کار و سرمایه گذاری، افزایش امنیت اقتصادی و ایجاد فضای آرام برای سرمایه گذاران، حذف رفتارهای نابرابر و تبعیض آمیز نظام بانکی و دستگاه مالیاتی با بنگاه های اقتصادی خصوصی، نهادسازی ها در بخش های خصوصی، توانمندسازی بخش های خصوصی و تعاونی و بالاخره ایجاد عزم ملی در بین مدیران و مسئولان و بدنه دولت در خصوص ضرورت توسعه بخش های خصوصی و تعاونی از دیگر الزامات توسعه فعالیت های سرمایه گذاری بخش های خصوصی و تعاونی قلمداد می گردند،
۱۸. تشکیل نشست های تخصصی و کارشناسی مسئولان دولتی با نمایندگان بخش خصوصی و تعاونی و رفع مشکلات کلان و خرد مرتبط با این نهادها،
۱۹. لزوم تقویت شورای رقابت اعم از ساختاری و مالی و حمایت های قانونی جهت ایفای نقش محوری ضدانحصار و تسهیل فضای رقابت،
۲۰. با رفع موانع سرمایه گذاری و لغو امتیازات اعطاء شده به بنگاه های دولتی مشمول صدر و خارج از صدر اصل ۴۴ قانون اساسی و حسب مورد تعمیم این امتیازات به بخش غیردولتی و نیز کاهش نگاه های تبعیضی بین بخش های خصوصی و دولتی. به سمتی حرکت شود که ضمن برقراری عدالت اقتصادی در فعالیت های مشابه بین دولت و فعالان غیردولتی، شرایط لازم جهت حضور بخش خصوصی واقعی فراهم گردد و حضور و توسعه نهادهای عمومی غیردولتی به نحوی کنترل گردد،
۲۱. در کنار توجه به بندهای ب و ج سیاست های کلی اصل ۴۴؛ می بایست بند الف سیاست ها نیز نظارت شده و با شاخص های دقیق سنجیده شود تا از گسترش حجم فعالیت های دولتی جلوگیری گردد،
۲۲. موضوع مداخله دولت در فعالیت های اقتصادی و عدم بهره وری و کارایی این بخش، از مشکلات جدی اقتصاد کشور است. در این راستا، بازنگری در قوانین و مقررات موجود در جهت کاهش مداخلات غیرموجه حاکمیت ضروری است.

۲۳. لزوم تکمیل، توسعه و ایفای نقش محوری و کارآمد توسط ساختارها و نهادهای جدید نظیر شورای عالی اجرای سیاست‌ها؛ ستادهای هماهنگی، هیات نظارت و مقررات زدایی، هیات رسیدگی فرا استانی سرمایه‌گذاری، ستادهای استانی سرمایه‌گذاری، شورای رقابت و مرکز رقابت ملی، و نیز ایجاد نهادهای جدید در بورس و فرابورس و ... با هدف رفع موانع و مشکلات و بسترسازی برای توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و تعاونی و ارائه گزارش‌های دوره‌ای عملکرد توسط نهادهای مذکور به مراجع ذی‌صلاح،

۲۴. لزوم تدوین شاخص‌های بیانگر توسعه بخش تعاون و سنجش دقیق وضعیت فعلی این بخش در اقتصاد و درگام بعدی فراهم نمودن ساز و کارهای لازم جهت توسعه این بخش. هنوز بخش تعاون پس از گذشت پنج سال از ابلاغ سیاست‌ها نتوانسته جهت‌گیری توسعه‌ای خود را طی نماید و حمایت‌های قانونی و مالی (بانکی) به نحو لازم از حضور گسترده این بخش صورت نمی‌گیرد.

منابع و مأخذ

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
- سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی،
- اسناد برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی،
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)،
- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی،

اندازه دولت و بخش مالی و بودجه‌ای آن در افق چشم انداز (مطالعه ایران و کشورهای منطقه)

حمیدرضا لطفی حقیقت^۱ ابراهیم علی نژاد مهربانی^۲

چکیده

در این مطالعه ابتدا تعریف بودجه بیان شده و مفهوم بخش مالی و بودجه‌ای دولت و اهمیت آن در اقتصاد بیان می‌گردد. در ادامه هدف نظام بودجه‌ای شرح داده شده و ابعاد و شاخص‌های بخش مالی و بودجه‌ای دولت مشخص می‌گردد. در آخرین بخش، شاخص‌های مالی و بودجه‌ای دولت در اقتصاد ایران و مقایسه با کشورهای منطقه چشم‌انداز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

بودجه، اندازه دولت، سند چشم‌انداز، بخش مالی.

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی.

۲- کارشناس ارشد اقتصاد.

مقدمه

پیدایش دولت‌های مدرن و گسترش مأموریت آنها از وظایف تاریخی به حوزه‌های توسعه و رفاه اجتماعی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، موجب افزایش حجم وظایف و مسئولیت‌های دولت شده است. این مسئولیت به تدریج پای دولت‌ها را به دخالت‌های مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی و مدیریت منابع باز کرد. دخالت‌های مزبور، علاوه بر مسائل مربوط به کارایی در تخصیص و بهره‌برداری از منابع، به چگونگی توزیع درآمدها و تحقق عدالت اجتماعی مربوط می‌شود.^۲ مسئولیت و وظایف دولت به دو گروه وظایف ثابت و متغیر قابل تفکیک است. وظایفی همچون برقراری نظم و امنیت، حفظ استقلال، اشاعه مبانی حاکمیت قانون و تأمین کالاهای عمومی در گروه وظایف ثابت قرار می‌گیرد. اما در گروه وظایف متغیر دولت می‌توان فهرستی از وظایف متناسب با هر دولت در حال توسعه از جمله ایران تنظیم کرد که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- تقویت زمینه‌های فرهنگی و اشاعه ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی،
- تأکید بر گسترش و تعمیم آموزش‌های پایه، فنی و حرفه‌ای،
- تقویت و تحکیم مبانی علمی و تحقیقاتی جامعه،
- ایجاد و تقویت نهادهای سیاسی - مدنی در جهت حاکمیت متکی بر رضایت عامه،
- طراحی و اجرای نظام تأمین اجتماعی و بر خوررداری از امنیت پایه برای همگان،
- تأمین نیازهای معیشتی، هدایت به سمت مصرف مطلوب و افزایش مازاد قابل سرمایه‌گذاری، هدایت جامعه در تخصیص هماهنگ مازاد تولید به سرمایه‌گذاری برای: ایجاد و گسترش ابزار و وسایل تولیدی، ایجاد و گسترش زیربنای ارتباطی، حفاظت و توسعه منابع طبیعی^۴.

بخش اول: مفهوم بخش مالی و بودجه‌ای دولت و اهمیت آن در اقتصاد

در پی تغییر و تحولاتی که طی چند دهه اخیر در جایگاه، مأموریت و کارکردهای بخش عمومی روی داده، نظام‌های بودجه‌ریزی، مدیریت مالی و عملیاتی دولت‌ها نیز متحول شده است. این تحول بر تعاریف، مفاهیم، وظایف و کارکردهای بودجه‌ای تأثیر گذاشت و بودجه‌ریزی را از فن ارائه اطلاعات برای تأمین حقوق قوه مقننه و کسب جواز مالی عملیات دولت به فرایندی بسیار پیچیده و چند وجهی از فعالیت‌های بخش عمومی تبدیل کرده است. رویکردهای اخیر به مالیه عمومی و طرح نظریه‌هایی همچون انتخاب عمومی، ضمن تأکید بر اهمیت و پیچیدگی نظام‌های بودجه‌ای در پی بازگشت به حوزه اقتصاد سیاسی و توجیه فعالیت‌های دولت در فرایند آرای عمومی و در متن کارکردهای اقتصاد بازار است.

۲- برگستر، ۱۳۷۸

۴- چشمی، ۱۳۸۴

۱-۱- تعریف بودجه

معنای ساده بودجه همان چیزی است که مردم به آن دخل و خرج می گویند. بودجه در تعریف ساده و قدیم خود، سند پیش بینی دخل و خرج یا معاملات مملکت برای یک سال مالی است که به تصویب رسیده باشد. برخی صاحب نظران، بودجه ریزی را به انتخاب هایی از میان گزینه های ممکن تعریف کرده اند که در چارچوب مبانی نظری و اصول فنی مشخصی صورت گرفته باشد. در این تعریف، فرایند انتخاب متضمن بررسی و پیشنهاد یافته ها، ارزیابی و اتخاذ تصمیم درباره آنها، اجرای تصمیم های اتخاذ شده و ارزیابی نتایج اجرایی است که در مجموع، نظام اطلاعاتی بودجه را به وجود می آورد. در بیشتر نظام های سیاسی موجود، شناسایی، تعیین اولویت و پیشنهاد یافته ها بر عهده دولت است؛ اما بازنگری، تحلیل و سرانجام پذیرش یا انتخاب نهایی آنها در انحصار مجلس قرار دارد. همچنین اجرای تصمیم های بودجه ای (انتخاب های نهایی) در صلاحیت و مسئولیت دولت است. سرانجام، مرحله نهایی فرایند بودجه ریزی یا بررسی نتایج اجرایی بودجه در ابعاد مالی و عملیاتی و ارزیابی اثربخشی آنها بر عهده قانون گذار قرار می گیرد (حقوق نظارتی مجلس).

۱-۲- اهداف نظام بودجه ای

اهداف متعارف سیاست های اقتصادی دست یابی به رشد اقتصادی، برابری و ثبات است. این سه هدف در بلندمدت مکمل یکدیگرند. رشد اقتصادی منابع لازم را برای کاهش فقر فراهم می کند، ولی رشد بدون ثبات، ممکن است تداوم پذیر نباشد. از این رو سیاست رشد اقتصادی باید با سیاست های متناسبی در جهت برابری و ثبات اقتصادی همراه باشد. بی ثباتی، دشمن رشد اقتصادی است و غالباً بیشترین صدمه را نیز به اقشار فقیر جامعه وارد می کند. در کوتاه مدت این اهداف سه گانه ممکن است با یکدیگر تعارض داشته باشند ولی در بلندمدت برای رسیدن به نتیجه مطلوب باید راه حل قاطعی را جست و جو کرد که هر سه این اهداف را در قالب یک مجموعه سیاست منسجم جای دهد.

ثبات مالی بیش از هر چیز نیازمند انضباط مالی است؛ رشد اقتصادی و برابری نیز تا حدودی از طریق تخصیص مدبرانه منابع مالی به بخش های مختلف اقتصادی حاصل می شود و بدیهی است که تحقق هر سه هدف در گرو کارایی و اثربخشی در استفاده از منابع است. بدین ترتیب، سه هدف عمده سیاست های اقتصادی، سه هدف کلیدی نظام بودجه ای را بدین شرح تعیین می کند: انضباط مالی (کنترل مخارج)، تخصیص بهینه منابع و مدیریت اجرایی کارآمد.

۱-۳- کاربرد ابزار بودجه ای

ابزار بودجه و کاربردهای آن در تعریف محورهای اصلی مأموریت دولت (بودجه و حاکمیت)، عبارتند از:

- بودجه به عنوان تدابیری برای شناسایی و حل و فصل مسائل اقتصادی و اجتماعی،
- بودجه به عنوان سنجه توانایی مدیریت بخش عمومی در تجهیز و تخصیص،
- بودجه به عنوان ابزار پاسخگویی به نیاز اطلاعاتی قانون گذار،
- بودجه به عنوان ابزار توزیع درآمدها، اداره امور بیمه‌های اجتماعی، سیاست‌های حمایتی و تأمین نیاز گروه‌های محروم و عرضه خدمات اجتماعی به منظور پیشگیری، بازپروری و حفاظت از قشرهای آسیب پذیر یا معلول،
- بودجه به عنوان ابزار پاسخگویی به خواسته‌های محلی، منطقه‌ای یا الزام‌های ناشی از تعهدات بین‌المللی و نیروهای فراملی در روابط قوای حاکمیت سیاسی و به خصوص در تأمین حقوق قوه مقننه.

۱-۴- اطلاعات بودجه‌ای

سازماندهی و تنظیم اطلاعات بودجه‌ای باید بر اساس تأمین حقوق و پاسخگویی به نیازهای سه حوزه ذینفع صورت پذیرد. حوزه نخست به تأمین نیازهای اطلاعاتی قوه مقننه اختصاص دارد و کاربرد اصلی و اولیه آن برای تصمیم‌گیری، نظارت و ارزیابی است. اما قوه مجریه نیز نیازهای اطلاعاتی خود را از طریق فرایند بودجه‌ریزی طرح و تعقیب می‌کند. مدیریت بخش عمومی بر عهده قوه مجریه (دولت) است و اطلاعات مربوط به آن باید از یک سو متناسب با مسئولیت‌ها و وظایف قانونی دولت باشد و از سوی دیگر، باید تصمیم‌های راجع به توزیع منابع و الزامات اجرایی این وظایف را با توجه به تکالیف و ساختارهای سازمانی بخش عمومی تنفیذ کند. این گروه از اطلاعات بودجه‌ای به رغم اهمیت بسیار زیادی که در حوزه مدیریت دولت دارد، کمتر مورد توجه مستقیم قانون گذار قرار می‌گیرد.

حوزه دیگری از نیازهای اطلاعاتی ناظر بر جهت‌گیری‌های اجتماعی تصمیم‌ها و زمینه‌های مورد علاقه جامعه است. اطلاعات لازم برای پاسخگویی به ترجیحات عمومی و محلی یا مسائل مربوط به تأمین اجتماعی، توزیع درآمدها و نیازهای گروه‌های محروم از این قبیل است. از سوی دیگر، مردم و مراکز علمی و پژوهشی علاقمند به آگاهی و شناخت حدود فعالیت‌های اقتصادی و حوزه مداخلات دولت برای ارزیابی سیاست‌ها و تشخیص دامنه مجاز فعالیت‌های خود هستند. زیرا ضرورت‌هایی را که دولت تأمین نمی‌کند، می‌تواند در محدوده فعالیت‌های غیردولتی قرار گیرد. اگر بودجه به عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری و فرایندی برای انتخاب تعریف شود، این فرایند باید متضمن اطلاعات زیر باشد:

- شاخص‌های اساسی اهداف و برنامه‌های پیشنهادی دولت،
- فهرست اولویت‌های ملی و برنامه ملی - عملیاتی دوره آتی،
- برنامه اجرایی منسجم و معین‌کننده حدود فعالیت‌های اقتصادی دولت،

- چگونگی تأمین اهداف رفاهی و اجرای وظایفی که به موجب قوانین، مسئولیت‌های ملی، استانداردها و موازین بین‌المللی بر عهده دولت است،
- پاسخگویی به جامعه نسبت به مصرف منابع حال و آتی کشور،
- چگونگی تجهیز و تخصیص منابع عمومی به وظایف دولت و بازتوزیع درآمدها در جامعه،
- تنظیم و ارائه اطلاعات مالی - عملیاتی بر اساس سازمان مدیریت بخش عمومی و گستره حضور دولت به تفکیک وظایف و مسئولیت‌های طبقه‌بندی شده.

۱-۵- مراحل بودجه ریزی و جایگاه قوه مجریه و مقننه در ایران

بودجه ریزی چهار مرحله دارد که عبارتند از: تدوین، تصویب، اجرا و نظارت. در هر کشوری برحسب نظام حقوقی و سیاسی آن کشور، هر یک از قوای مجریه، مقننه و قضائیه یک یا چند مرحله از مراحل بودجه ریزی را به عهده دارند. به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تهیه و تنظیم بودجه از اختیارات قوه مجریه، تصویب بودجه حق انحصاری مجلس و اجرای بودجه به عهده دولت است. در زمینه نظارت بر بودجه، علاوه بر نظارت مجلس از طریق بررسی گزارش تفریغ بودجه، قوه قضائیه از طریق سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند بر حسن انجام قانون بودجه نظارت کند.

بخش دوم: ابعاد و شاخص‌های بخش مالی و بودجه ای دولت

بودجه عمومی را می‌توان به صورت یک تراز حسابداری که در سمت راست آن دریافت‌ها و در سمت چپ پرداخت‌ها ثبت می‌شود، نشان داد. دریافت‌های دولت شامل درآمدهای مالیاتی، درآمد نفت و سایر درآمدها می‌شود و پرداخت‌های دولت هزینه‌های سرمایه‌گذاری، مصرفی و بازپرداخت تعهدات دولت را در بر می‌گیرد. رقم ترازکننده این تراز حسابداری، منابع تأمین کسری بودجه دولت است که در سمت دریافت‌ها ثبت می‌شود. در صورتی که پرداخت‌های دولت از دریافتی‌هایش بیشتر باشد، دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود که در صورت عدم تأمین آن از طریق افزایش درآمد یا کاهش هزینه‌ها، دولت باید اقدام به استقراض کند.

۲-۱- دریافتی‌های دولت

اقلام عمده دریافتی‌های دولت عبارتند از: مالیات‌ها، درآمد نفت، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت، فروش سهام شرکت‌های دولتی، درآمد حاصل از فروش کالاها و خدمات و سایر درآمدها.

۲-۱-۱- درآمدهای مالیاتی

درآمدهای مالیاتی یکی از منابع درآمدی بودجه عمومی دولت در ایران است که در اکثر سال‌ها حدود ۳۰ درصد از درآمدهای عمومی دولت را بخود اختصاص می‌دهد. از آنجائی که درآمدهای مالیاتی از طریق جمع‌آوری مالیات بدست می‌آید و نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی توسط خود دولت تعیین می‌شود؛ می‌توان سیاست‌های مالیاتی را در شمار ابزارهایی دانست که دولت از آن برای سیاست‌گذاری‌های مالی استفاده می‌کند. سیاست‌های مالیاتی می‌تواند دولت را در انجام وظایفی چون برقراری ثبات اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، توزیع امکانات، ایجاد هماهنگی در اقتصاد و ... کمک کند. بنابراین قبل از هرگونه تصمیم‌گیری مالیاتی باید نتایج و پیامدهای ناشی از آن ارزیابی گردد.

دولت دو نوع مالیات مستقیم و غیرمستقیم دریافت می‌کند. مالیات‌های مستقیم به مالیات‌هایی گفته می‌شوند که بطور مستقیم بر افراد و خانوارها و بنگاه‌ها برقرار می‌شود. در حالی که مالیات‌های غیرمستقیم بر کالاها و خدماتی که از آن استفاده می‌شود، بسته می‌شود. در ایران مالیات مستقیم شامل درصدی از حقوق کارمندان بخش خصوصی و دولتی، درصدی از درآمد مغازه‌داران و اصناف، درصدی از سود شرکت‌های دولتی و خصوصی، درصدی از نقل و انتقالات و ثروت خانوارها و درصدی از ارزش املاک و مستغلات می‌شود. مالیات‌های غیرمستقیم شامل مالیات بر واردات (سود بازرگانی و حقوق گمرکی) و مالیات بر کالاها و خدمات (مانند مالیات بر سیگار، تلفن همراه، نوشابه، بنزین، نفت سفید و ...) می‌شود.

۲-۱-۲- درآمدهای نفتی

درآمدهای نفتی عمده منبع تأمین مخارج دولت در ایران می‌باشد که همواره نقش بسیار مهم و حائز اهمیتی را در تأمین مخارج جاری و عمرانی دولت ایفا نموده است. در حالی که اندیشمندان اقتصادی در تدوین برنامه‌های توسعه‌ای برای ایران همواره بر این اعتقاد بودند که درآمدهای نفتی باید به مصارف توسعه‌ای و زیربنایی برسد، عملاً هزینه‌های جاری دولت نیز بتدریج از درآمدهای نفتی متأثر گردید بطوری که این وابستگی رفته رفته افزایش نیز یافته است. درآمدهای نفتی در ایران عمدتاً متأثر از نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی است. بطوری که هرگاه قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش یابد درآمدهای نفتی نیز به تبع آن رشد می‌یابد. از دیگر عوامل تأثیرگذار بر درآمدهای نفتی، میزان صادرات نفت و تغییرات نرخ ارز می‌باشد. مهمترین شوک ایجاد شده در درآمدهای دولت، شوک نفتی سال ۱۳۵۳ است که باعث شد قیمت نفت در بازارهای جهانی به شدت افزایش یابد. همچنین کاهش صادرات نفت در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۴ و افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۷۲ و کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۷۶ باعث ایجاد نوسانات شدید در درآمدهای نفتی دولت در ایران در طول چندین دهه اخیر گردید.

مالی و مخارج انتقالی اقتصادی تقسیم می‌شود. از انواع مخارج انتقالی اجتماعی می‌توان به مخارج بیمه‌های اجتماعی اشاره نمود. مخارج انتقالی مالی از قروض عمومی دولت ناشی می‌شود و عبارت از هزینه پرداخت اصل و فرع قرضه‌های دولتی می‌باشد. از آنجایی که این نوع مخارج بابت بدهی‌های دولت بوده (دوره‌های گذشته) و از این نوع پرداخت‌ها همه ساله کالا یا خدمتی عاید دولت نمی‌شود به این دلیل جزء مخارج انتقالی دسته‌بندی می‌شوند. مخارج انتقالی اقتصادی آن دسته از مخارج عمومی است که بوسیله دولت بمنظور تثبیت قیمت‌ها و تعدیل نرخ دستمزد پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر دولت با پرداخت قسمتی از مخارج تولید به عنوان کمک به تولیدکنندگان، علاوه بر تشویق آنان به افزایش تولید، باعث می‌شود کالاها و خدمات با قیمت پایین‌تری به دست مصرف‌کنندگان برسد.

۳- مخارج سرمایه‌گذاری دولت

سرمایه‌گذاری دولتی شامل سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های انتقاعی می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی بمنظور تقویت شبکه اقتصادی یا زیربنای اقتصادی کشور انجام می‌پذیرد. سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی نیز لازمه رشد و توسعه اقتصادی کشور هستند. بطوری که این سرمایه‌گذاری‌ها باعث می‌شود که جامعه از لحاظ امور اجتماعی آماده پیشرفت اقتصادی باشد. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند شامل توسعه بهداشت از طریق احداث بیمارستان و مؤسسات بهداشتی، توسعه فرهنگ و آموزش از طریق احداث مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین احداث پارک‌ها و مراکز فرهنگی (مثل سینما) باشد. سرمایه‌گذاری انتقاعی آن دسته از مخارج دولت است که به منظور توسعه و تقویت بنیه مالی و اقتصادی انجام می‌شود.

در ایران مخارج دولت به دو دسته کلی جاری و عمرانی تقسیم‌بندی شده است. پرداخت‌های جاری به مخارجی اطلاق می‌شود که جنبه توسعه‌ای و زیربنایی نداشته و بصورت مستمر و جاری می‌باشد. این مخارج بیشتر شامل پرداخت‌های پرسنلی کارکنان دولت و پرداخت‌های انتقالی از قبیل کمک‌ها و اعانه‌های دولتی به خانوارهای فقیر و بازپرداخت وام‌های دریافتی و بهره‌های قرض‌های عمومی می‌شود. در سال ۱۳۸۱ با تغییر شیوه بودجه‌نویسی، عبارت پرداخت‌های جاری به پرداخت‌های هزینه‌ای تغییر کرد. پرداخت‌های عمرانی به پرداخت‌های اطلاق می‌شود که جنبه توسعه‌ای و زیربنایی دارد. بدین جهت به این مخارج، پرداخت‌های برنامه‌ای یا توسعه‌ای نیز گفته می‌شود. از سال ۱۳۸۱ با تغییر شیوه بودجه‌نویسی عبارت پرداخت‌های عمرانی به اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تغییر کرد.

۲-۳- اندازه دولت در اقتصاد ایران

نوع نگرش به نقش دولت و دلایل وجود دولت، در طی قرن گذشته بارها دستخوش تغییر و بازنگری شده است. تغییر نگرش ها باعث تغییر وظایف و مسئولیت های دولت و بنابراین تغییر اندازه و ترکیب مخارج دولت می گردد. در بستر این نگرش ها، عواملی وجود دارد که می تواند تغییر اندازه و رشد دولت را در طی زمان و در میان کشورهای مختلف توضیح دهد. از جمله این عوامل می توان به درآمد سرانه، میزان باز بودن اقتصاد، درجه شهرنشینی، متغیرهای جمعیتی، حقوق سیاسی، قیمت نسبی محصولات بخش عمومی و توزیع درآمد اشاره کرد. همچنین، بین تعدد نژادی، زبانی و مذهبی، نهادهای سیاسی و تمرکز مالی دولت از یک طرف و اندازه دولت از طرف دیگر ارتباط وجود دارد.

در این ارتباط، فعالیت دولت به سه سطح دولت مرکزی، دولت عمومی و بخش عمومی تفکیک و اندازه دولت در این سطوح مورد بررسی قرار می گیرد. تمرکز اصلی بر بعد هزینه ها و مصارف دولت در این سه سطح می باشد. اندازه دولت در اقتصاد، عموماً با محاسبه نسبت کل مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی سنجیده می شود.

بخش سوم: بررسی شاخص های مالی و بودجه ای دولت در اقتصاد ایران

در این بخش به بررسی و تحلیل شاخص های مهم بخش مالی و بودجه ای دولت که در بخش دوم ذکر گردید می پردازیم.

۳-۱- تحولات درآمدهای مالیاتی در ایران

درآمدهای مالیاتی در سال های قبل از ۱۳۵۲ روند معتدلی را طی نموده اند. بطوری که در طی این سال ها درآمدهای مالیاتی روند افزایشی متناسبی داشته و از نوسانات شدید دور بوده اند. میانگین نرخ رشد درآمدهای مالیاتی طی دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ حدود ۲۰/۴ درصد می باشد. یکی از مهمترین ویژگیهای این دوره بالا بودن سهم درآمدهای مالیاتی در کل درآمدهای دولت است بطوری که میانگین سهم درآمدهای مالیاتی بیش از ۳۴ درصد می باشد (جدول ۱). درآمدهای مالیاتی بعد از ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷ از روند معتدل خود خارج شده و دچار نوسانات شدید شده است. در این دوره در برخی از سال ها (۱۳۵۴) این درآمدها ۷۱/۶ درصد افزایش و در برخی دیگر از سال ها (۱۳۵۸) معادل ۲۱ درصد کاهش نشان می دهد. سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدها طی این دوره ۲۹/۹ درصد بوده و کمتر از دوره قبل می باشد. در برخی از سال ها این سهم بدلیل کاهش درآمدهای نفتی به شدت افزایش یافته و به ۵۷/۵ درصد کل درآمدها رسیده است (سال ۱۳۶۵). بعد از سال ۱۳۶۷ با شروع برنامه اول توسعه کشور درآمدهای مالیاتی افزایش یافته بطوری که نرخ متوسط تغییر آن طی دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹

معادل ۳۵/۱ درصد بوده که بیشترین نرخ افزایش را طی کلیه سال‌های مورد بررسی (۱۳۴۲ تا ۱۳۸۸) داشته است. در دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸، درآمدهای مالیاتی به جز سال ۱۳۸۴، دارای روند معتدلی بوده است. متوسط درصد تغییرات درآمدهای مالیاتی این دوره ۲۶/۹۶ درصد بوده که نسبت به دوره قبل کاهش یافته است. در این دوره سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای عمومی دولت افزایش چشم‌گیری داشته و به مقدار ۳۶/۵ درصد رسید که در میان چهار دوره مورد بررسی، بیشترین سهم را دارا می‌باشد. در سال ۱۳۸۴، درآمدهای مالیاتی به شدت افزایش یافته و درصد تغییرات این درآمدها نسبت به سال قبل ۵۹/۵ درصد شد. علت این افزایش، احتساب مالیات عملکرد نفت به مبلغ ۳۱/۹ هزار میلیارد ریال طبق قانون بودجه و متمم‌های آن ذکر گردیده است. بدون احتساب این رقم، رشد مالیات در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال قبل ۲۱/۷ درصد بوده است.

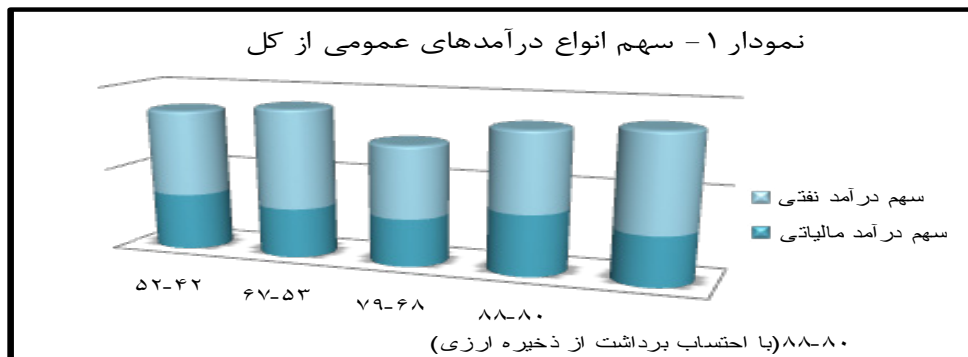
نکته مهم در مورد سهم درآمدهای مالیاتی این است که هرگاه درآمدهای نفتی افزایش یابد؛ سهم مالیات‌ها در کل درآمدهای عمومی کاهش خواهد یافت و این کاهش تا چندین سال ادامه می‌یابد.

جدول ۱- سهم و درصد تغییر درآمدهای عمومی دولت در ایران (به تفکیک دوره‌های زمانی)

دوره	متوسط درصد تغییرات		سهم در کل درآمدهای عمومی	
	درآمد نفتی	درآمد مالیاتی	درآمد نفتی	درآمد مالیاتی
۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲	۲۹/۸	۲۰/۴	۵۱/۸	۳۴/۱۲
۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷	۲۳/۵	۱۶/۷	۶۰	۲۹/۹
۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹	۵۸/۷	۳۵/۱	۴۳/۴	۲۸/۷۵
۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸	۱۳/۷	۲۶/۹۶	۴۷/۹	۳۶/۵

منابع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور

نمودار ۱- سهم انواع درآمدهای عمومی از کل



۳-۲- تحولات درآمدهای نفتی در ایران

دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲

در این دوره رقم اسمی درآمدهای دولت بیش از یازده برابر شد درحالیکه رقم حقیقی درآمدهای دولت نزدیک به هشت برابر گردید. میانگین سهم درآمدهای نفتی در کل درآمدهای دولت طی این دوره ۵۱/۷ درصد می باشد که این سهم کمترین درصد را طی دوره های مختلف در اقتصاد ایران به خود اختصاص داده است. طی این دوره درآمدهای نفتی در تمام سال ها افزایش داشته است که بیشترین درصد افزایش مربوط به سال ۱۳۵۰ برابر ۸۱/۵ درصد می باشد.

دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷:

در این دوره وقوع شوک اول نفتی ۱۳۵۳ و سپس تغییر در شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور در اثر پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و وقوع شوک دوم نفتی در سال ۱۳۶۴ باعث ایجاد افت و خیزهای زیاد در درآمدهای نفتی کشور شد. درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳ همراه با بالا رفتن قیمت نفت در بازارهای جهانی به ۴ برابر رسید که بالاترین افزایش را در کلیه سال ها داشته است. همچنین بیشترین کاهش درآمدهای نفتی در این دوره اتفاق افتاد. در سال ۱۳۶۵ همراه با کاهش صادرات نفت بدلیل شوک دوم نفتی این درآمدها حدود ۶۶ درصد کاهش یافت. نوسانات شدید درآمد نفتی در طی این دوره باعث متغیر بودن سهم درآمدهای نفتی در کل درآمدها گردید. در این دوره اتکاء درآمدهای دولت به درآمد نفت به شدت افزایش یافت و سهم درآمد نفتی در کل درآمدهای دولت به ۶۰ درصد رسید.

دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹:

از مهمترین مشخصه این دوره این است که سهم نفت در کل درآمدها نسبت به دوره های قبل به شدت کاهش یافته بطوری که متوسط سهم نفت از ۵۹/۱ درصد در دوره قبل به ۴۳/۴ درصد در این دوره رسید. طی این دوره سیاست آزادسازی نرخ ارز در اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۲ اجرا شد که باعث افزایش نرخ ارز گردید. بدین جهت با وجود کاهش در صادرات نفت در این سال درآمدهای نفتی نزدیک به دو برابر شد. بعبارت دیگر، افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۷۲، نه تنها کاهش صادراتی نفتی را پوشش داد بلکه باعث شد که درآمدهای نفتی افزایش فوق العاده ای داشته باشد. در اواخر دوره (۱۳۷۶) کاهش قیمت نفت دوباره باعث کاهش درآمدهای نفتی گردید بطوری که در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ درآمد نفتی به ترتیب برابر ۲۰/۵ و ۳۶/۲ درصد تغییر منفی داشت. این کاهش در سال های بعد با افزایش مجدد قیمت نفت در بازارهای جهانی جبران شد. لازم به ذکر است که در این دوره کاهش سهم نفت، از طریق افزایش سهم «سایر درآمدها» و از جمله استقراض از خارج جبران شده است و سهم درآمدهای مالیاتی نیز تغییر محسوسی نیافته است.

دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

درآمدهای نفتی در دوره مذکور دارای نوسانات زیادی بوده است. در سال ۱۳۸۱، این درآمدها به شدت افزایش یافت (افزایش ۴۳ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۰) و در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ دارای رشد منفی بوده است. از مهمترین علل این نوسانات می‌توان به افزایش قیمت جهانی نفت، یکسان سازی نرخ ارز، شفاف سازی حامل‌های انرژی و واردات بنزین اشاره کرد. به طور کلی، متوسط درصد تغییرات درآمدهای نفتی در این سال‌ها، ۱۳/۷ درصد و سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای عمومی دولت، ۴۷/۹ درصد می‌باشد. همانطور که می‌بینیم، سهم درآمدهای نفتی دوباره در این دوران افزایش یافته است.

۳-۳- پرداخت‌های عمومی دولت

در تحلیل پرداخت‌های دولت به تفکیک جاری و عمرانی دیده می‌شود که بیشترین سهم مخارج دولت را مخارج جاری تشکیل می‌دهد. کاهش در مخارج جاری دولت بیشتر روی مخارج عمرانی منعکس می‌شود بطوری که مخارج جاری بدلیل ماهیت خود، در سال‌هایی که درآمدهای دولت کاهش داشته‌اند، افزایش نیز یافته است. برای مثال در سال ۱۳۷۷ همگام با کاهش در درآمدهای نفتی، مخارج عمرانی نزدیک به ۱۵ درصد کاهش یافت ولی مخارج جاری رشد ۱۹ درصدی داشته است. در بررسی مخارج عمومی دولت می‌توان چهار دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲، ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷، ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ را در نظر گرفت.

دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲

در این دوران نرخ رشد مخارج جاری و عمرانی نزدیک به هم بوده است. سهم هزینه‌های جاری در کل هزینه‌ها نسبت به دوره‌های دیگر کم و سهم هزینه‌های عمرانی بیشتر می‌باشد.

دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷:

در این دوره که مصادف با وقایع مهمی چون شوک‌های نفتی ۱۳۵۳ و ۱۳۶۴، وقوع انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی می‌باشد، ترکیب سهم هزینه‌های جاری و عمرانی تغییر نمود. طی این دوره بدلیل شرایط خاص اقتصادی کشور و بخصوص مخارج جنگ، رشد هزینه‌های جاری بیشتر از رشد هزینه‌های عمرانی بوده است. از طرفی در این دوره در برخی از سال‌ها مخارج عمرانی رشد منفی داشته و نتیجه آن شد که سهم هزینه‌های عمرانی از ۳۶/۳ درصد در دوره قبل به ۲۸/۲ درصد در این دوره کاهش یابد.

دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹:

در این دوره مخارج عمومی دولت افزایش نسبتاً زیادی داشته است. نرخ رشد هزینه‌های عمرانی بیش از هزینه‌های جاری می‌باشد که این بدلیل اهداف برنامه‌های اول و دوم توسعه است. دولت برای رسیدن به اهداف برنامه، سعی نمود که مخارج عمرانی خود را افزایش دهد. طبق جدول ۲ نرخ رشد مخارج عمرانی ۳۶/۵ درصد و نرخ رشد مخارج جاری ۳۲ درصد می‌باشد.

دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸:

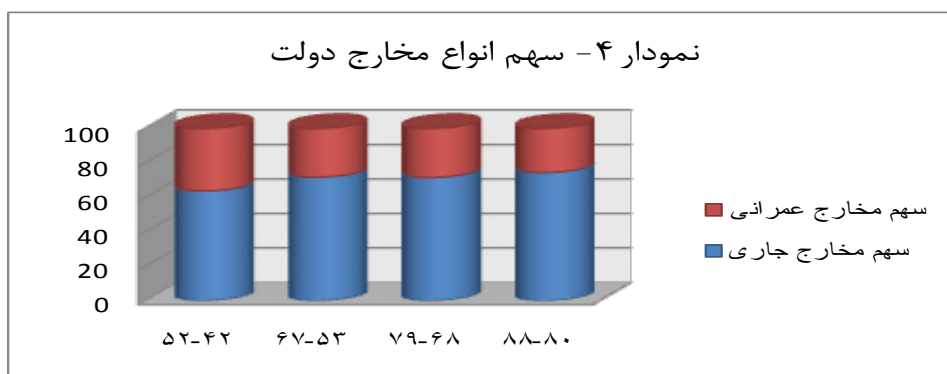
در این دوره نیز پرداخت‌های عمومی دولت افزایش قابل توجهی را داشته است. همانند دوره قبل، نرخ رشد پرداخت‌های عمرانی بیش از پرداخت‌های جاری می‌باشد که نشان دهنده تلاش دولت برای رسیدن به اهداف برنامه‌های توسعه می‌باشد. متوسط نرخ رشد کل پرداخت‌های جاری و عمرانی به ترتیب ۲۵/۵ و ۳۲/۶ درصد می‌باشد. بیشترین نرخ رشد پرداخت‌های عمرانی در این دوره مربوط به سال ۱۳۸۱ می‌باشد که نرخ رشد ۱۲۵ درصدی نسبت به سال قبل را تجربه کرد.

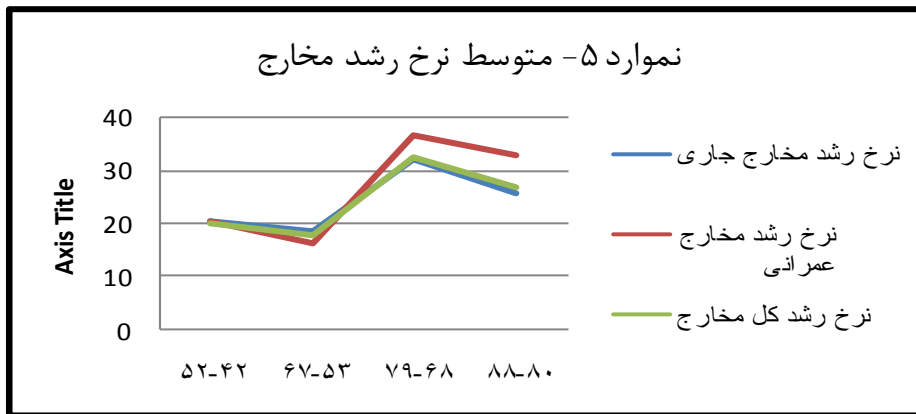
جدول ۲- متوسط سهم و درصد تغییر مخارج دولت

دوره	متوسط سهم در کل مخارج		متوسط نرخ رشد مخارج	
	جاری	عمرانی	جاری	عمرانی
۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲	۶۳/۷۲	۳۶/۲۸	۲۰/۳۱	۲۰/۲۴
۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷	۷۱/۷۵	۲۸/۲۵	۱۸/۳۷	۱۶/۲۴
۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹	۷۱/۶	۲۸/۴	۳۲	۳۶/۵
۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸	۷۴/۴	۲۵/۶	۲۵/۵	۳۲/۶

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور

نمودار ۴- سهم انواع مخارج دولت





۳-۴- اندازه دولت در اقتصاد ایران

در ادامه به تحلیل اندازه دولت و برخی شاخص‌های دیگر فعالیت دولت در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۸ پرداخته می‌شود. ارقام مورد استفاده در این تحقیق، مجموع پرداخت‌های جاری و عمرانی در شیوه قدیم بودجه نویسی است. در این تعریف، بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت وارد نمی‌شود. همچنین از آنجا که بخشی از پرداخت‌های وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی از محل درآمدهای اختصاصی آنها صورت می‌گیرد، آن بخش از پرداخت‌های بودجه عمومی دولت که از محل «درآمد عمومی و سایر منابع تأمین اعتبار» تأمین مالی می‌گردد، مورد نظر است. لذا پرداخت‌های اختصاصی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی بدلیل در اختیار نبودن ارقام عملکرد از مجموع پرداخت‌های بودجه عمومی دولت کنار گذاشته می‌شود. همچنین دولت عمومی متشکل از دولت مرکزی، شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده است. مطابق قانون بودجه سالیانه کل کشور، بخش عمومی علاوه بر دولت عمومی شامل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت نیز می‌شود. بنابراین، ارقام مندرج با توجه به این موارد در نظر گرفته شده است.

دو نکته در خصوص مقایسه‌های انجام گرفته لازم است مد نظر قرار گیرد. نخست آن که در تمام سال‌های پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۱، که یکسان‌سازی نرخ ارز صورت گرفت، بخشی از مخارج دولت بر اساس نرخ‌های ارز تثبیت شده که اختلاف فاحشی با نرخ‌های رایج در بازار غیررسمی ارز داشته، صورت گرفته است. به این لحاظ شاخص اندازه دولت طی این دوره به میزان زیادی کوچک‌نمایی دارد. دوم آن که ارقام مربوط به یارانه

انرژی نیز بسیار قابل ملاحظه می باشد که تنها در سال های ۸۴-۱۳۸۲ رقم شفاف سازی قیمت (یارانه) حامل های انرژی به ارقام بودجه اضافه شده است. بنابراین، برای بررسی روند اندازه دولت ترجیح داده شد برای تمام سال ها از ارقام مشابه بدون تعدیلات نرخ ارز و یارانه انرژی استفاده شود. با در نظر گرفتن ارقام برآوردی مربوط به مابه التفاوت نرخ ارز و یارانه انرژی، اندازه دولت مرکزی تعدیل شده بسیار بزرگتر خواهد بود.

۳-۴-۱- اندازه دولت

شاخص اندازه دولت حاکی از کاهش قابل ملاحظه آن در سال های پس از انقلاب است. این نسبت که در سال های رونق درآمدهای نفتی (۵۷-۱۳۵۳) حدود ۴۵/۱ درصد بود، در سال های انقلاب و جنگ (۶۷-۱۳۵۸) به ۲۷/۳ درصد کاهش یافت. با پایان جنگ، مخارج تحمیلی ناشی از آن نیز کاهش یافت و شرایط برای رشد تولید (GDP) مهیا گردید. به این ترتیب، در برنامه پنج ساله اول توسعه نسبت مخارج دولت به GDP به سطح ۱۷/۴ درصد تقلیل یافت. رشد GDP در طی برنامه اول ۶/۹ درصد بوده که علی رغم رشد سالیانه ۶/۲ درصدی مخارج دولت، موجب کاهش اندازه دولت در طی این برنامه شده است. رشد GDP در برنامه دوم توسعه به ۲/۹ درصد کاهش یافت که با وجود رشد پایین مخارج دولت در طی این سال ها، اندازه دولت نسبت به برنامه اول بزرگ تر شده است. رشد بالای GDP در برنامه سوم توسعه موجب کاهش اندازه دولت در طی این برنامه شده است. هر چند رشد سالیانه مخارج دولت در برنامه سوم نسبت به برنامه اول و دوم و همچنین دوره انقلاب و جنگ بالاتر است. در برنامه پنج ساله دوم و سوم، نسبت اندازه دولت به ترتیب ۲۲/۱ و ۲۰/۶ درصد بوده است. اندازه دولت در سه سال اول برنامه چهارم نسبت به دوره قبل حدود ۳ درصد بزرگتر شده است. این افزایش هم به سبب رشد سریعتر مخارج دولت و هم به سبب رشد ضعیف تر تولید ناخالص داخلی در این سال ها بوده است (جدول شماره ۳ و ۴).

نسبت مخارج جاری به GDP و مخارج عمرانی به GDP نیز روند مشابهی را نشان می دهد، به جز آن که در برنامه سوم نسبت مخارج جاری به GDP از ۱۵/۴ درصد در برنامه دوم به ۱۵/۵ درصد افزایش یافته است. با توجه به انبوه طرح های نیمه تمام عمرانی باقیمانده از برنامه دوم، می توان انتظار داشت که کاهش نسبت مخارج عمرانی به GDP طی برنامه سوم، ناشی از محدودیت منابع بودجه دولت پس از تخصیص سهم بالایی از آن به مخارج جاری باشد. با این وجود، نسبت مخارج جاری به عمرانی تقریباً در تمام سال های بعد از انقلاب (بجز سال های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵) بزرگتر از ۲ می باشد. (جدول شماره ۷ و ۸)

ملاحظه اندازه دولت و دو نسبت مخارج جاری و عمرانی به GDP طی برنامه دوم، سوم و چهارم نشان می دهد که در پی رکود اقتصادی ناشی از کاهش درآمدهای دولت از محل

صدور نفت خام در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ اندازه دولت با وقفه‌ای یک ساله در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۸ نزولی بوده است. همچنین تداوم و افزایش رکود اقتصادی در سال ۱۳۷۸ سبب شد که علی‌رغم افزایش درآمدهای نفتی دولت و رشد اقتصادی بالا در سال ۱۳۷۹ اندازه دولت در این سال نسبت به تمام سال‌های برنامه دوم و سوم و همچنین ۳ سال اول برنامه چهارم کوچکتر باشد. با تداوم رونق درآمدهای نفتی در سال‌های بعد، مجدداً اندازه دولت در اقتصاد افزایش یافته است. علت کاهش نسبی اندازه دولت در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ عدم تحقق کامل هزینه‌های عمرانی دولت در این سال‌ها می‌باشد. نکته دیگری که در بررسی آمار دولت به چشم می‌خورد این است که تغییرات اندازه دولت مرکزی با یک وقفه زمانی از تغییرات درآمدهای نفتی و به تبع آن رشد اقتصادی پیروی می‌کند.

۳-۴-۲- اندازه دولت عمومی

دولت عمومی علاوه بر دولت یعنی قوه مجریه، شامل شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی نیز می‌گردد. با توجه به مقیاس کوچک مخارج شهرداری‌ها و تأمین اجتماعی در مقایسه با قوه مجریه در ایران، اندازه دولت عمومی نیز از روندی مشابه با دولت به معنای خاص آن یعنی قوه مجریه پیروی می‌کند. لذا در اینجا از بررسی جداگانه این بخش خودداری می‌کنیم.

۳-۴-۳- اندازه بخش عمومی

بخش عمومی علاوه بر دولت عمومی شامل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت نیز می‌باشد. به عبارتی دیگر، بخش عمومی در برگیرنده تمام فعالیت‌های دولتی در قالب بودجه کل کشور است. لازم به ذکر است که ارقام مربوط به بودجه شرکت‌های دولتی در قوانین بودجه سال‌های ۶۲-۱۳۵۸ آورده نشده است. اندازه بخش عمومی نیز در سال‌های رونق درآمدهای نفتی (۵۷-۱۳۵۳) بویژه در بخش مخارج جاری بسیار بزرگ بوده است. در دوره انقلاب و جنگ، اندازه بخش عمومی به ۴۰/۸ کاهش یافت که با توجه به نکته ذکر شده در بالا، این رقم به دلیل در بر نداشتن هزینه‌های جاری شرکت‌های دولتی در طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ کمتر از حد واقعی خود می‌باشد. با پایان یافتن رکود اقتصادی دوران جنگ و شروع رونق اقتصادی در برنامه اول توسعه، علیرغم رشد بالای مخارج جاری و عمرانی بخش عمومی، اندازه بخش عمومی کاهش یافت. رکود اقتصادی ناشی از کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ با وقفه زمانی بیشتری نسبت به دولت مرکزی و دولت عمومی باعث کاهش اندازه بخش عمومی در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ گردید. رشد بالای مخارج جاری شرکت‌های دولتی در برنامه

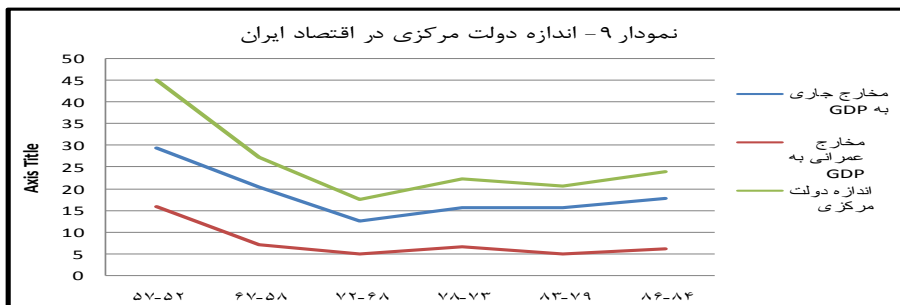
سوم سبب شد که اندازه بخش عمومی بر خلاف اندازه دولت مرکزی و دولت عمومی، نسبت به برنامه دوم افزایش یابد. رشد بالای مخارج عمرانی دولت مرکزی به همراه رشد بالای مخارج جاری شرکت های دولتی در سه سال اول برنامه چهارم موجب رشد قابل توجه اندازه بخش عمومی در این سال ها نسبت به دوره های قبل گردید. بطوری که اندازه بخش عمومی دولت در این سال ها نسبت به دوره برنامه سوم به میزان ۳۹ درصد رشد را نشان می دهد (جدول شماره ۳ و ۴).

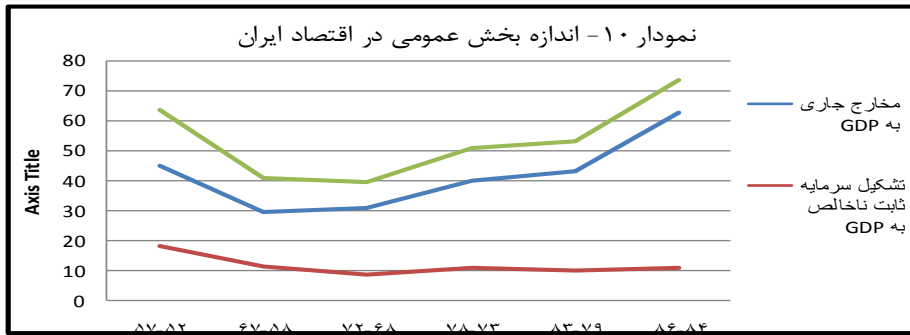
اندازه بخش عمومی تصویر جامع تری از سطح فعالیت دولت در اقتصاد ایران نشان می دهد. این نسبت بیش از ۲ برابر اندازه دولت عمومی در دوره های بعد از انقلاب و جنگ می باشد. متوسط نسبت مخارج بخش عمومی به GDP در طول سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ به بیش از ۷۳ درصد بالغ می گردد که نشان دهنده رشد بالای اندازه دولت در این سال ها بر خلاف اهداف سند چشم انداز و همچنین اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی می باشد.

جدول ۳- اندازه دولت در اقتصاد ایران

سال	۱۳۵۲-۵۷	۱۳۵۸-۶۷	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۷۳-۷۸	۱۳۷۹-۸۳	۱۳۸۴-۸۶
اندازه دولت (*)	۴۵/۱	۲۷/۳	۱۷/۴	۲۲/۱	۲۰/۶	۲۳/۸
مخارج جاری به GDP	۲۹/۴	۲۰/۳	۱۲/۴	۱۵/۴	۱۵/۵	۱۷/۶
مخارج عمرانی به GDP	۱۵/۸	۷/۰	۵/۱	۶/۶	۵/۰	۶/۲
اندازه بخش عمومی (*)	۶۳/۱	۴۰/۸	۳۹/۳	۵۰/۶	۵۳/۰	۷۳/۳
مخارج جاری به GDP	۴۵/۰	۲۹/۴	۳۰/۹	۴۰/۰	۴۳/۳	۶۲/۷
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به GDP	۱۸/۱	۱۱/۴	۸/۵	۱۰/۷	۹/۷	۱۰/۶

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، گزارش وضع مالی دولت





* دولت مرکزی تنها وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی وابسته را در بر می‌گیرد.
 * عمومی علاوه بر دولت عمومی شامل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت نیز می‌باشد. مخارج جاری بخش عمومی طی دوره ۶۲-۱۳۵۸ به دلیل فقدان بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات وابسته به دولت در قوانین بودجه کشور در این سال‌ها شامل مخارج جاری این گروه نمی‌باشد.

جدول ۴- اندازه ردولت در اقتصاد ایران طی سال‌های برنامه دوم و سوم و چهارم توسعه

بخش عمومی			دولت			سال
اندازه بخش عمومی	مخارج عمرانی به GDP به	مخارج جاری به GDP به	اندازه دولت	مخارج عمرانی به GDP به	مخارج جاری به GDP به	
۴۷/۹	۱۰/۴	۳۷/۵	۲۲/۲	۶/۹	۱۵/۳	۱۳۷۴
۴۸/۳	۱۱/۳	۳۷/۰	۲۲/۹	۷/۷	۱۵/۱	۱۳۷۵
۵۰/۷	۱۰/۴	۴۰/۳	۲۲/۴	۷/۰	۱۵/۴	۱۳۷۶
۵۵/۸	۱۰/۰	۴۵/۸	۲۱/۵	۵/۳	۱۶/۲	۱۳۷۷
۵۱/۶	۱۰/۴	۴۱/۲	۲۱/۲	۵/۷	۱۵/۵	۱۳۷۸
۴۸/۹	۸/۹	۴۰/۰	۱۸/۱	۳/۹	۱۴/۲	۱۳۷۹
۴۹/۱	۸/۸	۴۰/۳	۱۸/۷	۳/۶	۱۵/۰	۱۳۸۰
۵۲/۸	۱۰/۶	۴۲/۲	۲۱/۸	۵/۹	۱۵/۹	۱۳۸۱
۵۷/۳	۱۰/۸	۴۶/۵	۲۲/۷	۶/۷	۱۶/۱	۱۳۸۲
۵۷/۱	۹/۶	۴۷/۵	۲۱/۶	۵/۱	۱۶/۵	۱۳۸۳
۷۲/۲	۱۱/۱	۶۱/۱	۲۶/۴	۶/۹	۱۹/۴	۱۳۸۴
۷۵/۲	۱۰/۵	۶۴/۷	۲۵/۲	۶/۵	۱۸/۷	۱۳۸۵
۷۲/۴	۱۰	۶۲/۴	۱۹/۷	۵/۱	۱۴/۶	۱۳۸۶

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، گزارش وضع مالی دولت

بخش چهارم: مقایسه بخش مالی و بودجه‌ای دولت ایران و کشورهای منطقه چشم انداز

توجه کافی به سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه می‌تواند راهگشای کاهش اختلالات دولت در اقتصاد و بهبود نقش دولت در رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد. سیاست‌های کلی برنامه چهارم و پنجم توسعه به صراحت به مدیریت مطلوب درآمدهای نفت و گاز، توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی‌گری‌های دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نظم و انضباط مالی و تعادل بین منابع و مصارف دولت و قطع اتکای مخارج دولت به نفت اشاره دارند. همچنین، اجرای مطلوب مواد قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه که به منظور ایجاد ثبات در میزان استفاده از عواید ارزی حاصل از فروش نفت خام و تبدیل‌داری حاصل از آن به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و فراهم کردن امکان تحقق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه و برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای تدوین شده‌اند، می‌تواند از شدت اتکای دولت به درآمدهای نفتی کاسته و زمینه مدیریت کارآمد بودجه از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی را فراهم نماید. با توجه به آمار ارائه شده تا این قسمت می‌توان نتیجه گرفت که این مطالعه، تصویری نسبتاً جامع و نگران‌کننده از نقش دولت و حیطة تسلط آن بر اقتصاد ایران ارائه می‌نماید. این موضوع بر خلاف اهداف سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تقریباً همه برنامه‌های توسعه‌ای کشور می‌باشد. به نظر می‌رسد ادامه این روند نه تنها موجب رسیدن به هدف اصلی سند چشم‌انداز که همانا کسب جایگاه اول در میان کشورهای منطقه نمی‌شود، بلکه موجب ضعیف‌تر شدن اقتصاد کشور در برابر اقتصادهای منطقه می‌گردد. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع، در ادامه به مقایسه وضعیت بخش مالی اقتصاد ایران و برخی کشورهای سند چشم‌انداز خواهیم پرداخت.

کشورهای مورد نظر در این مطالعه شامل کشورهای می‌باشد که می‌توانند رقیب ایران در رسیدن به رتبه اولی در منطقه در سال ۱۴۰۴ باشند. کشورهای مورد بررسی عبارتند از: ترکیه، عربستان، پاکستان و قزاقستان. شاخص‌های مورد استفاده در این قسمت برای کل جهان و همچنین کشورهای ناحیه اروپا (به عنوان نماینده کشورهای توسعه‌یافته) نیز محاسبه گردیده تا بتوانیم دید کاملی از موقعیت بودجه‌ای ایران در جهان و در برابر کشورهای توسعه‌یافته، کسب کنیم. به لحاظ زمانی، تحلیلی که صورت می‌گیرد شامل دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی می‌گردد (به دلیل نبود آمار سال ۲۰۱۰ برای برخی از کشورها، این سال در نظر گرفته نشده است). همچنین در رابطه با متغیرهای مورد نظر در افق ۱۴۰۴ شمسی (۲۰۲۵م) پیش‌بینی‌های لازم نیز ارائه می‌گردد. در انجام پیش‌بینی‌ها فرض می‌شود که اگر متغیرهای

اقتصادی ایران و کشورهای رقیب در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ میلادی با نرخ معادل با میانگین دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی رشد کنند، در سال ۲۰۲۵ وضعیت چگونه خواهد بود. آیا ایران در این سال به جایگاه اول در بین تمامی کشورهای خاور میانه و در تمامی متغیرهای مدنظر دست می‌یابد؟

اندازه‌گیری شاخص‌هایی نظیر نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص داخلی می‌تواند تصویری از سهم و میزان دخالت دولت در اقتصاد را ارائه کند. اما بررسی ترکیب اجزای هزینه‌های دولت با توجه به ماهیت عملکردی هر یک از این هزینه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شواهدی از اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه حاکی از آن است که اندازه دولت‌ها و ترکیب مخارج آنها در مراحل توسعه تغییر می‌کند. به طور کلی، انتظار می‌رود که با پیشرفت در مراحل توسعه و فراهم آمدن زیرساخت‌های لازم، ترکیب مخارج دولت‌ها به نفع مخارج جاری تغییر نماید.

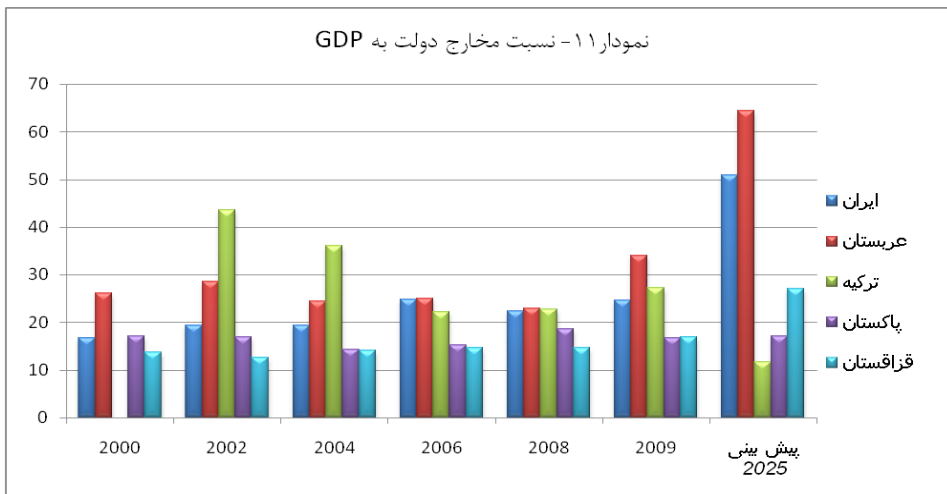
در جدول شماره ۵ نسبت مخارج کل به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای مورد نظر آورده شده است. با توجه به آمار گزارش شده در جدول، می‌توان به چند نکته اشاره کرد. اول اینکه اندازه دولت در طول دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ در ناحیه اروپا نسبت به کشورهای منطقه بالاتر می‌باشد. بطوری که در سال ۲۰۰۹، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی در این کشورها به ۴۱ درصد رسید که هم از متوسط کل دنیا و هم از متوسط کشورهای چشم‌انداز بالاتر می‌باشد. با مقایسه اندازه دولت ایران با کشورهای منطقه چشم‌انداز، مشاهده می‌شود در بیشتر سال‌های بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹، ایران رتبه سوم را پس از کشورهای عربستان و ترکیه کسب کرده است. البته با توجه به میانگین نرخ رشد اندازه دولت در این ۱۰ سال، کشور ایران بیشترین نرخ رشد را در بین همه کشورها دارا بوده است که باعث شده در پیش‌بینی‌های صورت گرفته برای اندازه دولت در سال ۲۰۲۵ میلادی، ایران رتبه دوم منطقه را بعد از عربستان کسب کند.

جدول ۵- نسبت مخارج کل به تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	دنیا	اروپا	عربستان	ترکیه	پاکستان	قزاقستان	ایران
۲۰۰۰	-	۳۷,۱	۲۶,۱	-	۱۷,۲	۱۳,۷	۱۶,۷
۲۰۰۱	۲۶,۷	۳۷,۲	۳۱,۳	-	۱۶,۲	۱۳,۶	۱۹,۳
۲۰۰۲	۲۶,۱	۳۷,۳	۲۸,۶	۴۳,۵	۱۶,۹	۱۲,۷	۱۹,۳
۲۰۰۳	۲۶,۶	۳۷,۸	۲۶	۳۹	۱۶,۸	۱۳,۹	۱۹,۵
۲۰۰۴	۲۶,۲	۳۷,۴	۲۴,۵	۳۴	۱۴,۴	۱۴,۱	۱۹,۴
۲۰۰۵	۲۷,۳	۳۷,۶	۲۳,۷	۳۰	۱۴,۶	۱۸,۲	۲۲,۹

۲۴,۸	۱۴,۶	۱۵,۲	۲۲,۱	۲۵	۳۷	۲۶,۹	۲۰۰۶
۲۰,۶	۱۴,۱	۱۶,۳	۲۴,۵	۲۶,۳	۳۶,۵	۲۸,۸	۲۰۰۷
۲۲,۳	۱۴,۶	۱۸,۶	۲۲,۸	۲۳	۳۷,۶	۲۸	۲۰۰۸
(۵)۲۴,۷	(۶)۱۶,۹	(۷)۱۶,۸	(۴)۲۷,۲	(۲)۳۴	(۱)۴۱	(۳)۳۱,۲	۲۰۰۹
۴,۹۴۵	۳,۱۹	۰,۰۸۹	-۵,۴۳۲	۴,۳۴۸	۱,۱۶۲	۲,۰۵۴	میانگین نرخ تغییرات
(۲)۵۰,۹۵	(۵)۲۷,۰۳	(۶)۱۷,۰۳	(۷)۱۱,۷۷	(۱)۶۴,۳۸	(۳)۴۸,۷۶	(۴)۴۲,۳۳	پیش بینی ۲۰۲۵

منابع: منابع آماری WDI، GFS و بانک مرکزی عربستان، گزارش سالانه (Annual Report, Forty Seventh, 2010) * اعداد داخل پارانتر رتبه کشورها در سال مورد نظر را نشان می دهد.



همانطور که گفته شد با تحلیل داده‌های مربوط به نسبت مخارج کل به GDP در کنار بررسی اجزای این مخارج می‌توان دید بهتر و مناسب‌تری از وضعیت دولت و میزان دخالت آن در اقتصاد ارائه داد. لذا در ادامه به بررسی شاخص نسبت مخارج جاری دولت به تولید ناخالص ملی خواهیم پرداخت. جدول ۶ نشان می‌دهد که در بیشتر سال‌ها وضعیت کشور عربستان در این شاخص از بقیه کشورهای منطقه و حتی کشورهای ناحیه اروپا نیز بهتر می‌باشد. متوسط این شاخص در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ برای این کشور ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی گردید. این مقدار برای دنیا، ۱۷/۳ درصد و برای کشورهای ناحیه اروپا ۲۰/۵ درصد می‌باشد که موجب قرار گرفتن این گروه کشورها به ترتیب در ردیف‌های سوم و دوم

شد. متوسط این شاخص در دوره مورد نظر برای ایران $۱۲/۸۳$ درصد می باشد که رتبه چهارم گروه مورد بررسی در گزارش و رتبه دوم منطقه چشم انداز، بعد از کشور عربستان و بالاتر از کشورهای ترکیه، پاکستان و قزاقستان را برای ایران به همراه دارد. نکته مهم و قابل تأمل در این قسمت این است که نسبت مخارج جاری به GDP ایران در دوره مورد بررسی دارای رشد منفی بوده است. متوسط رشد این شاخص $۲/۴۳$ - درصد می باشد که کمترین (منفی ترین) میزان رشد را در مقایسه با سایر کشورهای مورد نظر دارا می باشد. اگر شرایط به همین صورت فعلی ادامه پیدا کند، میزان عددی این شاخص برای ایران در افق چشم انداز به $۷/۳۶$ درصد می رسد که نشان دهنده کاهش حدود $۵/۵$ درصد در طول این ۱۶ سال می باشد. در نتیجه انتظار می رود که رتبه ایران در سال ۲۰۲۵ در میان ۷ کشور مورد بررسی به ۷ برسد که نشان دهنده پایین بودن این شاخص برای ایران نسبت به سایر کشورها است.

حال اگر نتایج بدست آمده در مورد نسبت مخارج کل و جاری را با هم مقایسه کنیم، می بینیم که برای ایران متوسط تغییرات مخارج کل به GDP داراری بیشترین و متوسط تغییرات مخارج جاری به GDP داراری کمترین نرخ نسبت به سایر کشورها می باشد. این به معنی رشد مخارج عمرانی دولت در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ و افزایش اندازه و حجم فعالیت های دولت (مخصوصاً در بخش عمرانی) و در نتیجه کاهش فعالیت های بخش خصوصی در فعالیت های سرمایه گذاری و عمرانی می باشد. این نسبت ها برای کشورهای ناحیه اروپا $۱/۱۶$ برای مخارج کل و $۱/۲۸$ برای مخارج جاری می باشد. در این کشورها، حجم دولت به مرور زمان کوچکتر شده و تلاش شده است که حوزه فعالیت های دولت به هزینه های جاری محدود شود. در ترکیه نیز این نسبت ها به ترتیب $۵/۴$ - و $۲/۷$ می باشد که به خوبی نشان دهنده کاهش حجم فعالیت های دولت در بخش عمرانی و واگذاری این قسمت به بخش خصوصی می باشد. البته در این شاخص برای عربستان همچون ایران چشم انداز چندان مناسبی را پیش بینی نمی کنیم. با توجه به متوسط نرخ رشد $۰/۸۴۴$ - درصدی عربستان در این شاخص، انتظار می رود این شاخص برای عربستان از $۲۴/۹$ درصد در سال ۲۰۰۹ به $۱۹/۸۳$ درصد در سال ۲۰۲۵ تنزل یابد.

در کل می توان نتیجه گیری کرد که در افق چشم انداز ۱۴۰۴ ، اگر ایران به همین روند فعلی خود از لحاظ وضعیت هزینه های دولت ادامه دهد، انتظار می رود که اندازه و حجم فعالیت های دولت روز به روز افزایش یافته و حجم فعالیت های بخش خصوصی روز به روز کمتر گردد که این با اهداف سند چشم انداز، سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین اهداف برنامه های توسعه کشور در تناقض می باشد. لذا کشور ایران برای رسیدن به هدف اصلی سند چشم انداز که کسب رتبه اولی در منطقه می باشد، باید تغییرات و تحولات

اساسی در مورد فعالیت های دولت، نقش دولت در اقتصاد و اندازه دولت ایجاد کند. زیرا با توجه به آمار ارائه شده، ملاحظه می گردد که کشورهایی همچون عربستان و ترکیه رقیب های بسیار سرسختی برای ما در رسیدن به جایگاه اول منطقه می باشند.

جدول ۶- نسبت مخاج جاری به تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	دنیا	اروپا	عربستان	ترکیه	پاکستان	قزاقستان	ایران
۲۰۰۰	۱۶/۴	۱۹/۸	۲۶	۱۱/۷	۸/۶	۱۲/۱	۱۳/۹
۲۰۰۱	۱۶/۸	۱۹/۹	۲۷/۵	۱۲/۴	۷/۸	۱۳/۴	۱۴
۲۰۰۲	۱۷/۲	۲۰/۳	۲۶/۱	۱۲/۷	۸/۷	۱۱/۶	۱۲/۸
۲۰۰۳	۱۷/۳	۲۰/۶	۲۴/۶	۱۲/۲	۸/۸	۱۱/۳	۱۲/۱
۲۰۰۴	۱۷/۱	۲۰/۴	۲۳/۶	۱۲	۸/۲	۱۱/۶	۱۱/۴
۲۰۰۵	۱۷/۲	۲۰/۵	۲۲/۲	۱۱/۸	۷/۸	۱۱/۲	۱۳
۲۰۰۶	۱۷/۱	۲۰/۳	۲۳/۳	۱۲/۳	۱۰/۸	۱۰/۲	۱۴/۲
۲۰۰۷	۱۷	۲۰	۲۲/۳	۱۲/۷	۹/۲	۱۱/۱	۱۱/۲
۲۰۰۸	۱۷/۶	۲۰/۵	۱۹/۳	۱۲/۸	۱۲/۵	۱۰/۴	-
۲۰۰۹	۱۸/۸	۲۲/۱	۲۴/۹	۱۴/۷	۸/۱	۱۱/۷	-
میانگین دوره*	(۳)۱۷/۳	(۲)۲۰/۵	(۱)۲۴	(۵)۱۲/۴	(۷)۹/۰۵	(۶)۱۱/۴۵	(۴)۱۲/۸۳
میانگین نرخ تغییرات	۱/۵۹	۱/۲۸	-۰/۸۴۴	۲/۷۰	۲/۶	-۱/۷۴	-۲/۴۳
پیش بینی ۲۰۲۵	(۲)۲۴/۲۲	(۱)۲۷/۱۰	(۴)۱۹/۸۳	(۳)۲۱/۹۱	(۵)۱۳/۱۶	(۶)۷/۴۱	(۷)۷/۳۶

منابع: منابع آماری WDI, GFS و بانک مرکزی عربستان، گزارش سالانه (Annual Report, Forty Seventh, 2010) * اعداد داخل پارانترز رتبه کشورها را نشان می دهد.

شاخص دیگری که ما را در مقایسه وضعیت بودجه ای کشورها کمک می کند، شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت می باشد. طبق جدول شماره ۱۱، ایران وضعیت چندان مناسبی نداشته و در میان کشورهای مورد بررسی دارای کمترین نسبت می باشد (به دلیل نبود آمار درآمدهای مالیاتی کشور عربستان، این کشور از گروه کشوری مورد بررسی حذف گردید). البته با توجه به اینکه ایران برخلاف سایر کشورهای مورد بررسی دارای درآمدهای نفتی می باشد، لذا انتظار چنین آماری را هم برای ایران داشتیم ولی نکته مهمی که در اینجا باید به آن توجه کنیم متوسط نرخ رشد بالای این نسبت برای ایران می باشد. متوسط نرخ رشد این شاخص برای ایران ۱/۴۵ درصد می باشد که بعد از ترکیه دارای بیشترین نرخ رشد می باشد. این نرخ رشد بالا نشانه خوبی برای بهبود هرچه بهتر وضعیت این شاخص در سال های آتی می باشد.

جدول ۷- نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت (درصد)

سال	دنیا	اروپا	ترکیه	پاکستان	قزاقستان	ایران
۲۰۰۰	-	۵۱,۸	-	۷۲,۷	۹۰,۳	۲۶,۹
۲۰۰۱	۶۰	۵۲,۴	-	۷۸,۷	۸۴,۲	۲۶,۵
۲۰۰۲	۵۹	۵۱,۷	-	۷۴,۱	۹۱,۷	۲۶,۶
۲۰۰۳	۶۰,۱	۵۱,۳	-	۷۵	۹۴,۲	۲۱,۶
۲۰۰۴	۶۱	۵۱,۵	۷۹,۴	۷۶,۳	۹۲	۲۰,۹
۲۰۰۵	۶۱,۲	۵۱,۷	۸۰,۱	۷۳,۸	۸۰,۳	۲۱,۶
۲۰۰۶	۶۰,۴	۵۲,۷	۷۸,۸	۷۰,۱	۸۸,۱	۲۰,۷
۲۰۰۷	۶۰,۲	۵۳	۷۲,۵	۶۷,۶	۸۷,۸	۲۰,۷
۲۰۰۸	۹۵,۴	۵۱,۴	۸۲,۷	۷۳,۹	۹۵	۲۳,۶
۲۰۰۹	(۴)۵۶,۱	(۵)۴۹,۷	(۲)۸۶,۷	(۳)۶۶,۴	(۱)۸۸	(۶)۲۸,۸
میانگین نرخ تغییرات	-۰,۸۹۲	-۰,۴۴۴	۲,۰۳۴	-۰,۸۱۴	۰,۰۰۳	۱,۴۵۴
پیش بینی ۲۰۲۵	(۴)۴۸,۵۲	(۵)۴۶,۴۹	(۱)۱۱۷,۲۷	(۳)۵۸,۷۳	(۲)۸۸,۰۵	(۶)۳۵

منبع: منابع آماری WDI, GFS و بانک مرکزی عربستان، گزارش سالانه (Annual Report, Forty Seventh, 2010)
-اعداد داخل پرانتز رتبه کشورها را نشان می دهد.

نتیجه گیری

در این مقاله ابتدا تحلیلی از تحولات درآمدها و مخارج دولت طی دوره های مختلف ارائه و سپس به مقایسه شاخص های مالی دولت با برخی کشورهای مورد نظر در چشم انداز پرداخته شد. بررسی درآمدهای عمومی دولت در ایران حاکی از آن است که این درآمدها وابسته به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز بوده و بروز نوسانات غیر قابل پیش بینی در آن، دولت را با مشکلات جدی در تأمین مالی مخارج خود روبرو می سازد. همچنین سهم پایین درآمدهای مالیاتی از کل درآمدها، باعث شده است که این درآمدها تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار گیرد. همچنین برخی از اجزاء درآمدهای مالیاتی چون مالیات بر واردات و مالیات بر شرکت ها، به دلیل استفاده از ارزش حاصل از فروش نفت، به طور مستقیم وابسته به درآمدهای دولت می باشد. بررسی مخارج دولت نشان می دهد که نزدیک به ۷۰ درصد کل مخارج را مخارج جاری تشکیل

می دهد و سهم مخارج عمرانی تنها ۳۰ درصد است. از طرفی سهم مخارج جاری در طول زمان همواره افزایش یافته و سهم مخارج عمرانی کاهش یافته است.

اندازه دولت مرکزی در دوره رونق درآمدهای نفتی (۷۵-۱۳۵۲) بیش از ۴۵ درصد بوده است که همزمان با رکود اقتصادی در دوره انقلاب و جنگ (۱۳۵۸-۶۸) کاهش چشم گیری داشته و در دوره برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) به حداقل میزان خود یعنی ۱۷/۴ درصد تقلیل یافته است. کاهش رشد اقتصادی در سال های برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) موجب افزایش نسبت مخارج دولت مرکزی به GDP و رونق اقتصادی در طی سال های برنامه سوم توسعه موجب کاهش این نسبت گردید. رشد بالای مخارج دولت در ۳ سال اول برنامه چهارم، به ویژه در بخش مخارج عمرانی، موجب افزایش اندازه دولت به ۲۳/۸ درصد گردید. اندازه دولت عمومی که مخارج مصرفی و سرمایه گذاری شهرداری ها و سازمان تامین اجتماعی را نیز دربر دارد، از روندی مشابه با اندازه دولت مرکزی پیروی می کند. اندازه بخش عمومی تصویر جامع تری از سطح فعالیت دولت در اقتصاد ایران را نشان می دهد. این نسبت بیش از ۲ برابر اندازه دولت عمومی در طی دوره های بعد از انقلاب و جنگ می باشد. نسبت مخارج بخش عمومی به GDP در سال ۱۳۸۶ به بیش از ۷۲ درصد بالغ گردید.

در ادامه وضعیت متغیرهای مالی دولت در بین برخی از کشورها که می توانند در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی به عنوان رقیب ایران مطرح باشند، بررسی شد. این گروه از کشورها که در این مقاله از آنها با عنوان «کشورهای رقیب» یاد کردیم عبارت اند: ترکیه، عربستان، قزاقستان و پاکستان. به لحاظ زمانی، تحلیلی که انجام شد شامل دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی می باشد. انتظار می رود اندازه و حجم فعالیت های دولت در ایران روز به روز افزایش یافته و حجم فعالیت های بخش خصوصی کمتر گردد که این با اهداف سند چشم انداز، سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین اهداف برنامه های توسعه کشور در تناقض می باشد. لذا کشور ایران برای رسیدن به هدف اصلی سند چشم انداز که کسب رتبه اولی در منطقه می باشد، باید تغییرات و تحولات اساسی در مورد فعالیت های دولت، نقش دولت در اقتصاد و اندازه دولت ایجاد کند.

منابع و مأخذ

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، اندازه دولت در اقتصاد ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، سال‌های مختلف.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.
- برگستر، ویلی (۱۳۷۸)، دولت و رشد، ترجمه علی حیاتی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- پژوهان، جمشید (۱۳۷۳)، اقتصاد بخش عمومی. موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- چشمی، اکبر (۱۳۸۴)، عوامل تعیین‌کننده اندازه دولت با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف.
- خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۴)، مدیریت بودجه و ثبات اقتصادی با نگاهی بر مدیریت منابع در بودجه، جامعه و اقتصاد، سال دوم، شماره ۶.
- زمانی، احمد (۱۳۸۰)، بررسی هزینه‌های عمومی و امکان‌سنجی کاهش یا تعدیل آنها (تحلیل تاریخی)، تهران، پایگان.
- سامتی، مرتضی (۱۳۸۲)، اندازه‌گیری مقادیر بهینه فعالیت‌های اقتصادی دولت ایران طی سال‌های ۷۷-۱۳۵۸، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۲.
- سخنور، محمد (۱۳۸۴)، تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی و تعیین اندازه بهینه دولت در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فیروزی، ریحانه (۱۳۸۸)، تأثیر مخارج دولت بر بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- قلی‌زاده، علی اکبر (۱۳۸۵)، رویکردی برای تعیین اندازه بهینه دولت (بر مبنای بودجه عمومی دولت)، مجله برنامه و بودجه، سال نهم، شماره ۲.
- قوانین بودجه کل کشور، سال‌های مختلف.
- کردبچه، محمد (۱۳۸۴)، بررسی درآمدهای مالیاتی ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲۸ و ۲۹.
- کردبچه، محمد (۱۳۸۴)، الگوی بودجه عمومی دولت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲۸ و ۲۹.
- کمرئی، جواد (۱۳۸۸)، بررسی مقایسه‌ای تأثیر مخارج جاری و سرمایه‌ای دولت بر رشد اقتصادی در گروه منتخب کشورهای اسلامی خاورمیانه به روش گشتاوردهای تعمیم‌یافته،

- پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- گزارش وضع مالی دولت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال های مختلف.
 - مرکز آمار ایران، خلاصه گزارش حساب های ملی، سال های مختلف.
 - معاونت نظارت راهبردی، دفتر نظارت برنامه (۱۳۸۸)، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه ساله اول برنامه چهارم توسعه.
 - نصیری، مجید (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی و تعیین اندازه بهینه دولت در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - Bjornskov, Christian, Axel Dreher and Justina A.V. Fischer(2005), The bigger the better? Evidence of the effect of government size on life satisfaction around the world, WIF-Institute of Economic Research, Working Paper.
 - Gosh, S., Gregoriou, A.(2008), The Composition of Government Spending and Growth: Is Current or Capital Spending Better? Oxford Economic Paper,
 - Gunalp, Burak and Oguzhan C. Dincer(2005), The Optimal Government Size in Transition Countries. Available at SSRN
 - Saudi Arabian Monetary Agency(2010), Annual Report, Forty Seventh report,
 - World Bank, World Development Indicators, Washington, D.C,

بخش سوم: سیاست های پیشنهادی و نقد آن

در این بخش از فصلنامه، سه مقاله به شرح ذیل آرایه می گردد:

۱: اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی (حماسه اقتصادی)

۲: بررسی تطبیقی ایده اولیه با محورهای اقتصاد مقاومتی

۳: پیش نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی (حماسه اقتصادی) و نقد آن (الف: پیش نویس اولیه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، ب: نقد و اصلاح سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، ج: بازنگری سیاست های کلی پیشنهادی)

اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی در سیاست های کلی

کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری

چکیده

گزارش حاضر با عنایت به نظریه‌ی اقتصادی و علمی حاکم بر اقتصاد مقاومتی، در کنار بیانات مقام معظم رهبری و ایده‌های اولیه‌ی ارسالی از دفتر ایشان، مدون شده است. با در نظر گرفتن اقداماتی که برای دستیابی به عملکرد موفق یک اقتصاد مقاومتی در وضعیت اقتصاد ایران لازم شمرده شده است، بندهای مختلف پیش‌نویس سیاست کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی تدوین شده است. در این گزارش، جزییات ارتباط بین هر یک از مفاهیم در هر مورد به تفصیل مشخص شده است تا مطالب مندرج در پیش‌نویس سیاست های کلی قابل ردیابی بوده و انسجام آنها قابل شناسایی باشد. در نهایت بندهای مختلف پیش‌نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی چنان منظم شده است که ضمن دربر گرفتن تمام مباحث مهم، هیچ تکراری در مطالب مندرج در متن پیش‌نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، وجود نداشته باشد.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی، تحریم، سیاست های اقتصادی.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی^۱ مبحثی در اقتصاد است که بر اساس آن می توان دید چگونه اقتصاد قادر است در مقابل ضربه های مختلف مقاومت کند و در عین حال از این ضربه ها آسیب نبیند. طرح این مبحث به ویژه برای ارزیابی توان مقاومت اقتصادهای مختلف در برابر بحران کاربرد داشته است. اقتصاد مقاومتی یک مکتب یا یک نگرش اقتصادی نیست ولی الزامی است که اقتصاد را در محور باورها و اعتقادات آن، مقاوم می سازد. بنابراین نباید تصور کرد که اقتصاد مقاومتی عامل برهم زدن باورهای بنیادی می شود. از دیدگاه نظری، اقتصاد مقاومتی محورهایی دارد که در گزارش حاضر به آنها اشاره شده است. شاخص مقاومت اقتصادی^۲ شاخصی است که بر مبنای آن قدرت مقاومت سنجیده می شود. این شاخص در زمان حاضر در جهان اهمیت بسیار یافته است و کشورهای مختلف تلاش می کنند که برای شناسایی توان مقاومت خود، این شاخص را مبنا قرار دهند. مظهر مقاومت در اصطلاح، درختی است که شاخ و برگ آن در برابر طوفان خم و راست می شود ولی درخت استوار و پابرجا باقی می ماند و همچنان به رشد خود ادامه می دهد. قدرت مقابله با چالش ها سبب می شود که درخت آسیب پذیری کمی داشته باشد و نابود کردن آن به سادگی ممکن نشود. با این اوصاف، در جریان مقاومت، اقتصاد ممکن است زیر و بالا داشته باشد، ولی همچنان قدرتمند باقی می ماند و می تواند وضعیت خود را ثبات ببخشد.

اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی و سیاست های لازم برای اجرایی کردن این اصول

در تدوین پیش نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، چارچوب نظری اقتصاد مقاومتی محور قرار گرفته است ولی ساماندهی این پیش نویس با عنایت به ایده های اولیه ی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی ارسالی از دفتر مقام معظم رهبری، تهیه شده است. بنا به تعریف ارسالی: "اقتصاد مقاومتی، گفتمان و الگویی اقتصادی- مدیریتی است که ضمن مقاوم سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات و توان تحریم شکنی، با رویکرد عقب راندن نظام سلطه، پیش رو، فرصت ساز، مولد، درونزا و برون گرا است". با عنایت به این تعریف لازم است چارچوب نگرش به اقتصاد مقاومتی مشخص شود تا بندهای مختلف سیاست هایی که برای آن تعریف می شود، معنادار و سازمان یافته باشد. با این رویکرد، در ادامه محورهای حاکم بر اقتصاد مقاومتی که ضوابط حاکم بر این اقتصاد را نشان می دهد، بیان می شود.

1- Resilient Economy

2- Resilience Index of Economy

الف: حفظ ماهیت و هویت اقتصاد

اقتصاد مقاومتی، در هر صورت باید یک اقتصاد منطقی، عقلایی و متکی به ضوابط مندرج در قانون اساسی و اسناد بالادستی نظام باشد. با این اوصاف، عملکرد اقتصاد از منظر نوع حکومت نمی تواند چارچوبی مشابه اقتصادهای سوسیالیستی داشته باشد. موضوع ایجاد توان مقاومت بدون از دست رفتن امکان توسعه، نباید عاملی در جهت مخدوش کردن ماهیت و هویت اقتصاد کشور باشد. شکل گیری و تداوم این اقتصاد در هر صورت، در تمام موارد، ماهیتی درازمدت دارد و آثار ناشی از برقراری اقتصاد مقاومتی در زندگی اقتصادی جامعه برای مدتی طولانی باقی می ماند. عمده ترین پیام های این محور عبارتند از:

۱. ساماندهی یک الگوی مفهومی شفاف و اجرایی برای مدیریت اقتصاد کشور بر اساس ضوابط قانون اساسی و اسناد بالادستی،
۲. متکی کردن قوانین برنامه ای کشور بر اساس این برنامه،
۳. تشکیل پایگاه مرکزی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی در دولت با هدف هماهنگ سازی و بسیج همه ی امکانات کشور برای اجرای سریع سیاست های کلی و برنامه های اقتصادی، از جمله سیاست های مذکور، تصمیم سازی و تصمیم گیری و جلب اعتماد، همراهی و همدلی عموم جامعه برای مقابله با تهدیدات و طراحی برنامه های اضطراری برای مقابله با حوادث ناشی از گسترش تحریم در قالب طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی.

تبصره ۱: لازم است نمایندگانی از قوای مقننه، قضاییه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بخش خصوصی در این پایگاه حضور داشته باشند.

تبصره ۲: فعالیت پایگاه مورد بحث در چارچوب قوانین موجود است و در صورت نیاز به تصویب قوانین جدید یا اصلاح قوانین موجود، این کار در قوای مقننه و مجریه در اولویت مطلق کاری قرار خواهد گرفت.

تبصره ۳: برای تسریع در اجرایی کردن کارآمد این سیاست ها، دولت مکلف است حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ، راهکارهای لازم برای عملیاتی کردن این سیاست ها را تنظیم و پیگیری قانونی را انجام دهد و گزارش آن را برای انجام وظایف نظارتی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال نماید.

ب: توانمندسازی و افزایش کارآیی مدیریت و نظام اداری

در ارتباط با این موضوع، یکی از مشکلات مختل کننده، نابسامانی مدیریتی در تمام سطوح بوده و لازم است توانمندی و کارآیی مدیریت کشور افزایش یابد. اگر کارآیی

و کفایت مدیران مد نظر قرار نگیرد، اصلاح اقتصاد کشور با هیچ ترفندی امکان نخواهد داشت. مدیریت توانمند قادر است بسیاری از نقاط ضعف اقتصاد کشور را پوشش بدهد و در ایجاد وضعیتی برآورنده برای اقتصاد کشور اثری مثبت داشته باشد. مدیریت لازم برای اقتصاد مقاومتی، مدیریتی توانمند، کارآمد، هوشمند و متکی به ارزش زمان است که اقدامات خود را برنامه ریزی می کند و در عین حال با هوشیاری جدی به تحلیل سریع وقایع می پردازد تا بر اساس انتظارات و احتمالات، رفتارهای آینده را مشخص نماید. پیام های عمده ی این محور به شرح زیر است:

۱. شفاف سازی ماهوی روش های گزینش مدیران کشور در دستگاه های اجرایی،
۲. ارزیابی شفاف کارایی و توانمندی مدیران بخش عمومی کشور و مقایسه ی آن با مدیران مشابه بخش خصوصی و مدیران مشابه دوره های پیش از خود،
۳. تغییر در نگرش به برنامه ریزی با اجرایی کردن نظام برنامه ریزی غلطان،
۴. اصلاح نظام اداری کشور به ترتیبی که عوامل برانگیزنده ی افزایش کارایی و توانمندی در آن شفاف شود و فعالان در دستگاه های اداری بتوانند در جریان کاری خود ترفیع برآورنده ی عملکرد و توانایی های خود را دریافت کنند. مدیران مسئول باید به ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی باور داشته باشند.

پ: اصلاح زمینه ی فعالیت فعالان اقتصادی

نظر به این که جلب مشارکت تمام مردم برای مشارکت در اصلاح ساخت اقتصادی و تلاش برای تولید ضرورت دارد، لازم است دولت چنان برنامه ریزی کند که زیرساخت های لازم برای این نوع فعالیت فراهم شود. در این راستا به ویژه اصلاح ساخت وضعیت پولی کشور و ایجاد سلامت و حفظ ارزش پول ملی، ضرورت تام دارد تا ثروت کشور بر پول ملی تکیه کند و احترام به کار و سرمایه ی ایرانی در بهترین شکل خود، متبلور شود. در همین راستا، کاهش وابستگی بودجه ی دولت و اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت از یک سو و کوچک و کارآمد شدن دولت از سوی دیگر، باید با دقت و جدیت دنبال شود. پیام های عمده ی این محور عبارتند از:

۱. تدوین سیاست پولی متکی بر کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی، و تعهد مقام پولی به اجرایی کردن این سیاست،
۲. کوچک کردن حجم و بودجه ی دولت در اقتصاد ملی،
۳. پرهیز از افزایش قیمت کالاها و خدماتی که دولت یا بخش عمومی قادر است در قیمت آنها مداخله کند،

۴. فعال سازی بازار سرمایه ی داخلی کشور برای تأمین مالی بنگاه های اقتصادی کارآمد و سرمایه گذاری های خطرپذیر،
۵. آینده نگری روند تحولات جهانی و ملحوظ نمودن آن در سیاست های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی و افزایش آمادگی و سرعت بخشیدن به واکنش هوشمند در مقابل روندهای جهانی،
۶. بهبود مداوم فضای کسب و کار، توسعه ی فضای رقابتی و حفظ امنیت مالکیت و سرمایه با هدف جلوگیری از فرار سرمایه های کشور (سرمایه ی انسانی و مادی).
۷. شفاف سازی ارزش افزوده ی هر یک از فعالان در فرآیندهای اقتصادی با هدف حصول اطمینان از سهم بری عادلانه ی متکی به ارزش افزوده در زنجیره ی تولید تا مصرف،
۸. کاهش حداکثری ارتباط اقتصاد کشور با ارز و درآمدهای نفتی،
۹. پرهیز از ایجاد درآمدهای بودجه ای متکی به محدود کردن امکانات و فعالیتهای بخش خصوصی^۳،
۱۰. بهینه سازی و کارآمدسازی دولت با هدف سرعت بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی مؤثر بر افزایش مقاومت ملی با هدف کاهش بار مالی فعالیتهای دولت به طور جهادی در چارچوب کوچک کردن دولت با استفاده از مکانیزم کاهش بار مالیاتی همراه با افزایش واگذاری فعالیتهای اقتصادی به بخش های غیردولتی،
۱۱. جلوگیری از اجحاف دولت و بخش عمومی به آحاد جامعه با توسل به دلایلی مانند تأمین مالی بودجه ای، آزادسازی قیمت ها، منطقی کردن قیمت ها و امثال آن،
۱۲. هماهنگ سازی تمام سیاست های اقتصادی با هدف ایجاد ثبات در سطح کلان اقتصاد ملی.

ت: احترام به محصولات ساخت داخل

تقاضای ملی باید با بیشترین تأکید از محل محصولات ساخت داخل تأمین شود. این بدان معنی است که تولیدکنندگان و مصرف کنندگان ایرانی به این نتیجه برسند که محصولات ایرانی باید در جایگاهی والا قرار بگیرد و جریان تولید تا مصرف این محصولات با عنایت به این احترام شکل بگیرد. در این راه لازم است دولت و حکومت به عنوان سرمشق، تلاش نمایند تا ساخته های داخل را مصرف کنند. محصولات ساخت داخل، با کارآیی رقابتی، باید در اولویت مصرف کنندگان قرار بگیرد. رعایت اصل رقابتی بودن محصولات ساخت داخل

۳ - منظور درآمدهایی است که حاصل آن بالا رفتن درآمد دولت، ولی خروج بخش خصوصی از فعالیت اقتصادی است: مثل مالیات اضافی که منجر به خروج تولید کننده از فعالیت می شود.

از الزامات است زیرا استفاده از محصولات داخلی نباید با افت توسعه ی ملی همراه شود. عمده ترین پیام های این محور به شرح زیر است:

۱. ایجاد شبکه ی اطلاع رسانی عمومی برای معرفی محصولات ایرانی،
۲. ملزم کردن بخش عمومی به استفاده ی بهینه از محصولات ایرانی و جایگزین کردن حداکثری محصولات ایرانی به جای محصولات خارجی،
۳. فرهنگ سازی برای ارزش گذاری بر محصولات ایرانی،
۴. ایجاد مکانیزم های جایگزینی برای اقلام مصرفی و واسطه های خارجی با شرط پایین نیامدن کارآیی.

ث: تأکید بر فعالیت های دانش بنیان

نظر به الزام مقابله با عوامل مختل کننده ی توسعه ی کشور در جریان تحریم، لازم است فعالیت های دانش بنیان در گسترده ترین شکل خود توسعه یابد. برای این کار باید تمام امکانات کشور تجهیز شود. گسترش فعالیت های دانش بنیان عامل بهبود کیفیت و کارآیی تولید داخل و بالارفتن سطح نوآوری در کشور می شود. این موارد در نفس خود سبب افزایش توان مقاومت اقتصاد ملی و سرعت بخشیدن به رشد خواهد شد. این بدان معنی است که الزامات گسترش اقتصاد دانش بنیان باید رعایت شود و در اولویت قرار بگیرد. عمده ترین پیام های این محور به شرح زیر است:

۱. اصلاح ساختار اقتصاد به سمت اقتصاد دانش بنیان با ویژگی های این اقتصاد،
۲. پیگیری فعالیت های تحقیقاتی و تلاش برای اجرایی کردن دستاوردهای حاصل از این تحقیقات. در این راستا لازم است بودجه های تحقیقاتی ارزیابی شود و تحقیقات متکی به نوآوری از روش های مختلف تأمین مالی داشته باشد.

ج: سلامت اقتصادی

برای آن که اقتصاد مقاومتی بتواند به خوبی عمل کند، لازم است سلامت در تمام سطوح به اقتصاد باز گردد و از اسراف های بی رویه در تمام سطوح فعالیت های اقتصادی جلوگیری شود. حیف و میل منابع نمی تواند در چارچوب اقتصاد مقاومتی کارکرد داشته باشد. اصلی ترین پیام های تحقق این محور عبارتند از:

۱. اطلاع رسانی در مورد استانداردهای مصرف محصولات ایرانی در چارچوبی واقع بینانه،
۲. شفاف سازی عملیات دولتی به وضعی که نشان داده شود درجه ی اتلاف منابع

- در بخش دولتی چقدر است و تلاش برای کاهش این وضعیت نابهینه. در این راستا مبارزه با انحصار و تبعیض ضرورت دارد،
۳. سالم‌سازی اجرایی فعالیت‌های بخش دولتی و نمایش شفاف روند افزایش سلامت، صرفه‌جویی، تقویت وجدان کاری، انضباط اجتماعی و درست‌کاری در این بخش،
۴. استفاده از مکانیزم‌های نظارتی شفاف و سالم برای ردیابی زود هنگام موارد فساد و سوءاستفاده‌ی مالی در فعالیت‌های اقتصادی.

ج: جلب مشارکت عموم مردم

برای این کار لازم است با الگوی بسیج، مشارکت عمومی جلب شود تا بزرگترین گروه جامعه در تلاش برای اصلاح ساختار اقتصاد کشور و بالابردن قدرت مقاومت ملی تلاش کنند. شرط اصلی برای توفیق در تجهیز مردم این است که عموم مردم باور داشته باشند که دولت صادقانه در کنار جامعه قرار دارد. پیام‌های اصلی این محور عبارتند از:

۱. برنامه‌ریزی برای گسترش حضور گروه‌های مختلف مردم در فعالیت‌های اقتصادی،
۲. واگذاری مدیریت سهام عدالت (عرضه شده تا زمان حاضر) به متخصصان با قید محدودیت افزایش بازده و سود این سهام از یک سو و پرداخت به هنگام سود سهام از سوی دیگر.
۳. ایجاد شبکه‌های تأمین مالی با مدیریت خصوصی برای تأمین نیازهای گروه‌هایی از مردم که مایلند فعالیت‌های کوچک خصوصی داشته باشند،
۴. اعطای بخشودگی مالیاتی به اشخاص حقیقی و حقوقی که بتوانند عامل افزایش بازدهی فعالیت‌های اقتصادی شوند. این کار باید بر اساس یک برنامه‌ی شفاف انجام شود،
۵. تقویت امکان حضور گسترده‌ی فعالان اقتصادی داخلی در مبادلات و تأمین نیازهای فعالیت‌های اقتصادی به‌صورتی که کمبود قطعات مورد نیاز ماشین‌آلات صنعتی از خارج به کمترین حد برسد و چرخه‌ی فعالیت متوقف نشود،
۶. تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با هدف جلب همدلی عمومی برای بالا بردن قدرت مقاومت ملی در چارچوب ایجاد روحیه و انگیزه‌ی جهادی و تعادل اجتماعی برای بسیج تمام نیروها و امکانات کشور در مسیر شکوفایی اقتصادی و مقابله با تهدیدهای احتمالی گروه‌های متخاصم،
۷. شفاف‌سازی فعالیت‌ها و به‌هنگام‌سازی اطلاعات برای جلب اعتماد عمومی،
۸. تلاش در جهت ارتقای عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر، توانمندسازی آحاد

جامعه، بهبود فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی با هدف جلب بیشترین گروه مردم جامعه برای مشارکت در زندگی اقتصادی،
 ۹. اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تبعیض بین بخش خصوصی و بخش های دولتی و شبه دولتی در وضعیت مشابه.

ح: تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار

یک الزام برای اقتصاد مقاومتی این است که نیروی کار در تمام سطوح به صورت جدی و با دستیابی به بالاترین سطح بازدهی، فعال شود. برای این کار باید از تمام توانایی های سرمایه ی انسانی استفاده شود تا در نهایت بیشترین افزوده از این سرمایه به دست آید. هر قدر نیروی کار، فعالیت بیشتر و مفیدتری داشته باشد، اقتصاد از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار می شود. وجود حمایت های فعال برای تقویت توانمندی نیروی کاری الزامی است. عمده ترین پیام های این محور عبارتند از:

۱. ایجاد یک شبکه ی اطلاع رسانی شفاف در مورد بازدهی نیروی کار در ایران در مقایسه با جهان و استفاده از این شبکه برای ثبت بازدهی نیروی کار ایرانی در تمام سطوح،
۲. ایجاد امکان حضور نیروی کار در شبکه های ارائه ی خدمات فنی به مجموعه ای از بنگاه های تولیدی،
۳. برنامه ریزی برای بازآموزی نیروی کار و برگشت دادن این نیرو به بخش های تولیدی کشور.

خ: استفاده از حداکثر ظرفیت های تولید

بی مصرف ماندن ظرفیت های تولیدی، عاملی برای اسراف و ضایع کردن تولید ملی است. با عنایت به محور مقاومت در مقابل تحریم، در اقتصاد مقاومتی باید حداکثر بهره برداری از ظرفیت های تولیدی انجام شود. برای این کار باید برنامه ریزی دقیقی وجود داشته باشد تا نیازهای بازار در بخش تولید ملی مشخص شود و محصولات هر بنگاه تولیدی در بیشترین حد در این بازار مورد استفاده قرار گیرد. اصلی ترین پیام های این محور به شرح زیر آورده شده است:

۱. برنامه ریزی برای شناخت نیازهای بخش تولید و تلاش در مورد تأمین قطعات و لوازم مورد نیاز بنگاه ها،
۲. اجرای سیاست واگذاری درصدی از سهام بنگاه های تولیدی به کارکنان با هدف ایجاد انگیزه برای جلب مشارکت آنها در بالابردن ظرفیت های تولید،

تصوره: در مورد بنگاه‌های خصوصی، این واگذاری می‌تواند در مقابل بخشی از دریافتی کارکنان که به هر دلیل مدیریت بنگاه قادر به پرداخت نیست، انجام شود ولی این کار نباید در حدی باشد که کارکنان نتوانند با دریافتی جاری خود زندگی و معیشت خویش را تأمین نمایند.

د: جلوگیری از تعطیل شدن واحدهای تولیدی و کارخانه‌های کشور

تداوم فعالیت بنگاه‌های تولیدی در چارچوب اقتصاد مقاومتی و اصلاح فعالیت این کارخانه‌ها موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود. تداوم فعالیت بنگاه‌های تولیدی از یک سو به بقای اشتغال می‌انجامد و از سوی دیگر ارزش افزوده‌ای ایجاد می‌نماید که می‌تواند عامل بالارفتن سطح توسعه‌ی ملی باشد. بروز موج تعطیلی کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی می‌تواند انسجام اجتماعی جامعه را مخدوش کند و به اعتبار حکومت آسیب وارد آورد. عمده‌ترین پیام‌های این محور عبارتند از:

۱. ایجاد امکان واگذاری مدیریت بنگاه‌های تولیدی عمومی، شبه‌دولتی و دولتی با قید شرط ادامه‌ی فعالیت بنگاه و پرداخت مزد و حقوق کارکنان در زمان‌های مقرر و بر اساس الگوی مشارکت مدیر در سود بنگاه. دولت باید تضمین بدهد که در صورت تحقق شروط ذکرشده در قرارداد، واگذاری قطعی بنگاه تولیدی را به مدیر یا مدیران برگزیده بر اساس یک الگوی شفاف و مشخص انجام دهد.
۲. حمایت دولت برای به وجود آوردن امکان تشکیل شبکه‌های تولیدی و توافق بین بنگاه‌های مشابه از لحاظ تولید، با هدف جلوگیری از تعطیل شدن کارخانه‌ها و بی‌کارشدن نیروی کار. در این الگوی مشارکتی، لازم است نحوه‌ی مشارکت بسیار شفاف شود و دولت آمادگی داشته باشد که به بنگاه‌هایی که با استفاده از این نوع مشارکت توانسته‌اند از تعطیل شدن بنگاه خود جلوگیری کنند، بخشودگی مالیاتی ارائه نماید.

د: توجه به زندگی مردم جامعه

نباید این انتظار به وجود آید که هیچ چیز در زندگی مردم تغییر نمی‌کند. امر واقع این است که در کوتاه مدت و در جریان بالابردن مقاومت اقتصاد کشور در مقابل تحریم‌ها، زندگی مردم می‌تواند با نابسامانی‌هایی مواجه شود. با وجود این، در میان مدت، تعادلی نسبی در زندگی برقرار خواهد شد. لازم است دولت به نوعی، حداقل کالاهای اساسی و ضروری مردم جامعه را تأمین کند. اصلی‌ترین پیام‌های این محور به شرح زیر است:

۱. تأمین کالاهای اساسی و ضروری و برقراری امنیت غذایی و دارویی جامعه با هدف مقابله با کمبودهای نگران کننده در اقتصاد کشور از طریق مدیریت و برنامه ریزی برای تأمین به موقع کالاهای اساسی و ضروری و داشتن ذخایر راهبردی برای پوشش دادن به ضربه های احتمالی بیرونی،
۲. مدیریت مصرف با هدف تأمین حداقل مصرف مورد نیاز تمام آحاد مردم،
۳. گسترش پوشش تأمین اجتماعی برای حمایت از گروه های محروم جامعه و مبارزه با فقر و ناعدالتی.

ر: تقویت روحیه ی خودباوری و خوداتکایی

فرهنگ سازی برای هدایت نیروهای مختلف، در جهت بالابردن قدرت مقاومت، باید در چارچوب تقویت روحیه ی خودباوری و خوداتکایی انجام شود. تمام فعالان اقتصادی و مصرف کنندگان باید به محصولات ایرانی و توانایی ایرانی در تأمین نیازهای کشور معتقد باشند. پیام اصلی این محور عبارت است از:

"جهت دهی به رسانه ها، به ویژه به صدا و سیما، در راستای سالم سازی فضای عمومی، گسترش فرهنگ استقامت و خودباوری و اطلاع رسانی صحیح و به موقع به مردم".

ز: حداکثر کردن استفاده از امکانات و تجهیزات موجود در کشور

بنگاه های تولیدی متروکه ی متعددی وجود دارند که کالاهای سرمایه ای آنها می تواند برای تداوم فعالیت بنگاه های فعال کنونی به کار گرفته شود. برای این کار اطلاع رسانی، برنامه ریزی و ارائه ی خدمات نصب دوباره، از الزامات است. در همین راستا باید الگوهای مشارکتی ویژه به مالکان کالاهای سرمایه ای ارائه شود تا آنها نیز بتوانند آزادانه و با رغبت، سرمایه ی خود را در چرخه ی تولید به کار بیندازند. این جریان نباید به هیچ عنوان عاملی برای تصاحب اموال مردم یا کاهش اعتبار حقوق مالکیت باشد. عمده ترین پیام های این محور عبارتند از:

۱. شناسایی بنگاه هایی که به هر دلیل نتوانسته اند سرمایه خود را در طول سال ها فعال نمایند. در این راستا لازم است طی یک برنامه ی سریع و دقیق، فهرست ماشین آلات و وضعیت آنها مشخص گردد،
۲. ایجاد شبکه های استفاده ی حداکثری از ماشین آلات موجود و انجام خدمت رسانی برون بنگاهی برای آن دسته از فعالان اقتصادی که به محصولات تولیدشده توسط آن ماشین آلات نیاز دارند.

ز: پایین آوردن درجه ی آسیب پذیری کشور در جریان مبادلات با خارج

طی سال های اخیر، شرکای تجاری بدون در نظر گرفتن ارتباطات درازمدت بین ایران و آن کشورها، برگزیده شده اند. در نهایت، وابستگی ایران به دنیای خارج به شدت افزایش یافته است ولی این وابستگی با رابطه ی درازمدت با شرکای تجاری همراه نشده است. این الگوی ارتباط با خارج در موارد متعدد عاملی در جهت کاهش مقاومت اقتصاد کشور در مقابل انواع ضربه ها محسوب می شود و در هر صورت تحریم یکی از موارد بارزی است که الگوی تجاری مورد بحث در مقابل آن بسیار ضربه پذیر می شود. با عنایت به این وضعیت، بازنگری جدی در فهرست شرکای تجاری کشور از یک سو و نحوه ی مبادله با خارج از سوی دیگر، ضرورت دارد تا درجه ی آسیب پذیری کشور در برابر ضربه های خارجی به پایین ترین حد کاهش داده شود. این بازنگری تحت هر شرایط ضرورت دارد ولی در وضعیت تحریم اولویت بیشتری می یابد. اصلی ترین پیام های برخاسته از این محور به شرح زیر است:

۱. بازنگری در فهرست شرکای تجاری کشور به ترتیبی که رابطه ی تجاری با پیوندهای غیرتجاری همراه شود،
۲. جلوگیری از بالارفتن درجه ی وابستگی کشور به یک شریک تجاری خاص به طوری که به آن شریک امکان تهدید داده شود،
۳. ساماندهی به مبادلات مالی همراه با مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری به شرحی که ایران بتواند با استفاده از ابزارهای کارآمد مالی، امکان ضربه پذیری اقتصاد کشور را در جریان ضربه های مختلف، به کمترین حد محدود کند.

منابع و مآخذ

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام رهبری (مد ظله العالی).
- رضایی میرقاند، محسن و علی مبینی دهکردی (۵۸۳۱)، ایران در افق چشم انداز، انتشارات اندیکا، تهران.
- سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

بررسی تطبیقی ایده اولیه با محورهای اقتصاد مقاومتی

کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری

چکیده

برای شناخت ارتباط بین ایده‌های اولیه و محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی لازم است با عنایت به اصول نظری حاکم بر اقتصاد مقاومتی، ارتباط بین ایده‌ها و محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی شناسایی شود. در ادامه این ارتباط به تفصیل نشان داده می‌شود.

ایده شماره یک: مشارکت حداکثری فعال، مؤثر و مثرثمر آحاد جامعه در همه ی ابعاد و سطوح اقتصاد با تأکید بر ارتقاء نقش و جایگاه طبقات کم درآمد و متوسط.

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

- ج: جلب مشارکت عموم مردم،
 د: جلوگیری از تعطیل شدن واحدهای تولیدی و کارخانه های کشور،
 ز: حداکثر کردن استفاده از امکانات و تجهیزات موجود در کشور.

پیام های استخراج شده از محور «ج» در ارتباط با ایده شماره یک

- ج-۱: برنامه ریزی برای گسترش حضور گروه های مختلف مردم در فعالیت های اقتصادی،
 ج-۲: واگذاری مدیریت سهام عدالت (عرضه شده تا زمان حاضر) به متخصصان با قید محدودیت افزایش بازده و سود این سهام از یک سو و پرداخت به هنگام سود سهام از سوی دیگر،
 ج-۳: ایجاد شبکه های تأمین مالی با مدیریت خصوصی برای تأمین نیازهای گروه هایی از مردم که مایلند فعالیت های کوچک خصوصی داشته باشند،
 ج-۴: اعطای بخشودگی مالیاتی به اشخاص حقیقی و حقوقی که بتوانند عامل افزایش بازدهی فعالیت های اقتصادی شوند. این کار باید بر اساس یک برنامه ی شفاف انجام شود.
 ج-۵: تقویت امکان حضور گسترده ی فعالان اقتصادی داخلی در مبادلات و تأمین نیازهای فعالیت های اقتصادی به صورتی که کمبود قطعات مورد نیاز ماشین آلات صنعتی از خارج به کمترین حد برسد و چرخه ی فعالیت متوقف نشود،
 ج-۶: تقویت سرمایه ی اجتماعی با هدف جلب همدلی عمومی برای بالا بردن قدرت مقاومت ملی در چارچوب ایجاد روحیه و انگیزه ی جهادی و تعادل اجتماعی برای بسیج تمام نیروها و امکانات کشور در مسیر شکوفایی اقتصادی و مقابله با تهدیدهای احتمالی گروه های متخاصم،
 ج-۷: شفاف سازی فعالیت ها و به هنگام سازی اطلاعات برای جلب اعتماد عمومی،
 ج-۸: تلاش در جهت ارتقای عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت های برابر، توانمندسازی آحاد جامعه، بهبود فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی با هدف جلب بیشترین گروه مردم جامعه برای مشارکت در زندگی اقتصادی،
 ج-۹: اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تبعیض بین بخش خصوصی و بخش های دولتی و شبه دولتی در وضعیت مشابه.

پیام های استخراج شده از محور «د» در ارتباط با ایده های اولیه

د- ۱: ایجاد امکان واگذاری مدیریت بنگاه های تولیدی عمومی، شبه دولتی و دولتی با قید شرط ادامه ی فعالیت بنگاه و پرداخت مزد و حقوق کارکنان در زمان های مقرر و بر اساس الگوی مشارکت مدیر در سود بنگاه. دولت باید تضمین بدهد که در صورت تحقق شروط ذکر شده در قرارداد، واگذاری قطعی بنگاه تولیدی را به مدیر یا مدیران برگزیده بر اساس یک الگوی شفاف و مشخص انجام دهد.

پیامهای استخراج شده از محور «ز» در ارتباط با ایده های اولیه

ز- ۱: شناسایی بنگاه هایی که به هر دلیل کالاهای سرمایه ای خود را نتوانسته اند در طول سال ها فعال نمایند. در این راستا لازم است طی یک برنامه ی سریع و دقیق، فهرست ماشین آلات و وضعیت آنها مشخص گردد،
 ز- ۲: ایجاد شبکه های استفاده ی حداکثری از ماشین آلات موجود و انجام خدمت رسانی برون بنگاهی برای آن دسته از فعالان اقتصادی که محصولات تولید شده توسط آن ماشین آلات را نیاز دارند.

ایده شماره دو: خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی جامعه**ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)**

ر: تقویت روحیه ی خودباوری و خوداتکایی،
 ذ: توجه به زندگی مردم جامعه.

پیام های استخراج شده از محور «ر» در ارتباط با ایده شماره دو

ر- ۱: جهت دهی رسانه ها به ویژه صدا و سیما به سمت سالم سازی فضای عمومی، گسترش فرهنگ استقامت و خودباوری و اطلاع رسانی صحیح و به موقع به مردم.

پیام های استخراج شده از محور «ذ» در ارتباط با ایده شماره دو

ذ- ۱: تأمین کالاهای اساسی و ضروری و برقراری امنیت غذایی و دارویی جامعه با هدف مقابله با کمبودهای نگران کننده در اقتصاد کشور از طریق مدیریت و برنامه ریزی برای تأمین به موقع کالاهای اساسی و ضروری و داشتن ذخایر راهبردی برای پوشش دادن به ضربه های احتمالی بیرونی،
 ذ- ۲: مدیریت مصرف با هدف تأمین حداقل مصرف مورد نیاز تمام آحاد مردم،
 ذ- ۳: گسترش پوشش تأمین اجتماعی برای حمایت از گروه های محروم جامعه و مبارزه با فقر.

ایده شماره سه: تجدید آرایش در مبادلات بین المللی و گسترش همکاری ها و مبادلات اقتصادی با کشورهای مورد نظر جهت فعال سازی کلیه ی ظرفیت های اقتصادی و نیروی انسانی کشور (گسترش ارتباطات تجاری)

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

پایین آوردن درجه ی آسیب پذیری کشور در جریان مبادلات با خارج

پیام های استخراج شده از محور «ژ» در ارتباط با ایده شماره سه

- ژ- ۱: بازنگری در فهرست شرکای تجاری کشور به ترتیبی که رابطه ی تجاری با پیوندهای غیرتجاری همراه شود،
- ژ- ۲: جلوگیری از بالا رفتن درجه ی وابستگی کشور به یک شریک تجاری خاص به طوری که به آن شریک امکان تهدید داده شود،
- ژ- ۳: ساماندهی به ساخت مبادلات مالی همراه با مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری به شرحی که ایران بتواند با استفاده از ابزارهای کارآمد مالی، امکان ضربه پذیری اقتصاد کشور را در جریان ضربه های مختلف، به کمترین حد محدود کند.

ایده شماره چهار: پیش آهنگی دانش با طراحی و ساماندهی چرخه ی دانش - ثروت با تأکید بر تولیدات دانش بنیان

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

ث: تأکید بر فعالیت های دانش بنیان.

پیام های استخراج شده از محور «ث» در ارتباط با ایده شماره چهار

- ث- ۱: اصلاح ساختار اقتصاد به سمت اقتصاد دانش بنیان با ویژگی های این اقتصاد،
- ث- ۲: پیگیری فعالیت های تحقیقاتی و تلاش برای اجرایی کردن دستاوردهای حاصل از این تحقیقات. در این راستا لازم است بودجه های تحقیقاتی ارزیابی شود و تحقیقات متکی به نوآوری از روش های مختلف تأمین مالی داشته باشد.

ایده شماره پنج: واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام و دارای توانمندی‌های آفندی در مقابل تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

- ب:** توانمندسازی و افزایش کارآیی مدیریت و نظام اداری،
د: جلوگیری از تعطیل شدن واحدهای تولیدی و کارخانه‌های کشور،
ز: حداکثرکردن استفاده از امکانات و تجهیزات موجود در کشور.

پیام‌های استخراج شده از محور «ب» در ارتباط با ایده شماره پنج

- ب-۳:** تغییر در نگرش به برنامه‌ریزی با اجرایی کردن نظام برنامه‌ریزی غلطان،
ب-۴: اصلاح نظام اداری کشور به ترتیبی که عوامل برانگیزنده‌ی افزایش کارآیی و توانمندی در آن شفاف شود و فعالان در دستگاه‌های اداری بتوانند در جریان کاری خود ترفیع برانزنده‌ی عملکرد خود را دریافت کنند. مدیران مسئول باید به ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی باور داشته باشند.

پیام‌های استخراج شده از محور «د» در ارتباط با ایده شماره پنج

- د-۲:** حمایت دولت برای به وجود آوردن امکان تشکیل شبکه‌های تولیدی و توافق بین بنگاه‌های مشابه از لحاظ تولید، با هدف جلوگیری از تعطیل کارخانه‌ها و بی‌کار شدن نیروی کار. در این الگوی مشارکتی لازم است نحوه‌ی مشارکت شفاف شود و دولت آمادگی داشته باشد که به بنگاه‌هایی که با استفاده از این نوع مشارکت توانسته‌اند از تعطیل شدن بنگاه خود جلوگیری کنند، بخشودگی مالیاتی ارائه نماید.

پیام‌های استخراج شده از محور «ز» در ارتباط با ایده شماره پنج

- ز-۲:** ایجاد شبکه‌های استفاده‌ی حداکثری از ماشین‌آلات موجود در کشور و انجام خدمت‌رسانی برون‌بنگاهی برای آن دسته از فعالان اقتصادی که به محصولات تولیدشده توسط آن ماشین‌آلات نیاز دارند.

ایده شماره شش: مدیریت مصرف و بهره‌وری حداکثری

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

- ب:** توانمندسازی و افزایش کارآیی مدیریت و نظام اداری،
خ: استفاده از حداکثر ظرفیت‌های تولید،
ذ: توجه به زندگی مردم جامعه.

پیام های استخراج شده از محور «ب» در ارتباط با ایده شماره شش

- ب- ۱: شفاف سازی ماهوی روش های گزینش مدیران کشور در دستگاه های اجرایی،
 ب- ۲: ارزیابی شفاف کارآیی مدیران بخش عمومی کشور و مقایسه ی آن با مدیران مشابه
 بخش خصوصی و مدیران مشابه دوره های پیش از خود،
 ب- ۴: اصلاح نظام اداری کشور به ترتیبی که عوامل برانگیزنده ی افزایش کارآیی و
 توانمندی در آن شفاف شود و فعالان در دستگاه های اداری بتوانند در جریان کاری خود
 ترفیع براننده ی عملکرد خود را دریافت کنند. مدیران مسئول باید به ضرورت اجرای
 اقتصاد مقاومتی باور داشته باشند.

پیام های استخراج شده از محور «خ» در ارتباط با ایده شماره شش

- خ- ۱: برنامه ریزی برای شناخت نیازهای بخش تولید و تلاش در مورد تأمین قطعات و
 لوازم مورد نیاز بنگاه ها،
 خ- ۲: اجرای سیاست واگذاری درصدی از سهام بنگاه های تولیدی به کارکنان با هدف
 ایجاد انگیزه برای جلب مشارکت آنها در بالابردن میزان استفاده از ظرفیت های تولید.

پیام های استخراج شده از محور «ذ» در ارتباط با ایده شماره شش

- ذ- ۲: مدیریت مصرف با هدف تأمین حداقل مصرف مورد نیاز تمام آحاد مردم.

ایده شماره هفت: نهادینه کردن فرهنگ استقامت و جهاد اقتصادی

ارتباط مفهومی بین این این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

ر: تقویت روحیه ی خودباوری و خوداتکایی.

پیام های استخراج شده از محور «ر» در ارتباط با ایده شماره هفت

- ر- ۱: جهت دهی به رسانه ها، به ویژه صدا و سیما، در راستای سالم سازی فضای عمومی،
 گسترش فرهنگ استقامت و خودباوری و اطلاع رسانی صحیح و به موقع به مردم.

ایده شماره هشت: سلامت، امنیت و اقتصاد.

ارتباط مفهومی بین این این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

ج: سلامت اقتصادی

پیام های استخراج شده از محور «ج» در ارتباط با ایده شماره هشت

- ج- ۱: اطلاع رسانی در مورد استانداردهای مصرف محصولات ایرانی در چارچوبی واقع بینانه،

- ج-۲:** شفاف سازی عملیات دولتی به وضعی که نشان داده شود درجه ی ائتلاف منابع در بخش دولتی چقدر است و تلاش برای کاهش این وضعیت نابهینه ی موجود. در این راستا مبارزه با انحصار و تبعیض ضرورت دارد،
- ج-۳:** سالم سازی اجرایی فعالیت های بخش دولتی و نمایش شفاف روند افزایش سلامت، صرفه جویی، تقویت وجدان کاری، انضباط اجتماعی و درست کاری در این بخش،
- ج-۴:** استفاده از مکانیزم های نظارتی شفاف و سالم برای ردیابی زود هنگام موارد فساد و سوءاستفاده ی مالی در فعالیت های اقتصادی.

ایده شماره نه: بهره مندی عادلانه سهم عوامل از زنجیره ی تولید - مصرف

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

پ: اصلاح زمینه ی فعالیت فعالان اقتصادی

پیام های استخراج شده از محور «پ» در ارتباط با ایده شماره نه

- پ-۴:** فعال سازی بازار سرمایه ی داخلی کشور برای تأمین مالی بنگاه های اقتصادی کارآمد و سرمایه گذاری های خطرپذیر،
- پ-۷:** شفاف سازی ارزش افزوده ی هر یک از فعالان در فرآیندهای اقتصادی با هدف حصول اطمینان از سهم بری عادلانه ی متکی به ارزش افزوده در زنجیره ی تولید تا مصرف.

ایده شماره ده: کاهش حداکثری اتکاء بودجه و تراز تجاری به درآمدهای نفتی

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

پ: اصلاح زمینه ی فعالیت فعالان اقتصادی،

پ: توانمندسازی و افزایش کارآیی مدیریت و نظام اداری.

پیام های استخراج شده از محور «پ» در ارتباط با ایده شماره ده

- پ-۸:** کاهش حداکثری ارتباط اقتصاد کشور با ارز و درآمدهای نفتی،
- پ-۹:** پرهیز از ایجاد درآمدهای بودجه ای متکی به محدود کردن امکانات و فعالیت های بخش خصوصی،
- پ-۱۰:** بهینه سازی و کارآمدسازی دولت با هدف سرعت بخشیدن به فعالیت های اقتصادی مؤثر بر افزایش مقاومت ملی با هدف کاهش بار مالی فعالیت های دولت به طور

جهادی در چارچوب کوچک کردن دولت با استفاده از مکانیزم کاهش بار مالیاتی همراه با افزایش واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش های غیردولتی،
 پ- ۱۱: جلوگیری از اجحاف دولت و بخش عمومی به آحاد جامعه با توسل به دلایلی مانند تأمین مالی بودجهای، آزادسازی قیمت ها، منطقی کردن قیمت ها و امثال آن،
 پ- ۱۲: هماهنگ سازی تمام سیاست های اقتصادی با هدف ثبات در سطح کلان اقتصاد ملی.

۱۰-۳-۲- پیام های استخراج شده از محور «ب» در ارتباط با ایده شماره ده

ب- ۱: شفاف سازی ماهوی روش های گزینش مدیران کشور در دستگاه های اجرایی،
 ب- ۲: ارزیابی شفاف کارآیی مدیران بخش عمومی کشور و مقایسه ی آن با مدیران مشابه بخش خصوصی و مدیران مشابه دوره های پیش از خود،
 ب- ۳: تغییر در نگرش به برنامه ریزی با اجرایی کردن نظام برنامه ریزی غلطان،
 ب- ۴: اصلاح نظام اداری کشور به ترتیبی که عوامل برانگیزنده ی افزایش کارآیی و توانمندی در آن شفاف شود و فعالان در دستگاه های اداری بتوانند در جریان کاری خود ترفیع برآورنده ی عملکرد خود را دریافت کنند. مدیران مسئول باید به ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی باور داشته باشند.

ایده شماره یازده: تکیه بر مسئولیت و مدیریت قوه ی مجریه با هماهنگی و همراهی سایر قوا

ارتباط مفهومی بین این این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

الف: حفظ ماهیت و هویت اقتصاد.

پیام های استخراج شده از محور «الف» در ارتباط با ایده شماره یازده

الف- ۱: ساماندهی به یک الگوی مفهومی شفاف و اجرایی برای مدیریت اقتصاد کشور بر اساس ضوابط قانون اساسی و اسناد بالادستی،
 الف- ۲: متکی کردن قوانین برنامه ای کشور بر اساس این برنامه،
 الف- ۳: تشکیل پایگاه مرکزی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی در دولت با هدف هماهنگ سازی و بسیج همه ی امکانات کشور برای اجرای سریع سیاست های کلی و برنامه های اقتصادی، از جمله سیاست های مذکور، تصمیم سازی و تصمیم گیری و جلب اعتماد، همراهی و همدلی عموم جامعه برای مقابله با تهدیدات و طراحی برنامه های اضطراری برای مقابله با حوادث ناشی از گسترش تحریم در قالب طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی.

ایده شماره دوازده: مبارزه با تورم

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

پ: اصلاح زمینه‌ی فعالیت فعالان اقتصادی

پیام‌های استخراج شده از محور «پ» در ارتباط با ایده شماره دوازده

- پ-۱: تدوین سیاست پولی متکی به کنترل تورم و حفظ ارزش واقعی پول ملی، و تعهد مقام پولی به اجرایی کردن این سیاست،
- پ-۳: پرهیز از افزایش قیمت کالاها و خدماتی که دولت یا بخش عمومی قادر است در قیمت آنها مداخله کند،
- پ-۱۲: هماهنگ‌سازی تمام سیاست‌های اقتصادی با هدف ایجاد ثبات در سطح کلان اقتصاد ملی.

ایده شماره سیزده: نظارت

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

الف: حفظ ماهیت و هویت اقتصاد

پیام‌های استخراج شده از محور «الف» در ارتباط با ایده شماره سیزده

- الف-۱: ساماندهی به یک الگوی مفهومی شفاف و اجرایی برای مدیریت اقتصاد کشور بر اساس ضوابط قانون اساسی و اسناد بالادستی،
- الف-۲: متکی کردن قوانین برنامه‌ای کشور بر اساس این برنامه،
- الف-۳: تشکیل پایگاه مرکزی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی در دولت با هدف هماهنگ‌سازی و بسیج همه‌ی امکانات کشور برای اجرای سریع سیاست‌های کلی و برنامه‌های اقتصادی، از جمله سیاست‌های مذکور، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و جلب اعتماد، همراهی و همدلی عموم جامعه برای مقابله با تهدیدات و طراحی برنامه‌های اضطراری برای مقابله با حوادث ناشی از گسترش تحریم در قالب طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی.

ایده شماره چهارده: تقویت جایگاه تولید داخلی

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

ت: احترام به محصولات ساخت داخل

پیام های استخراج شده از محور «ت» در ارتباط با ایده شماره چهارده

- ت- ۱: ایجاد شبکه ی اطلاع رسانی عمومی برای معرفی محصولات ایرانی که از نظر ارزش (کیفی و کمی) با محصولات مشابه خارجی رقابت می کنند،
- ت- ۲: ملزم کردن بخش عمومی به استفاده ی بهینه از محصولات ایرانی و جایگزین کردن حداکثری محصولات ایرانی به جای محصولات خارجی،
- ت- ۳: فرهنگ سازی برای ارزش گذاری بر محصولات ایرانی،
- ت- ۴: ایجاد مکانیزم های جایگزینی در مورد اقلام مصرفی و واسطه ای خارجی با شرط پایین نیامدن کارآیی.

ایده شماره پانزده: تقویت سرمایه ی انسانی

ارتباط مفهومی بین این ایده و محورهای اقتصاد مقاومتی (ضوابط)

ح: تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار

پیام های استخراج شده از محور «ح» در ارتباط با ایده شماره پانزده

- ح- ۱: ایجاد یک شبکه اطلاع رسانی شفاف در مورد بازدهی نیروی کار در ایران در مقایسه با جهان و استفاده از این شبکه برای ثبت بازدهی نیروی کار ایرانی در تمام سطوح،
- ح- ۲: ایجاد امکان حضور نیروی کار در شبکه های ارائه ی خدمات فنی به مجموعه ای از بنگاه های تولیدی،
- ح- ۳: برنامه ریزی برای بازآموزی نیروی کار و برگشت این نیرو به بخش های تولیدی کشور.

نگاهی به مطالب فوق نشان می دهد که در مواردی ایده های اولیه مطالبی دارد که در بعضی دیگر از ایده ها نیز قابل ردیابی است. به این ترتیب لازم است سیاست های کلی چنان تدوین شود که از تکرار مطالب جلوگیری گردد و مطالب به شفافترین شکل ممکن دسته بندی شود. در هر صورت از ۱۵ مورد ایده ی اولیه، ۴ مورد ایده ی جدید است (ایده های ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵) که در نفس خود برخی از ابعاد اقتصاد مقاومتی را پوشش می دهد. به روشنی دیده می شود که بعضی از ایده ها، ابعادی از چند محور اقتصاد مقاومتی را دربر گرفته اند. در مواردی هم یک ایده، مطلب مشابهی از یک یا چند محور را به صورت تکراری در خود دارد. با این اوصاف، در سند حاضر تلاش شده است که محورهای نظری اقتصاد مقاومتی مبنای سیاست گذاری باشد تا از تکرار مطالب در بندهای سیاست های کلی خودداری شود.

پیش نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی (حماسه اقتصادی) و نقد آن

این مقاله در سه قسمت به شرح زیر ارائه می شود:

الف: پیش نویس اولیه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی

ب: نقد و اصلاح سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی

ج: بازنگری سیاست های کلی پیشنهادی

الف: پیش نویس اولیه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی

کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری

برای تدوین پیش نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی از پیام های استخراج شده از محورهای اقتصاد مقاومتی مرتبط با ایده های اولیه (ارسالی از دفتر مقام معظم رهبری)، استفاده شده است. در تدوین سیاست های کلی به موضوع های زیر توجه شده است:

- رعایت مفهوم ایده های اولیه،
- رعایت اصول کلی و مفهوم نظری اقتصاد مقاومتی،
- خودداری از تکرار مطالب در حد امکان،
- محدود کردن تعداد بندها به صورتی که هر بند یک موضوع اصلی را پوشش دهد و در عین حال مفاهیم مندرج در هر بند در نفس خود منسجم باشد،
- فراگیر کردن ابعاد سیاست ها به صورتی که هیچ یک از مطالب اصلی از قلم نیافتاده باشد.

با عنایت به اصل رعایت عدم تکرار مطالب، بدیهی است که چندین پیام در هر یک از بندهای سیاست کلی باید جمع شود و در هر صورت مطالب به گونه ای گفته شود که تمام خواسته های مندرج در ایده ی اولیه را دربر گیرد.

۱- تشکیل پایگاه مرکزی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی در دولت با هدف هماهنگ سازی و بسیج همه ی امکانات کشور برای اجرای سریع سیاست های کلی و برنامه های اقتصادی، از جمله ی این سیاست ها، تصمیم سازی و تصمیم گیری و جلب اعتماد، همراهی و همدلی عموم جامعه برای مقابله با تهدیدات و طراحی برنامه های اضطراری برای مقابله با آثار حوادث ناشی از گسترش تحریم در قالب طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی.

تبصره ۱: لازم است نمایندگان از قوای مقننه، قضاییه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بخش خصوصی در این پایگاه حضور داشته باشند. در این راستا باید قانون گذاری و تصمیم های قوه ی قضاییه با جهت گیری های کلی این سند هم راستا شود.

تبصره ۲: فعالیت پایگاه مورد بحث در چارچوب قوانین موجود است و در صورت نیاز به تصویب قوانین جدید یا اصلاح قوانین موجود، این کار در قوای مقننه و مجریه در اولویت مطلق کاری قرار خواهد گرفت.

تبصره ۳: برای تسریع در اجرایی کردن کارآمد این سیاست ها، دولت مکلف است حداکثر

ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ، راهکارهای لازم برای عملیاتی کردن این سیاست‌ها را تنظیم و پیگیری قانونی را انجام دهد و گزارش آن را برای انجام وظایف نظارتی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال نماید.

- ۲- ساماندهی به یک الگوی مفهومی شفاف برای مدیریت اقتصاد با تکیه بر اصلاح ساختار متکی به اقتصاد دانش بنیان و مستندکردن قوانین به برنامه‌های اقتصادی و این الگو، همراه با تغییر نگرش به برنامه‌ریزی برای اجرای برنامه‌ریزی غلطان متکی به آینده‌نگری و واکنش هوشمند در مقابل روندهای جهانی و دستاوردهای تحقیقاتی،
- ۳- توانمندسازی و افزایش کارآیی مدیریت و نظام اداری کشور با استفاده از مکانیزم شفاف‌سازی، کارآمدسازی و انتخاب شایسته‌ی نیروی انسانی،
- ۴- اصلاح سیاست پولی کشور با هدف ایجاد ثبات در اقتصاد ملی در چارچوب کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی کشور و هماهنگ‌سازی کلیه‌ی سیاست‌های اقتصادی با این جهت‌گیری،
- ۵- بهینه‌سازی و کارآمدسازی دولت با هدف سرعت بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی مؤثر بر افزایش مقاومت ملی با هدف کاهش بار مالی فعالیت‌های دولت به‌طور جهادی در چارچوب کوچک کردن دولت، کاهش حداکثری وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و ارزی و پرهیز از ایجاد درآمدهای بودجه‌ای متکی به محدود کردن امکانات و فعالیت‌های بخش خصوصی همراه با جلوگیری از اجحاف دولت به سایر فعالان اقتصادی،
- ۶- فعال‌سازی بازار سرمایه‌ی داخلی کشور برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی کارآمد و سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر،
- ۷- بهبود فضای کسب و کار و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی با تأکید بر متکی کردن فعالیت‌های اقتصادی بر عدالت با مفهوم سهم‌بری عادلانه‌ی همه‌ی دست‌اندرکاران در زنجیره‌ی تولید تا مصرف، همراه با اصلاح قوانین در جهت رفع تبعیض‌های ناروا،
- ۸- گسترش حضور محصولات ساخت داخل در تمام سطوح فعالیت‌های اقتصادی و بخش‌های اقتصادی، همراه با فرهنگ‌سازی برای ارزش‌گذاری بر محصولات ایرانی دارای کیفیت رقابتی، جایگزینی محصولات ساخت داخل با محصولات مشابه خارجی و استفاده‌ی حداکثری بخش دولتی از محصولات ساخت داخل،
- ۹- شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی در مورد استانداردهای مصرف محصولات ایرانی، آمار و اطلاعات عمومی مورد نیاز برای کاهش خطر در فعالیت‌های اقتصادی و بازدهی نیروی کار کشور در سطوح مختلف فعالیت اقتصادی، همراه با جهت‌دهی رسانه‌ها، به‌ویژه صدا

- و سیمما، به سمت سالم‌سازی فضای عمومی، گسترش فرهنگ استقامت و خودباوری و اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع به مردم،
- ۱۰- ارزیابی مستمر عملکرد بخش‌های مختلف اقتصادی و دولت، درجه‌ی انحصار در فعالیت‌های اقتصادی، سلامت عملکردها، ردیابی فساد و سوءاستفاده‌های مالی در فعالیت‌های اقتصادی،
- ۱۱- گسترش فعالیت و حضور گروه‌های مختلف مردم در فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از واگذاری مدیریت سهام عدالت و مدیریت‌های مشابه در بخش عمومی به متخصصان، با رعایت شرط بالارفتن کارآیی سهام عدالت، ایجاد شبکه‌های مردمی تأمین مالی برای فعالیت‌های خرد، اعطای بخشودگی مالیاتی برای افزایش بازدهی فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و تقویت حضور این بخش در تأمین قطعات و نیازهای بخش سرمایه‌گذاری در کشور،
- ۱۲- تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با هدف جلب همدلی عموم برای بالا بردن قدرت مقاومت ملی و تلاش در جهت ارتقای عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر، توانمندسازی آحاد جامعه، با هدف جلب بیشتر مردم جامعه برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی،
- ۱۳- توانمندسازی نیروی کار، در جریان گسترش سهم فعالیت‌های تولیدی داخلی، همراه با گسترش سهم‌بری نیروی کار از بازده تولیدی، ایجاد شبکه‌های خدمت‌رسانی تخصصی مشترک، با هدف بالا بردن استفاده از نیروهای متخصص کشور و تلاش در جهت حفظ قدرت خرید حاصل از کار،
- ۱۴- حمایت از امکان تشکیل شبکه‌های تولیدی و توافق سازمان یافته بین بنگاه‌های مشابه از لحاظ تولید، با هدف تداوم و افزایش تولید،
- ۱۵- تأمین کالاهای اساسی و برقراری امنیت غذایی و دارویی جامعه با هدف مقابله با کمبودها در اقتصاد کشور از طریق مدیریت و برنامه‌ریزی برای تأمین به موقع این کالاها و داشتن ذخایر راهبردی، همراه با مدیریت مصرف و گسترش پوشش تأمین اجتماعی،
- ۱۶- ایجاد شبکه‌ی استفاده‌ی حداکثری از ماشین‌آلات موجود و انجام خدمت‌رسانی برون بنگاهی برای آن دسته از فعالان اقتصادی که به محصولات تولیدشده توسط آن ماشین‌آلات نیاز دارند،
- ۱۷- بازنگری در فهرست شرکای تجاری کشور با هدف جلوگیری از بالارفتن درجه‌ی وابستگی به یک یا چند شریک تجاری با هدف کاهش آسیب‌پذیری کشور.

ب: نقد و اصلاح سیاست های کلی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی

وزارت اقتصاد و دارایی

پیش نویس تدوین شده توسط کمیسیون اقتصاد کلان، برای بررسی و اظهار نظر به وزارتخانه اقتصاد و دارایی ارسال شد. کارشناسان این وزارتخانه پس از بررسی، پیشنهادات ذیل را جهت اصلاح پیش نویس ارایه نمودند.

۱. بند دوم این سیاست ها مربوط به خود کفایی در تأمین نیازهای اساسی جامعه می باشد که در آن "تأمین کالاهای اساسی و ضروری و برقراری امنیت غذایی و دارویی جامعه با هدف مقابله با کمبودهای نگران کننده در اقتصاد کشور از طریق مدیریت و برنامه ریزی برای تأمین به موقع کالاهای اساسی و ضروری و داشتن ذخایر راهبردی برای پوشش به ضربه های احتمالی بیرونی" به عنوان یک سیاست کلی مطرح شده است. در این خصوص شایان توجه است که با توجه به ظرفیت محدود آب کشور جهت پیگیری سیاست خوداتکایی، استفاده از این عبارت حائز تأثیرات جدی بر ذخائر آب کشور می باشد و پیگیری آن نمی تواند وافی به مقصود باشد. از این منظر از یک سو بهتر است که کلمه خود اتکایی از ایده اولیه حذف و استفاده حداکثری از ظرفیت تولید داخلی با توجه به ظرفیت های آب و خاک و منابع ملی ذکر گردد. به علاوه با توجه به اینکه ایران کشوری نیمه خشک به حساب می آید امکان تأمین کلیه کالاهای اساسی در کشور از طریق تولید مستقیم ممکن نیست و حضور کشور در تولید کالاهای اساسی در سطح منطقه و تجارت آن در سطح بین المللی، می تواند تا حد زیادی آسیب های این حوزه را کاهش دهد، پیشنهاد می شود مسأله حضور کشور در تولید منطقه ای کالاهای اساسی و تجارت آن در سطح بین المللی، بدان افزوده شود.
۲. نحوه توزیع کالاها و بالابودن کارایی شبکه توزیع در شرایط اقتصاد مقاومتی جهت تأمین امنیت غذایی آحاد مردم حائز اهمیت می باشد. از این رو پیشنهاد می شود عبارت "افزایش کارایی شبکه توزیع" به عنوان یک سیاست کلی مدنظر قرار گیرد.
۳. یکی از محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی حمایت از تولید ملی می باشد. از آنجایی که بخش مسکن دارای ارتباط قوی پسین و پیشین با سایر بخش های اقتصادی کشور می باشد، لذا رونق در این بخش می تواند با ایجاد تقاضا برای این کالاها، موجب افزایش تولید و اشتغال در سایر بخش ها و نهایتاً رشد اقتصادی کشور گردد. از سوی دیگر مسکن به عنوان یکی از نیازهای اساسی هر خانوار به شمار رفته و سهم عمده ای از سبد بودجه هر خانوار را تشکیل می دهد. از این رو جا

- دارد در پیش نویس سیاست های کلی و کارکرد آن در اقتصاد ملی به ویژه در شرایط کنونی تأیید شود،
۴. در بند سوم مبنی بر گسترش ارتباطات تجاری "گسترش تعامل سازنده با کشورهای منطقه بویژه همسایگان با بهره گیری از سیاست هایی مانند شناخت زمینه های همکاری با تأکید بر گسترش مبادلات اقتصادی سودآور برای کشور" به عنوان یک سیاست کلی مطرح شده است که پیشنهاد می شود به انتهای این سیاست، عبارت "توسعه تهاتر و معاملات پایاپایی" و "حضور اقتصادی" اضافه شود،
۵. توسعه صادرات غیرنفتی با اولویت تأمین نیاز داخلی به منظور گسترش درآمدهای ارزی و همچنین ممنوعیت واردات کالاهایی که دارای تولید مشابه در داخل کشور می باشند. به عنوان یک سیاست کلی در بند سوم مورد نظر قرار گیرد،
۶. ایران با قرار گرفتن در مسیر کریدورهای بین المللی همچون کریدور شمال- جنوب و داشتن ۹۸۰ کیلومتر مرز استراتژیک و قرار داشتن در مسیر انتقال ۷۵ درصد مخازن نفت و گاز جهان، کوتاهترین مسیر را برای انتقال سوخت و کالا در منطقه دارا می باشد. لذا در بند ۳ می توان موضوع ترانزیت را به صراحت اشاره نمود. ضمن اینکه در بند ۱۰ نیز به عنوان یکی از راهکارهای اقتصاد مقاومتی می شود از توسعه ترانزیت نام برد،
۷. نظر به تصویب سیاست های کلی مرتبط با ایده اولیه "پیش آهنگی دانش با طراحی و ساماندهی چرخه دانش- ثروت- تولید با تأکید بر تولیدات دانش بنیان" در شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام، موارد زیر در تکمیل سیاست های مصوب، در بند ۴ پیشنهاد می گردد:
- حمایت از ساخت نمونه های تولیدی جدید و نیاز محور و کمک به تجاری سازی و بازاریابی انبوه برای تولیدات دانش بنیان در سطح بین المللی،
 - تعیین ضوابط ارزش گذاری اقتصادی، دانش تولید و توسعه حقوق مالکیت فکری،
 - تجهیز، توسعه و افزایش تعامل میان صندوق ها و نهادهای مالی حامی چرخه تولید محصولات دانش بنیان.
۸. با توجه به تصویب سیاست های کلی مرتبط با ایده اولیه "بهره وری حداکثری" در جلسه شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام، موارد زیر در تکمیل سیاست های مصوب، بند ۶ اضافه شود:
- متناسب بودن نظام آموزشی کشور در راستای تأمین نیروی کار ماهر و با کیفیت برای تولید ارزش در کشور،
 - اولیت دادن به تأمین مالی سرمایه گذاری های مولد با بهره وری بالا و زود بازده،

- ارتقاء اثربخشی سازمانی (دربخش های دولتی، عمومی و خصوصی)،
 - توسعه نظام آماری کشور به منظور محاسبه، ارزیابی و رصد شاخص های بهره وری (درسطوح مختلف ملی، بخشی، دستگاهی و استانی)،
 - حمایت از نوسازی و بهسازی خطوط تولید منطبق با فناوری روز.
۹. در بخش حمل و نقل، حدود ۹۰ درصد جابجایی مسافر و بار از طریق حمل و نقل جاده ای انجام می شود. با توجه به اینکه این زیربخش نسبت به سایر زیربخش های حمل و نقل، درخصوص مسائل و مشکلات ارزی پیش آمده، وضعیت بهتری دارد. لذا با افزایش بهره وری در بخش حمل و نقل و استفاده از راهکارهای تشویقی جهت استفاده بیشتر از سیستم حمل و نقل عمومی به جای وسایل نقلیه شخصی می توان در مصرف سوخت صرفه جویی نمود. این موضوع را می توان به بند ۶ اضافه نمود.
۱۰. تحریم های خارجی در حوزه نظام سلامت کشور، ضرورت سرمایه گذاری روی ظرفیت های داخلی تولید تجهیزات پزشکی و دارو در کشور را، به یک الزام بدل می سازد، از این رو ساماندهی نظام تأمین مالی سلامت به اتکای منابع داخلی را بایستی به عنوان یکی از سیاست های کلی در بند ۸ مدنظر قرار داد.
۱۱. در بند ۹ ” ارزش گذاری صحیح منابع و قیمت ها با هدف تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از هدر رفتن آنها و اصلاح الگوی تولید- مصرف “ به عنوان یک سیاست کلی مطرح شده است. با توجه به اینکه عبارت ارزش گذاری قیمت که در سیاست فوق الاشاره مورد استفاده قرار گرفته است، مصطلح نمی باشد، پیشنهاد می شود، سیاست مذکور به صورت زیر اصلاح شود ”قیمت گذاری صحیح منابع با هدف تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از هدر رفتن آنها و اصلاح الگوی تولید و مصرف“.
۱۲. مبارزه با فقر مقوله ای است که تأمین اجتماعی تنها یک بعد آن می باشد. سیاست های مالیاتی، آموزشی، اشتغالزایی و ... در رفع فقر بسیار تأثیر گذار می باشند، لذا پیشنهاد می شود در بند ۹ به این مقوله تحت عنوان یک سیاست کلی جداگانه نگریسته شود.
۱۳. عدالت اقتصادی یکی از شاخص های کلیدی در بحث پیوند و ثبات اجتماعی و همچنین رشد پایدار اقتصادی می باشد. از این رو به درستی در بند ۹ موضوع بهره مندی عادلانه عوامل تولید از زنجیره تولید- مصرف مدنظر قرار گرفته است. اما به هر حال سهم بری عوامل تولید که از آن با عنوان توزیع کارکردی نام برده می شود، در اقتصاد امروزی در بهترین شرایط نیز به توزیع مطلوب درآمد بین آحاد جامعه (توزیع مقداری) بگونه ای که شکاف درآمدی بین طبقات مختلف در یک حد قابل قبول باشد، منجر نمی شود و لذا اکثر دولت ها در راستای دستیابی به توزیع

مناسب درآمد به اتخاذ سیاست‌های باز توزیع درآمد روی می‌آورند. سیاست‌های باز توزیع درآمد شامل طیف وسیعی از سیاست‌ها و اقدامات باز توزیع درآمد روی می‌آورند. سیاست‌های باز توزیع درآمد طیف وسیعی از سیاست‌ها و اقدامات از پرداخت‌های انتقالی گرفته تا انواع بیمه‌های اجتماعی و ... را شامل می‌شود. این در حالی است که در این پیش‌نویس در بند ۸ تنها به موضوع نظام تأمین اجتماعی اشاره شده است. پیشنهاد می‌شود موضوع یکپارچه و کارآمدسازی سیاست‌های باز توزیع درآمد در بدن ۹ اضافه شود،

۱۴. بخش مسکن از محدود بخش‌های اقتصادی می‌باشد که تأثیر کمتری از تحریم‌های بین‌المللی می‌پذیرد و با اتخاذ سیاست‌هایی همچون حمایت از تولید طرح‌های انبوه و صنعتی مسکن و نوسازی بافت‌های فرسوده می‌توان زمینه‌های افزایش تولید مسکن بویژه مسکن ارزان قیمت را فراهم نمود لذا در بند اضافی برای مبارزه با تورم، می‌توان تولید مسکن ارزان قیمت را مطرح نمود.

ج: بازنگری سیاست های کلی پیشنهادی

کمیسیون مشترک^۴

پس از دریافت متن اولیه سیاست های کلی پیشنهادی کمیسیون اقتصاد کلان و نقطه نظرات کارشناسی وزارتخانه اقتصاد و دارایی، کمیسیون مشترک این پیشنهادات را مورد بررسی قرار داده و متن نهایی پیش نویس سیاست ها را به شرح ذیل تصویب نمود:

۱. فعال سازی کلیه امکانات و سرمایه های انسانی و علمی موجود کشور و تأمین شرایط و امکانات کار برای اشتغال مولد در شکل های مختلف از قبیل، وام بدون کارمزد یا کارمزد ترجیحی و توسعه مالی خرد و خطر پذیر،
۲. تداوم و اصلاح هدفمندی یارانه ها به منظور تأمین منابع تولید و اشتغال بویژه اقشار کم درآمد و متوسط،
۳. استفاده از سرمایه دینی و اجتماعی در حمایت از تولید ملی، کار و تلاش همگانی و اصلاح الگوی مصرف،
۴. رفع موانع کسب و کار و تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه،
۵. تأمین ساز و کارهای مشارکت مردم و نظارت همگانی برای ارتقاء تولید و اشتغال عمومی،
۶. ارتقاء تولید با استفاده از دانش پیشرفته و تأمین کالاهای اساسی و ضروری و برقراری امنیت غذایی و دارویی با هدف مقابله با کمبودها در اقتصاد کشور و داشتن ذخایر راهبردی،
۷. شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی نظارت بر بازار و مبارزه جدی با قاچاق و اسراف و اتلاف کالاهای اساسی و قطع وابستگی نیازهای اساسی به کشورهای متخاصم،
۸. حمایت هدفمند از صادرات و صادرکنندگان محصولات غیرنفتی به تناسب ارزش افزوده در راستای تأمین ارز با:
 - تصویب تسهیلات و مقررات و مشوق های لازم،
 - حفظ و گسترش خدمات تجارت بین المللی و خدمات زیرساختی ترانزیت،
 - گسترش مبادلات خارجی ریال با پول ملی (ریال پایه) طرف های تجاری کشور،
۹. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه کشور به منظور تسهیل تولید و صادرات و تأمین نیازهای ضروری از خارج،

۴- کمیسیون مشترک دفتر مقام معظم رهبری و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۱۰. برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازها و بازارهای خارجی، شکل‌دهی بازارهای جدید، تنوع بخشی با پیوندهای اقتصادی با کشورها بویژه کشورهای منطقه،
۱۱. تحریم‌ناپذیری اقتصاد ایران، با توسعه همکاری اقتصادی با کشورهای هدف و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای و افزایش پیوندهای راهبردی ایران با اقتصاد منطقه و بین‌الملل و وابستگی متقابل، با ملاحظه پرهیز از آسیب‌پذیری کشور به واسطه وابستگی به یک یا چند کشور،
۱۲. استفاده حداکثری از دیپلماسی در جهت اهداف اقتصادی و مقابله با تحریم‌ها با محوریت وزارت امور خارجه و بکارگیری همه ظرفیت‌های کشور،
۱۳. طراحی و تدوین الگوی اقتصادی مقاومتی برای مدیریت اقتصاد با تکیه بر اقتصاد دانش‌بنیان و تبیین الگوی مذکور و فرهنگ‌سازی در زمینه اقتصاد مقاومتی و انطباق قوانین و برنامه‌های کشور با آن،
۱۴. پیش‌آهنگی دانش در اقتصاد ملی با طراحی و ساماندهی نظام نوآوری با تاکید بر تولیدات و صادرات دانش‌بنیان با حفظ رقابت‌پذیری اقتصاد، به منظور گسترش سهم دانش از بازده تولید، گسترش بازار و کاهش صادرات مواد خام،
۱۵. دولت به عنوان پایگاه مرکزی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی با هماهنگی و همراهی سایر قوا، هماهنگ‌سازی و بسیج امکانات کشور برای اجرای سریع سیاست‌های کلی و مقابله با تهدیدات، ساز و کارهای لازم را تهیه می‌نماید،
۱۶. تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و بهنگام در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دشمن و بی‌اثر کردن آنها با:
- شناسایی ظرفیت‌ها و بسیج امکانات علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان‌آفندی و اقدامات مناسب،
 - آسیب‌شناسی اقتصاد ملی بویژه در حوزه کالاهای اساسی، خدمات مالی، ارتباطی و انرژی،
 - رصد برنامه‌های دشمن و پیش‌بینی روند اقتصاد جهانی و افزایش هزینه تحریم‌ها برای دشمن،
 - بررسی و تصویب لوایح مربوط به اقتصاد مقاومتی در اولویت مجلس شورای اسلامی.
۱۷. مدیریت مصرف با تاکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، تشویق صرفه‌جویی، مصرف کالاهای داخلی، افزایش بهره‌وری انرژی و کاهش شدت انرژی و گسترش رفاه و تامین اجتماعی،

۱۸. اتخاذ رویکرد بهره‌ور محور در اقتصاد کشور و تقویت رقابت پذیری اقتصاد با ایجاد بستر رقابت مثبت بین استان‌ها و مناطق کشور، استفاده از تجربیات سایر کشورها، توانمندسازی نیروی کار در جهت گسترش سهم فعالیت‌های تولیدی داخلی همراه با گسترش سهم بری نیروی کار از بازده تولیدی و حفظ قدرت خرید حاصل از کار،
۱۹. تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی،
۲۰. ایجاد روحیه و فرهنگ جهادی در تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، اشتغال مولد، بهره‌وری، ثبات اقتصادی و کارآفرینی و بسط و تعمیق مبارزه با دشمن در عرصه اقتصاد با استفاده از آموزه‌های دینی و اعتقادی و معارف و تجربیات انقلاب اسلامی،
۲۱. گسترش رویه‌ها و الگوهای رفتاری جهادی در فعالیت‌های اقتصادی و طراحی نشان جهاد اقتصادی،
۲۲. شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی در مورد استانداردهای مصرف محصولات ایرانی، آمار و اطلاعات عمومی مورد نیاز برای کاهش خطر در فعالیت‌های اقتصادی و بازدهی نیروی کار کشور در سطوح مختلف فعالیت‌های اقتصادی،
۲۳. تقویت نظارت و ارزیابی مستمر عملکرد و فعالیت‌های مختلف اقتصادی توسط دولت و دستگاه‌های نظارتی در حیطه وظایف قانونی،
۲۴. سالم‌سازی اقتصاد از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، مالی، تجاری، ارزی و ...
۲۵. سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف با تاکید بر کاهش واسطه‌گری و افزایش سهم دانش و نیروی کار از ارزش افزوده،
۲۶. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش درآمدهای مالیاتی و حذف معافیت‌های مالیاتی و تاکید بر مالیات‌های درآمدی و کاهش مالیات بر مصرف کالاهای تولید داخل،
۲۷. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، راز طریق تحول اساسی در ساختارها و حذف دستگاه‌های موازی و هزینه‌های زاید،
۲۸. افزودن سالانه ۵ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز به صندوق توسعه ملی برای تقویت و توانمندسازی نیرو و سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مولد، پرمخاطره و ضروری، تولید و زیرساخت‌های اقتصادی با هدف کاهش هزینه‌های تولید و افزایش اشتغال و صادرات.

بخش چهارم: گزارش و نقد کتاب

در این بخش از فصلنامه، گزارشی مختصر از همایش ملی "اقتصاد مقاومتی" ارائه می‌گردد.

گزارش همایش ملی "اقتصاد مقاومتی"^۵

همایش ملی اقتصاد مقاومتی، به همت قرارگاه جهاد اقتصادی سازمان بسیج دانشجویی با همکاری دانشکده مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران و مراکز مطالعات اقتصادی بسیج دانشجویی دانشگاه‌های شریف و علم و صنعت ایران برگزار شد. پس از قرائت قرآن و سرود جمهوری اسلامی ایران، دکتر علیرضا معینی دبیر همایش و سرپرست دانشکده مهندسی پیشرفت، ضمن عرض خوش آمد گویی به مهمانان، به ایراد سخنرانی پرداخت. معینی در بخشی از سخنان خود به نامه ۱۲ نفر از علمای اصفهان که مربوط به بیش از یکصد سال پیش است اشاره کرد که مرتبط با اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولیدات داخلی است. برای حفظ امانت، عیناً متن نامه این علمای محترم آورده می‌شود:

اولاً: قبالات و احکام شرعیه، از شنبه (۱۴ جمادی الاول) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود، اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی‌نویسیم، قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضاء نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیرایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم، ماها با این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم، بر آن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوٰه بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قردادیم مهمما ممکن هر چه بدلی آن در ایران یافت نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم، حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم، تا بعین ماها نیز کذلک. و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد، آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

۵- مطالب این گزارش از سایت "دیدبان" برداشت و توسط عبدالعلی کریمی خلاصه و جمع بندی شده است.

رابعاً: میهمانی‌ها بعد ذلک، ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشیره، اگر زائد بر این کسی تکلف دهد، ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نمائیم، هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم. زیرا که آیات باهره(ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين - و لاتسرفوا ان الله لايحب المسرفين - و لاتلقوا بايدكم الى التهلكه) و حديث: لا ضرر و لا ضرار). ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مُسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده، بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگیریم.

سخنران دیگر این همایش دکتر درخشان استاد اقتصاد دانشگاه علامه بود. مسعود درخشان در اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی در دانشگاه علم و صنعت اظهار داشت: واژه اقتصاد مقاومتی بر این موضوع دلالت می‌کند که فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم سد راه پیشرفت جامعه است که باید بر آن غلبه کرد. وی با تقسیم فشارها به دو دسته داخلی و خارجی اظهار داشت: در راس فشار خارجی تحریم اقتصادی و در بخش داخلی نیز فشار همه نیروهایی که زمینه و بستر مناسب را برای تحقق اهداف سیاست‌های فشار خارجی‌ها فراهم می‌کنند، وجود دارد. درخشان فشار داخلی را به دو بخش تقسیم کرد و گفت: یکی از این بخش‌ها ناآگاهی ما اقتصاددانان است که نوعاً در مسیری سیاست‌گذاری می‌کنیم که خاص جریان مثلث اقتصاد تهاجمی غرب علیه اقتصاد ما است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی اضافه کرد: عامل دوم به بخشی از فعالان اقتصادی باز می‌گردد. چنانکه از دید من همه کسانی که در مسیر واردات کالاهای مصرفی سرمایه‌گذاری کرده و فعال هستند و همه کسبه و دست‌اندرکاران و کسانی که در توزیع این کالاها فعالیت می‌کنند، همان نیروهایی هستند که به اقتصاد ملی ضربات جبران‌ناپذیری وارد می‌کنند. وی اظهار داشت: دسته دیگری از نیروهای داخلی که موجب مطرح شدن موضوع اقتصاد مقاومتی می‌شود، شرایط و مقتضیات اقتصادی کشور است که در سیاست‌های گذشته و در راس آن وابستگی به درآمدهای ناشی از فروش نفت خام ریشه دارد. درخشان تاکید کرد: در طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی همه این موارد باید مد نظر قرار بگیرد. وی در ادامه تصریح کرد: اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی بسته نیست و چنین دیدی نسبت به اقتصاد مقاومتی رشدآفرین نیست. وی افزود: منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته، چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود. دبیر ستاد ویژه تدابیر اقتصادی شورای عالی امنیت ملی در انتها گفت: ما با اقتصاد مقاومتی می‌توانیم تمامی خواسته‌های کشور را که رهبر معظم انقلاب نیز بر آن تاکید دارند، تامین کنیم.

در ادامه همایش دکتر غضنفری، وزیر صنعت، معدن، تجارت که خود از اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران نیز هست، به ایراد سخنرانی پرداخت و تأکید کرد اقتصادی می تواند آسیب پذیر باشد که مبتنی بر انبوه مزیت های خدادادی نباشد؛ در صورتی که اقتصاد ما فرصت های بی شماری دارد و جنس تحریم ها بیش از آنچه سخت افزاری باشد، نرم افزاری است. وی ادامه داد: موضوع قابل طرح در اقتصاد مقاومتی دانستن چپستی اقتصاد و مسئله آسیب پذیر در این ماجرا است؛ در یک نگاه به بازار کسب و کار متوجه می شویم که اقتصاد، سیستمی است با مجموعه المان ها که برای ضربه زدن به ما نمی توانند کل آن سیستم را مختل کنند، بلکه باید به اجزای آن آسیب برسانند. غضنفری با اشاره به هدف اصلی تحریم ها گفت: هرگونه گسست میان مردم و مسئولان هدف تحریم ها است؛ آنها در پی جدا کردن مردم از انقلاب و ایجاد بدبینی هستند. وی خاطرنشان کرد: تحلیل گران ادعان دارند که هنوز نتوانسته اند فشارها را به مردم منتقل کنند؛ آنها باید بدانند اگر دعوا، دعوی هوشمندی است و اگر هدف، مسابقه تیزهوشی است، کشوری که به خدا اتکا دارد بدون شک برنده می شود.

پس از پایان سخنرانی دکتر غضنفری حضار جلسه با دیدن مستندی با موضوع «دلالی و سوداگری در اقتصاد ایران و آسیب های وارده از آن» همراه با پذیرایی مختصر به استراحت پرداختند. شروع برنامه پس از استراحت با ارائه مقاله کریمی دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با موضوع «ضرورت حذف ارز واسط از مبادلات تجاری» بود که چکیده آن در ادامه می آید: در این مقاله سعی شده است تحریم های بانکی علیه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و ریشه یابی دقیق قرار گیرد. بدین منظور تحولات تاریخی نظامات پولی بین المللی از بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که استیلای دلار به عنوان واحد پول ایالات متحده چه منافع اقتصادی و سیاسی در طول شصت سال گذشته برای این کشور داشته است. همچنین ضمن بررسی مواضع اقتصادهای مهم و تاثیر گذار جهان علیه دلار در شرایط بحران خیر جهانی، مدلی به منظور حذف ارز واسط (دلار، یورو و ...) از مبادلات تجاری ج.ا.ایران و ایفای نقش فعال برای ریال در نظامات پولی آینده جهان ارائه شده است.

پایان بخش نیمروز اول، میزگردی با حضور حجت الاسلام و المسلمین معلمی، دکتر علی احمدی، دکتر رزاقی و دکتر میرزامحمدی با موضوع «مباحث نظری و مفهومی اقتصاد مقاومتی» بود. در این میان انعکاس سخنان دکتر رزاقی در رسانه ها ملموس تر از سایرین بود. ابراهیم رزاقی اظهار داشت: مسائل اقتصاد ایران بسیار فوریت دارد و باید به آن پرداخته شود. وی افزود: بعد از جنگ اقتصاد نئولیبرالی سرمایه داری آمریکایی در کشور پیاده شد و با اعتماد مسوولان بطور کامل اجرا شد. وی با طرح این پرسش که چطور می توان در برابر امواج این خطر مقاومت کرد گفت: اولین خطر ما مصرف است چنانکه ما هزار میلیارد دلار درآمد

نفت را صرف واردات کرده‌ایم و ۲۰ تا ۳۰ درصد افراد جامعه اغلب آن را برده‌اند و الان هم بقیه آن را می‌خواهند. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت: آنچه الان باید بکنیم شناخت مشکلات اقتصاد، شناخت تفکر پشت سر سیستم اقتصادی فعلی و شناخت تفکر مصرف کننده است. وی تأکید کرد: ما به فرهنگ مبتذل مصرف آلوده شده‌ایم و نخستین گام، متشکل کردن آنهایی است که به این فرهنگ آلوده نشده‌اند تا ابتدا بتوانند خودشان را حفظ کنند و سپس بر بقیه جامعه تأثیر بگذارند.

نیمروز دوم با سخنان بخشی مسئول قرارگاه جهاد اقتصادی سازمان بسیج دانشجویی شروع شد. وی محور سخنان خویش را اهمیت ورود دانشجویان و مخصوصاً دانشجویان بسیجی به عرصه‌های مهم و تأثیرگذار نظام عنوان کرد و بر شکل‌گیری مراکز مطالعاتی ذیل بسیج‌های دانشجویی، برای ورود علمی در مباحث روز و تأثیرگذار در نظام تأکید کرد.

ارائه مقاله با موضوع «چهارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی» موضوع برنامه بعدی بود که با ارائه حسین عسکری دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی انجام شد. چکیده این مقاله به دنبال می‌آید: جمهوری اسلامی ایران، نظامی است ایدئولوژیک و آرمانی، در حال مبارزه با نظام سلطه و استکبار. ذات وجود و ایستادگی چنین نظامی مخصوصاً در بعد اقتصادی، مستلزم وجود مدلی اقتصادی است که با این شرایط همخوانی داشته باشد. در این مقاله ابتدا دو مدل اقتصادی غربی و اسلامی که در مقابل حرکت کشور قرار دارند بررسی شده و بر مبنای آنها اقتصاد مقاومتی تعریف گردیده و سپس مبنای الگوی مقاومتی و مدل اقتصادی آن با توجه به دو جهت‌گیری اسلامی و ایرانی تشریح شده است. بر مبنای این مبنای و مدل‌های اقتصادی بررسی شده، سه سناریو برای حرکت اقتصادی کشور بررسی گردیده و با توجه به شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی، این سناریو برای کشور برگزیده شده است. در انتهای مقاله نیز اصول این مدل اقتصادی تشریح گردیده و هر کدام توضیح داده شده‌اند.

پس از آن دکتر فرتوکزاده استاد دانشگاه مالک اشتر به ارائه مقاله پرداخت. به گزارش خبرگزاری فارس، فرتوک زاده گفت: داستان تحریم نفت و گندم و روغن و کنجاله اینگونه نیست که این کالاها روی دست بمانند بلکه هدف اصلی تحریم کنندگان این است که انگاره‌های مردم را نسبت به کشور عوض کنند و تحریم باید در لایه‌های زیرین جست و جو شود. این پژوهشگر افزود: سه مولفه زمینه بازی، زمین بازی و بازیگران مهم است که باید زمینه اقتصاد جمهوری اسلامی یک زمینه اقتصاد مقاومتی باشد. فرتوکزاده افزود: وقتی زمینه بازی مقاومتی نباشد هر چه شعار حمایت از تولید ملی بدهیم، موثر واقع نمی‌شود. وی گفت: مسئله علم و صنعت در درازمدت اثر دارد و باید دانشجویان بویژه در

دانشگاه علم و صنعت نسبت به مسائل صنعتی و علمی کشور، دید درازمدت داشته باشند. فرتوک زاده در بخش دیگری از سخنان خود گفت: در زمان محمدخان قاجار یک گروهی با هدایای شاه نزد یک خان در منطقه ترکمن فرستاده شد اما بعد از یکسال دست از پا درازتر برگشتند. چون زمینه حکومت درست نبود اما امروزه یک سخنرانی مقام معظم رهبری تحول در کشور ایجاد می‌کند.

پس از این برنامه، مستندی با نام «خاکریز نفت» پخش شد. موضوع این مستند نقش نفت در اقتصاد و بودجه و مسائلی که از قبل برخوردار نامناسب با این صنعت، شکل گرفته و موجب مشکلات عدیده اقتصادی شده، می‌باشد. پس از پخش مستند، برنامه همایش با ارائه مقاله ساسانی و موضوع «ترانزیت» ادامه یافت. چکیده این مقاله چنین است: هزینه‌ی پایین اعمال تحریم‌ها بویژه تحریم‌های پولی و بانکی باعث شده تا تحریم پرکاربردترین ابزار دشمنان جمهوری اسلامی برای کند کردن روند حرکتی کشور در سال‌های اخیر باشد. لذا با توجه به تقابل مبنایی نظام سلطه با آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران ضروری است تا برای مقابله با اقدامات خصمانه‌ی دشمن راهکارها و راهبردهایی تدوین شوند که برای مدت زمان طولانی یا امکان اقدام خصمانه را با افزایش هزینه از دشمن صلب نمایند یا اینکه با ترمیم ساختارهای اقتصادی کشور متناسب با وضع موجود از ایجاد آسیب‌های احتمالی در صورت بروز هرگونه عمل خصمانه جلوگیری شود. ترانزیت بین‌المللی بار از خاک ایران، به دلیل ایجاد ارتباط بین منافع اقتصادی صاحبان کالا در کشورهای متعدد و امنیت ایران در کنار ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمدهای غیر نفتی کشور علاوه بر اینکه باعث افزایش هزینه‌های تهدید و تحریم ایران می‌شود، با کمک به بهبود ساختارهای اقتصادی کشور آسیب‌پذیری این بخش را در مقابل اقدامات خصمانه‌ی دشمن کاهش می‌دهد. با فعال سازی مسیر کریدور شمال - جنوب و معرفی مزایای قابل توجه حمل بار از این مسیر به صاحبان کالا، می‌توان به اهداف فوق‌الذکر برای ترانزیت دست یافت.

میهمان بعدی همایش، دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. وی تأکید کرد مذاکره با ۱+۵ می‌تواند راهگشایی برای دیپلماسی ایران باشد و افزود اقتصاد مقاومتی منافاتی با دیپلماسی ندارد. به گزارش خبرنگار سیاسی «خبرگزاری دانشجویان»، محسن رضایی عصر ۲۸ اردیبهشت در ادامه همایش ملی اقتصاد مقاومتی که در دانشگاه علم و صنعت برگزار شد اظهار داشت: صدسال است که یک پدیده جدید در ارتباط با ایران پیدا شده و آن هم مقاومت غرب در برابر پیشرفت ایران است. وی افزود: البته ظاهر کار این است که غرب از آزادی، دموکراسی و توسعه در ایران صحبت می‌کند اما ورای این مسئله اراده بسیار جدی در جلوگیری از پیشرفت ایران وجود دارد. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان داشت: از انقلاب تا امروز حوادثی که ایران را تهدید می‌کرد را به یاد

داریم که منشاء همه آنها غرب بود و غرب مایل نیست ایران پیشرفت کند و این مقاومت را به اشکال مختلف انجام می‌دهد. وی افزود: قبل از انقلاب، این مقاومت با اقتصاد استعماری و عدم همراهی با ایران بود و امروز نیز شاهد تحریم‌ها هستیم.

رضایی گفت: از چهار سال پیش غرب تحریم‌ها را به اوج خود رساند برای اعمال این تحریم‌های جدید از شورای امنیت سازمان ملل اجازه گرفتند که این خود ویژگی تحریم‌های جدید بود که آمریکا علاوه بر این تحریم‌ها، نفت و بانک مرکزی ایران را هم تحریم کرد. یعنی تحریم‌های فراتر از تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل. وی با اشاره به هدف اصلی این تحریم‌ها بیان داشت: وقتی درست و عمیق مطالعه کنیم می‌بینیم پیشرفت، خطر اصلی ایران برای قدرت‌های بین‌المللی است. پیشرفت ایران باید در یک حدی خاص باشد. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: اگر چنین قصد تاریخی صدساله‌ای علیه ایران وجود دارد باید نحوه اداره اقتصاد خود را عوض کنیم و نگاهی واقعی به اقتصاد کشورمان داشته باشیم. رضایی افزود: اقتصاد مقاومتی از این زاویه قابل مطالعه است. باید گفت اقتصاد مقاومتی شرایطی گذرا نیست و می‌تواند رویکرد و جهت‌گیری باشد همچون رویکردی که کشور ما را در زمان جنگ نجات داد. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام اظهار داشت: امروز باید اقتصاد مقاومتی را کلید بنزیم و آن به این معنا نیست که درهای اقتصاد را ببندیم و با ۱+۵ مذاکره نکنیم. البته با شرایط ناپایداری که در آمریکا شاهدیم فرصت چنین مسئله‌ای در آمریکا وجود ندارد و این شرایط به معنای اقتدار ماست. وی گفت: هیچ کشوری تاکنون در میزخودش چنین مذاکره‌ای انجام نداده است که تمام دنیا یک طرف و آن کشور نیز در طرف دیگر قرار گیرد و مذاکره با ۱+۵ می‌تواند راهگشای دیپلماسی ایران باشد بنابراین اقتصاد مقاومتی منافاتی با دیپلماسی ندارد. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در بیان تاثیر تغییر ساختار مدیریتی در هماهنگی دیپلماسی و اقتصاد مقاومتی بیان داشت: این دو عنصر بدون تغییر در ساختار مدیریت کشورمان امکان‌پذیر نیست، نظام اداری کنونی بسیار ضد مردمی، همراه با سوء ظن و بسته است که در زمان رضاخان ایجاد شده است. بنابراین فرهنگ اقتصادی کشور همراه با سیستم اداری باید تغییر کند. وی افزود: فرهنگ اقتصادی ما فرهنگ یارانه‌ای یا مصرفی است، هرگاه بحث اقتصاد مطرح می‌شود ذهن‌ها به سمت مصرف می‌رود و بخشی از خلاقیت عنوان نمی‌شود، اما در صورت تغییر ساختار می‌توان با رویکرد و سامان دهی جدید به کار پرداخت. در این صورت برنامه ریزی ساده‌تر خواهد بود و بعد از برنامه ریزی فعالیت‌ها و پروژه‌ها شکل می‌گیرد که در مجموع اقتصاد مقاومتی تغییر و تحول در تمام ارکان کشور خواهد بود. وی خاطرنشان کرد: امیدواریم بتوانیم با کمک یکدیگر و با وجود همه دانشگاه‌های بزرگ و امکانات و سرمایه عظیم، اقتصاد را به نقطه بهینه خود برسانیم.

پایان بخش برنامه‌های همایش میزگردی با موضوع «مباحث اجرایی و کاربردی اقتصاد مقاومتی» بود. مدعوین این بخش، مهندس میرزایی، معاون پژوهشی مرکز همکاری‌های فناوری و نوآوری ریاست جمهوری، دکتر سیف‌الدین، عضو هیات علمی دانشکده علوم و فنون پیشرفته دانشگاه تهران، دکتر شاهمیرزایی عضو شورای عالی فضای مجازی و دکتر ایزدخواه پژوهشگر اقتصادی بودند. این همایش با قرائت بیانیه پایانی قرارگاه جهاد اقتصادی سازمان بسیج دانشجویی توسط سالار کیا، به کار خود پایان داد. متن بیانیه پایانی به شرح ذیل است.

باسمه تعالی

ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند. (مقام معظم رهبری)

با بررسی بیانات مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، متوجه می‌شویم ایشان اهمیت و اولویت ویژه‌ای برای مسائل اقتصادی قائل شده‌اند. این موضوع از چند جنبه مورد تاکید قرار گرفته است: اولاً ما باید بتوانیم به سایر ملت‌های آزادیخواه جهان، نمونه‌ای از الگوی موفق پیشرفت مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی را نشان بدهیم، دوماً توان نظام اسلامی در حل مسائل اقتصادی را به اثبات برسانیم و سوماً بر تهدیدات دشمنان که به شدت معطوف مسائل اقتصادی شده است غلبه کنیم. نظام جمهوری اسلامی به دلیل پیگیری آرمان‌های عدالت‌خواهانه، همواره مورد خشم و نفرت سلطه‌گران جهانی و در راس آنها آمریکا قرار دارد. این زورگویان برای تسلیم کردن ملت ما و پشیمان کردنمان از راهی که آمده‌ایم، انواع فشارهای سیاسی و فرهنگی را بر کشور ما وارد کرده‌اند. به طور خاص در این برهه‌ی زمانی، تلاش‌های دشمنان معطوف مسائل اقتصادی شده است و کشور ما را مورد تحریم‌های مختلفی قرار داده‌اند.

آنها قصد دارند با این تحریم‌ها، روابط تجاری ما را با سایر کشورها محدود کنند، نقل و انتقال کالا و وجوه را در سطح بین‌المللی با مشکل مواجه کنند، درآمد‌های کشور را کاهش دهند، و ما را از دسترسی به بعضی از نیازهای ضروری کشور که سابقاً از خارج تامین می‌شده بازدارند. این حجم عظیم تحریم‌ها در دنیا سابقه نداشته است، به طوری که حتی بخشی از این تحریم‌ها هر ملتی را به تسلیم وامی دارد. برخی از مسئولان فکر می‌کنند این تحریم‌ها زودگذر است و به دنبال راه‌حل‌های کوتاه مدت برای پشت سر گذاشتن این دوران می‌گردند. غافل از اینکه تقابل ذاتی و دائمی میان جمهوری اسلامی و سلطه‌گران جهانی محدود به دوره‌ای خاص نخواهد بود و آنها تا ملت ما را به طور کامل تسلیم نکنند، دست از دشمنی نخواهند کشید. ضمن اینکه این گونه راه‌حل‌های کوتاه مدت که عمدتاً مبتنی

بر باج‌دهی به واسطه‌ها و دلال‌ها برای دور زدن تحریم‌ها می‌باشد، باعث می‌شود فساد در کشورمان گسترش بیابد، قدرت سیاسی‌مان در ابعاد بین‌المللی تضعیف شود و اقتصاد کشورمان به دست عده‌ای خاص بیفتد و در نتیجه باعث بروز نارضایتی در مردم خواهد شد. در مقابل این مسئولان، عده‌ای از کارشناسان هم هستند که همواره الگوهای اقتصادی غربی را برای کشور تجویز می‌کنند. این الگوها که مبتنی بر آزادسازی اقتصادی، جهانی شدن، پذیرش نظامات اقتصادی موجود و تقسیم کار جهانی، وابستگی به کشورهای ثروتمند و تلاش برای جذب سرمایه‌های خارجی به قیمت سازش با جنایتکاران و سلطه‌گران می‌باشد، نه تنها اهداف نظام جمهوری اسلامی را برآورده نخواهد کرد، بلکه بدترین راه‌حل در چنین شرایطی می‌باشد. نظام جمهوری اسلامی با توجه به ویژگی‌های خاص خود در ابعاد مختلف از جمله بعد اقتصادی نیازمند الگوهای ویژه‌ای می‌باشد. این الگوها هم باید منطبق بر آرمان‌ها و عقاید اسلامی ما باشد و هم متناسب با ویژگی‌های بومی کشور طراحی شود. داشتن الگوی مناسب پیش شرط پیشرفت و توسعه همه‌جانبه است. بعضی از ویژگی‌های الگوی مناسب برای پیشرفت اقتصادی کشور عبارتند از:

- مشارکت فعال همه مردم به گونه‌ای که اقتصاد در دست عده‌ای محدود قرار نگیرد،
- با توجه به شرایط جنگ و تحریم، طراحی شده باشد،
- باعث افزایش توان نظام در عرصه‌ی سیاست خارجی و مقابله با سلطه‌گران شود،
- تضمین‌کننده‌ی پیشرفت کشور، توأمان با گسترش عدالت اجتماعی باشد،
- تضمین‌کننده‌ی شکوفا شدن مزیت‌های بالقوه‌ی کشور در عرصه‌های مختلف باشد،
- حافظ ثروت‌های ملی کشور از جمله منابع طبیعی و خدادادی باشد.

حرکت به سمت دستیابی به چنین الگویی باید از مدتها پیش شروع می‌شده است و از کارشناسان و متخصصان حوزه و دانشگاه انتظار می‌رود تحقیقات و پژوهش‌های خود را با رویکرد دستیابی به چنین الگویی انجام دهند؛ الگویی که رهبری از آن به عنوان «اقتصاد مقاومتی» یاد فرموده‌اند. یکی از مهمترین ابعاد الگوی اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی، با هدف افزایش توان رقابتی و صادرات محصول می‌باشد. این موضوع ضمن افزایش قدرت دفاعی و پدافندی نظام، باعث تسریع رشد و پیشرفت کشور و ایجاد اشتغال پایدار می‌شود. حمایت از تولید ملی در دو حوزه اولویت می‌یابد:

۱. صناعی که با نیازهای ضروری کشور ارتباط دارند از جمله صنایع غذایی، دارو و انرژی: همانطور که دشمنان در موضوع تحریم بنزین نشان دادند، از هیچ کاری برای ضربه زدن به نظام ما خودداری نخواهند کرد. لذا مسئولین باید برای تولید این گونه محصولات در داخل کشور یا تامین آنها از طریق شرکای مطمئن تجاری اقدام نمایند،

۲. صنایع پیشرفته یا Hi-tech: به اعتقاد بسیاری از کارشناسان برای جبران عقب ماندگی‌های بزرگ کشور، ایجاد اشتغال، تولید ثروت و صادرات محصول به دنیا تنها راه سوار شدن بر موج‌های جدید فناوری است، زیرا در این زمینه‌ها فاصله‌ی ما از دنیا کمتر است. از این رو لازم است مسئولین اقدامات مناسبی را برای حمایت از تولید ملی در این زمینه‌ها انجام دهند.

در پایان ذکر این نکته لازم است که تحریم‌ها نه تنها مانع رشد و پیشرفت کشور عزیزمان نیست، بلکه همانطور که در گذشته نیز نشان داده، باعث خودکفایی در نیازهای ضروری و همین‌طور اصلاح ساز و کارهای معیوب اقتصادی خواهد شد. اکنون که رهبر انقلاب حکم به جهاد در عرصه اقتصاد داده و خط مقدم را تولید ملی قرار داده است، لازم است تا مسئولین، کارشناسان و همه مردم تلاش خود را در این جهت معطوف نمایند و بار دیگر به دنیا نشان دهند که ملت ایران از آرمانی که برگزیده است کوتاه نخواهد آمد.

منابع

<http://www.iust.ac.ir>
<http://www.didban.ir>